سوره سینما

رئیس حوزه هنری در مراسم رونمایی از مستند «این رمز بی‌نهایت»:

دانشگاه‌ها و رسانه‌ها به گسترش و احیای زبان فارسی بپردازند

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری ، شماره ۳۰-۳۱ | مرداد و شهریور ۱۳۹۸

پایداری انقلاب در سایه هنر و سینما | خانواده، مفهوم فراموش شده سینما | سینماپاتوق و بازگشت حوزه هنری به روزهای خوب

در نشست هم اندیشی سینمای کودک و نوجوان مطرح شد:

حال بد، گریبان گیر سینمای کودک

مرتضی سرهنگی در مراسم رونمایی از مستند «مادر جبهه‌ها» عنوان کرد:

زنان، بهترین راویان و نویسندگان ادبیات جنگ

در نشست هم اندیشی «چالش های سینمای دفاع مقدس» مطرح شد:

سینمای دفاع مقدس تمام نمی شود

امین قدمی کارگردان مستند «روزگار یک چهل ساله» :

فساد پاشنه آشیل هر حکومتی است

موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند
با حضور خواننده های باب کشور
حامد همایون
رضا یزدانی
امیرعباس گلاب
رسید
ماموریت مهم غیرعلنی
کارگردان: یعقوب غفاری
تهیه کننده: محمود فلاح
علی اوجی، پژمان بازغی، پادینا رهنما، مهران رجبی، سارا خوبینی ها، نسرین نصرتی، یوسف صیادی، عسل قرایی، با حضور جمشید هاشم پور و محمد رضا شریفی نیا

خاطرات جنگ ثروت ملی است

خاطرات جنگ باید با شیوه‌های هنری بیان و نوشته شود. خاطرات جنگ ثروت ملی است و متعلق به آن شخص خاطره گو و راوی نیست، مال همه است. باید بگویند و بنویسند به همان گونه که اتفاق افتاده است.همان را باید بگویند، باید زنده کنند، باید برای بهتر بیان کردن آن، شیوه‌های هنری را استخدام کنندخاطرات جنگ باید با شیوه‌های هنری بیان و نوشته شود. خاطرات جنگ ثروت ملی است و متعلق به آن شخص خاطره گو و راوی نیست، مال همه است. باید بگویند و بنویسند به همان گونه که اتفاق افتاده است.همان را باید بگویند، باید زنده کنند، باید برای بهتر بیان کردن آن، شیوه‌های هنری را استخدام کنند.

بیانات مقام معظم رهبری در مراسم شب خاطره دفاع مقدس ۱۳۹۶/۳/۳

روابط عمومی و امور محافل
سازمان سینمایی حوزه‌هنری

تصویر فیلم «آخرین شناسایی» اثر علی شاه‌حاتمی| ۱۳۷۲

بسم الله الرحمن الرحیم

سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره سی و سی و یک. مرداد و شهریور ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیرمسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرش رمضانیان

تحریریه: فاطمه پزشکی. مریم اکبرلو.
مرضیه فرزعلیان. امید عشریه.
غفور پورغفور. محمدرسول ظهیری

صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکس: بهادر زارع. محمدرسول ظهیری

با سپاس از: حامد نیکومرام. محمدعلی حیدری.
نرگس ساجد

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
instagram.com/sourehcinema

کانال تلگرام روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری
@sourehcinema_com

«کانال تلگرام «سوره سینما
@sourehcinema

تلفن: ۸۸۸۰۹۵۰۷-۸۸۹۱۸۱۲۸
آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

رویدادها ۴

گزارش ۱۴
رونمایی از «این رمز بی نهایت»
نگاهی به سینمای کودک و نوجوان

دیدگاه ۳۲
نگاهی تولیدات عاشورایی سینما

گزارش ۴۴
سلسله نشست های «فیلمنامه فیلم»
نگاهی به سینمای دفاع مقدس

پرونده ۶۹
مستند روزگار یک چهل ساله

سخن نخست

ضرورت پرورش سینماگر جوان و متعهد

سینمای ما با پیروزی انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب اگرچه نه در سطح وسیع ساختاری و دیدگاهی ولی دچار تحول گردید. این سینما در دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی همسو با نگرش ها و ادبیات جنگ به نوعی پوست اندازی کرد و بستری فراهم شد تا نسل جدیدی از سینماگران و فعالان فرهنگی و سینمایی شکل بگیرد. ژانر سینمای دفاع مقدس با این نسل پر و بال گرفت و به قدری رشد کرد که ویژگی‌های آن بر فضای کلی سینما و مسیر حرکت آن تاثیر گذاشت. نسلی از فیلمسازان قدرتمند در این عرصه شکل گرفت که تا امروز شاکله اصلی جریان سینمای ایران را تشکیل می‌دهند. ابراهیم حاتمی کیا، رسول ملاقلی پور، احمدرضا درویش، کمال تبریزی، مجتبی راعی، حسن برزیده، عزیزالله حمیدنژاد، محمدعلی باشه آهنگر، جمال شورجه، عبدالله باکیده و دهها سینماگر دیگر که در طول دو دهه پس جنگ بار مسئولیت تولید محتوا و فیلم این عرصه بر دوش آن‌ها بوده و شاخص‌ترین آثار دفاع مقدس متعلق به همین نسل است.

متاسفانه، بسیاری از سینماگران این نسل اکنون از این ژانر دور شده‌اند و یکی از مسائل مشهود در سینمای دفاع مقدس، قهر سینماگران شاخص این حوزه با فیلمسازی جنگ است. کارگردانانی که هویت و شناسنامه‌شان با سینمای جنگ گره خورده بود و بهترین فیلم‌های کارنامه‌شان را در این حوزه ساخته‌اند سال‌هاست ترجیح می‌دهند در ژانرهای دیگر فیلم بسازند که دلائل گوناگونی دارد. آثاری چون «پرواز در شب»، «دیده‌بان»، «مهاجر» و «هور در آتش» در دهه ۶۰ و فیلم‌های برجسته‌ای مانند «سفربه چذابه»، «نجات یافتگان»، «از کرخه تا راین»، «برج مینو»، «لیلی با من است»، «کیمیا»، «سرزمین خورشید»، «هیوا» و «آژانس شیشه‌ای» در دهه ۷۰ و در اوائل دهه ۸۰ هم نمونه‌هایی چون «مزرعه پدری» و «دوئل» تولید شده‌اند ولی این روند بعد از آن رو به افول گذاشت تا جایی که در سال‌های بعدتر کمتر شاهد اثری مثال زدنی هستیم. اگرچه بسیاری از کارشناسان بر این باورند عدم توجه متولیان فرهنگی به این حوزه و نیز، سیاست گذاری‌های غلط در دولت‌های مختلف در عرصه‌های فرهنگ و هنر باعث شده تا نه تنها شاهد بالندگی جریان سینمای دفاع مقدس و در مفهوم کلان‌تر «مقاومت» نباشیم بلکه حتی، نسل قبلی سینماگران این عرصه هم جذب دیگر گونه‌های سینمایی شوند.

دیدگاه‌های هم وجود دارد که ورود نسل تازه ممکن نیست چرا که نسل قبلی خود، برآمده از متن دفاع مقدس بوده‌اند و بهترین فیلم‌های دفاع‌مقدس را سینماگرانی ساخته‌اند که خود تجربه حضور در جبهه‌ها را داشته‌اند، اما با گذشت بیش از چند دهه از پایان جنگ، تا چه زمانی می‌توان دلخوش به فعالیت این سینماگران ماند؟ آیا ساخت فیلم جنگی باید تنها در انحصار آدم‌های جنگ باقی بماند؟

این دیدگاه به چند دلیل اشتباه است. نخست اینکه هم اکنون شاهد غیبت همان نسل تجربه جنگ دیده هم هستیم. دیگر اینکه جنگ بعد از دوران دفاع مقدس به پایان نرسیده و در سنگرها و شکل‌های جدیدش استمرار یافته است. همچنین، با راهبرد انقلاب اسلامی و نگاه ضدسلطه و «مقاومت محور» امروز در تار و پود جامعه ما، منطقه پیرامونی و جهان اسلام لمس می‌شود. یعنی ما هم اینک با نسل‌های جوانی سروکار داریم که گویی در متن لابیرنت پیچیده و پرچالش جنگ‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حضور دارند و آن را زندگی و تجربه می‌کنند. هنوز هم کوچه‌ها و خیابان شهرهای ما عطر شهیدان را با خودش دارد. هنوز، هم پیوسته قدرت‌های استکباری روزی نیست که بر طبل جنگ ندمند و هیاهو بر پا نکنند و در گوشه‌ای از منطقه علیه انقلاب اسلامی جوسازی نکنند.

در این میان، اما، حوزه فرهنگ و سینمای ما چندان با این موضوع هم راستا نشده است. اینجاست که نیازمند ترسیم استراتژی دقیق‌تری هستیم تا ضمن شناسایی غفلت‌ها و موانع به بازشناسی و کشف استعدادها اقدام نماید. استراتژی که مفهوم مقاومت و سینمای مقاومت را در بی‌نظمی نوین جهان معنا و تعریف کند. نیازمند شکافتن سقف و در انداختن طرح‌های نوهستیم.

«دایان» و «ذبح» در جشنواره «دهوک» عراق

فیلم سینمایی «دایان» به کارگردانی بهروز نورانی‌پور و فیلم کوتاه «ذبح» ساخته مشترک آکو زندکریمی و سامان حسین‌پور در بخش رقابتی هفتمین جشنواره بین‌المللی «دهوک» عراق به نمایش درآمد.

فیلم سینمایی «دایان» به کارگردانی بهروز نورانی‌پور محصول سازمان سینمایی حوزه هنری که به موضوع ترس و وحشت اقدامات گروه تروریستی داعش در کردستان می‌پردازد، در بخش رقابتی هفتمین جشنواره بین‌المللی «دهوک» اقلیم کردستان کشور عراق به نمایش درآمد.

داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند که برای گذران یک زمستان سخت مجبور می‌شوند گاو خود را بفروشند و آن را ذبح کنند، اما پسر خانواده از این قضیه ناراحت است و گاو را فراری می‌دهد. فیلم کوتاه «ذبح» تولید حوزه هنری کردستان و انجمن سینمای جوانان سنندج است.

«سرو زیر آب» و «دایان» در جشنواره بلغارستان

دو فیلم سینمایی «سرو زیر آب» و «دایان» از محصولات سازمان سینمایی حوزه هنری در جشنواره بین‌المللی فیلم «لاو ایز فولی» بلغارستان حضور داشتند.

دو فیلم سینمایی «سرو زیر آب» ساخته محمدعلی باشه آهنگر و «دایان» ساخته بهروز نورانی پور در بیست و هفتمین دوره جشنواره «لاو ایز فولی» شرکت داشتند.

«سرو زیر آب» در مورد شهداء گمنام و اتفاقاتی است که در معراج شهداء و نبرد لوله اهواز افتاده است.

«دایان» روایت اسارت قریب به چهار هزار پناهجوی زنی ست که در جریان جنگ با گروهک داعش هرگز نتوانستند به خانواده‌هایشان در آن سوی مرزها ملحق شوند و در این راه بسیاری از این خانواده‌ها در دل بحران مجبور به انتخاب و تصمیم شدند.

گفتنی است، جشنواره «لاو ایز فولی» در شهر وارنای کشور بلغارستان از اول شهریور الی دهم شهریور برگزار شد.

«آقای گوزن» در جشنواره «انیماریو» اسپانیا

انیمیشن «آقای گوزن» به کارگردانی مجتبی موسوی محصول مشترک سازمان سینمایی حوزه هنری در جشنواره بین‌المللی فیلم «انیماریو» اسپانیا حضور دارد.

در پی حضورها و نمایش‌های موفق انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» به کارگردانی سید مجتبی موسوی در سطح بین‌المللی، این بار این انیمیشن کوتاه در بخش رقابتی جشنواره «انیماریو» حضور دارد.

جشنواره «انیماریو» از ۴ الی ۷ مهر ماه سال جاری در شهر مادرید کشور اسپانیا برگزار می‌شود.

در دو ماه گذشته میلادی این فیلم در چندین جشنواره بین‌المللی از جمله جشنواره‌های: کارتون سئول در کشور کره جنوبی، فیلم کوتاه کوتاه در کشور ژاپن، مدیاویو کشور آمریکا، انیما کوم کشور اسپانیا، آن آربور آمریکا، Animocje کشور لهستان، درسدن کشور آلمان، گلاس آمریکا، ریورساید آمریکا به نمایش در آمده و موفق به کسب جایزه بهترین فیلم کوتاه انیمیشن از جشنواره «اسکپتوی» ایتالیا نیز شد.

«ذبح» در جشنواره «کراسین اسکرین» انگلستان

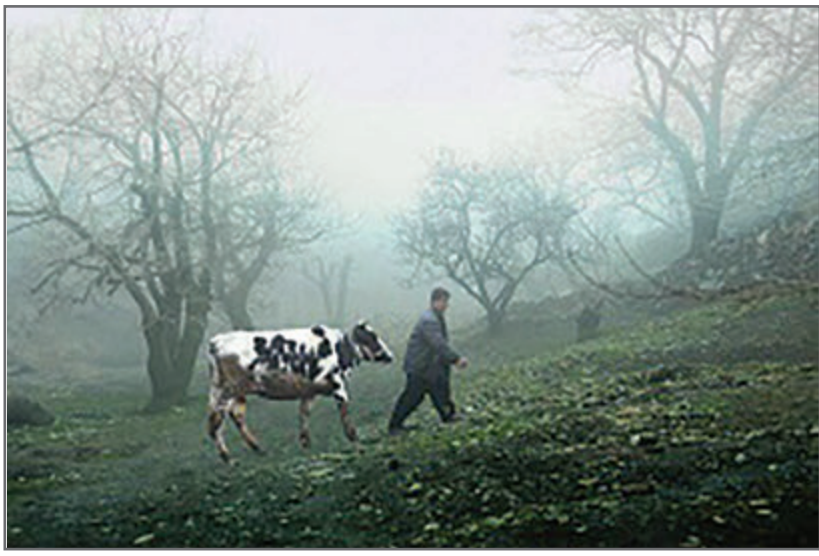

فیلم کوتاه «ذبـح» از تولیدات حوزه هنری کردسـتان به چهارمین جشنواره جهانی فیلم کراسین اسکرین انگلستان راه یافت.

«ذبح» سـاخته مشـترک آکو زندکریمی و سـامان حسـین‌پور به تهیه‌کنندگی حوزه هنری کردستان و انجمن سینمای جوانان سنندج به عنوان نماینده ایران در این رویداد حضور داشت.

این فیلم کوتاه سیزده دقیقه‌ای داستان خانواده‌ای است که برای گذران یک زمستان سخت مجبور می‌شوند که گاو خود را بفروشند، اما پسر خانواده از این قضیه ناراحت است و گاو را فراری می‌دهد.

چهارمین جشنواره جهانی فیلم «کراسین اسکرین» انگلستان از ۱۹ تا ۲۲ سپتامبر برگزار شد.

جایزه جشنواره فیلم پرتغال برای مستند «آشنگ»

مسـتند «آشـنگ» از تولیدات واحـد هنرهای تصویری حوزه هنری اسـتان کرمـان، تندیس و جایزه هیئت داوران جشـنواره فیلم FRAPA پرتغال را به‌دست آورد.

مستند «آشنگ» به کارگردانی محمدصادق اسماعیلی از تولیدات واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان کرمان جایزه دو هزار و پانصـد دلاری و تندیس هیئت داوران در بخش تحقیق و پژوهش را در جشـنواره فیلم FRAPA پرتغال کسب کرد.

این مسـتند علاوه بر این جایزه، موفق بـه گرفتن بورس تحصیلی رایگان در رشته سینمای این جشنواره نیز شد.

جلال ویسی با «تنبیه» به آلمان رفت

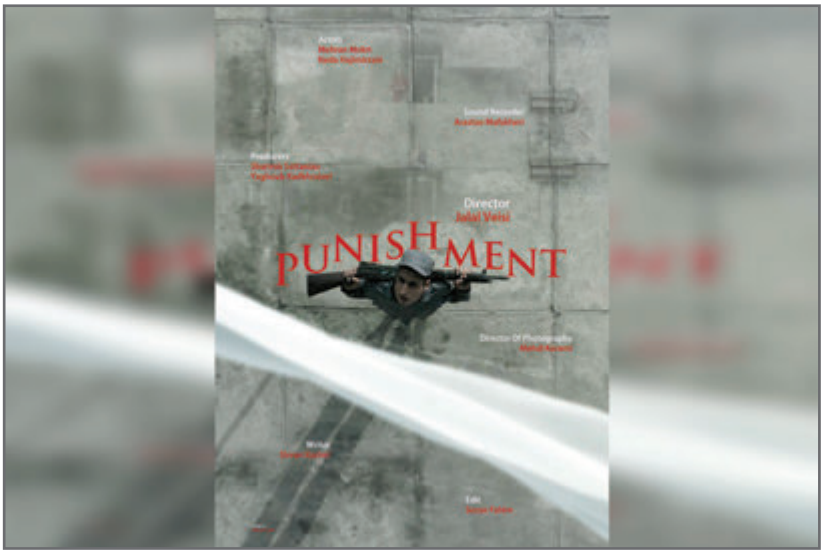

تولید مشترک حوزه هنری کردسـتان و انجمن سینمای جوانان سـنندج به بخش رقابتی جشنواره بین‌المللی فیلم open Air Filmfest Weiterstadt آلمـان راه یافت.

فیلم کوتاه «تنبیه» اثر جلال ویسـی کارگردان جوان سنندجی، در اولین حضور خود در جشنواره‌های داخلی و خارجی به بخش پایانی و رقابتی چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه open Air Filmfest Weiterstadt که در آلمان برگزار شد راه پیدا کرد.

این فیلم ۱۱ دقیقه ای بـدون دیالوگ، با بازیگـری مهران مُکاری، فیلمی ضدجنگ بوده و استفاده نادرست از قدرت را به عنوان زمینه‌ای برای از بین بردن آرمان‌های انسانی به تصویر درآورده است.

این جشنواره از ۱۷ تا ۲۱ مرداد در فرانکفورت آلمان برگزار شد.

کارگاه مستند سازی در گرگان

واحد هنرهای تصویری حوزه هنری گلستان، کارگاه دو روزه «فیلم‌سازی مستند» را با حضور مهرداد اسکویی در تاریخ ۲۶ و ۲۷ مردادماه برگزار کرد.
در پایان این کارگاه آموزشی، گواهینامه به شرکت کنندگان اعطا شد.
گفتنی است، این کارگاه به همت واحد هنرهای تصویری حوزه هنری گلستان و با همکاری انجمن سینمای جوان استان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان، در گرگان برگزار شد.

رکورد سینما «بهمن» بیرجند

سینما «بهمن» بیرجند متعلق به موسسه «بهمن سبز» حوزه هنری در سه ماه اول امسال ۲۰۵۸۵ تماشاگر داشته و به فروش ۱۲۹ میلیون و ۵۷۶ هزار تومانی دست یافته است.
سینماهای خراسان جنوبی در سه ماه اول سال، ۱۶۲ میلیون و ۸۹۰ هزار تومان فروش داشته اند و فروش سینما «بهمن» از دیگر سینماها بیشتر بوده است.
سهم سینما «بهمن» از فروش سینماهای استان ۸۰ درصد و از مخاطب ۷۶ درصد بوده است.

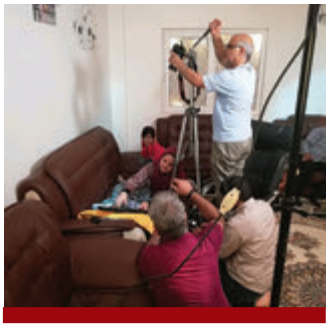

چند پلان ساده در آبادان

به همت واحد هنرهای تصویری حوزه هنری آبادان، فیلم کوتاه «چند پلان ساده» به نویسندگی مسعود رمضانی و کارگردانی محمود پوربچاری تولید شد.
این فیلم که زمان تقریبی آن ۵ دقیقه است، بعد از دو جلسه تصویربرداری روی میز تدوین قرار گرفت.
در خلاصه داستان فیلم آمده است: از بهترین خواب‌هایی که داشتم اونایی بوده که خسته دراز کشیده بودم و مادرم چادرش رو می‌کشید روم تا بخوابم و از عطر چادرش مست می‌شدم.

تولید «همراز» در قزوین

با حمایت حوزه هنری قزوین، ساخت یک فیلم داستانی به نویسندگی و کارگردانی محمد زارعی آغاز شد.
فیلم کوتاه داستانی «همراز» با موضوع اجتماعی روایتگر خانواده‌ای است که با اتکا به باورهای دینی بر مشکلات و فراز و فرودهای زندگی غلبه می‌کنند و در این مسیر تجربه‌های تازه‌ای نیز کسب می‌کنند.
گفتنی است، «همراز» با حمایت حوزه هنری قزوین و سازمان صداوسیمای مرکز قزوین در حال تولید است.

تولیدات حوزه هنری خراسان شمالی در صدر جشنواره «روستا و عشایر»

تولیدات حوزه هنری استان خراسان شمالی در صدر جشنواره ملی فیلم کوتاه «روستا و عشایر» به میزبانی بجنورد قرار گرفت.
بر اساس رای هیئت داوران در بخش انیمیشن اثر «سوم شخص» به کارگردانی احسان توکلی رتبه نخست را از آن خود کرد.
حوزه هنری با ۵ اثر در بخش‌های مستند، داستانی، صد ثانیه و انیمیشن حضور پیدا کرد که با ۲ اثر «سوم شخص» و «آبی نیست» با محور کمبود آب در روستاها، توانست در آیین پایانی این دوره از جشنواره خوش بدرخشد.
تولید فیلم‌های کوتاه «۱۸۳» با مشارکت دانشگاه علوم پزشکی به کارگردانی زهرا براتی و «در چوبی» به کارگردانی ناصر فکور و ۲ نماهنگ «ایران من» با صدای هنرمند مطرح موسیقی مقامی محسن محمدی که در مرحله پیش تولید قرار دارد و یک فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای، از دیگر اقدامات ۶ ماهه نخست حوزه هنری استان است.

بیژن میرباقری در ارومیه

به همت واحد هنرهای تصویری حوزه هنری آذربایجان غربی، کارگاه آموزش کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی «فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای» با حضور بیژن میرباقری ۱۳مردادماه در ارومیه برگزار شد.
در این کارگاه یک روزه که در دو نوبت صبح و عصر با دو موضوع «انتخاب مضامین فیلم و کارگردانی» برگزار شد، انتخاب سوژه زمان سوژه، بازخوانی مضامین، نوشتن فنی فیلمنامه، طرح یا پلات فیلم، از موضوع‌هایی بودند که مورد بررسی و تدریس قرار گرفتند.

«عاشیق محمدحسین دهقان»

تولید فیلم مستند «عاشیق محمدحسین دهقان» به کارگردانی یعقوب اکبریان در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری آذربایجان غربی به پایان رسید.
این مستند ۴۵ دقیقه‌ای به قسمتی از دوران کودکی دهقان، نقش خانواده و محیط پیرامون در شکل گیری شخصیت هنری هنرمند، خاطرات شاگردان عاشیق دهقان، افتخارات و فعالیت‌های این هنرمند شاخص استان با بیش از ۷۰ سال فعالیت هنری و تاثیر محمدحسین دهقان در رشد و توسعه هنر موسیقی عاشیقی «مکتب ارومیه» در نیم قرن گذشته پرداخته شده است.

«استیج» در سانفرانسیسکو

فیلم کوتاه «استیج» از تولیدات حوزه هنری استان اردبیل به جشنواره فیلم‌های ایرانی سانفرانسیسکو راه یافت.
فیلم «استیج» به کارگردانی و نویسندگی فیاض بهرام و تهیه کنندگی حوزه هنری استان اردبیل موفق به راهیابی به دوازدهمین جشنواره فیلم‌های ایرانی سانفرانسیسکو شد.
گفتنی است، این فیلم با موضوع کودکان جنگ‌زده در کشورهایی نظیر سوریه تولید شده است و روزهای ۶ و ۷ مهرماه ۱۳۹۸ در محل برگزاری جشنواره به نمایش درمی‌آید.

رونمایی «وصال» در خراسان

مستند «وصال» به کارگردانی علی سبحانی از تولیدات حوزه هنری خراسان جنوبی در مراسم تجلیل از آزادگان رونمایی شد.
«وصال» در مراسم تجلیل از آزادگان ۲۶ مردادماه در محل سالن ایثار بیرجند با حضور نماینده ولی فقیه در استان خراسان جنوبی، معاون سیاسی امنیتی استاندار خراسان جنوبی، فرماندار بیرجند، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خراسان جنوبی و جمعی از مسئولین استانی رونمایی شد.
این مستند در مورد علی احمدی، آزاده عملیات خیبر است که قصد دارد به همراه دوست عراقی دوران اسارتش، به یاد خاطرات خاطرات اسارت به اردوگاه موصل بروند.

برگزاری کارگاه‌های «رویازی» در حوزه هنری

دوره‌های آموزشی «رویازی ۲» در هفته دوم مهر ماه با حضور چهار استاد خارجی و چهار استاد داخلی برگزار شد.

طبق اعلام شـــورای اجرایی رویداد «رویازی»، دوره‌های آموزشـــی تخصصی عنوان شده در بسته‌های حمایتی این رویداد همانند سال گذشته با حضور اساتید داخلی و خارجی به همت مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری از ۷ الی ۱۰ مهر ماه برگزار شد و تمامی شرکت کنندگان رویازی که تا پایان مهلت تعیین شده ثبت نام خود را در سایت رویازی کامل کرده بودند، برای حضور در کارگاه‌ها دعوت شدند.

نخستین روز برگزاری این کارگاه‌ها با حضور اساتید داخلی و خارجی و ثبت نام کنندگان در رویازی روز یکشنبه ۷ مهرماه برگزار شد. در این روز ســـر فصل‌های تجاری سازی انیمیشن، مالکیت معنوی و بلاک چین، مرتب سازی و چیدمان موضوع‌های ارائه در پیچینگ، و اصول و مبانی مذاکره به ترتیب توسط «دکتر محمدمهدی ایزدخواه»، «دکتر محسن اکبری و دکتر عباس ایمانی» از کشورمان و «دیمیتری یاکونین» و «النا چیستیاکوا» از روسیه، تدریس شد. در روز دوم کارگاه‌ها، چهار استاد روس، سرفصل‌های آموزشی خود را تدریس کردند. «الکساندر میرگورودسکی» تجزیه و تحلیل اقتصادی تولید انیمیشن را بررسی کرد، «النا چیستیاکوا» در رابطه با اصول و مبانی مذاکره صحبت داشـــت، «سُـــوِتلنا بوخارائوا» موضوع کپی رایت و مالکیت معنوی و دیدگاه حقوقی توزیع تولیدات رسانه‌ای را در دو بخش مورد بررسی قرار داد و «دیمیتری یاکونین» نیز در دومین روز ارائه خود، درخصـــوص اصول و مبانی روایت گری طرح صحبت کرد.

در روز سه شنبه ۹ مهرماه، که روز سوم و پایانی این کارگاه‌ها بود؛ «الکساندر میرگورودسکی»، «دیمیتری یاکونین»، «مریم نقیبی» و «محمدمهدی ایزدخواه» به ترتیب سرفصل‌های تحلیل هزینه‌های تولید انیمیشن، الزامات مرتبط با طراحی دمو، پوستر و کاتالوگ، توزیع بین‌الملل رسانه و تحقیقات بازاریابی پیش و پس از تولید را به شـــرکت کنندگان در رویازی ۲ آموزش دادند.

تماشاخانه مهر حوزه هنری میزبان کارگاه‌های آموزشی «رویازی ۲» بود.

پردیس بهمن سنندج گزینه خوبی برای اکران فیلم‌های کودک

جلال قلعه شاخانی گفت: اســـتقبال بچه‌ها در قیاس با میزان جمعیت کودکان و نوجوانان در استان کردستان خوب است و می‌توان برای بهبود وضعیت از سیاست‌های تشویقی بهره برد.

مدیرکل ارشاد استان کردستان، درباره الویت‌های استان کردستان در حوزه سینمای کودک گفت: یکی از اولویت‌های ما در این استان، توسعه فیلم‌های کودک است. همان طور که می‌بینیم کارگردانی چون بهروز غریب‌پور که زاده سنندج است در این حوزه مشغول به کار هستند و دغدغه این بخش را دارند. سینمای کودک نیز متقابلا برای استان ما اهمیت دارد و به آن پرداخته می‌شود.

وی با اشاره استقبال کودکان و نوجوانان کردستانی از اکران فیلم‌ها در این استان اظهار داشت: استقبال بچه‌ها در قیاس با میزان جمعیت کودکان و نوجوانان در این استان خوب است و به نظرم می‌توان برای بهبود وضعیت از سیاست‌های تشویقی بهره برد. برای مثال حبیب احمدزاده در زمان سیلی که گریبانگیر استان شـــده بود، فیلم‌ها را برای کودکان در استان‌های محروم اکران می‌کرد، هنوز هم فیلم‌هایی را در مسجدها اکران می‌کند.

وی در پایان راجع به سینمای نمایش دهنده فیلم‌ها در استان کردستان گفت: ما پردیس سینمایی بهمن سنندج را انتخاب کردیم چون برای نمایش فیلم‌ها باید سینمایی استانداردی در اختیار داشته باشیم تا بتوانیم به صورت هفتگی فیلم‌های کودک را نمایش دهیم، این پردیس سه سالن مجزا دارد و امکان مدیریت را برای ما فراهم می‌آورد و گزینه خوبی برای اکران فیلم‌های کودک است.

جزئیات طرح «سینما با ما»

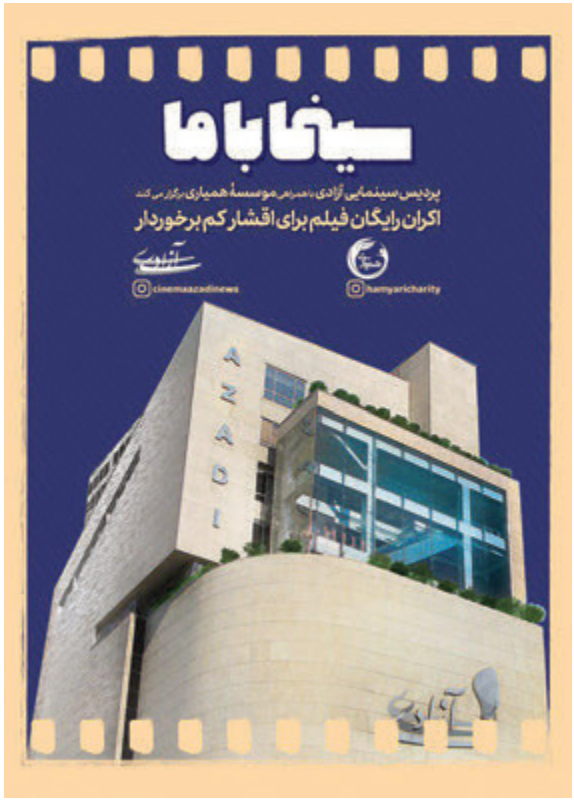

طرح ویژه «سینما با ما» با هدف حمایت فرهنگی از اقشار کم‌برخوردار جامعه توسط پردیس سینمایی آزادی و همراهی موسسه خیریه همیاری اجرایی و طی آن با همراهی موسســه‌های معتبر و مجوزدار اکران‌های رایگان برگزار می‌شود.

نخستین برنامه این طرح، روز چهارشــنبه ۲ مردادماه با همکاری موسسه خیریه همیاری و موسسه خیریه ایلیا در پردیس آزادی برگزار شد و جمعی از کودکان و نوجوانان خیریهٔ ایلیا مهمان پردیس سینمایی آزادی بودند.

این طرح از آنجا اجرایی می‌شود که پردیس سینمایی آزادی در دور جدید مدیریت و فعالیت‌های خود قصد دارد در فعالیت‌های فرهنگــی، اجتماعی و هنری به نفع همه اقشار جامعه مشارکت داشته باشد و ایده «سینما با ما» معطوف به سوق دادن سینما به سمت فعالیت‌های فرهنگی با مشارکت حداکثری مردم است.

در این طرح فیلم‌ها به گونه‌ای انتخاب می‌شود که علاوه بر پر کردن اوقات فراغت، سرگرم کننده و حامل پیام مثبتی برای مخاطبان باشد.

اولین گام اجرای طرح «سینما با ما» شناســایی و همکاری با خیریه‌های معتبر و سرشناسی که افرادی را تحت پوشش خود دارند، است. در گام بعدی افراد از طریق خیریه‌ها به سینما معرفی می‌شوند و در روز و ساعت مشخص برای تماشای فیلم‌ها به صورت رایگان به سینما می‌آیند.

«ســینما با ما» در روزهای شنبه، یک‌شنبه و دوشــنبه هر هفته به صورت متغیر صبح‌ها یک سئانس خود را به قشر کم‌برخوردار تحت پوشش خیریه‌ها اختصاص می‌دهد و در صورت استقبال از این طرح تعداد سئانس‌های نمایش فیلم افزایش پیدا می‌کند.

«روبر برسون» در حوزه هنری بوشهر

نشست نقد و بررسی کانون فیلم حوزه هنری بوشهر، با مبحث «سینمای دغدغه، فیلم معناگرا» و نمایش فیلم «محکومی به مرگ گریخت» اثر «روبر برسون» برگزار شد.

مژده غضنفری، منتقد این نشست به تحلیل و بررسی سینمای دغدغه و فیلم معناگرا پرداخت و برســون را یکی از بزرگان سینمای معناگر خواند.

وی همچنیــن، فیلم «محکومــی به مرگ گریخــت» را از مهم‌ترین آثار این کارگردان دانست. این فیلم به جشنواره فیلم کن سال ۱۹۵۷ راه یافت و در کتاب ۱۰۰۱ فیلمی که باید قبل از مردن ببینید، هم گنجانده شده است.

تحلیل فیلم «درساژ» در حوزه هنری یزد

نودوپنجمین نشست باشگاه فیلم حوزه هنری یزد به اکران و تحلیل فیلم «درســاژ» نخستین فیلم بلند پویا بادکوبه در مقــام کارگردان اختصاص داشت.

در این نشست، فهیمه سهیلی‌راد کارشناس سینما به تحلیل و بررسی این اثر که محصول ســال ۱۳۹۶ کشورمان است پرداخت. همچنین هنرمندان و اهالی ســینما هم نظرات و دیدگاه‌های خود را درباره فیلم بیان کردند.

حمزه‌زاده:

نمایشگاه بیروت مقدمه‌ای بر بهره‌مندی از ظرفیت برون مرزی

رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری در نمایشگاه «ما رأیت الا جمیلا» که با موضوع حماسه عاشورا برپا شد گفت: ظرفیت‌های بسیار خوبی در فضای بین‌المللی و برون مرزی برای ارائه محصولات و تولیدات هنری وجود دارد که مورد غفلت قرار گرفته است، با برنامه‌ریزی مدون باید این ظرفیت‌ها مورد توجه قرار گیرد.

نمایشگاه «ما رأیت الا جمیلا» با موضوع حماسه عاشورا با حضور تعدادی از هنرمندان و مسئولین حوزه هنری به دعوت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شهر بیروت برگزار شد.

در این نمایشگاه مهدی حاجی‌محمدی فریمانی و صابر شیخ رضایی از هنرمندان تجسمی حوزه هنری آثار و تولیدات خود را ارائه دادند، همچنین ۲۴ عکس و ۱۲۰ اثر پوستر از جشنواره سوگواره عاشورایی نیز در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت.

محمد حمزه‌زاده در حاشیه این نمایشگاه درباره ظرفیت‌های برون‌مرزی و ارائه آثار و تولیدات حوزه هنری گفت: حوزه هنری یک سازمان تولیدکننده محصولات و آثار هنری در رشته‌های گوناگون است. متاسفانه طی چند دهه چه حوزه هنری و چه در سازمان‌ها و مراکز مشابه، از ظرفیت‌های برون مرزی غفلت کرده‌ایم در حالی که هنر انقلاب اسلامی در کشورهایی مانند لبنان مخاطبین بسیار زیادی دارد که می‌تواند شرایط بسیار مطلوبی را هم به جهت جریان‌سازی فرهنگی و هم به جهت اقتصادی رقم بزند.

درخشش حوزه هنری درجشنواره«تولیدات صداوسیما»

فیلم داستانی «تمام مریم‌ها» و فیلم کوتاه «نهست» به ترتیب جایزه بهترین فیلم داستانی و دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه بخش اصلی بیست‌ودومین جشنواره تولیدات صداوسیمای مراکز استان‌ها را دریافت کردند.

فیلم داستانی «تمام مریم‌ها» به نویسندگی و کارگردانی محمد اسکندرزاده و تولید مشترک حوزه هنری سمنان و صداوسیمای استان است. این فیلم بر اساس داستان تمام مریم‌ها از کتاب «از سرفه، از سکوت» نوشته مهدی زارع است که در سال ۹۳ از سوی حوزه هنری استان سمنان توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است.

همچنین فیلم کوتاه «نهست» به نویسندگی و کارگردانی زانیار لطفی دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه بخش اصلی این جشنواره را کسب کرد. این فیلم با حمایت حوزه هنری استان کردستان و صداوسیمای مرکز کردستان ساخته شده است.

بیست‌ودومین جشنواره تولیدات صداوسیمای مراکز استان‌ها از ۲۵ تا ۲۷ مردادماه ۹۸ در بجنورد برگزار شد.

رهبر قنبری در کارگاه فیلم کوتاه قزوین

کارگاه یک‌روزه فیلم کوتاه از «ایده تا کارگردانی» با حضور رهبر قنبری در حوزه هنری قزوین برگزار شد.

در این کارگاه رهبر قنبری گفت: آموزش سینما تا حدودی امری ذوقی است، ولی باید به لحاظ تکنیکی از تجارب استادان و تئوری‌های فیلم‌سازان بزرگ سینما و تجارب عملی و نظری شخصی بهره‌مند شد و فیلم‌سازی را به امری سریع مبدل کرد.

وی افزود: در یک دوره کامل آموزش «از ایده تا کارگردانی» آشنایی کامل با مجموعه مواردی چون: ایده و پرداخت آن برای رسیدن به فیلم‌نامه منسجم کوتاه و سینمایی لازم و ضروری است.

قنبری یادآور شد: اگر ذوق درونی با تلاش عملی همراه شود و کارآموز بتواند ضمن آشنایی مفاهیم سینمایی، کارکردهای لوازم فنی کار را به‌خوبی بشناسد، آن‌وقت می‌توان انتظار نتایج قابل قبول را داشت.

گفتنی است، این کارگاه برای آشنایی مربیان دوره پیش‌دبستانی با مبانی ایده‌پردازی، فیلم‌نامه‌نویسی، اصول اولیه کارگردانی، تدوین و آماده‌سازی برگزار شد.

سیدمصطفی حسینی مدیرعامل «بهمن سبز» شد

با مصوبه هیات مدیره موسسه «بهمن سبز» حوزه هنری سیدمصطفی حسینی به سمت مدیرعامل این موسسه انتخاب شد.

با پایان دو دوره سه ساله ماموریت محمود کاظمی در موسسه بهمن سبز؛ با مصوبه هیات مدیره موسسه بهمن سبز سیدمصطفی حسینی به سمت مدیرعامل این موسسه انتخاب شد.

حسینی پیش از این مدیرامور سینمایی حوزه هنری اصفهان بوده که مدیریت تعدادی از سینماهای موفق و پررونق حوزه هنری را برعهده داشت. وی که متولد ۱۳۵۳ و دارای مدرک کارشناسی تبلیغات و بازاریابی است از ۱۳۷۱ در حوزه هنری مشغول به کار بوده و توسعه سالن‌های سینمایی اصفهان با هماهنگی‌ها و پیگیری‌های وی محقق شد. در دوران مدیریت حسینی پردیس‌های سینمایی «ساحل» و «چهارباغ» اصفهان ساخته شد و سینماهای «فرهنگ» میمه، «فلسطین» اصفهان، «بهمن» خوراسگان، «یاسمن» شاهین شهر، «بهار» گز و «بهمن» شهرکرد بازسازی شده‌اند.

موسسه «بهمن سبز» زیر مجموعه حوزه هنری در بخش توزیع، اکران و سینمانداری فعالیت می‌کند و صاحب ۱۱۱ سالن در سراسر ایران است.

«جوکر» در جشنواره «موج کیش»

فیلم مستند «جوکر» از تولیدات حوزه هنری استان کهگیلویه و بویراحمد به جشنواره سراسری «موج کیش» راه یافت.

«جوکر» به نویسندگی و کارگردانی سجاد ایمانی با موضوع آسیب‌های اجتماعی و بیکاری تولید شده است و زندگی چند جوان شهرستانی که قصد مهاجرت به اروپا را دارند روایت می‌کند.

جشنواره سراسری «موج کیش» از ۴ الی ۷ شهریور ۹۸ در دو بخش فیلم داستانی و مستند در جزیره کیش برگزار شد.

کارگاه «سینمای اقتباسی» در قزوین

به همت واحد آموزش و پژوهش حوزه هنری قزوین، نخستین کارگاه آموزشی «سینمای اقتباسی و ارتباط سینما با هنرهای دیگر» با حضور حسن لطفی فیلم‌ساز و مدرس سینما برگزار می‌شود.

حسن لطفی مدرس کارگاه گفت: در این کارگاه‌ها رابطه موسیقی، ادبیات، نقاشی، معماری، صدا و ... با سینما مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین در این دوره تلاش خواهد شد، علاوه بر بررسی نقش و تاثیر صدا (دوبله)، آثار شاخص سینمای ایران و جهان پخش، تحلیل و بررسی شود.

لطفی دعوت از استادان، صاحب‌نظران و پیش‌کسوتان برای حضور در جمع فیلم‌سازان جوان و ایجاد بستر گفت‌وگو برای انتقال تجربه‌ها و آگاهی‌ها را از دیگر برنامه‌های این کارگاه‌ها برشمرد.

انتصاب در «باشگاه فیلم سوره»

محمدجواد موحد، طی حکمی از سوی محمدرضا شفاه به عنوان قائم مقام «باشگاه فیلم سوره» منصوب شد.

در آستانه شروع ششمین سال فعالیت باشگاه فیلم سوره، محمدجواد موحد، طی حکمی از سوی محمدرضا شفاه مدیرعامل «باشگاه فیلم سوره» به عنوان قائم مقام این موسسه سینمایی منصوب شد.

موحد که سابقه هفت سال فعالیت در عرصه تولید آثار مختلف مستند و داستانی را پشت سر گذاشته است، از سال ۱۳۹۳ در باشگاه فیلم سوره مشغول به فعالیت بوده و پیش از این مدیریت تولیدات «باشگاه فیلم سوره» را عهده‌دار بوده است. همچنین وی به عنوان آخرین فعالیت، جانشینی تهیه و مدیریت تولید فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است» را در کارنامه دارد.

در متن حکم انتصاب وی آمده است:

«جناب آقای موحد

نظر به گذشت پنج سال از تأسیس موسسه سینمایی باشگاه فیلم سوره، که توأم با موفقیت‌های امیدبخش در زمینه حمایت و توانمندسازی جوانان فیلمساز کشور بوده است و با توجه به گسترده شدن حوزه‌های فعالیت این موسسه که توجه مضاعف به اداره فرایندهای آن را ضروری نشان می‌دهد، شما را که علاوه بر تعهد و تدبیر، از ماهیت فعالیت‌های تربیتی و حرفه‌ای این مجموعه شناخت کافی دارید و اهمیت و پیچیدگی همکاری با سرمایه‌های انسانی و فعالیت‌های تشکیلاتی و گروهی را می‌شناسید به سمت «قائم مقام» این موسسه سینمایی منصوب می‌نمایم.

امید است با توکل بر خداوند متعال و با بکارگیری انگیزه والا، همت عالی و حلم و بردباری که از لوازم مهم فعالیت گروهی می‌باشند، موجبات رشد باشگاه فیلم سوره در مسیر رسیدن به اهداف و ماموریت‌های مهم تأسیسی‌اش را فراهم آورید. برایتان در این مسیر آرزوی توفیق الهی دارم.

محمدرضا شفاه

همکاری باشگاه فیلم سوره با علی ملاقلی‌پور

محمدرضا شـــفاه، تهیه کننده ســـینما و تلویزیون از همکاری با علی ملاقلی‌پور برای ســـاخت یک سریال طنز تلویزیونی خبر داد.

این تهیه‌کننده در گفتگویی درباره ساخت این سریال به کارگردانی علی ملاقلی‌پور توضیح داد: این سریال به سفارش شبکه سه سیما تولید می‌شود و تا پایان امسال به پخش خواهد رسید. نام و ترکیب عوامل این سریال هنوز نهایی نشده است و هم‌اکنون مرحله پیش‌تولید را سپری می‌کند.

شـــفاه درباره فیلمنامه این ســـریال افزود: طرح این فیلمنامه سال گذشته به تایید شبکه سه سیما رسید و نگارش آن در مجموعه «باشگاه فیلم سوره» و توسط محسن ملکی و حسین حقیقی آغاز شد. با شروع سال جدید و اضافه شدن علی ملاقلی‌پور، متن را بازنویسی کردیم و کار نگارش فیلمنامه را به سرانجام رساندیم.

مدیرعامل «باشگاه فیلم سوره» درباره موضوع سریال بیان کرد: این ســـریال، یک کمدی پرانرژی اجتماعی خواهد بود که ســـعی می‌کند به مســـائل روز جوانان بپردازد.

بلیت نیمه بها سینماهای حوزه هنری به مناسبت روز خبرنگار

پنجشـــنبه ۱۷ مردادماه به مناســـبت روز خبرنگار، خبرنگاران در سینماهای حوزه هنری در سراسر ایران به صورت نیم‌بها فیلم دیدند.

روز پنجشـــنبه ۱۷ مردادماه خبرنگاران با در اختیار داشـــتن معرفی‌نامه معتبر از رســـانه خود، با مراجعه به گیشه ســـینماهای حوزه هنری، از تسهیلات ویژه روز خبرنگار اســـتفاده کردند. خبرنگاران در پردیس «هویزه» مشهد و سینماهای استان اصفهان با یک نفر همراه به صورت رایگان توانستند فیلم ببینند.

سینماهای «بهمن» سنندج، «چهارباغ»، «ساحل»، «فلســـطین» اصفهان، «قدس» همـــدان، «آزادی» کرمانشـــاه، «بهمن» قزوین، «فلســـطین» بروجرد، «سپهر» ساری، «قدس» تبریز، «استقلال»، «بهمن» و «سپیده» تهران، «بهمن» زنجان، «بهمن» شهرکرد، «سعدی» شیراز، «آزادی» آبادان، «انقلاب» ارومیه و ... تعدادی از سینماهای حوزه هنری هستند. این نهاد در سراسر ایران صاحب ۱۱۱ سالن سینما است.

جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره «پارما» ایتالیا برای «ذبح»

فیلم کوتاه «ذبح» از هفتمین جشنواره فیلم و موسیقی «پارما» جایزه بهترین فیلمنامه و هزار یورو جایزه نقدی را دریافت کند.

در ادامه موفقیت‌های بین‌المللی فیلم کوتاه «ذبح» ساخته مشترک آکو زندکریمی و سامان حسین‌پور تولید مشترک حوزه هنری کردستان و انجمن سینمای جوانان دفتر سنندج جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره فیلم «پارما» ایتالیا را که از ۲۳ تا ۲۹ سپتامبر (۱ تا ۷ مهر) در شهر پارمای ایتالیا برگزار شد، از آن خود نماید.

فیلم کوتاه «ذبح» داستان خانواده‌ای است که برای گذراندن یک زمستان سخت باید تنها دارایی خود یعنی گاوشان را بفروشند، اما پسر خانواده از این تصمیم خوشحال نیست و گاو را فراری می‌دهد.

عوامل فیلم کوتاه «ذبح» عبارتند از: بازیگران: فریدون حامدی، شب‌بو سلیمانی، محمد قبادی، غفار خالدی، شفیع امینی، سامان عبودی، تدوین: توفیق امانی، مدیر تصویربرداری: حامد بقائیان، دستیاران: نوید زارع و آرمان صیدی، صدابردار: محمد توریوریان (ارسطو مفاخری) دستیار: مبین قادری، طراح و اجرا صحنه و لباس و گریم: ایوب شیخ احمدی دستیار: امین سنجربیگی، صداگذار: حسین قورچیان، اصلاح رنگ و نور: علیرضا هدایی، دســـتیار کارگردان و برنامه‌ریز: اشکان ســـاعدپناه، عکاس: ساجد حق‌شناس، مدیر تولید: آرمین پورمحمد، مدیر تدارکات: سامان عبودی، دستیاران: رزگار محمدی و پیام کریمی.

برگزاری نشست تحلیلی «سینمای دفاع مقدس» در آذربایجان غربی

شست تحلیل و بررسی «سینمایی دفاع مقدس» هفتم مهرماه با حضور جمعی از کارشناسان عرصه فیلم، نمایش و ادبیات دفاع مقدس استان آذربایجان غربی برگزار شد.

در این نشست که به همت واحد هنرهای تصویری حوزه هنری آذربایجان غربی برگزار شد، وضعیت سینمای دفاع مقدس در ایران در قالب موضوع‌های مختلف از جمله شخصیت‌پردازی و قهرمان‌سازی در آثار سینمایی تولید شده، ادبیات سینمایی دفاع مقدس، جایگاه زنان و مسیر آینده سینمای دفاع مقدس با حضور مسعود یکانی، توحید اصغرزاده و پدرام رحمانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

این نشست هنری با اکران فیلم سینمایی «ایستاده در غبار» به کارگردانی محمدحسین مهدویان به کار خود پایان داد.

سینما استقلال تهران سه سالنه می‌شود

مدیر سینما استقلال تهران گفت: این سینما قرار است سه سالنه شود و تجهیزات نور، صدا، صندلی‌ها و نما به طور کلی تغییر کند.
حسین کشاری مدیر سینما استقلال تهران گفت: الان حدود یک سال است که در تدارک و پیگیری بازسازی سینما استقلال تهران هستیم و خدا را شکر مراحل زمان بر آن را پشت سر گذاشته‌ایم.
وی تشریح کرد: ما در یک سال گذشته مجوزهای لازم کمیسیون ماده ۵ را گرفتیم و کارهای شهرداری و دارایی را انجام دادیم که بوروکراسی سخت شهرداری هفته پیش به پایان رسید.
وی عنوان کرد: از آنجایی که سینما استقلال موقعیت مکانی خیلی خوبی دارد و علاوه بر دسترسی مطلوب شهری، حس نوستالژیکی برای مخاطب زنده می‌کند به همین دلیل ارزش سرمایه گذاری و به سازی را داراست.
کشاری تکمیل کرد: قرار است سینما استقلال به ۳ سالن مجزا تقسیم شود و تجهیزات نور، صدا، صندلی‌ها، سرویس بهداشتی و نما به طور کلی تغییر کند.
وی درباره زمان این بازسازی توضیح داد: پیش بینی می‌شود که این پروژه حدود ۴ ماه به طول می‌انجامد که اگر از ماه محرم شروع کنیم شاید تا پایان ماه صفر بتوانیم یک سالن پایین را آماده بهره برداری کنیم و دو سالن بالا را همزمان با اکران تعمیر کنیم.

انتشار پوستر و آنونس فیلم کوتاه «والو»

پوستر و آنونس فیلم کوتاه «والو» به نویسندگی و کارگردانی سجاد قنبرپور و تهیه کنندگی حوزه هنری استان اردبیل منتشر شد.
عوامل ساخت فیلم کوتاه داستانی «والو» عبارتند از مشاور پروژه: امین حیایی، بازیگران: سایه عباسپور و بهروز رحیمی، مدیر فیلمبرداری: عبداله شکری، تدوین: شاهین جلالی، موسیقی متن: بهرام رجبعلی‌زاده و یاور قنبرپور، صداگذار: فرشید زبوری، صدابردار: مجید بشکل، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: یاور قنبرپور، دستیار کارگردان: وحید صالحی‌اقدم، دستیار فیلمبردار: سعید علایی، زیرنویس انگلیسی: حامد رسولی، مدیر تدارکات: رامین پیرزاده و مدیر هماهنگی: رضا جاوید کیا.
گفتنی است، این فیلم طی یک سال با عوامل حرفه‌ای تولید شده و به زودی اکران می‌شود و روایت زنی باردار است که دچار بیماری سرطان شده و در این بین با پستی و بلندی‌هایی مواجه می‌شود.

تولید مستند «خانم راول» به پایان رسید

فیلم مستند «خانم راول» به نویسندگی و کارگردانی بهنام بیرموند از تولیدات واحد هنرهای تصویری حوزه هنری خوزستان پس از مراحل فنی به پایان رسید.
این فیلم مستند زندگی «خانم راول» را به تصویر می‌کشد که به عنوان مادر شهرستان امیدیه شناخته شده است.
این لقب از این بابت است، که «خانم راول» بعد از اتمام تحصیلات مامایی در انگلستان به مدت ۵۰ سال در شهر امیدیه زندگی می‌کند و اقداماتی را انجام می‌دهد.
فیلمبرداری مستند «خانم راول» به مدت ۹ روز در شهرستان امیدیه انجام شده و زمان این فیلم ۵۰ دقیقه است. تهیه کنندگی این مستند را حوزه هنری خوزستان بر عهده دارد و تحقیق و پژوهش توسط بهناز گوهربخش انجام شده است.

راهیابی فیلم «پیشکش» به جشنواره کودکان و نوجوانان روسیه

فیلم کوتاه «پیشکش» به نویسندگی و کارگردانی بختیار خلیلی، تولید حوزه هنری کردستان به ششمین جشنواره جهانی فیلم‌های کودکان و نوجوانان روسیه راه یافت.
این جشنواره با هدف ایجاد یک جهان‌بینی مثبت، خلاق و سازنده در کودکان و نوجوانان از ۳۰ سپتامبر تا ۱۶ اکتبر در روسیه برگزار می‌شود.
«پیشکش» در حضوری دیگر موفق به راهیابی به بخش نهایی دهمین دوره جشنواره فیلم والسماستوف لندن انگلستان و جشنواره Bahari اندونزی نیز شده بود.
بختیار خلیلی از فیلمسازان جوان سنندجی است که تاکنون چندین فیلم کوتاه را تولید نموده و در جشنواره‌های متعدد داخلی و خارجی ضمن حضور، موفقیت‌های ارزنده ای را نیز کسب نموده است.

مومنی شریف در مراسم رونمایی از مستند «این رمز بی‌نهایت»:

دانشگاه‌ها و رسانه‌ها به گسترش و احیا زبان فارسی بپردازند

آیین رونمایی مجموعه مستند «این رمز بی‌نهایت» با موضوع «اهمیت زبان فارسی» در حوزه هنری، برگزار شد.

آیین رونمایی مجموعه مستند «این رمز بی‌نهایت» به کارگردانی احمد جان میرزایی با حضور محسن مومنی شریف رییس حوزه هنری، دکتر رضا پورحسین قائم مقام سیما، سلیم غفوری مدیر شبکه مستند و جمعی از مشتاقان سینما و اصحاب رسانه در سالن امیرحسین فردی برگزار شد.

در ابتدای مراسم، محسن مومنی شریف رییس حوزه هنری ضمن اشاره به اهمیت موضوع زبان فارسی در تولیدات سینمایی و تلویزیونی گفت: من شاهد تلاش‌های کارگردان این مستند برای ساخت فیلم بوده‌ام. زبان فارسی موضوع مهمی است و قرابت این مراسم با روز شعر و ادب فارسی را فرصتی برای نگاه ویژه به زبان فارسی می‌دانم و امیدوارم رسانه ملی نیز، با نگاه ویژه‌ای به این موضوع بپردازد.

وی افزود: زبان فارسی بسیار حائز اهمیت وعبرت آموز است چرا که پیشینه‌ای از دو ملت ایران و هند محسوب شده و بر قدمت ۳ هزار و ۵۰۰ سال پیش آریایی‌ها تاکید دارد. در این راستا می‌توان به «کلیله و دمنه» اشاره کرد که نشان دهنده همکاری‌های بیشتر این دو کشور در دوره تمدن اسلامی است.

مومنی شریف خاطر نشان کرد: زبان فارسی جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد این در حالی است در برهه‌ای از زمان، هند بستری برای نشان دادن هنر بوده و هر کسی که به پیشرفتی در تمدن اسلامی -ایرانی می‌رسید به این کشور رجوع کرده است. در این میان، طبیبان و شاعران ویژه ما نیز، از این قضیه مستثنی نبوده‌اند. حافظ شیرازی هم یکی از شاعران ایرانی است که به دعوت یکی از پادشاهان هند به این کشور سفر کرده و دانش زبان فارسی خود را به این کشور معرفی کرد. در واقع هند فرصتی برای دیده شدن هنرمندان فارسی است.

وی ادامه داد: اهمیت زبان فارسی در هند تا حدی است که با ذوق و طبع آنها مطابقت داشته و به زبان اصلی درباریان و اهالی فرهیخته این کشور تبدیل شد و اشعار فارسی این کشور مبین این موضوع است. این در حالی است که زبان ۸۰۰ ساله فارسی به سطحی از اهمیت در دنیا رسیده بود که به عنوان زبان اصلی محسوب شده و با کاربرد کلیدی خود به بعدی مثبت تبدیل شد. اما حضور استعمارگران و جایگزینی زبان انگلیسی به جای فارسی بعد تلخی برای زبان ما بوده است. در حالی

که برخی شاعران از جمله اقبال لاهوری با وجود زبان مادری خود نسبت به فراگیری زبان فارسی اقدام کرده و بر اهمیت آن صحه گذاشته‌اند. درآمیختگی زبان فارسی با زبان محلی هند، منجر به حضور زبان فارسی در این کشور شده و به موجب آن زبان اردو با بهره مندی ۵۰ درصدی از واژه‌های فارسی، به وجود آمد.

رییس حوزه هنری تاکید کرد: اگر ما زبان فارسی را در شبه قاره نیابیم قطعا زبان ما به زودی از بین خواهد رفت در حالی که این زبان تنها منحصر به کشور هند نبوده و آوازه آن به بنگلادش و دیگر کشورهای می‌رسد. دغدغه زبان فقط منوط به ایران نیست بلکه تاثیر آن به کشورهای دیگر نیز می‌رسد پس لازم است به آن توجه شود. بعضی شاعران بعد از حضور غزوه در هند به سرودن اشعار به زبان فارسی تسلط پیدا کرده و با حضور او فارسی را یاد گرفته‌اند. من امیدوارم در دوران ماموریت آقای علیرضا قزوه این پیشرفت‌ها بیشتر شود. در این میان وظیفه دانشگاه‌ها در آموزش زبان فارسی را نمی‌توان نادیده گرفت و باید به این نیاز پاسخ کامل داده شود. من از کارگردان و مدیر شبکه مستند تشکر می‌کنم که نسبت به اهمیت این موضوع غافل نبوده‌اند.

در ادامه مراسم رضا پورحسین، قائم مقام سیما گفت: کارگردان این مستند به موضوع مهمی پرداخته است زبان و ادبیات فارسی به لحاظ هویتی و تمدنی موضع مهمی برای ایران فرهنگی است. این در حالی است مقام رهبری بارها به آن اشاره کرده و در دیدارهای خصوصی و عمومی به آن تاکید داشته‌اند. در این میان ایشان به نوعی گله و احساس نگرانی نسبت تهدیدات موجود در زمینه زبان فارسی را بیان داشته‌اند. همه فارسی صحبت می‌کنند و می‌نویسند ولی همانند دیگر زبان‌ها در کشورهای دیگر کلاس‌هایی برای زبان فارسی وجود ندارد. این در حالی است که با ورود و پیشرفت زبان‌های دیگر، اگر زبان فارسی در این اوضاع رها شود طی ۵۰ سال آینده فرزندان ما قادر نیستند با خواندن کتاب‌های امروز فارسی مفهوم آن را درک کنند و احتمالا مجبور به پاورقی و ترجمه آن می‌شویم که این خطری است که باید به داد آن رسید.

وی افزود: زبان فارسی، زبان علم است که بعد از دین، دومین مولفه هویت ایرانی - اسلامی است این موضوع مهم است. مولفه‌های تهاجم فرهنگی به دنبال از بین بردن هویت ملی است که اگر زبان زده شود هویت هم زده می‌شود. زبان فارسی همانند گذشته باید به زبان علم تبدیل شود ولی امروز زبان ما در رتبه ۱۴ علم قرار دارد که این روال بعد از انقلاب برای ما قابل قبول نیست. این در حالی است که زبان فارسی توانایی واژه آرایی و ترکیب بندی و ویژگی‌های تمدنی دارد که بالای ۷۰ درصد زبان علمی دنیا همه زبان‌ها بالا بوده و سهم ما این زیر ۱ درصد است.

قائم مقام سیما خاطر نشان کرد: رسانه نسبت به بها دادن به زبان فارسی اهتمامی به خرج داده است در حالی است که وزارت علوم به سمت تولید علم به زبان فارسی نیست در حالیکه مرجعیت زبان فارسی را باید بیرون از مرزها تایید و به اهمیت زبان‌های دیگر برسد. بر طبق تاکیدات مقام معظم رهبری باید یافته هایمان را به زبان خود ارائه دهیم تا مابقی کشورها برای فهمیدن آن، زبان فارسی را یاد بگیرند. شواهد و نشانه‌هایی برای رهایی از زبان فارسی وجود دارد که ترجمه کتب درسی به زبان‌های دیگر را دور از ذهن نمی‌کند.

وی عنوان کرد: ما باید بدانیم زبان فارسی، زبان اول تمدن و علم بوده است و با ترجمه کامل فرد برای فهمیدن نیاز به زبان دیگری نداشته است. بنابراین بعضی واژه‌ها نیاز به معادل سازی در کتب دارد و باید نسبت به آن مبادرت شود. ما باید به سمتی رویم که بتوانیم به جایگاه زبان اول علم برسیم همانگونه که در خلیج فارس پیام‌ها به زبان فارسی مخابره شده و گیرندگان برای ارتباط مجبور به یادگیری بوده‌اند.

پورحسین اظهار داشت: اگر ما یافته‌های علمی داریم چرا نباید به زبان فارسی باشد که دیگران برای فهم آن مجبور به یادگیری شوند؟ این مستند به لحاظ تمدنی و هویتی به اهمیت زبان فارسی توجه کرده است. زبان اول متون عرفانی، علم و فرهنگ، زبان فارسی بوده است و رسانه بعد از تاکیدات مقام معظم رهبری به اهمیت این زبان توجه کرده و در برنامه‌ها به ویژه برنامه‌های ورزشی به آن پرداخت. همچنین در بخش خبر و برنامه‌های زنده نیز به شکل تشویقی و تنبیهی به وضعیت خوبی رسیده‌ایم. در کنار آن برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در باره بهره وری از زبان فارسی و دوره‌های آموزشی آن آغاز شده تا اهمیت این زبان را به عنوان هویت ایرانی - ملی به کار ببریم.

احمد جان میرزایی کارگردان مستند «این رمز بی‌نهایت» از دیگر میهمانان این مراسم بود که در خصوص ساخت این فیلم گفت: در تحقیقات و پژوهش برای ساخت و سازماندهی فیلم به سه مورد از تاکیدات مقام معظم رهبری رسیدیم که به صراحت از احساس نگرانی نسبت به زبان فارسی می‌گویند. ایشان در مواقع جنگ هم احساس نگرانی نداشته‌اند اما در تقابل با موضوع زبان فارسی به صراحت به این نگرانی اشاره کرده‌اند. به گفته رییس گروه زبان سانسکریت که ریشه بسیاری از زبان‌ها در هند بوده و امروز به جایگاه کمی رسیده است، زبانی که خود را محصور کرده و تولید و زایش نداشته باشد محکوم به مرگ و فراموشی است. در حالی که مجموع دانشمندان از رشته‌های مختلف علوم با حساسیت بالا واژه‌های جدید را انتخاب می‌کنند و برای زبان خود ارزش قایلند.

وی افزود: زبان فارسی به نحوه‌های مختلف مورد تمسخر قرار می‌گیرد و تنها عامل برای پیشرفت را در گسترش زبان انگلیسی می‌دانند. هند عبرت کاملی برای زبان فارسی است و این مستند یادآوری می‌کند که زبانی که بیش از ۷۰۰ سال قدمت دارد و زبان گویش مردم است، نباید تغییری کند. در واقع استعمار هیچ اعلام رسمی‌ای برای تغییر آن ندارند بلکه دست به جایگزینی و جنگ بین زبان‌ها زده و انگلیسی را جایگزین اردو و فارسی کرده است. نگرانی مقام معظم رهبری عاملی برای چارچوب بندی این مستند است. امید یکی از نکات اصلی‌ای بود که در بیانات ایشان به آن اشاره شده و امیدوارانه به اهمیت زبان نگاه می‌کنند و ترفند رسیدن به آن را پیشرفت زبان فارسی و انتخاب آن برای زبان علم دانست تا دیگران مجبور به آموزش آن برای فهم علوم شوند. ظرفیت‌های زبان از دیگر اولویت‌های رهبری بوده است که می‌تواند سرشاخه دیگر علوم قرار گیرد.

این کارگردان اشاره کرد: کار و ابتکار از تاکیدات دیگر مقام معظم رهبری است که آموزش و پرورش هم از آن غافل بوده و به حجایی رسیده است که ۶۲ درصد دانش آموزان رشته علوم انسانی از زبان فارسی بیزار هستند. ما قبل از متمرکز شدن بر دانشگاه‌ها، نیاز به اقدامی عمومی برای اهمیت به این زبان داریم که از لغات کاملا فارسی استفاده شود و باید به دنبال توجه به مصرف کنندگان زبان باشیم تا تولید کنندگان نسبت به آن اقدامی جدی کرده و انگیزه پذیرش زبان را برای مردم افزایش دهیم.

در پایان از کارگردان مستند «این رمز بی نهایت» تقدیر و به پاس زحمات، تندیسی به جان میرزایی اهدا شد.

در نشست مشترک هنرمندان سوری و حوزه هنری مطرح شد:

پایداری انقلاب در سایه هنر و سینما

نشست مشترک هنرمندان سوری و حوزه هنری با حضور دکتر نبی زاده مدیر امور نخبگان و دانشجویان کشورهای سوریه و لبنان در ایران، مجدالدین معلمی معاون هنری حوزه هنری، سعد قاسم رییس تحریریه مجله اتحاد، سید مسعود شجاعی طباطبایی مدیر هنرهای تجسمی حوزه هنری، سیدمحمد حسینی مدیر مرکز تولید متن حوزه هنری، و جمعی از هنرمندان سوری روز شنبه ۱۲ مرداد ماه در حوزه هنری برگزار و تفاهماتی بین هنرمندان کشور سوریه و حوزه هنری برای همکاری‌های مشترک صورت گرفت.

دکتر نبی زاده در این نشست که در تالار سلمان هراتی برگزار شد در آغاز عنوان کرد: هیات حاضر از اساتید و بزرگان هنر کشور دوست و برادر سوریه هستند که به مدت یک هفته میهمان جمهوری اسلامی ایران خواهند بود. بر این اساس اولین جلسه رسمی این هیات در حوزه هنری انقلاب اسلامی، مرکز هویت بخش هنرهای انقلاب اسلامی در نظام مقدس جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز، پیش بینی شده و علاوه بر این نشست و تبادل تجربه، از داشته‌های هنری ایران هم، بازدید خواهند کرد. همچنین، جلساتی تخصصی‌ای نیز در مدت حضور این هیات در ایران برپا خواهد شد.

وی افزود: امیدوارم هیات هنرمندان سوری با بهره مندی از تخصص‌های خود بتوانند فرهنگ غنی اسلامی را که بخش اعظمی از آن در جمهوری اسلامی هویدا است، با زبان فرهنگی و هنری خود انتقال دهند چرا که تکلیف ما انتشار داشته‌های فرهنگی خود بر اساس اسلام ناب است. نگاه تجسمی به بحث انتقال فرهنگ یک نگاه عمیق فکری و اراده‌ای است و چه بسا که داخل هنر مباحثی چون خطاطی و نقاشی و سینما مستتر است که خود گویای بخش زیادی از فرهنگ بوده و امیدواریم هر بخش از این موضوعات که درحوزه جمهوری اسلامی است، استفاده لازم ببرید.

گفتنی است این هیات به ریاست دکتر طلال بیطار رئیس اتحادیه هنرمندان سوریه برنامه‌هایی را در ایران اجرا خواهند کرد و ۱۱ اثر که توسط این هنرمندان سوری خلق و به ایران آورده شده است، برای عرضه در نمایشگاهی تقدیم مسئولان حوزه هنری می‌شود.

نبی زاده خاطر نشان کرد: ایران تلاش کرده در همه زمینه‌ها از هیچ کمکی به کشور سوریه دریغ نکرده و حتی، در بخش هنر و تولید و خلق آثار هنری نیز، از این کشور حمایت کند.

وی ادامه داد: سینما یکی دیگر از هنرهای تصویری و رسانه‌ای برای معرفی فرهنگ کشورها است. بنابراین فیلم که از اثرگذارترین ابزارهای بین‌المللی برای انتقال اندیشه‌ها محسوب می‌شود و خوشبختانه، حوزه هنری انقلاب اسلامی از این عرصه هم، غافل نمانده است. حوزه هنری به عنوان مرکزی برای تولید و پخش فیلم نیز از این قضیه عقب نمانده و اتفاقات خوبی را در تولید فیلم‌های ارزشی و فرهنگی و استراتژیک رقم زده است.

در ادامه این مراسم مجدالدین معلمی معاون هنری حوزه هنری ضمن خوش آمدگویی به هیات سوری خاطرنشان کرد: همزمان با ایام پیروزی انقلاب اسلامی، حوزه هنری به عنوان مرکزی برای هنرهای انقلابی تاسیس شد. در حال حاضر همه رشته‌های تخصصی نوشتاری(شعر و ادبیات)، تجسمی و سینمایی در این حوزه فعال هستند و این نهاد، در حال حاضر بزرگترین مرکز

آموزش و تولید هنر در حوزه انقلاب اسلامی تلقی می‌شود. در طول ۴۰ سال گذشته که حوزه هنری تاسیس شد، تولیدات گران بهای زیادی در خصوص هنر و سینما داشته ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم برای ماندگاری انقلاب و انتقال پیام آن بهترین راه هنر و در کنار آن سینما است. تاریخ را اهالی هنر می‌سازند و آن‌ها هستند که قادرند با زبان بین‌المللی خود حرف و افکارشان را به همه جهان برسانند.

وی اذعان داشت: ما شرایط سخت کشور دوست و برادر سوریه، را درک می‌کنیم و از این شرایط متاسف هستیم. ما هم در ایران به نحو دیگری این شرایط را داشته‌ایم و حسرت می‌خوریم که چرا در زمانی که درگیر جنگ بوده‌ایم کارهای هنری خود را ادامه نداده‌ایم. گاهی یک فیلم، عکس، تابلوی هنری و یا کاریکاتور می‌تواند پیام‌های مختلفی داشته باشد. بنابر این به شما که درگیر جنگ هستید این توصیه را می‌کنیم که از این شرایط سخت به عنوان یک فرصت استفاده کنید. این شرایط سخت برای اهالی هنر یک فرصت است. در واقع جنگ، فرصت‌هایی را برای اهالی هنر ایجاد می‌کند که می‌تواند برای آیندگان و تاریخ مشکلات را سهل کند.

معلمی عنوان کرد: ما سربازان جبهه فرهنگی هستیم و وظیفه ما است که به ثبت واقعیت‌ها در پشت جبهه‌های مقاومت کمک کنیم. در حال حاضر در جمهوری اسلامی ایران پر فروش ترین کتاب‌ها مربوط به روایت دوران دفاع مقدس از زبان راویان و شاهدان است. از نظر ما هر سرباز یک راوی است که می تواند داستان، کتاب و فیلمی را روایت کند و ظرفیت‌هایی را برای هنر و سینما ایجاد کند. ما آمادگی نشر کتاب، ساخت فیلم، موسیقی و تئاتر از تجربیات شما را داریم چرا که شما تنها صدای جنگ امروز و رساندن آن به دنیا هستید. قدر لحظه‌های خود را بدانید و ما هم در کنارتان هستیم. امروز بخشی از فعالیت‌های حوزه انتقال تجربیات است که قابلیت پخش در کشور شما را دارد و ما آن را در اختیار شما قرار می‌دهیم. اهالی هنر اهل عمل هستند و به جای حرف عمل می‌کنند.

طلال بیطار رییس هیات هنرمندان سوری هم، ضمن تشکر از بانیان برنامه و مسئولان حوزه هنری گفت: هنرمندان جمهوری عربی سوریه با وجود مشکلات جنگی از هنر عقب نمانده‌اند. نامه‌ها و پیام‌های زیادی از اتحادیه هنرمندان سوری به کل جهان علیه تحریکات استکبار جهانی و جنگ با سوریه ارسال شده است. حقیقتا هنرمندان سوری نمایندگانی از مظلومیت ملت سوریه در جهان بوده‌اند. هنر اسلامی یک هنر پایدار و قدیمی در جمهوری عربی سوریه است. ما به عنوان هنرمند تجارب ارزشمند شما را در هنرهای ایرانی منتقل خواهیم کرد. خط عربی و نقش‌های اسلامی در دانشگاه‌های ما تدریس و هنرمندان زیادی را تربیت می‌کنیم و تعداد زیادی هنرمند داریم که بر این روابط ادامه دار و پایدار تاکید دارند. امیدوارم فرصت اینگونه روابط برای دیگر هنرمندان سوری ایجاد شود.

سعد قاسم رییس تحریریه مجله اتحاد یکی دیگر از هنرمندان سوری حاضر در نشست ضمن تاکید بر اهمیت روابط سوریه با ایران اظهار داشت: خارج از پروتکل‌های رسمی و سیاسی، روابط فرهنگی سوریه و ایران با وجود فراز و نشیب‌ها، دیرینه و مستمر بوده است. اعتراف می‌کنم ایران در پرورش فرهنگ و هنرهای اسلامی در دنیا نقش مهمی داشته است. در طی تاریخ اسلام، هنرمندان ایرانی در خلق نقاشی نسبت به غرب پیشتاز بوده‌اند چرا که هنر نقاشی ایرانی که با تصویر و عکس ترکیب می‌شود، تحول بزرگی در هنرهای اسلامی منطقه ایجاد کرد که نمودی از آن در منطقه از جمله سوریه و عراق وجود دارد.

وی افزود: فرهنگ ایرانی از صفر شروع نشده بلکه در اسلام به جایگاه خاصی رسید اما فرهنگ کشورهایی نظیر سوریه و عراق در خدمت اسلام قرار گرفته است. فرهنگ‌های بابل، فنقی و آشوری در کنار فرهنگ مسیحیت قرار گرفت و در سوریه نشر پیدا کرد که از آن به عنوان هنر بیزانس تعریف می‌شود. این راه ادامه دارد و از هنرهای قبل از اسلام آغاز و تاکنون ادامه داشته است. در واقع این دیدگاه پیچیده‌ای از هنر را عرضه می‌کند.

سعد قاسم اذعان داشت: هنر حالتی از تعبیر است و وظیفه توصیف و مستند سازی را برعهده دارد. هنر ایرانی برای ما دور و ناآشنا نیست. هنرهای ایرانی در زمان جنگ هیچ کوتاهی نکرده و رسالت خود را به خوبی انجام داده‌اند. در تعبیر جنگ بر علیه ما و ایران، در قبال دشمن هردو مدافع بوده‌ایم اما وضعیت در سوریه پیچیده‌تر بوده است در واقع، دشمن در جبهه

مقابل نبوده بلکه در داخل فعالیت می‌کرده که بخشی از وظیفه آن نابودی فرهنگ سوریه بوده است. بنابراین سعی کرده‌اند تمام آثار تاریخی ما را نابود کنند. در همه مناطقی که تکفیری‌ها بر آن مسلط شده‌اند سعی در تخریب و دزدی آثار ما داشته‌اند. پیروزی برای ما محافظت بر هنر بوده است.

وی یادآور شد: من همیشه داستانی برای مثال دارم که یکی از سربازان سوریه‌ای در حین جنگ مجروح و اسیر شد، تروریست‌ها از او خواستند در برابر دوربین به قدرت داعش اعتراف کند. در شرایطی که اسلحه بین دو چشمانش بود او پاسخ داد: والله که دشمن را از روی زمین پاک می‌کنیم. معتقدم هیچ هنرمندی نمی‌تواند به طور کامل این تصویر را برساند. هنر ایرانی خدمات بزرگی در زمینه جنگ ایران و جهانیان ارائه داده است و در اصل سعی می‌کند بر تاریخ و گذشته خود تسلط داشته باشد که این امر الگویی برای تلاش ما در سوریه است اما این روش با راه‌های مختلف انجام می‌شود که یکی از آنها هنرهای اسلامی است.

سیدمسعود شجاعی طباطبایی مدیر هنرهای تجسمی حوزه هنری، در ادامه ضمن یادآوری دوران حضور خود در سوریه گفت: من افتخار حضور در سوریه را داشته‌ام و در دو دوره قبل و بعد از جنگ در این منطقه حضور داشته‌ام. بنابراین به خوبی نسبت به صدمات دشمن آگاه هستم. اولین بار برای داوری در مسابقات کاریکاتور عازم این کشور شده و هفته گذشته به عنوان داور مسابقه‌ای بین‌المللی در این کشور حضور داشته‌ام و همیشه به همراهی این کشور با ایران افتخار می‌کنیم. بعد از جنگ سوریه برای عکاسی به این کشور سفر کردم در این سفر از حجم تخریب شهر بالاخص در حلب بسیار شگفت زده شدم در حالی که نصف شهر همچنان در تصرف داعش بود. بخشی از عکس‌هایی که از این ویرانی گرفتم، بسیار تلخ، ولی بخش اعظمی دیگر بسیار امیدوار کننده بوده است.

وی افزود: در عکاسی از شهر حلب، تصاویری مربوط به تخریب دانشگاه این شهر است که از بیشترین دانشجو در زمینه هنر برخوردار بوده و در جنگ مورد ویرانی قرار گرفته است. این درحالی است که در سفر دوم به این شهر بسیار شگفت زده شده‌ام که مردم به شهر برگشته و دانشگاه مشغول به فعالیت شده و توانستم از جشن فارغ التحصیلیشان عکاسی کنم.

شجاعی طباطبایی خاطر نشان کرد: در نظر داریم مصادف با سالروز آزادسازی حلب، از مجموعه عکس‌های مربوط به این شهر نمایشگاهی با عنوان «حلب زنده است» برپا کنیم. جشنواره‌هایی نظیر مقاومت که در دمشق برگزار شد، نگاه امیدوار کننده‌ای به آینده را نشان می‌دهد. ما موفق شدیم در دفعات دوم نمایشگاه عکس و کاریکاتور را در این کشور برگزار و با هنرمندان سوری آشنا شویم. سوریه تنها نیست و همیشه همراهش بوده‌ایم برای مبادرت با این امر دو نمایشگاه بین‌المللی کاریکاتور در این زمینه برقرار و با حضور ۷۰ کشور مسابقه «پایان یک داعش» را برگزار و برآیندی چون اتحاد عقیده در همه کشورها مبنی بر ظلم داعش به سوریه داشته است.

رییس اتحادیه هنرمندان کشور سوریه در ادامه این مراسم عنوان کرد: از حسن توجه ایران نسبت به سوریه خوشحال هستم. همواره از زمان عثمانی تلاش‌های بسیاری صورت گرفته تا حلب را تسخیر و یا نابود کنند ولی تشکل خانواده‌ها در آن مانع از این کار شده است. بخشی از حلب بالاخص مسجد اصلی آن نابود شد و دشمن تا تخریب قلعه حلب که نمادی از کشور ماست، نیز پیش رفت اما پایداری مردم حلب در جنگ، مانع از رکود اقتصادی و زوال هنر در این کشور شد.

وی یادآور شد: ما به عنوان هنرمندان هنرهای زیبای سوری سعی کرده‌ایم ماهیانه دو نمایشگاه درباره حلب برپا و نمایی از امروز آن را به جهان نشان دهیم که خوشبختانه مورد استقبال کشورهای دیگر قرار گرفت و فهمیدند که ما زنده‌ایم و مقاوم هستیم. من از برگزاری نمایشگاه عکس در سوریه حمایت می‌کنم و از شجاعی طباطبایی دعوت می‌کنم نمایشگاه عکس خود را با میهمانی و حمایت مالی ما و با هماهنگی وابستگی فرهنگی ایران در سوریه برگزار کنند. نمایشگاه مشترک ایران و سوریه در حلب بهترین اتفاق برای مشارکت‌های هنری این دو کشور است.

تعدادی هنرمندی از هیات سوری در ادامه اذعان داشت: به عنوان جامعه هنرمندان سوری از ایران اطلاعات زیادی داشته‌ایم اما به محض حضور در ایران از دیدن پیشرفت‌های این کشور بسیار شگفت زده شدیم. ایران ملتی با ادب و تمیز دارد، هنر در همه نقاط شهر نمایان است و این مایه افتخار است که در کشوری هستم که برای هنر ارزش بسیاری قایل است. این در حالی است که هنر کاریکاتور ایرانیان در جهان جایگاه ویژه ای داشته و سعی کرده است افکار خود را به جهان معرفی کند. نمی‌توان نقش هنر و سینمای ایران در انتقال پیام مظلومیت فلسطین و سوریه را نادیده گرفت اقدامی که هنرمندان سوری نیز نسبت به آن مبادرت کرده اند. در سال ۲۰۱۴ در زمانی که ما درگیر جنگ بوده‌ایم، لوحی برای غزوه طراحی کرده‌ایم که در گینتس هم ثبت شده است. هنر پروژه‌ای ملی و وطنی است و افرادی که به وطن و خاکشان وفادارند. اسلام یک هویت روحی دارد ولیکن ایران هویتی بصری برای اسلام ایجاد کرده است.

سیدمحمد حسینی مدیر مرکز تولید متن سازمان سینمایی حوزه هنری، در این مراسم گفت: ما در حوزه جنگ‌های جهان با تمام تلخی اتفاقات، غالبا خواستگاه شاخه‌های هنر جهان هستیم که در حوزه سینمایی، تجسمی و مکتوب تعریف می‌شود. سینما جایگاه برتر و ویژه‌ای در دنیا دارد که از همان آغاز جنگ سوریه و عراق هنرمندان سینمای ایران به فکر تولید آثار بودند و به چند نکته در این آثار توجه کردند. در وهله اول آثار باید منجر به وحدت مردم سوریه و عراق شود و در وهله دوم باید به فضاهای آسیب پذیر و مورد هجمه داعش توجه بیشتری شود.

وی افزود: کودکان و زنان بیشترین آسیب را در جنگ می‌بینند. بنابر این بیشتر آثار انسانی نیز در این حوزه است که معمولا قصه‌های مربوط به رزمندگان، حماسی تعریف می‌شود. ما برای ادای حق تاریخ و شرایط امروز، مجبور به پرداختن به هر دو حوزه هستیم که براین اساس تاکنون دو فیلمنامه نوشته و در آستانه تولید قرار گرفته است. در واقع، حوزه هنری نسبت به این قضیه تجربه خوبی در سینما دارد. مستند «A157» در حوزه کودکان و زنان آسیب دیده در جنگ نمونه‌ای از فعالیت‌های این مرکز است. مستند «کودکان تاریکی» یکی دیگر از آثار حوزه هنری است که آماده پخش است که درباره ۵ کودک است که کاری مهیب و تکان دهنده‌ای است.

حسینی اظهار داشت: ساخت آثار داستانی نیاز به تجربه و تحقیق بیشتری دارد که خوشبختانه نسبت به این کار نیز، در حوزه هنری اقدام شده و فیلمنامه یک کودک سوری در جریان جنگ، را آماده کار داریم. این فیلمنامه قصه گیرایی بین ایران و آلمان و سوریه را به تصویر میکشد. درحال حاضر، به منظور تولید مشترک این مستند مذاکراتی با کشور آلمان صورت گرفته و رسما در این جلسه از شما هم دعوت به همکاری می‌کنیم تا با مشارکت در این مستند، روایتی انسانی را به تصویر بکشیم.

در پایان هیات اساتید و هنرمندان تجسمی سوری ضمن زیارت مزار شهدای گمنام حوزه هنری، از گالری‌های حوزه هنری، گنجینه هنر انقلاب، ابوالفضل عالی و کارگاه هنرمندان حوزه هنری بازدید کرده و طی مراسمی با حضور جمعی از هنرمندان ایرانی، آثاری را به گنجینه هنر انقلاب این مرکز اهدا کردند. همچنین به نشان تقدیر از رییس حوزه هنری انقلاب اسلامی لوحی دست نوشته از هنرمندان سوری به این نهاد انقلابی اهدا شد.

ضرورت توسعه متوازن ناوگان سینمایی و استانداردهای تولید

احمد نجفی

اگر در سینماهای جدید فیلم‌هایی پخش شود که هیچ گونه بار فرهنگی نداشته باشد، نه تنها مفید نیست بلکه نابودکننده هم هست، پس توسعه ناوگان سینمایی باید به موازات ارتقای کیفی سطح فیلم‌ها صورت گیرد.

ساخت سینما و ترمیم و بروز کردن سینماهای قدیمی به خصوص در شهرستان‌ها بسیار کار خوبی است و واجب است ولی به شرط اینکه با این همه هزینه کردن ها، در آن سینماهایی که ساخته و یا نوسازی شده است، فیلم‌هایی پخش شود که در شأن مردم ایران باشد و همچنین بتواند سطح فرهنگی را بالا ببرد!

صد البته ارگان‌های دولتی وظیفه دارند که بهترین و استانداردترین و زیباترین سینماها را در شهرستان‌ها بسازند ولی اگر در آن سینماها فیلم‌هایی پخش شود که هیچ گونه بار فرهنگی نداشته باشد، نه تنها مفید نیست بلکه نابودکننده هم هست پس توسعه ناوگان سینمایی باید به موازات ارتقای کیفی سطح فیلم‌ها صورت گیرد.

ایرانیان ملتی هستند که احترام را خوب درک می‌کنند یعنی اگر بهشان احترام گذاشته شود به طرف مقابل دو برابر احترام می‌گذارند. اگر سینماهای مدرن و باکیفیتی بسازیم که به بهترین شکل مخاطب را جذب کنند یقینا مخاطبان نیز قید تفریحات دیگر را زده و به سمت سینما می‌آیند. آنها که به سمت سینماسازی نمی‌آیند خبر ندارند که سینماداری یکی از بیزنس‌های سودآور دنیاست بخصوص برای کشورهایی که سینما دارند.

اعتقادی به سینماسیار یا نمایش فیلم‌ها در سالن‌های بی کیفیت ندارم و فکر می‌کنم در هر شهر و شهرستان نیاز مبرمی به وجود سینماهای مدرن داریم تا فیلم‌های خوب و بامعنا در آنها عرضه شود.

اینکه سازمان‌هایی مانند سینماشهر و بهمن سبز کوشیده اند اوضاع سینماسازی را بهبود دهند خیلی هم پسندیده است ولی سینماسازی باید به یک نهضت دامنه دار تبدیل شود.

از تمام مدیران فرهنگی و آن دسته از مدیران غیرفرهنگی که بودجه فرهنگی دارند می‌خواهم به سمت توسعه ناوگان سینمایی بیایند و ایرادی هم ندارد که مجتمع‌های چندمنظوره بسازند که در کنار سینما از گیم نت تا کافه و رستوران‌های متعدد داشته باشد ولی نباید به خاطر رستوران از استاندارد سالن سینما کم کنیم. همین حالا برخی پردیس‌ها را داریم که فضای لابی فودکورت شان سه برابر لابی سینماهاست و سالن‌هایی تنگ و محدود دارند. این نگاه در سالن سازی صددرصد مذموم است.

در سینماسازی باید با بهترین استانداردها کار کرد تا مخاطبان با یک بار فیلم دیدن به مشتری دائمی سینما بدل شوند. همان طور که وقتی میخواهیم برای خودمان یک خانه بسازیم از بهترین ابزار و مصالح بهره می‌بریم برای ساخت سالن‌های سینما نیز باید بهترین امکانات و استانداردها لحاظ شود. کشوری با جمعیت ۸۰ میلیونی حداقل نیاز به هزار سالن سینمایی استاندارد دارد. همه بکوشند برای ایجاد چنین سالن‌هایی.

کارنامه درخشان حوزه هنری در سینماسازی

عملکرد حوزه هنری در حیطه سینماسازی کار مفید و قابل قبولیست و برآمده از نیاز زمانه هست ولی جا دارد که در حوزه تولید نیز حضور درخشان سالهای قبل خود را تکرار کند و از خودش جا نماند یعنی به موازات هر دو حیطه را به صورت عالی پیش ببرد.

جواد اردکانی کارگردان سینما و تلویزیون با مرور کارنامه سالیان حوزه هنری گفت: حوزه هنری در دو دهه اول بعد از انقلاب اسلامی شروع خیلی درخشانی داشت و محصولاتی را تولید کرد که کمک شایان توجهی بود به راه افتادن سینمای انقلاب. حوزه هنری در دو دهه اول انقلاب خیلی خوب بود و در دهه اخیر هم کوشیده بر سینماداری و سینماسازی تمرکز کند.

کارگردان درام جنگی «شور شیرین» ادامه داد: حوزه هنری باید مرکز تولید آثاری باشد که مدار حرکت سینمای انقلاب را شکل میدهد. الگومحوری باید زیربنای فعالیت‌های تولید سینمایی حوزه باشد و شرایطی فراهم کند که جوانان واقعا انقلابی جذب حوزه شده و آثار ماندگار خلق کنند. حوزه هنری حتی اگر سالی یک فیلم هم تولید میکند باید فیلمی باشد که چه به لحاظ ساختار و چه به لحاظ محتوا کاملا پیشرو و انقلابی بوده و قابلیت الگو شدن را داشته باشد.

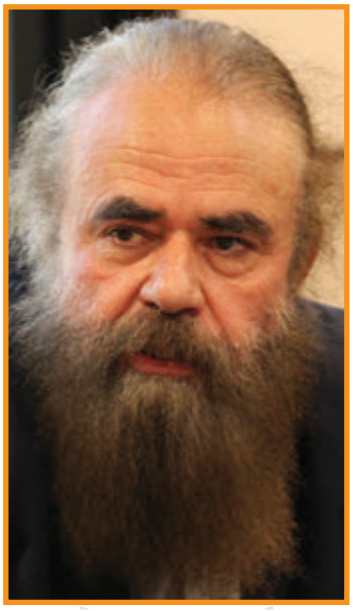

ارشاد به کمک موسسه بهمن سبز بیاید

امیرحسین شریفی معتقد است اگر ارشاد به کمک موسسه بهمن سبز حوزه هنری بیاید و سالن‌های باکیفیت شهرستان‌ها بیشتر و بیشتر شوند، مافیای پخش هم از بین می‌رود.

امیرحسین شریفی تهیه‌کننده سینما و تلویزیون گفت: با وجود همه تلاش‌هایی که بهمن سبز حوزه هنری برای توسعه سینما در شهرستان‌ها انجام داده ولی تعداد سینماهای ایران در مجموع به ۵۰۰ سالن هم نمی‌رسد که رقمی واقعا اندک است.

این تهیه‌کننده سینما بیان کرد: چطور بودجه ندارند وقتی هر کدام از زیرمجموعه‌های سازمان سینمایی چندصدمیلیون فقط هزینه پشتیبانی دارند؟ و میلیاردها تومان از پول مردم را صرف برگزاری برخی جشنواره‌های بی‌خاصیت می‌کنند؟ این وظیفه ارشاد است که بودجه‌های هنگفت سینمایی را صرف نوسازی این سالن‌ها کند.

وی خاطرنشان ساخت: الان بهمن سبز و سیناشهر درگیر سالن سازی هستند. چرا نباید بودجه‌های میلیاردی جشنواره‌های بی‌حاصل را به این دو موسسه بدهند و ازشان بخواهند سالانه حداقل صد تا دویست سالن جدید بسازند؟

شریفی با بیان اینکه کمبود سالن، انحصاری عظیم را هم در پخش فیلم ایجاد کرده است تصریح کرد: اگر ارشاد به کمک موسسه بهمن سبز حوزه هنری بیاید و سالن‌های باکیفیت شهرستان‌ها بیشتر و بیشتر شوند یقین بدانید که پخش کنندگان استانی هم نضج خواهند یافت و منطبق با گستره مخاطبان استان خویش به انتخاب فیلم و پخش دست می‌زنند و در نهایت مافیای پخش هم از بین می‌رود.

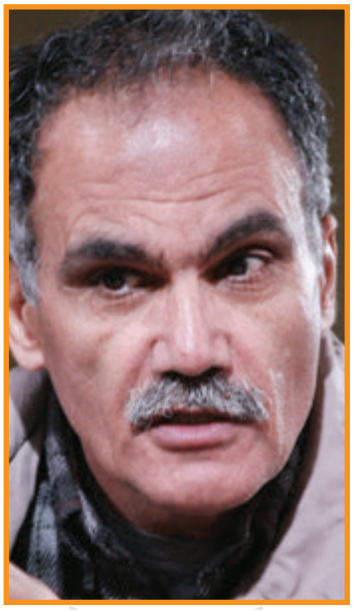

تسهیلات ویژه بانک‌ها برای سالن‌سازی

حسن هدایت معتقد ایست که در بحث سینماسازی، به پول نیاز است و بانک‌ها باید ورود کنند و تسهیلات ویژه‌ای برای سالن سازی تخصیص دهند.

حسن هدایت کارگردان قدیمی سینمای ایران با تأکید بر پتانسیل جذب مخاطب در شهرستانها از طریق سالن سازی گفت: آن قدر در شهرستانهای دورافتاده و مرزی آرامش هست که اگر امکانات فرهنگی بخصوص سینماهای خوب در این شهرستانها ایجاد شود محال است کسی از آنجا کنده شده و به شهرهای بزرگ بیاید.

کارگردان «دلاوران کوچه دلگشا» و «گراندسینما» ادامه داد: سینماسازی به پول نیاز دارد و در کنار موسساتی مانند بهمن سبز حوزه هنری و سیناشهر، بانک‌ها باید ورود کنند و تسهیلات ویژه‌ای برای سالن سازی تخصیص دهند. باید از سینماسازان برای بهبود شرایط خوب و مطلوب حمایت کرد تا همان امکاناتی که در پایتخت است در شهرستان‌ها هم برقرار شود بخصوص در شهرستان‌های کوچک تا مردم دلگرم شوند.

هدایت افزود: امکانات سینمایی استاندارد در شهرهای بزرگ کم و بیش وجود دارد و ما باید در برطرف کردن این نیاز در شهرستانهای کوچک هم اقدام کنیم. خوشبختانه موسساتی مانند بهمن سبز حوزه هنری این نیاز را دریافته‌اند و امید که حمایت شوند تا حرکت خود را امتداد دهند.

تلاشهای بهمن سبز در شهرستانها ستودنی است

در شهرستانها، بهمن سبز حوزه هنری تلاشهای خوبی برای سالن سازی کرده است و ستودنی است و این تلاشها باید ادامه پیدا کند.

شفیع آقامحمدیان از کارگردانان دو دهه ابتدایی انقلاب اسلامی که سابقه مدیریت مرکز گسترش را دارد از جمله حامیان نهضت سالن سازی بخصوص در شهرستانهاست، ضمن مطلب فوق افزود: متاسفانه خودم بارها شاهد بوده‌ام که شهرستانها، سینماهای خوب و استاندارد ندارند و حتی آنهایی که مثلا با سیستم جدید خود را وفق داده‌اند هم نسبت به تهران وضع خوبی ندارند لذا واجب است که عموم ارگان‌های سینمایی به سمتی بروند که استانداردی مطلوب و ایمن ایجاد شود.

وی ادامه داد: یادمان نمی‌رود زمانی برخی فیلم‌های سینمایی بیشترین فروش را در شهرستان‌ها داشته‌اند، به دلیل اینکه سینماها حداقلی از استاندارد را داشتند ولی حالا چه؟ متأسفانه کیفیت پایین سالن‌ها باعث مخاطب گریزی در شهرستانها شده است.

این کارگردان سینما و تلویزیون با مخاطب قرار دادن مدیران سینمایی گفت: ساخت و مرمت سینماها، نیاز به همکاری مستمر دولت و بخش خصوصی دارد. این دو باید کنار هم قرار گیرند و اسباب ارتقای سالن‌ها را فراهم کنند.

ارگان‌های سالن‌ساز نباید تنها بمانند

کورش تهامی معتقد است سینماسازی بخصوص در شهرستانها اگر با رعایت استانداردهای لازم صورت گیرد می‌تواند هم تاثیر فرهنگی و هم تاثیر اقتصادی داشته باشد.

کورش تهامی بازیگر سینما و تلویزیون با تأکید بر لزوم سالن‌سازی در نقاط دورافتاده گفت: در این دوره و زمانه حرف زدن راجع به این مسائل و بخصوص لزوم توسعه سینماسازی کمی خنده دار است زیرا مسلم است که سینما یکی از بهترین ابزار فرهنگی است ولی از آنجا که عموما در میان مدیران کمتر تأکید بر توسعه زیرساختی سینما را می بینیم بد نیست که بیشتر و بیشتر درباره این مسیر حرف بزنیم.

بازیگر «آشوب» و «گناهکاران» درباره نقش بهمن سبز در توسعه ناوگان سینمایی بیان داشت: اینکه حوزه هنری وظیفه‌اش را درست انجام داده و هم و غم خود را گذاشته برای بازسازی سالن‌های فرسوده و ساخت سینماهای مدرن رفتاری نیکو است بخصوص که بهمن سبز حوزه هنری شهرستان‌هایی را نشانه رفته که مدت‌های مدیدی است در آنها خبری از سینما نبود و یا سالن‌هایشان سوخته و یا ویران شده بود.

تهامی ادامه داد: بهمن سبز نباید تنها بماند و باید بخشهای دولتی سینما به کمکش بروند و راهش را هموار کنند. چهل سال تولید کردیم و حداقل نگاه را به زیرساخت داشتیم. حالا بیاییم و ده سال زیرساختها را توسعه دهیم تا مشکل کمبود سالن حل شود.

موج سینماسازی بهمن سبز در شهرستانها

موج سینماسازی در شهرستانها که با حمایت بهمن سبز راه افتاده آغاز خوبی است برای تمامی ارگانهای دولتی و خصوصی و حتی خصولتی که به سمت تقویت زیرساخت های فرهنگی کشور بیایند.

امیر سماواتی تهیه کننده پیشکسوت سینمای ایران ضمن اعلام مطلب فوق افزود: ساخت و ترمیم سینماها را باید وزارت ارشاد و شهرداری‌ها برعهده گیرند ولی آنچه این روزها می‌بینیم اینکه این مسئولیت بیشتر برعهده موسسه بهمن سبز حوزه هنری و سینماشهر است. این دو موسسه تلاش های خود را داشته‌اند با این حال همچنان سینما کم داریم. کل سینماهای کشور ما به ۴۰۰ می رسد و از آن سو سالانه نزدیک به دویست فیلم تولید می کنیم و بخش عمده سینماهای مدرن و باکیفیت‌مان هم در کلانشهرها هست یعنی توزیع سینمای باکیفیت‌مان تعریفی ندارد. در این شرایط شهرداری ها و وزارت ارشاد باید بودجه‌های فرهنگی خود را به جای تولید و برگزاری جشنواره، بر توسعه ناوگان سینمایی قرار دهند. وقتی سالن برای نمایش فیلم هایمان نداریم برگزار کردن جشنواره‌های رنگارنگ چه فایده‌ای دارد؟

وی ادامه داد: خوشبختانه موج سینماسازی در شهرستانها که با حمایت بهمن سبز راه افتاده آغاز خوبی است برای تمامی ارگانهای دولتی و خصوصی و حتی خصولتی که به سمت تقویت زیرساخت های فرهنگی کشور بیایند.

نشست هم اندیشی سینمای کودک و نوجوان

حال بد گریبان‌گیر سینمای کودک

پانزدهمین نشست هم اندیشی «سینما، گفتمان فرهنگی» با موضوع «سینمای کودک و ترسیم افق‌های پیش رو» با حضور: وحید نیکخواه آزاد، نادره ترکمانی، جعفر گودرزی، ابراهیم فروزش، کامبوزیا پرتوی و سیدجواد هاشمی و یزدان عشیری در سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد. این نشست در ادامه سلسله برنامه‌های «سینما گفتمان فرهنگی» توسط سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شده است.

در ابتدای مراسم یزدان عشیری در خصوص اهداف این برنامه گفت: این نشست با هدف هم اندیشی پیرامون موضوعات مهم سینمایی طراحی شده است. حوزه سینمای کودک یکی از پرچالش‌ترین عرصه‌های سینمای کشور است و شاید اغلب کارشناسان و سینماگران بر این باورند سینمای کودک می‌تواند خانواده‌ها را به سالن‌های سینمایی بکشاند و رونقی برای سینما ایجاد کند و با پویایی گیشه‌ها، بازدهی اقتصادی خوبی هم برای این عرصه فراهم شود.

وی افزود: این سینما به دلیل سروکار داشتن با موضوعات سنی خاص و حساس به ویژه در تحکیم بنیان‌های فکری و عاطفی آینده سازان کشور بیشترین کارکرد تربیتی و آموزشی و پند آموزی را

نیکخواه آزاد: این بلاهایی که بر سر سینمای کودک آمده به خاطر حمایت دولت است. امروز صاحب اختیار وجه اقتصادی سینما، سینمادار است،

در کنار سرگرمی و تفریح دارد. تعدد متولیان در این حوزه بسیار است. از جمله: سازمان سینمایی، بنیاد فارابی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان- آموزش و پرورش- و بسیاری از نهادها و Ngoها و حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی، با این حال- اهمیت و ضرورت توجه به سینمای کودک به نسبت متولیان متعددش و شعارهای داده شده در فرآیند محصولات خیلی قابل درک و مشاهده نیست.

عشیری خاطرنشان کرد: بارها بر تعطیلی جشنواره کودک تاکید شده درحالی که کاستی‌های موجود در سینمای کودک به معنای تعطیلی و کنار گذاشتن جشنواره‌اش نیست ولی برگزاری این رویداد با سازو کاری ضعیف با ۷ فیلم دست و پا شکسته و نحیف مطلوب نیست. اساسا- جشن و جشنواره مانند جشن‌های باستانی ایران در فصل خرمن چینی محصول و برداشت صورت می گرفته اما زمانی که ما محصول خوب نداریم برگزاری جشن خرمن چینی برای سینمای کودک نیز بی‌معناست.

حال سینمای کودک بسیار بد است

وی عنوان کرد: برغم ضرورت توسعه سینماهای کشور بویژه برای کودکان و نوجوانان متأسفانه سالن‌های مختص این گروه‌های سنی و استانداردهای آن‌ها نداریم. در این میان حوزه هنری به عنوان یکی از متولیان دغدغه‌مند اقداماتی را در طرح‌های توسعه‌اش برای سینمای کودک و نوجوان در برخی استان‌ها عملیاتی کرده است. حتی در تهران نیز سینمای ویژه کودک نداریم. در حالی که به طور کلی حال سینمای ایران خوب نیست اما حال سینمای کودک بسیار بد است. سینمای کودک نیاز به کمک سرآمدان و پیشکسوتان این عرصه دارد تا با هم اندیشی و طرح مسئله کمکی به بهبود این سینما شود. مسئولان و مدیران سینمایی به دلیل درگیری با ترافیک مشکلات گوناگون حواس شان به این سینما نباشد.

سپس ابراهیم فروزش، کارگردان فیلم معروف «کلید» عنوان کرد: در حال حاضر عامل بازدارنده ما در این عرصه، حمایت مالی و معنوی از سینمای کودک است. نیروهای معنوی و فعال ما در این زمینه زیادند و فعال عمل می کنند. سینمای کودک نیاز به حمایت ویژه مالی دارد، بخش خصوصی حق دارد برای فیلمی سرمایه‌گذاری کند که به بازگشت پولش امیدوار باشد اما همین بخش وقتی ضرر می کند به سراغ کارهای دیگر می‌رود.

چرخ زنگ زده سینمای کودک و نیاز به حمایت دولت

وی با تاکید بر حمایت‌های گذشته از سینمای کودک و نبود دغدغه برای بازگشت پول یادآور شد: در حال حاضر در موقعیتی هستیم که سینمای کودک از یاد رفته است و خانواده‌ها با دیده تحقیر به فیلم‌های کودک و نوجوان نگاه می کنند. برای اینکه این چرخ زنگ زده راه بیافتد دولت باید کمک کند، پول بگذارد، حمایت‌ها را تصویب کند و به این سینما رونق دهد چرا که بخش خصوصی هیچ یک از این حمایت‌ها را بدون منفعت خود در نظر نمی گیرد. بنابراین حمایت دولتی باید سالیان دراز ادامه داشته باشد تا فیلم‌هایی ساخته شود و مردم با این سینما آشتی کنند نه اینکه فیلم‌ها را در بخش مرده ضایع کنند. معتقدم دولت باید سینماهایی را برای کودکان بسازد و مردم آرام آرام متوجه این سینما شوند. بخش دیگر مربوط به تکنیک است که از آن بسیار عقب هستیم. ماهواره‌ها و فضاهای مجازی به پیشرفتی رسیده است که ما از ان عقب مانده‌ایم. باید ببینیم در دنیا چه می گذرد آیا بچه‌های ما رغبت می کنند فیلم‌های ما را ببینند؟

در ادامه وحید نیکخواه آزاد در پاسخ به ابراهیم فروش اظهار داشت: این چیزی که شما می گویید درست و صحیح است و خیلی‌ها به آن معتقد هستند اما نقطه نظر مقابلی وجود دارد که می گوید این بلاهایی که بر سر سینمای کودک آمده به خاطر حمایت دولت است. ما نمی توانیم بگوییم تمام این چرخه طبق نظر ما پیش برود در حالی که سینمای ایران درست یا غلط دارای مناسباتی است. امروز صاحب اختیار وجه اقتصادی سینما، سینمادار است، او تنها کسی است که خوب یا بد را مشخص کرده و در عمل نشان می‌دهد که چه چیزهایی باید ساخته شود. بازخوردها بر ادامه فیلم و رفتار فیلمساز تاثیر می گذارد. برخی معتقدند دهه ۶۰ دوران طلایی سینمای کودک است در حالی که در گذشته مواردی داشته‌ایم که فیلم بازخورد خوبی نداشته در شرایطی که به آن فیلم جوایز زیادی تعلق گرفته و سوبسیت‌های بسیاری نیز به آن اختصاص داده شده بود. سینمای کودک ما به دنبال آثاری همانند کلاه قرمزی و شهر موش‌ها است و از اکران آن حمایت می کند. عده‌ای می گویند سوبسیت‌های دولتی حاشیه امنی برای فیلمساز است و اشتیاق فیلمساز را بیشتر می کند.

اختصاص سوبسیت دولتی حاشیه امن ایجاد می کند

وی عنوان کرد: سینماداران از هر چیزی که با استقبال خوبی مواجه شود، حمایت می کنند بنابراین با سینمای کودک نه عقد و اخوت دارند و نه پدرکشتگی. اختصاص سوبسیت دولتی به سینمای کودک، حاشیه امنی را برای فیلمساز ایجاد می کند که فیلمساز دیگر به فکر بازگشت پول خود نیست.

سینما در دهه ۶۰ در نشاط اجتماعی تأثیر داشته است

جعفر گودرزی در این بخش گفت: می گویند دهه ۶۰ و دهه هفتاد اوج طلایی سینمای کودک بوده است که به مرور به وضعیت اسف باری رسید. باید عنوان کنم بعد از انقلاب و جنگ مسئولان ۲ رویکرد سینمای جنگ و کودک و نوجوان را پیگیری می کردند و تنها روزنه‌ای که می‌شد شادی را نشان داد از طریق سینمای کودک بود چرا که این سینما نقش تعیین کننده‌ای در نشاط اجتماعی داشته است و سینمای دفاع مقدس در مسیر دیگری حرکت کرد. در آن دوره مسئولانی که تعیین کننده بودند، بچه کوچک داشتند و سینمای کودک برایشان مهم بود ولی گویا با بزرگ شدن فرزندانشان یک مقدار رها شدند و دیگر این سینما

برایشـــان اهمیتی ندارد چرا که در آن سالها به این سینما اعتقاد جدی‌تری داشـــته‌اند. از سوی دیگر از دهه هفتاد به بعد فیلم‌های اجتماعی روی کار آمدند و سینمای کودک رها شـــد در واقع سینمای کودک در آن دوران عرصه‌ای برای تجربه بود و متاسفانه با وجود آثار خوب، فیلمسازان آن را رها کردند و رفتند. معتقدم فیلم‌هایی هم که ساخته می‌شود در همین مرحله مانده و به اکران نمی‌رسند.

تکرار ساخت فیلم‌های دهه ۶۰ مخالف هستم

سیدجواد هاشمی یادآور شد: مدت‌هاست زمانیکه همه درباره فیلم کودک صحبت می کنند از دهه ۶۰ مثال می‌زنند و فیلم‌هایی مثل «دزد عروسک‌ها » و «گلنار» را یادآوری می کننـــد در حالی که باید آن دوران را رها کرد. این چه مقایسه‌ای است؟ هرچند من آرزو داشـــتم «گلنار» را بســـازم ولی در دوران جدید اصلا نباید از آن فیلم‌ها ساخت. باید به دنبال فیلمـــی پاک و دلنشـــین بچه‌ها بود. مـــن می گویم باید دهه ۶۰ را فراموش کنیم چـــون بچه‌های الان با بچه‌های دهه ۶۰ تفاوت دارند و زمانه‌ای نیســـت که درباره آن حرف بزنیم بنابراین باید ببینیم چرا به سینما نمی‌روند؟

بنظرم فیلم کودک باید شتر، گاو، پلنگ باشد

من برای اینکه «تورنادو» و «پیشـــونی سفید» را بســـازم از ذهنیت خود فاصله گرفتم تـــا این فیلم‌ها حداقل پول خود را برگردانند هرچنـــد خیلی فیلم شاخی نشـــدند اما پول خود را برگرداندند. به نظرم فیلم کودک باید شـــتر، گاو، پلنگ باشد از همین رو فیلم من هم تلفیقی از فیلم کودک و بزرگسال بود.

در ســـینمای کودک باید به تغذیـــه فرهنگی هم توجه کنیم

فروزش در ادامه عنوان کرد: آقای نیکخواه همزمان با نشان دادن فیلم «کلاه قرمزی» و تبلیغات گسترده آن، فیلم «باشـــوغریبه‌ای کوچک» ساخته شد که بسیار مورد اســـتقبال قرار گرفت و پول خوبی از آن درآمد. فیلم «دونده» هم این رونـــد را طی کرد. ما باید به فکر رســـالت فرهنگی خود هم باشیم و باید ۲ وجه را در نظر گرفت یعنی هم بچه ســـرگرم شود و پولش را در بیاورد و هم- باید دنبال چیزی باشیم که هم چرخه تولید را راه بیانـــدازد و هم بچه‌ها را با این سینما آشـــتی دهد و هم بچه‌ها فیلم را دوست داشته و تغذیه فرهنگی شـــوند. ما باید مقداری هم آبروی خود را حفظ کنیم و تنها نباید به ســـرگرمی توجه کنیم.

در بخش دیگری از این نشســـت فروزش با انتقاد به نبود تهیـــه کننده خوب برای ســـاخت فیلم‌های کودک گفت: فرض کنید که من می‌خواهم یک فیلم خوب بســـازم حالا باید به کجا مراجعـــه کنم؟ کدام دفتر شخصی چنین فیلمی می‌سازد؟ پول و سرمایه کجاست که بتوان از آن استفاده کرد؟ ما شرایط لازم را نداریم چگونه باید فیلم بسازیم؟

به آینده سینمای کودک بسیار امیدوارم

نیکخواه آزاد در پاسخ به فروزش گفت: البته باید توجه داشت که شما اصلا فیلم‌هایی مانند «گلنار» و ... نمی‌ساختید. موضوع دیگری که می‌خواهم بگویم این اســـت که من در عین اینکه منتقد جدی برای مدیریت فرهنگی فعلی سینمای کودک هستم اما به آینده نزدیک سینمای کودک بسیار امیدوار هستم. جواد هاشـــمی ۶ تا فیلم ســـاخته با اینکه شهرتش مربوط به پیش از ورودش به ســـینمای کودک است یعنی اینکه از سر ناچاری وارد این عرصه نشده است و می‌توانست بر اســـاس تجربه خالق فیلم‌های دفاع مقدس باشـــد اما دغدغه کودک دارد که موفق هم شده است. غلامرضا موســـوی یکی از باهوش‌ترین و متبحرترین تهیه کنندگان است و جایی نمی‌خوابد که آب به زیرش رود. او امســـال یـــک فیلم کودک ساخته. امام (ره) بچه‌ای در حال گریه را در بغل آدم زشتی دید که ســـعی در ساکت کردنش داشت، امام به مرد گفت بچه را بگذار زمین تا ساکت شود چرا که تو را دیده و ترسیده است، خوشبختانه دولت سینما را زمین گذاشته اســـت پس مطمئن باشید سه سال دیگر اتفاقات بهتری در این زمینه می‌افتد.

فروزش توضیح داد: حرف‌های که شـــما می‌زنید بسیار امیدوارکننده اســـت اما باید دید در ادامه چه اتفاقی می‌افتد. خوشـــبین بودن به چند فیلم نمی‌تواند خیلی امیدوار کننده باشد.

نیکخواه آزاد ادامه داد: طی سه سال اخیر چند فیلم کودک اکران شده است که جریان جدیدی را نشان می‌دهد؟ این روند قطعا به روغن کاری و اصلاحات نیاز دارد.

سینمای کودک گم شده است

در بخش دیگـــر از این نشســـت کاپوزیا پرتوی افزود: من هماننـــد فروزش معتقدم کـــه باید از سینمای کودک حمایت شود چون ما گم شده‌ایم. حداقل‌تریـــن حمایـــت ما این اســـت که کودک یک سینما داشـــته باشـــد. در پردیس ایران مال ســـینمایی مختص به کودکان ایجاد شده است و پزش را به ما می‌دهند. در این ســـالن سعی شده شرایط خوبی برای مخاطب کودک فراهم شود. به نظرم کودکان حق دارند ســـینمایی داشته باشند این کار مصداق بارز حمایت از ســـینمای کودک است. «باشو غریبه‌ای کوچک» تماشاچی داشته است یا نه برای من بسیار دردآور است چرا که این فیلم باید برای سینمای آینده ما به یادگار بماند.

سینمای کودک نیازمند بودجه مصوب مجلس است

وی توضیح داد: چیزی با ان شـــاالله و ماشاالله درست نمی‌شود چهل سال می گذرد و در جلسات متعددی بوده‌ایم ولی کاری حل نشـــده. به نظرم نیازمند بودجه‌ای مصوب از مجلس هستیم. قدم اول این موضوع باید بر اســـاس مصوبه‌ای محکم برداشته شود و با نظر شورای مربوطه سپس این چرخه راه می‌افتاد به گونـــه‌ای که اصلا نیازی به حمایت نشود. در فسیتوال‌های دیگر به گروه سنی توجه بسیاری می کنند و بزرگسالان بر نوع فیلم‌ها و محتوای آن نظارت می کنند. مـــا باید فکری به حال این ســـینما بکنیم که تنها با مصوبه محکم امکانپذیر است.

ما کودکانمان را کوچک نگه داشته‌ایم

در ادامـــه پرتوی اظهـــار کرد: آیا مـــا مخاطب را تربیت کرده‌ایـــم؟ ما بچه‌هـــا گفته‌ایم که باید فیلم ببینند؟ ما مخاطب بـــه معنای واقعی نداریم و فرزندانمـــان را بـــرای ایـــن رویـــداد فرهنگی تربیت نکرده‌ایم. باید بـــه کودکانمان یاد بدهیم فیلم‌هایـــی مانند «باشـــو غریبـــه‌ای کوچک» را ببینند. فیلم‌هایی که ادبیات کودک دارند پشتوانه سینمای کودک ما هستند. ما کودکانمان را تربیت نکرده و آنها را کوچک نگه داشته‌ایم تا حدی که برای فهمانـــدن حرف‌ها و ارتباط بـــا آن باید خم شویم. بچه‌ها یاد نگرفته‌اند سر خود را بالا کنند و واکنش نشان دهند. خیلی از فیلم‌ها نظیر «باشو غریبه کوچک» و «دونده» فدا شـــدند و جایگاه خود را در ســـینمای ما پیـــدا نکرده‌اند. امیدوارم نیاز این موضوع احساس شود و مسیری در جهت تربیت فرزندان ما را در پی گیرد.

نتیجه غفلت از کودکان حضور ساسی مانکن‌ها در مدرسه‌ها است

نادره ترکمانی عنوان کرد: من به شدت معتقدم

دولت وظیفه دارد از سینمای کودک در حوزه مادی و فرهنگی حمایت کند. ۲۵ سال است که کودکان را رها کرده‌ایم و نتیجه این غفلت حضور ساسی مانکن و نمونه‌های نظیر آن است اما حالا دیگر جایی برای غفلت نیست. ۲۶ درصد جامعه ما کودکان و نوجوانان است که جمعیتی بالای ۱۶ میلیون را شامل می‌شود. متولی این جمعیت کیست؟ جز تلویزیون و سینما و آموزش و پرورش مسئول این اتفاق است؟ من مخالف سالهای طلایی دهه ۶۰ هستم. این دوران گذشت و تمام شد. اگر قرار باشد تا ۱۴۰۰ مدام این روند را تکرار کنیم به جای پیشرفت به عقب می‌رویم. باید این دهه را رها کرد چرا که مدل فکری این بچه‌ها فرق کرده و دیگر آن فیلم‌ها را دوست ندارند. در اصل ما نزول و سقوط سینمای کودک را درک نکرده‌ایم جریان فرهنگی برای کودکان توضیح داده نشده است و حوزه فرهنگ و شناخت مسائل نسبت به اطراف تعریف نشد و بچه‌ها را به حال خود رها کرده‌ایم. بارها تاکید کرده‌ام که فیلم‌هایی نظیر «رسوایی» فیلم خوبی نیست. بارها هشدار داده‌ام که از فیلم‌های خوب این ژانر توسط مدارس و آموزش و پرورش حمایت شود اما تنها فرآیند مدارس پرکردن سالن‌های نمایش خارج از توجه به موضوعیت و محتوای فیلم بوده است. برای مثال در همین تهران کودکانی وجود دارند که سالن سینما را از نزدیک ندیده‌اند. همه ما غفلت کرده‌ایم. آیا فیلم‌هایی که در حوزه کودک ساخته می‌شود را تلویزیون می‌خرد؟ آموزش و پرورش حمایت می‌کند؟ آیا شهرداری در جهت حمایت از آن بیلبوردهای تبلیغاتی خود را دراختیار این فیلم‌ها قرار می‌دهد؟ سینمای کودک یک سمتی نیست و دولت باید حمایت کند. عامل این غفلت‌ها هم سینماگران نیستند چون دغدغه کودک را به اندازه توان دارند و دولت هم مقصر است. این یک چرخه است و اگر قرار است این زنجیره به هم وصل نشود کاری از پیش نمی‌رود. در مواقع لزوم به جای حمایت از تولید ملی از فیلم‌های خارج از چارچوب استفاده شده و نسبت به فیلم‌های مناسب بی‌توجه شده‌اند. من همیشه منتقد آموزش و پرورش هستم که همیشه سکوت می‌کند علیرغم اینکه چهل و نهمین جشنواره فیلم رشد که به سینمای کودک اختصاص دارد و یک جشنواره قدیمی‌است ولی کاری نمی‌کند. آموزش و پرورش نتوانست عملکرد مثبتی را در حوزه کودکان و نوجوانان در برنامه خود قرار دهد و بعضا من دعا می‌کنم که کاش این سازمان نسبت به ژانر فرهنگی بی‌تفاوت بود چرا که با توجهات اشتباه به سینمای کودکان و نوجوانان ضربه زد. انگار که میل و رغبتی به این عرصه فرهنگی نداشته و آن را نقطه مقابل سیاست‌های خود می‌بیند.

هاشمی در این بخش گفت: شما درباره آموزش و پرورش اشتباه می‌کنید. این سازمان موافق این حرف شما است. من سی سال در آموزش و پرورش بوده‌ام و می‌دانم که آموزش و پرورش دست وزیر نیست بلکه دست هزاران مدیر مدرسه است.

در ادامه گودرزی توضیح داد: در حال حاضر سینمای کودک و نوجوان مانند طفل سر راهی و بچه طلاق است که کسی مسئولیت آن را قبول نمی‌کند و اگر قبولش داشتند قطعا اتفاقات خوبی می‌افتاد.

سپس ترکمانی اظهار کرد: اگر ما یک شورای عالی فرهنگی داشتیم قطعا سینمای کودک بخشی از آن بود و مراکزی که عنوان کودک و نوجوان را یدک می‌کشند باید به مصوبات مطرح شده در شورای عالی عمل کنند اما متاسفانه همه این مسئولیت‌ها را از دوش خود برداشته و بر گردن دیگری می‌اندازند. حتی جشنواره کودک و هر حوزه‌ای که به سینمای ما کمکی کند جزو تعهدات فرهنگی هر یک از ما است و من اولین کسی هستم که این مسئولیت را بر گردن خودم می‌دانم. در کشور ما همه چیز مدیرمحور است اگر اولویت مدیری سینمای کودک باشد پیشرفت می‌کنیم در غیر این صورت پسرفت در انتظار ماست.

وی در ادامه با اشاره به داوران کودک و نوجوان جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان توضیح داد: در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان داوران کودکی که به فیلم قطار آن شب رای دادند کاملا آموزش دیده بودند که باید همانند بزرگسالان فیلم را ببینند یعنی چه که می‌گویند شما کودک هستید در واقع این بچه‌ها در جشنواره شست و شوی مغزی شده بودند.

سپس هاشمی اظهار کرد: اصلا به این فکر نکنید که در کشور ما اتفاقات با طبقه بندی علمی و فرهنگی پیش بروند چرا که کشور ما در حوزه فرهنگ دست هزاران نفر اداره می‌شود و این خود سینما را تعطیل می‌کند. برخی به سلیقه خود کارها را انجام می‌دهند در این مملکت نمی‌شود حتی برای یک مدیر مدرسه تعیین تکلیف کرد که بچه‌ها را به سینما ببرند. نه فقط آموزش و پرورش بلکه در همه ارکان و همه تشکیلات قوانین به صورت خودسر انجام می‌شود. مدیران خود فیلم‌هایی را که می‌پسندند برای دانش آموزان تجویز می‌کنند پس سینمای کودک به معنای آنچه که برای اهالی فرهنگی پسندیده است پیش نمی‌رود.

حوزه هنری تنها جایی است که درد فرهنگی دارد

وی با اشاره به لزوم ساخت فیلم پاک گفت: همکاری با حوزه هنری به نفع فیلمسازان است و در کلیت تنها جایی است که درد فرهنگی‌اش بیشتر از بلیتی است که در گیشه‌هایش می‌فروشد اما در جزئیات مشکلاتی دارد. با اینکه سینمای آزادی موقع اکران فیلم به من ظلم کرده ولی معتقدم حمایت حوزه هنری به من کمک بسیاری کرده است. من با نیکخواه بسیار موافق هستم چرا که باید بچه را زمین گذاشت تا خودش آرام شود.ما چاره ای جز ساخت فیلم پاک نداریم فیلم من پاک بوده چرا که سه عنصر فرح و شادی، آموزش و تربیت را داشته است اما شما هم هر کاری انجام بدهید تا زمانی که پدر و مادر از فیلم خوشش نیاید از آن فیلم استقبال نمی‌شود. من خواهش می‌کنم درباره این حرف بزنیم که چه فیلمی بسازیم که بچه‌ها دوست داشته باشند در این صورت است که سینمادار، آموزش و پرورش و مدیر مدرسه از فیلم استقبال می‌کنند. فیلم «کلید» فروزش، کلید خیلی از قصه‌های تاریخ سینمای کودک بوده است بنابراین باید به متن فیلم‌ها توجه شود تا سینمای کودک رشد کند.

گودرزی عنوان کرد: من با نظر خانم ترکمانی کاملا موافق هستم و درست است که باید از سینمای کودک حمایت همه جانبه شود چرا که بخش خصوصی وارد این قضیه نمی‌شود. در دهه ۶۰ فیلم‌های کودک سرگروه داشتند و این موارد به سینمای کودک رونق می‌داد. سی و دو دوره جشنواره برگزار شده ولی کاش هر سال در کنار برگزاری جشنواره، یک سینمای کودک هم می‌ساختیم تا امروز، ۳۲ تا سینمای کودک داشته و برای اکران جر و بحث نمی‌داشتیم. من نمی‌دانم چرا فیلمسازان ما دچار پیچیدگی شده‌اند. از آن زمانی که سادگی و شیرینی را از سینمای کودک گرفتیم این اتفاقات برای سینمای کودک رخ داد چرا که بچه‌ها قادر به فهم مسائل پیچیده نیستند و باید با سادگی با آنها حرف زد تا هویت سینمای کودک بازگردد. به طور کلی معتقد هستم در سینمای خود به عرصه تولید محتوای ارزشمند نیازمندیم و این روش می‌تواند سینما را در مسیر اصلی خود قرار دهد. ضمن اینکه چرا از عنصر تخیل از فیلم‌هایمان استفاده نمی‌کنیم در حالی که کودکان ما به ان احتیاج داشته و می‌تواند راهگشا و ما را به این دنیا نزدیک کند. تا همخوانی مابین این عناصر ایجاد

نشود ما از کوکانمان عقب هستیم در حالیکه این قشر خود صاحب نظری در عرصه رسانه هستند.

ترکمانی بیان کرد: باید فیلمسازان به کودکان نزدیک شوند و ارتباطی تنگاتنگ ایجاد شود تا اتفاقات خوبی در این حوزه رخ دهد. فیلم کودک به فانتزی نیاز دارد.

هاشمی توضیح داد: ما دیکتاتوری اندیشه‌ها داریم. در شورای تخصصی فیلمنامه کودک فارابی گروهی هستند که می‌نشینند و اندیشه‌های فیلمنامه نویسان را دیکتاتوری می‌کنند و می‌گویند آنچه را که ما می‌خواهیم، را باید بسازید. این روال در سازمان سینمایی و دیگر ارگان‌های مربوطه ادامه دارد غافل از اینکه ما با این روش هرگز به مدینه فاضله نمی‌رسیم. اگر قرار باشد فیلم‌هایمان را دولتی بسازیم به سرنوشت ۵۳ فیلم مانده در کشوهای فارابی دچار می‌شویم چرا که دیکتاتوری ساخته و تولید می‌شوند و هرگز به هدف اصلی نخواهد رسید. من به آقای تابش پیشنهاد داده‌ام که شوراهای فارابی را برداشته و با حمایت از فیلمسازان مقبول به سیاست‌های فارابی، به تولید آثاری خارج از سیاست‌های دیکتاتوری بپردازد. این اعتماد لازم است تا فیلمی‌ساخته شود که مردم دوست دارند و آن را به سینماها می‌کشاند.

در ادامه این برنامه عشیری تاکید کرد: مشکل سینمای کودک را نباید بی نسبت با کلیت سینمای ایران دید. ما باید مخاطب سینمای ایران را نسبت به کل جمعیت بسنجیم و در سال ۹۸ با افت این میزان روبرو هستیم. اگر حتی ما با دهه ۶۰ این روند را مقایسه کنیم به طور وحشتناکی با ریزش مخاطب سرو کار داریم و این مشکل در سینمای غیرکودک هم وجود دارد. بحث دیگر تولید محتوا است که در سینمای کودک وجود ندارد. آمارها در سطح کمی بسیار امیدوار کننده است فقط موسسه بهمن سبز حوزه هنری ۳۱ فیلم در حوزه کودک در دو ساله اکران کرده که این نشان می‌دهد ما به لحاظ کمی می‌توانیم امیدوار باشیم. از زاویه دیگر متاسفانه بخشی از معضلات ناشی از این است که سینمای غیر کودک ما به دلیل ذائقه سازی غلط در مخاطب نوعی قهر و کدورت با سینما را به صورت فراگیر در خانواده‌ها ایجاد کرده و این دامن گیر سینمای کودک هم شده است.

وی افزود: با وجود حجم تولید بالا چه اتفاقی افتاده است که کودک قادر به ارتباط با فیلم‌ها نیست و دیگر نمی‌تواند نوستالژی‌هایی برای نسل کودک و نوجوان ما بسازند. فقدان ساختارهای محتوایی و فرهنگی در فیلم‌ها و عدم توجه به ذائقه مخاطب کودک امروز باعث شده است حتی تولیدات ما هم در بایگانی‌ها خاک بخورد یا نفروشد.

فروزش خاطرنشان کرد: منظور من از حمایت دولتی ادامه ایجاد شوراهای مختلف در حوزه سینما نیست که هر کدام بر اساس سلیقه‌ها، تفکرات، سیاست‌ها و غیره اظهار نظر می‌کنند. بلکه منظور بنده بودجه‌ای مشخص در این زمینه است. فیلمنامه‌ای تصویب می‌شود و به چرخه تولید می‌رسد اما با عوض شدن مدیر یک بخش فرهنگی سرنوشت ان تغییر می‌کند. همانطور که یک مدیر مدرسه تعیین می‌کند که چقدر از دانش آموزان مخاطب فیلم باشند یا نباشند. ما باید موانع سر راه حمایت از تولید و اکران فیلم‌ها را برداریم تا به آینده سینمای کودک امیدوار شویم.

سینمای کودک ما در مرحله زیرپله قرار دارد

نیکخواه آزاد توضیح داد: این خوب است که ما بتوانیم بودجه‌ای را از دولت بگیریم چرا که قرار است صرف فرهنگ کشور ما شود ولی به این امیدی نداشته باشید. هاشمی با ساخت « تورنادو» بر سینمای کشور تاثیر گذاشته است. سینمای کودک ما در مرحله زیرپله قرار دارد بنابراین باید چیزی برای ارائه داشته باشیم که امیدوار کننده باشد

پرتوی در ادامه یادآور شد: اقتباس نه تنها در سینمای کودک بلکه لازمه سینمای ما است ولی همیشه بد پیش رفته است. در این عرصه فقط سیما فیلم و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چند کتاب کودک را خریداری کرد و هیچ وقت قدم بزرگی برای ساخت آن بر نداشته‌اند. آیا این اقتباس‌ها پاسخگوی سینمای ایده آل ما هستند یا نه؟ ما در حال حاضر از این فضا دور بوده‌ایم و آثار اقتباسی خوب بسیار کم داریم. ما باید نویسنده فانتزی نویس و آشنا به کودک را تربیت کنیم که بتوان آنطور که باید برای ساخت فیلم‌های کودک اقدام کنیم. ما اقتباس خوبی نداریم.

فروزش یادآور شد: سینمای کودک نیاز به قدرتی دارد که پشت آن بایستد و جریان را به سمت و سوی مورد نظر هدایت کند.

نیکخواه آزاد توضیح داد: ما نباید احیای سینمای کودک را به ارگان‌های دولتی منوط کنیم چون جاهای دولتی به دنبال رزومه‌ای برای خود هستند. آنها نمی‌توانند با آثار کودک پز بدهند. این در حالی است که مسئولان عوض می‌شوند و اشکال اصلی تکیه به مسئولان دولتی همین است و هر کدام برای خود سازی می‌زنند. ما مرکز توسعه سینمای کودک و نوجوان را با این استدلال راه انداختیم یعنی به مدیران گفتیم که مدیران رفتنی هستند و ما ماندنی. راه ما از این حمایت دولتی و تعیین تکلیف جداست. ما فقط با ایستادن روی پای خودمان می‌توانیم به نتیجه برسیم.

ترکمانی ادامه داد: این نیست که مسئولان ما به دنبال حمایت نباشند، چرا که تلاش خود را در این زمینه کرده‌اند و برای نمونه می‌توان به تغییر شکل در شوراهای فارابی اشاره کرد. شکل و فرم از مدل تک نفره تغییر کرده است و فیلمنامه‌ها توسط اتاق فکر نوشته می‌شود که این گام خوبی است. اگر برای سینمای کودک سرتان درد می‌کند باید مطالبه گری صورت گیرد و این اقدام توسط سینماگران انجام شده است. معتقدم شرایط کلی سینما مشکل دارد و مسئولان فرهنگی دیگر هم در این زمینه مقصرند که باید پا بیش بگذارند. چرا حوزه هنری وارد جریان تولید نمی‌شود؟

هاشمی‌نیز تاکید کرد: معتقدم حوزه هنری باید در حیطه اکران وارد میدان حمایتی شود که اتفاقا شده و عمل‌کردی چشمگیری داشته است.

عشیری در خصوص وظیفه ارگان‌ها و مراکز در حمایت از سینما گفت: برخی مراکز در کشور ازجمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان- فارابی- آموزش و پرورش و ... ماموریت دارند. فارابی وظیفه تخصیص بودجه و حمایت از فیلم‌ها را برعهده دارد و در کنار آن حوزه هنری وظیفه حمایت از اکران را. این در حالی است که حوزه هنری در کنار تولید فیلم و ساخت آثاری چون «بیست و یک روز بعد» و «لوپتو» در حوزه کودک و نوجوان، طی دو سال اخیر بیش از ۳۱ فیلم مربوط به سینمای کودک را اکران کرده و پخش ۱۳ فیلم در این ژانر بر عهده داشته است. به دلیل اهمت کودکان و نوجوانان، مرکزی به نام حوزه هنری کودکان و نوجوانان ایجاد شده که راهبردهایی در این زمینه دارد. در مرحله اکران فیلم‌ها توجه و حواس فیلمسازان به حوزه هنری است چرا که مسئولیت آن حمایت از سینمای خانواده است و در این زمینه کارنامه موفق‌تری دارد.

ادبیات کودک و نوجوان ما چه چیزهایی را ندارد؟

منوچهر اکبرلو

نگاهی گذرا به مقولـــه ادبیات کـــودک و نوجوان بیندازیم و ببینیم ما چه چیزهایـــی در این ژانر ادبی کم داریم ؟!

منوچهر اکبرلو: ادبیات کودک ونوجوان ما از دنیای کودکان ونوجوانان دور است. به استثناها کاری نداریم. اما کلیت آن به دلایل درون متنـــی و برون متنی، از دنیای بچه‌ها دور اســـت. و این همان چیزی است که ادبیات مطرح دنیا از آن سرشار است. همان‌ها که بازار کتاب ما را پُر و فریادِ داستان نویسان ما را به هوا بلند کرده‌اند.

بنابراین برای جستجوی کمبودهای ادبیات کودک ونوجوان ایرانی باید ببینیم بچه‌ها در دنیای شان چه دارند.

بچه‌ها دوست ندارند که ما از مهربانی‌های روستایی که در کودکی‌مان زندگی کرده‌ایم برای شـــان قصه بسازیم. آن‌ها در شهر بزرگ شده‌اند و اهل شهر بازی و کامپیوترند. بنابر این اگر داستان را به روستا می‌بریم، بون نان تازه و هوای پاک، توجه شان را جلب نمی کند. آن‌ها بیشتر مشتاقند از شـــیطنت‌ها بدانند. از درخت بالا رفتن‌ها، گم شـــدن در جنگل‌ها، سر زدن به لانه گنجشـــک‌ها، یافتن یک بچه روباه که مادرش را گم کرده و... .

بچه‌ها از صبح تا شـــام، از پدر و مادر گرفته تا معلم و مربی و ناظـــم و مجریان تلویزیونـــی و کارتون‌های ایرانی،نصیحت می‌شوند. این‌ها برای شان کافی است. دیگر نمی‌خواهند در داستان حرف‌های این چنینی بخوانند. داستان نویســـان ما هم باید «تعهد» را، هم معنی «پند گفتن» نگیرند.

بچه‌های ما، مثل همه بچه‌هـــای دنیا، می‌خواهند بچه‌هایی از جنس خودشـــان در داســـتان‌ها بیابند. بچه‌هایی که یواشـــکی به ســـراغ مربّـــا می‌روند. از دارومتنفرند، از آمپول می‌ترســـند، ســـه بار مسواک زدن در روز را نمی‌فهمند،حتی اگر درس خوانند، بازی را ترجیح می‌دهند، از شاگرد اول‌ها بدشان می‌آید و نمی‌توانند تصور کنند که بچه‌ای چیزی را به تعطیل شدن مدرســـه ترجیح دهد. آن‌ها (حتی با ادب‌های شـــان) دوســـت دارند ادای معلم شـــان را در آورند، شلوغ بازی در آورند و علاقه نداشته باشند که «بزرگ شـــوند». همان آرزوی بزرگ‌ترها. همان که همواره با خود یـــک عالمه تعهد می‌آورد. آنهـــا نمی‌خواهند بپذیرند که چیپس و پاســـتیل بد است و آش شلغم دارای فهرست کاملی از مواد مغذی و ویتامین‌هاست.

بچه‌های مـــا، می‌خواهنـــد درباره کســـانی چون «رامونا» و «هنـــری زلزله» و «گـــودون» و «نیکولا کوچولو» بخوانند.

بورلی کلی یری، فانی جولی و رولد دال و آســـترید لیندگرن وسامپه و گوســـینی، برای همین، خواننده دارند.

بچه ها دوســـت دارند پندها را هم با خوشـــمزگی بشـــنوند و مهارت‌هـــای اجتماعـــی را در لابه لای شـــیطنت‌ها بیاموزند. بنابر این نوشـــته‌های «برایان موزس» را می‌خوانند اما ادبیـــات تعلیمی ما را نگاه هم نمی‌کنند.

نوجوان‌ها دوســـت دارند به جای این که بشـــنوند جاهای ناشـــناخته چه خطراتی دارند، از «سرزمین اشباحپ» ســـر در بیاورند و داســـتان‌هایی بخوانند که «مورمور» بشـــوند. برای همین پـــول می‌دهند و کتاب‌های «دارن شان» و «ال استاین» و «رولینگ» را می‌خوانند.

خلاصه کنـــم: ادبیات کودک و نوجـــوان ما، دنیای کودکی و نوجوانی را کم دارد!

سینما؛ گفتمان فرهنگی

سازمان سینمایی حوزه هنری به منظور بسترسازی برای کندو کاو پیرامون مهم ترین و چالش برانگیزترین مباحث و موضوعات سینمایی کشور سلسله نشست هایی را با عنوان «سینما؛ گفتمان فرهنگی» طراحی کرده که با حضور صاحب نظران، متخصصان و سینماگران و با هدف دستیابی به افق های روشن تر در زمینه ضرورت ها و نیازهای سینمای صورت می گیرد. این برنامه به همت روابط عمومی و محافل سازمان انجام می شود.

تاکنون، هیجده نشست گفتمانی و تحلیلی با حضور: ۱۰۰ مدیر فرهنگی، پژوهشگر، فیلمساز و منتقد سینما طی سال گذشته از شهریور ۹۷ تا شهریور ۹۸ برگزار شد. موضوع «تحلیل خانواده در سینمای ایران»، «بررسی سینمای مستند»، «تحلیل خط و مشی های فرهنگی و رسانه ای کشور»، «ظرفیت شناسی مخاطب در سینمای ایران»، اسیب شناسی سینمای دفاع مقدس با عنوان «سینما و دفاع مقدس»، «بررسی جایگاه حوزه هنری در سینمای ایران» جشنواره فیلم فجر؛ فرصت ها و چالش ها»، از جمله محورهایی بوده که در این نشست ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین، «ارزیابی پخش بین الملل سینمای ایران»، «جوان گرایی در سینما»، «چالش نظارت در سینمای ایران»، «بررسی زبان فارسی در تولیدات سینما و تلویزیون»، «سینما و دیپلماسی فرهنگی»، « سینمای کودک و ترسیم افق های پیشرو» ، «چالش سینمای دفاع مقدس» از دیگر موضوعاتی عنوان کرد که در این نشست ها بررسی شده است.

اولین نشســـت ســـینما؛ گفتمان فرهنگی با موضوع «تحلیـــل خانواده در سینمای ایران» بخش اول با حضور: دکتر سیما فردوسی، جبار آذین، دکتر عبدالله بیچرانلو، دکتر عصمت سوادی.

دومین نشســـت ســـینما؛ گفتمان فرهنگی با موضوع « تحلیل خانواده در سینمای ایران» بخش دوم با حضور: دکتر طاهره همیز، دکترمینو اصلانی، دکتر بیابانی، دکترعلی محمدی، دکتر میرشفیعیان

سومین نشست ســـینما؛ گفتمان فرهنگی با محوریت « بررسی سینمای مستند» با حضور: لقمان خالدی، مهدی فارسی و محسن یزدی

چهارمین نشست سینما؛ گفتمان فرهنگی با موضوع: «تحلیل خط و مشی های فرهنگی و رسانه ای کشـــور» با حضور محمدحسین صفار هرندی، و دکتر نجف نژاد در سالن امیرحسین فردی

نشست سینما؛ گفتمان فرهنگی با موضوع: «ظرفیت شناسی مخاطب در سینمای ایران» با حضور: علی سرتیپی، کاظم راستگفتار، منصور لشگری قوچانی، منصور سهراب پور در سالن کنفرانس ســـازمان سینمایی حوزه هنری

پنجمین برنامه نشست سینما؛ گفتمان فرهنگی با موضوع: اسیب شناسی سینمای دفاع مقدس با عنوان « ســـینما و دفاع مقدس» با حضور: حجت الاسلام فخرزاده، سیدناصر هاشـــم زاده، محمدتقی فهیم، جواد اردکانی، ناصر درخشان، کامران ملکی، محمد دیندار و دکتر محمود کریمی و مهدی یمینی و ...

ششمین برنامه «بررســـی جایگاه حوزه هنری در ســـینمای ایران» با هم فکری: رسول صدرعاملی، حبیب اسماعیلی، سیدجواد هاشمی، محمدرضا فرجی، محمد قاصد اشرفی، محسن علی اکبری، سیدهادی منبتی، جواد نوروزبیگی، جمال شورجه

هفتمین برنامه « ســـینما؛ گفتمان فرهنگی» با موضوع «تجزیه و تحلیل پخش بین الملل سینمای ایران» با حضور: محمد اطبایی، شیرین نادری و مریم نقیبی در سالن کنفرانس سازمان سینمایی حوزه هنری

نشست های هشتم، نهم و دهم «ســـینما؛ گفتمان فرهنگی» با موضوع « جشنواره فیلم فجر؛ فرصت ها و چالش ها»
این محور در قالب سه نشســـت متوالی با حضور صاحب نظران و منتقدان مورد بررسی قرار گرفت:
نشست اول: با حضور: بهروز افخمی، سعید مستغاثی، شاهین امین، محمود گبرلو، محمدتقی فهیم، و مهدی شیخ صراف
نشست دوم: با حضور: محمدرضا شرف الدین، حمید بهمنی، علی روئین تن، رضا اورنگ، ایزد مهر آفرین،
نشست سوم با حضور: کیوان امجدیان، حمید محمدی، فرانک ارتا، مرتضی رنجبران،

یازدهمین نشست ســـینما؛ گفتمان فرهنگی با حضور مدیران سینمایی ارشـــاد و حوزه هنری صورت گرفت . این نشست با محوریت « هم اندیشی و هم افزایی برای سینما» با حضور: محســـن مومنی شریف، محمدمهدی حیدریان ، محمد حمزه زاده، حبیب ایل بیگی، ابراهیم داروغه زاده، محمود اربابی، محمود کاظمی، محسن یزدی، یزدان عشیری، محمدرضا رضاپور، ســـعید خندق ابادی، مریم نقیبی، ســـهیل جهان بیگلـــری رییس هیات مدیره موسسه بهمن ســـبز، علی قربانی معاون اجرایی سازمان سینمایی حوزه هنری، مسعود نجفی مدیرروابط عمومی سازمان سینمایی، احسان کریمخانی مشاور فن آوری‌های نوین سینمایی حوزه، جعفرحسنی مدیر امور استان‌های سوره برپا شد.

دوازدهمین نشســـت تحلیلی «جوان گرایی در ســـینما» با حضور: مرجان اشرفی‌زاده، بهروز نورانی‌پور، تورج اصلانی، مرتضی علی عباس‌میرزایی و کاوه سجادی‌حسینی و یزدان عشـــیری در سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.

سیزدهمین نشست تحلیلی «چالش نظارت در سینمای ایران» با حضور: محمدعلی حسین نژاد عضو شـــورای پروانه نمایش و عضو شورای علمی مدرسه ملی ســـینمای ایران، امیر حسین شـــریفی تهیه کننده سینما و تلویزیون و عضو هیات مدیره انجمن تهیه کنندگان مستقل سینمای ایران، محمد تقی فهیم منتقد و تحلیل گر حـــوزه فرهنگ، علی قائم مقامی تهیه کننده و عضو هیات مدیره خانه ســـینما، رضا اورنگ نویسنده و کارشناس سینما، سیدمحمد حسینی نویسنده و مدیر مرکز تولید متن حوزه هنری و یزدان عشیری مدیر روابط عمومی و محافل سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.

چهاردهمین نشست تحلیلی «سینما؛ گفتمان فرهنگی» با موضوع «بررسی زبان فارســـی در تولیدات ســـینما و تلویزیون» با حضور: علیرضا رئیسیان کارگردان، مهدی ســـجاده‌چی فیلم‌نامه نویس، دکتر مهدی صالحی دبیر انجمن فرهنگی آموزشـــی ویرایش و درست‌نویسی، کورش علیانی دانش آموخته زبان شناســـی، دکتر حســـن نورانی استاد دانشـــگاه، ناصر فیض نویسنده، شـــاعر و مســـئول دفتر طنز حوزه هنری، عباس کریمی‌عباسی کارشناس ادبیات و سینما و یزدان عشیری در سازمان سینمایی حوزه هنری در حوزه هنری برگزار شد.

شانزدهمین نشســـت تحلیلی برنامه «سینما؛ گفتمان فرهنگی»با موضوع «سینما و دیپلماســـی فرهنگی » با حضور: دکتر ابراهیم فیاض نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه تهران محمدرضا شرف‌الدین تهیه کننده سینما، امیررضا مافی منتقد سینما، امیر اسفندیاری کارشناس سینمای بین‌الملل، سیدمحمد حسینی و یزدان عشـــیری از منتقدان و کارشناسان سینما در سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.

هفدهمین نشست تحلیلی «سینما، گفتمان فرهنگی» با موضوع « سینمای کودک و ترسیم افق‌های پیشرو»روز سه شنبه (۱۲ شهریور۹۸) در سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد. این نشســـت با حضور: ابراهیم فروزش، کامبوزیا پرتوی، وحید نیکخـــواه آزاد، نادره ترکمانـــی، جعفر گودرزی و سیدجواد هاشمی صورت گرفت.

هیجدهمین برنامه «سینما؛ گفتمان فرهنگی» با محوریت «چالش سینمای دفاع مقدس» به بمناســـبت هفته دفاع مقدس با حضور: مهدی جعفری، محسن علی اکبری، مریم دوستی، حسین قاسمی جامی، رضا ایرانمنش و مهدی عظیمی سه شنبه ۱۳۹۸/۷/۲از ساعت ۱۴ تا ۱۷ در سالن کنفرانس سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار می شود.

فرهنگ عامیانه کودک و نوجوان را دریابیم

مریم اکبرلو

در این نوشـــتار برآنیم کـــه بحث کوتاهـــی در باب زمینه‌های فولکور و فرهنگ عامیانه در ادبیات کودک و نوجوان و پتانسیل‌های اجرایی آن برای هنر صنعت سینما داشته باشیم.

حالا که این دوره از جشـــنواره فیلم کودک و نوجوان هم به اتمام رســـید و به خوبی و خوشی گنجینه یک ســـال آینده ســـینمای مظلوم و تنهـــای کودک هم تامین شـــد خوب اســـت نگاهی کمی ریشه‌ای‌تر به کمبودهای مضمونی این سینما بیندازیم. سینمایی که روی نسل آینده سرمایه گذاری می‌کند و به لحاظ ایدئولوژیک مهم ترین بخش از بدنه سینماســـت. در این نوشتار برآنیم که بحث کوتاهی در باب زمینه‌های فولکور و فرهنگ عامیانه در ادبیات کودک و نوجوان و پتانســـیل‌های اجرایی آن برای هنر صنعت سینما داشته باشیم.

در ابتدا باید بگوییم که دوران ما برای تمام شاخه‌های فولکلور دورانی بسیار حساس است نه تنها داستان‌ها بلکه ترانه‌ها، آهنگ‌ها، آوازها، لهجه‌ها، آداب و رسوم محلی در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. موسیقی،رادیو و تلویزیون و لهجه گوینده آنها که در بسیاری از نقاط کشور دیده و شنیده می‌شود. تلویزیون که در سراسر کشور پخش می‌شود موجب شـــده است که مردم از آن تقلید کنند و لهجه‌ها و آهنگ‌ها و آوازها و آداب و رسوم خویشتن را به دست فراموشی بسپارند و دشوار است که اهمیت این میراث‌ها را به تمام مردم شهرها و روســـتاهای ایران گوشـــزد کرد و آنها را به حفظ و نگهداری آن ملزم ساخت. اینها منابع بسیار با ارزش برای تحقیق در زندگانی گذشته این ملت و آشنایی با دقایق خصوصیات و صفات مردم این سرزمین است. ما نمی‌دانیم و نباید این گنجینه را رایگان از دست بدهیم و امروز که وضع زندگی و سیر تکاملی آن موجب شده است که این میراث‌های معنوی و فرهنگی را از زبان مردم بیندازیم و از نوع حافظه آنها زدوده شود باید آنها را در صفحات کاغذ یا نوارهای ضبط صوت و وســـایل ثبت و ضبط برای اســـتفاده از اهل تحقیق نگاهداری کرد.

به هر حال فعلاً در باب قصه‌های شفاهی همین قدر می‌توان گفت که لازم ترین کار ثبت آنهاست در باب کیفیت و بد و خوب و زشت و زیبای آن‌ها و نحوه برگزیدن و تهذیب و حـــک و اصلاح شـــان فقط موقعی می‌توان ســـخن گفت کـــه مجموعه قابـــل توجهـــی از آنهـــا در اختیـــار صاحب نظـــران قرار گیرد البته کارهایی که از سوی اهل فرهنگ در این زمینه صورت گرفته است لاکن حجم آثار منتشـــر شد شـــده در قیاس با آثار موجود اصلاً قابل قیاس نیست.

اکنون بحث دیگری را مطرح می‌کنیم از این کتاب‌ها و قصه‌ها و منابع داســـتانی چگونه باید برای کودکان استفاده کرد؟ هر داســـتانی یک قالب و صورت دارد و یک محتوا و معنی گفت‌وگو درباره نحوه استفاده از داستان‌ها را هم باید دو قسمت کنیم در قسمت اول از لفظ از صورت از انشا و طرز نگارش داستان کودکان سخن بگوییم و قسمت دوم را به معنی معانی مناسب برای داستان‌های کودکان و مضمون‌هایی که ملایم طبع و موافق ذوق و مطابق مساله آموزشی و تربیتی آنها باشد اختصاص دهیم. طبیعی است که در قسمت لفظ باید نگارش این داســـتان‌ها را بـــا زبان کودک و اطلاعات و معلومات منطبق کنیم. وقتی می‌خواهیم برای کودک قصه بنویسیم باید زبان کودکی بگشاییم باید به زبان کودک بنویســـیم اما زبـــان کودک چه خصوصیاتی دارد؟ آیا همه می‌توانند زبان کودکان را بدانند و بفهمند و مهمتـــر از همه در عین اینکه خود دوران کودکی را پشت سر گذاشته‌اند به زبان کودکان بنویسند؟ چنانکه گویی داستان از قلم کودکی تراوش کرده است گمان می‌رود که این کار چندان آسان باشد و سخن گفتن به زبان کودکان بی‌تمرین و ممارست و تخصص و کســـب معلومات خـــاص از هر کس که می‌تواند جمله چند بپردازد و بنویســـد ساخته باشد. امروزه با موازین دقیق علمی می‌توانند میزان معلومات و اطلاعات کودکان را تعیین کنند با وســـایل تحقیق و آمارها و جدول‌ها می‌توان تعـــداد وقت‌هایی را که کودک در هر مرحله از سنین زندگانی خود آموخته است تعیین کرد می‌توان دانست که بچه در هر سال در دبستان چند وقت و چه وقت‌هایی را می‌آموزد و با چه نوع جمله‌هایی آشنا می‌شود.

از میان معانی گوناگون و صحنه‌های مختلفی که در داستان‌ها و منابع ادبی ترسیم شده است که معانی و مضامین را باید برگزید که حداکثر فایده را برای کودک داشته باشد و کاملا میزان باشد یا حداقل حداقل زیان را داشته باشد علامت سوال به عوام را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم یک دسته داستان‌های عوامانه‌ای اســـت که انتشـــار یافته و یا به صورت نسخه خطی در یکی از کتابخانه‌ها محفوظ اســـت و دســـته دیگر داستان‌هایی هستند که هنوز روی کاغذ نیامده‌اند و سینه به سینه و دهان به دهان نقل می‌شوند و راوی آنها نیز غالباً زنان (مخصوصا پیرزنان) خانواده هستند. در میان داســـتان‌های عوام از کتاب‌های بزرگ بیش از چند برابر شاهنامه با کتاب‌های خیلی کوچک که بیش از چند صفحه نیست (مانند خاله سوسکه و آقا موشه، نارنج و ترنج، ســـنگ تراش، موش و گربه، ســـلطان جمجمه، جام قلیان والدین و کتاب‌های کمی بـــزرگ تر مانند قاضی و چهار درویش، سلیم جواهری، چهل طوطی و غیره) وجود دارد موضوع‌های آنها هم بســـیار گوناگون و متعدد اســـت که معروفترین آنها امیر ارسلان، رستم نامه، حسین کرد و اسکندرنامه، رموز حمزه خاورنامه و ملک بهمن و غیره هستند بسیاری از این داستان‌ها در ستایش نامیرایی دین و راستی و جوانمردی است نویسندگان ابومســـلم نامه و سمک عیار و داراب نامه از جوانمـــردی و رازداری و مظلوم نـــوازی و مبارزه با ظالمان و پایبند بودن به عهد و پیمان و راستگویی و خلاصه آن که نام آن را جوانمردی می‌توان نهاد دفاع می‌کنند. آن را مورد ستایش قرار می‌دهند قهرمانان تمام داستان‌های عوامانه درست شجاع راستگویی با ایمان از خود گذشته دلیر و عاری از تقلب و تزویراند حتی دزدان و یاران در کار خویش جوانمرد و با گذشت و بزرگواری‌اند یک قسمت دیگر از داستان‌هایی که به غیر کتابت در نیامده یا کمتر در آمده همه ســـینه به سینه و به طور شفاهی انتقال می‌یابد اگر چه بعضی از این داستان سرایان زنان کهنسال خانواده‌ها و مادران و مادربزرگ آن به اقتضای شعور ذاتی و حسن سلیقه و ذوق و قریحه خویش در آنها تصرف‌هایی کرده و نکاتی را که به نظرشان برای کودک مناسب نمی‌آمده تغییر داده‌اند اما این کار به ندرت اتفاق می‌افتاده و بیشـــتر اینگونه داســـتان‌ها به همان صورت و حتی با همان الفاظ و عبارات که از دها بلکه صدها ســـال پیش نقل شده است برای کودکان خوانده می‌شود.

خلاصه آنکـــه در عصر ما یک آفت بســـیار بزرگ نیز در کمین این داســـتان‌ها است و اگر نســـبت به آن اقدامی فوری نشود این آفت آنها را به سرعت منهدم خواهد کرد و نام و نشـــان و آنها را از بین خواهد برد به هر حال در عصر ما وســـایل تنوع فـــراوان یافته و سرگرمی‌های گوناگون ابداع شده است. سینما، رادیو، تلویزیون، بازی‌های کامپیوتری و سرگرمی‌های دیگر موجب شده است که کم‌کم بازار این قصه‌ها خواسته داستان‌هایی که هنگام خفتن کودکان از دهان زنان قصه‌گو شنیده شـــد روز به روز بی رونق تر شود این امانت فرهنگی گرانبها که قرن‌ها دهان به دهان و سینه به سینه از مادر به فرزند انتقال یافته است ممکن است به علت ترقی تکنیک و ابداع وسایل تازه تفریح کاملاً از میان برود نخستین اقدام برای جلوگیری از انهدام این قصه‌ها ثبت و انتشار دادن آنهاست باید توجه داشت که با از دست دادن آنها قسمتی از کارنامه حیات اجتماعی و آداب و رسوم ملی خود را از دست داده‌ایم و اکنون ارزیابی این قصه‌ها و تمیز بدنی که زشـــت و زیبا آنها مقدور نیست. چیزی را که هنوز نمی‌دانیم چیست و چه اندازه اســـت و آن را مطالعه نکرده‌ایم نمی‌توانیم ارزیابی کنیم اما همین قدر می‌توانیم بگوییم که اگر رنج ثبت و ضبط صدها قصه‌ها بـــر خود هموار کنیم برای آنکه یک داستان با ارزش و اصیل را از خطر زوال رهایی دهیم سعی ما مفید بوده است.

درخشنده:

سینمای کودک همواره مظلوم

به مناسبت برگزاری سومین المپیاد فیلم‌سازی در اصفهان و حضور پوران درخشنده در حوزه هنری به عنوان کارشناس، گفت‌وگویی صورت گرفت که در زیر می‌خوانید.

وجود این المپیادها تا چه حد می‌تواند به استعدادیابی بچه‌هایی که دوست دارند وارد سینما شوند کمک کند؟

فرصتی که ایجاد شده است در نوع خودش خوب است، بچه‌ها می‌توانند با استادانی که در شهرشان هستند، آشنا شده و ایده‌هایی را که در ذهن دارند با آن‌ها در میان بگذارند. با این تفاسیر ما می‌توانیم ایده‌های خوب را به طرحی قابل دفاع برسانیم و این اتفاق خوبی است. حلقه مفقوده ما در سینمای کودک، نبود خلاقیت در بیشتر فیلم‌ها است. با وجود چنین المپیادهایی بچه‌ها به شناختی از توانمندی‌های خودشان و خلاقیت‌هایی که شناخته نشده دست می‌یابند. به نظر من بچه‌ها باید رویاپردازی کنند و پروانه‌های خیالشان را پرواز دهند. متاسفانه سینمای کودک همواره مظلوم بوده و چندان به آن اهمیت داده نشده است.

با توجه به این المپیاد چقدر می‌توان به شکوفایی ایده‌ها کمک کرد؟

کسانی که در این المپیاد شرکت کرده‌اند، بعد از اینکه در گروه‌های مختلف دسته‌بندی شدند، با کمک اساتید، اصلاحات ساختاری و کیفی بر ایده آن‌ها اعمال شده و از ایده و اجرای آن‌ها استفاده می‌شود. اضافه شدن بخش ایده به سومین المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان کشور، فرصت طرح فیلم‌نامه برای نوجوانان را به وجود می‌آورد و آن‌ها را به مسیر درستی هدایت می‌کند، البته نباید حمایت‌هایمان در حد این چند روز باشد و باید ادامه داشته باشد.

به نظر شما چرا فیلم‌سازان به سمت ساخت فیلم در سینمای کودک نمی‌روند؟

سینمای کودک همیشه مظلوم بوده و این موضوع شامل اکران هم شده است، فیلم کودک ستاره ندارد و بازیگران اصلی آن خود بچه‌ها هستند که بقیه باید به خاطر آن‌ها بیایند. دوم اینکه سینما هم در اختیار این نوع فیلم‌ها قرار نمی‌گیرد.

در سینمای کودک و نوجوان محدودیت‌های بسیاری وجود دارد، گاهی سینمای ایران اجازه پرداخت به این موضوعات را نمی‌دهد. شما چطور می‌توانید به قول معروف این محدودیت‌ها را دور بزنید و آنچه که تابو است را به شکل واضح و شفاف به روی پرده بیاورید؟

درست است، این تابوها وجود دارد، اما مهم این است که چطور این مسائل به تصویر درآورده شود تا جلو آن گرفته نشود و کمتر چاقوی سانسور بر گلوی آن بنشیند. به هر حال اگر دغدغه من این است که این مسائل را بگویم باید راهی برای گفتنش پیدا کنم. با توجه به اینکه ممکن است با محدودیت‌هایی روبه‌رو باشم و با ممیزی‌هایی مواجه شوم، ولی به هر حال آن‌هایی که دغدغه دارند بالاخره تلاششان را می‌کنند و به نتیجه می‌رسند. ما باید چند مورد را در نظر بگیریم؛ اینکه یک بخش خود مردم هستند که گاهی قرار است چیزی را ببینند که حتی برای خودشان هم واگو نکرده‌اند، پس این مسئله مسئولیت کارگردان را چند برابر می کند؛ اینکه آستانه تحمل تماشاگر را ببیند و با زبان زیبایی مسئله را مطرح کند. به هر حال هر تصویری را نمی‌شود منعکس کرد، اما می‌شود با ابزارهایی که در سینما وجود دارد حرف زد. به عنوان مثال با فولو کردن صحنه‌ای که نمی‌توان آن را شفاف نشان داد یا با ری‌اکشن‌هایی که خیلی قوی‌تر از تصویر می‌تواند منظور را برساند.

در این زمینه من خودم به شخصه بارها و بارها آنچه را که می‌خواهم در فیلم‌هایم نشان داده شود می‌نویسم تا بتوانم به چیزی برسم که تاثیرگذار باشد و تصویر مگویی را بگویم که پس از اینکه مخاطب آن را می‌بیند به من بگوید شما محرم ما شدید. فیلم‌سازی از نظر من خیلی مقدس است و احترام به مخاطب باید در درجه اول قرار گیرد، به این خاطر که ما با تنها یک طیف مخاطب روبه‌رو نیستیم. در فیلم «هیس، دخترها فریاد نمی‌زنند» من با مخاطبان بسیاری روبه‌رو بودم، کسانی که می‌گفتند اصلا نباید این موضوع مطرح شود، کسانی که حتی دخترانشان را با خودشان برای دیدن فیلم نیاوردند، به این خاطر که هنوز در مورد این مسائل با او حرف نزده بودند و کسانی که بازتر فکر می‌کردند. خوشحالم که در این فیلم خیلی از صحنه‌ها را کم کردم چون نمی‌خواستم از هیچ سمتی عکس‌العمل‌ها شدید باشد و نام تمام این ظرایف را می‌توانم عاشقی بگذارم. این‌ها بایدها و نبایدهایی است که هر فیلم‌ساز باید انتخاب کند و به ما به ازای هر تصویری که در ذهن دارد یک المان داشته باشد. به عنوان مثال برای نشان دادن صحنه تعرض به دختر من تنها ۲۴ فریم را که یک ثانیه شد گرفتم؛ شادی که تبدیل به یک غم بزرگ می‌شود، بدون اینکه صورت مسئله را پاک کنم به شکل دیگری این موضوع سیاه و تاریک را تصویر کردم، معصومیتی را نشان دادم که به تاراج می‌رود و ما به ازای آن را نشان دادم.

با توجه به اینکه در اصفهان حضور پیدا کرده‌اید، آیا اصفهان با وجود پتانسیل‌های بالقوه‌ای که دارد می‌تواند میزبان خوبی برای جشنواره کودک باشد و به آنچه که هدف شما است برسیم؟

با حضورم در این چند روز در حوزه هنری اصفهان دریافتم که اصفهان تلاش خود را می‌کند که میزبان خوبی برای جشنواره باشد و به دلیل اینکه نگاه تمام کودکان ایران به جشنواره فیلم کودک و نوجوان است، اصفهان باید این فرصت را بزرگ‌تر کند و گسترش دهد، ما استعدادهای غنی و خوبی در این شهر داریم و باید این پتانسیل‌های بالقوه را بالفعل کنیم.

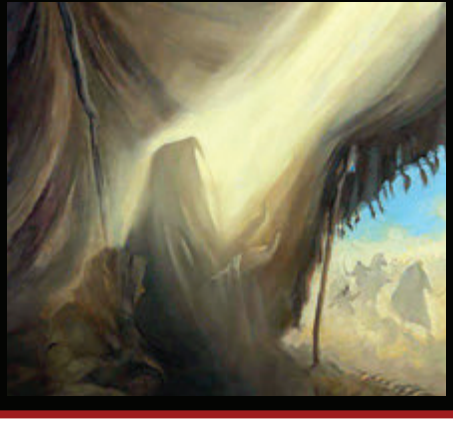

سازمان سینمایی حوزه هنری و همه تولیدات عاشورایی

مستندهای «کربلا جغرافیای یک تاریخ»، «راه دل»، «آسمان حسینی»، «معبر»، نماهنگ «چای روضه»، «کاسه نذری»، «شام هیئت»، «هر سال اربعین»، انیمیشن «پیاده کنار فرات» و لوح فشرده «آموزش تعزیه» از تولیدات عاشورایی سالهای اخیر سازمان سینمایی حوزه هنری است.
سازمان سینمایی حوزه هنری در سال‌های اخیر چندین مستند و فیلم کوتاه و نماهنگ مرتبط با نهضت عاشورا و محرم تولید کرده است که در متن زیر به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

نماهنگ «چای روضه» تولید سال ۱۳۹۵ ساخته مهدیار عقابی به تهیه کنندگی محمد رضا شفاه محصول باشگاه فیلم سوره، تولید سال ۱۳۹۶ ساخته محمد علیزاده فرد به تهیه کنندگی حسین دارابی محصول خیریه شهر امید نیکان، «شام هیئت» تولید سال ۱۳۹۷ ساخته حسین دارابی به تهیه کنندگی حسین دارابی محصول کمیته امداد، «هر سال اربعین» تولید سال ۱۳۹۷ ساخته میلاد محمدی به تهیه کنندگی حسین دارابی محصول بسیج صدا و سیما، از سری تولیدات باشگاه فیلم سوره در سال‌های اخیر است.

انیمیشن «پیاده کنار فرات» نیز از دیگر محصولات سازمان سینمایی حوزه هنری در مرکز انیمیشن است که روایتی بر روی مجموعه عکس‌های اربعین از مرکز عکس حوزه هنری است.

همچنین یک لوح فشرده «آموزش تعزیه» محصول

جدید و مشترک مرکز انیمیشن حوزه هنری و مرکز نمایش است.

سازمان سینمایی حوزه هنری در مرکز مستند نیز محصولاتی مرتبط با فرهنگ عاشورایی در سال‌های اخیر تولید کرده است که باهم نگاهی به آنها می‌اندازیم.

مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ»

روایتی متفاوت از قیام امام حسین (ع) و تاثیر آن بر فرهنگ و سبک زندگی شیعیان از گذشته تا امروز است.

«کربلا جغرافیای یک تاریخ» به کارگردانی داریوش یاری و تهیه کنندگی بهروز مفید و با صدای شهاب حسینی، محصول حوزه هنری است که اکران آن در جشنواره فیلم فجر با استقبال مخاطبان روبرو شد. «کربلا جغرافیای یک تاریخ» در فاز نخست مروری مستند گونه بر حرکت حماسی امام حسین (ع) از ابتدا تا پس از شهادت در روز عاشورا دارد و در فاز بعدی چگونگی عزاداری در فرهنگ‌های مختلف در جهان را در ماه محرم بررسی می‌کند.

مشخصات کامل فیلم: داریوش یاری/کارگردان، مهدی توکلی زانیانی/دستیار اول کارگردان، مهدی توکلی زانیانی/برنامه ریز، مریم طریقی نژاد/منشی صحنه، گروه فیلمنامه: داریوش یاری/نویسنده و محمد تهامی نژاد/مشاور فیلمنامه، بازیگران: شهاب حسینی/راوی، محمد علیقلی زاده/مدیر فیلمبرداری، مهدی موسوی طراح صحنه و لباس، آرش قاسمی/صداگذاری و میکس، شهرام خلج/طراح چهره پردازی، مقصود میرهاشمی/مدیر تدارکات.

صدای گرم شهاب حسینی، موسیقی خوب مجید انتظامی و فیلمبرداری مناسب به امتیازها و توفیق‌های این اثر کمک شایانی کرده و استفاده از نشانه‌ها، رنگ‌ها و نمادهای عاشورایی بر این موفقیت افزوده است. «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» یک مستند سینمایی ارزشی و جذاب و اثری متفاوت و تماشایی در میان آثار کم تعداد عاشورایی سینمای ایران است.

نماهنگ «چای روضه»

نماهنگ «چای روضه» به کارگردانی مهدیار عقابی با صدای سیدحمیدرضا برقعی به مناسبت اولین بار در سال گذشته ماه محرم منتشر شد.

«چای روضه» محصول جدید باشگاه فیلم سوره حوزه هنری و براساس شعری به همین نام از سیدحمیدرضا برقعی، شاعر آئینی کشورمان است. تنظیم و آهنگسازی این نماهنگ را امید روشن بین انجام داده است. «چای روضه» داستان دختری است که بعد از سال‌ها برای احیای سنت روضه خانگی مادربزرگش به خانه قدیمی‌اش برمی‌گردد. نماهنگ در فضای دهه ۶۰ و ۹۰ می‌گذرد و در حدود ۵ دقیقه است.

مهدیار عقابی پیش از این نماهنگ معروف «ارغوان» را برای شهدای مدافع حرم در باشگاه فیلم سوره و با سرمایه گذاری خانه موسیقی بسیج تولید کرده بود و برگزیده بخش نماهنگ چهاردهمین جشنواره مقاومت شد. عقابی همچنین کارگردانی نماهنگ‌های «بارانی شد»، «اشتیاق» و «قطار قم- مشهد» را در کارنامه خود دارد.

عوامل نماهنگ «چای روضه» عبارتند از؛ نویسنده و کارگردان: مهدیار عقابی، شعر و دکلمه: سیدحمیدرضا برقعی، آهنگساز و تنظیم کننده: امید روشن بین، بازیگران: نسیم درایش، سامان غنائمی، علی قادری، حامد خزایی، کیمیا ملایی، مدیر فیلمبرداری: علی رنجبر، طراح صحنه: حبیب کریم‌زاده، طراح گریم: زهرا عبدی‌پور، مشاور کارگردان: امیرمهدی پوروزیزی، دستیار اول کارگردان: علی مشایخی، دستیار دوم کارگردان: زینب امیری، مدیر تدارکات: مصطفی طلاییان، دستیار تدارکات: محسن پژمرده، مدیر تولید: علی شمس، دستیار تولید: علی نصیری، تهیه کننده: محمدرضا شفاه، محصول باشگاه فیلم سوره حوزه هنری.

مستند «راه دل»

مستند «راه دل» از محصولات مرکز مستند سوره به کارگردانی مهدی زمان پور کیاسری ساخته شده است. مستند «راه دل» علاوه بر به تصویر کشیدن حال و هوای پیاده روی نجف تا کربلای اربعین حسینی، از ظرافت‌های روحی و معنوی مشتی اسماعیل و شوخ طبعی‌های همیشگی او می‌گوید.

این مستند برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر شد که روایتی جذاب از سفر اربعین «مشتی اسماعیل» پیرمرد نابینای شمالی است که پیش از این او را در مستند موفق «مشتی اسماعیل» دیده بودیم.

تصویربردار: سیدحسن حسینی پریشان، صدابردار: سیدمحمد صادق قاهری، تدوین: حسین نیکذات، صداگذاری: حسن مهدی، تهیه کننده: مرکز مستند سوره

مستند «آسمان حسین»

مجموعهٔ مستند ۱۰ قسمتی آسمان حسین علیه السلام به کارگردانی علی قدیریان، روایتگر نگاه به ۱۰ قاب از ماجرای عاشورا از منظر حضرت زینب سلام الله علیها است، یعنی منظر «ما رأیتُ الّا جمیلاً». این ۱۰ قاب منتخبی از ۲۵ تابلوی نقاشی است که توسط استاد عبدالحمید قدیریان به تصویر کشیده شده‌اند و بیانگر نگاه آسمانی و نورانی به ماجرای کاروان حسینی علیه السلام هستند.

مستند «معبر»

مستند «معبر» روایتی از اربعین حسینی (ع) است. «معبر» روایت تازه و متفاوتی از پیاده روی اربعین حسینی است، از نگاه هشت سال دفاع مقدس و از زاویه‌ای تازه، که منجر به کشف پیوند عمیقی میان این دو حادثه بزرگ در قرن اخیر شده است. در شیوهٔ متفاوتی که کارگردان برای روایت این مستند انتخاب کرده، ظرفیت جدیدی برای بیان بسیاری از ناگفته‌ها درباره «بزرگترین اجتماع جهان» و «حماسهٔ بزرگ دفاع مقدس» پدید آمده و نمای جدیدی از هر دو حادثه خلق می‌شود تا مخاطب را به درک لایه‌های عمیق‌تری از هر دو حادثه برساند

در این مستند پیاده روی عزاداران امام حسین (ع) در اربعین را با دوران جنگ و حضور رزمندگان در دوران دفاع مقدس مقایسه می‌شود. این مستند به کارگردانی محمد کرم‌زاده و تهیه‌کنندگی کوشا اعتمادی مونتاژ موازی شده است که به نوعی روایت جدیدی است و تا به حال از این زاویه به اربعین پرداخته نشده است. نوعی نمایش ثمره خون‌های شهدا اسلام است که امروزه به واسطه خون آن‌ها راه‌های ورود به کربلا باز شده است. در این مستند موارد مشابهی را در جبهه‌ها پیدا شده و با مونتاژ دوباره به روایت جدیدی تبدیل شده است.

یادآوری خاطره انگیزترین سریال‌های ماه محرم

هر ساله در ماه محرم، تلویزیون تدارک ویژه‌ای برای مخاطبان خود در نظر می‌گیرد و با ساخت مجموعه‌های نمایشی تازه سعی در زنده نگه داشتن آیین این ماه در رسانه ملی دارد با این وجود هنوز نمی‌توان گفت که تلویزیون به اندازه کافی مجموعه‌های نمایشی قابل توجه برای ماه محرم تولید کرده است.

روایت عشق

روایت عشق مجموعه‌ای تلویزیونی به کارگردانی علاءالدین رحیمی و زنده‌یاد انوشیروان ارجمند، محصول سال ۱۳۶۴ است. این سریال در دهه ۶۰ از شبکه یک سیما به نمایش درآمد و تا سال‌های سال همزمان با ایام محرم بازپخش می‌شد.

در واقع می‌توان این مجموعه را اولین سریال تلویزیونی معرفی کرد که تلویزیون بعد از انقلاب درباره حوادث قیام عاشورا ساخته است.

روایت عشق در کنار روایت حوادث کوفه تا پیش از قیام عاشورا، حرکت کاروان امام حسین(ع) به سمت کربلا و فجایع روز عاشورا را به تناسب بضاعت آن روزها در قالب تلویزیون به تصویر درآورد.

شب دهم

با گذشت سال‌ها از اولین پخش مجموعه «شب دهم» این سریال همچنان یکی از پرطرفدارترین مجموعه‌های نمایشی تلویزیون و البته حسن فتحی به شمار می‌آید.

«شب دهم» به کارگردانی حسن فتحی در ماه محرم سال ۱۳۸۰ که همزمان با نوروز بود، روی آنتن رفت.

به نوعی می‌توان «شب دهم» را به عنوان سریالی معرفی کرد که پایه‌گذار سریال‌سازی ویژه محرم برای تلویزیون شده است. چراکه هنوز با گذشت نزدیک به ۱۸ سال، این مجموعه جز چند سریال برتر سیما به شمار می‌آید.

البته لازم است بدانید که «شب دهم» اولین سریال ماه محرمی تلویزیون نبوده و دو دهه قبل‌تر از آن «روایت عشق» با رویکردی تاریخی، گریزی به واقعه کربلا زده است. اما بدون تردید تلاقی محرم و نوروز سال ۸۰ سبب شد تا تلفیق هنر مدرن، با هنر تعزیه، توفیق «شب دهم» را زمینه‌سازی کند.

معصومیت از دست رفته، مختارنامه و یلدا به کارگردانی داوود میرباقری

داوود میرباقری را می‌توان به عنوان پرچمدار تولید آثار تاریخی و مناسبتی برای تلویزیون معرفی کرد که البته آثارش همچنان با استقبال مخاطبان مواجه شده و در این سال‌ها بارها از تلویزیون بازپخش شده است.

معصومیت از دست رفته

این سریال در سال ۸۲ توسط داوود میرباقری که به تازگی به سراغ تولید اثر در رابطه با محرم رفته بود ساخته شد. مینی سریال «معصومیت از دست رفته» خیلی زود با مخاطبان ارتباط برقرار کرد و «جنایت و مکافات» دینداران آن زمان در مواجهه با واقعه‌ای همچون کربلا را به تصویر کشید.

«شوذب» شخصیت اصلی داستان این مجموعه نمایشی بود که او را از یاران حضرت علی (ع) معرفی

می‌کردند اما وی که در آستانه قیام عاشورا خزانه‌دار کوفه است، در دوراهی قرار می‌گیرد.

دو زن در زندگی شوذب حضور دارند که یکی ماریای مسیحی است که از عشق به علی(ع) با شوذب ازدواج می‌کند تا خاطرات علی(ع) برایش زنده بماند و دیگری حمیرای یهودی بوده که تنها راه ورود به دستگاه خلافت امویان را در فریب شوذب می‌بیند و سرانجام نیز به این کار موفق می‌شود.

البته لغزش شوذب در واقعه کربلا و سکوت وی در برابر امویان، سال‌ها بعد فرجامش را نشان می‌دهد. ماریای یهودی پسری برای شوذب می‌آورد که آن پسر کشته می‌شود و شوذب که تحمل این داغ را ندارد، جنون پیدا می‌کند و ربابه دخترش را در مجلس عروسی‌اش به خاک و خون می‌کشد.

مختارنامه

تولید موفق مجموعه «معصومیت از دست رفته» سبب می‌شود تا میرباقری این ژانر را ادامه دهد و دست به ساخت مجموعه‌ای سخت‌تر همچون مختارنامه بزند.

تولید مجموعه «مختارنامه» به کارگردانی داوود میرباقری، از سال ۱۳۸۳ آغاز شده و در سال ۱۳۸۸ به پایان می‌رسد. این سریال در زمان پخش با استقبال بی‌نظیری از سوی مخاطبان مواجه شده و به یکی از پرطرفدارترین و ماندگارترین سریال‌های تلویزیون تبدیل می‌شود که همچنان و حتی در محرم پیش رو مجددا روی آنتن تلویزیون می‌رود.

داستان این سریال درباره شخصیت مختار ثقفی است که از جنگ و جهاد کناره گرفته و در گندمزارهای پربار مدائن به زراعت مشغول است.

در این حین دوست جنگجو و ایرانی‌اش کیان، به ملاقات او آمده و برایش از غم غربت امام حسن مجتبی (ع) و خیانت نزدیکانش می‌گوید که البته مختار ماندن را به رفتن پیش امام ترجیح می‌دهد.

با ادامه یافتن ظلم‌های معاویه و بی‌وفایی مردم نسبت به اهل‌بیت (ع)، یزید شاه شده و واقعه عاشورا رخ می‌دهد. در این حین مختار که در بند عبیدالله بن زیاد زندانی است، پس از آزادی به خون‌خواهی سید و سالار شهیدان قیام می‌کند و قاتلان امام حسین(ع) را یکی پس از دیگری به هلاکت می‌رساند.

در این مجموعه بازیگرانی چون فریبرز عرب‌نیا، مهدی فخیم‌زاده، فرهاد اصلانی، رضا رویگری، رضا کیانیان، الهام حمیدی، فریبا کوثری، شهرام حقیقت دوست، امین زندگانی و... به ایفای نقش پرداخته‌اند.

یلدا

مینی سریال ۱۱ قسمتی یلدا محصول سال ۱۳۹۱ بود که با کارگردانی داوود میرباقری در مرکز سیما فیلم ساخته شده است. «یلدا» داستان حاج محمدعلی زاهدی مشهور به مندلی بوده که سال‌هاست سنت تعزیه‌خوانی را در شهرستان بسطام حفظ کرده است. وی با نزدیک شدن زمان مرگش احساس می‌کند که خطا یا گناهی در گذشته باعث تنهایی و آشفتگی امروز او و دور افتادن فرزندانش از اصالت‌ها شده است. او به جستجو در گذشته‌اش می‌پردازد و به ملاقات شخصیتی می‌رود که در گذشته نقش شمر را در مقابلش در تعزیه‌ها بازی می‌کرده است.

محمدرضا شریفی‌نیا، کاظم هژیرآزاد، چنگیز جلیلوند، اسماعیل خلج، فریبا کوثری، الهام پاوه‌نژاد، حمیدرضا آذرنگ، سید مهرداد ضیائی، حامد میرباقری، بیژن افشار، اکبر سلطانعلی، سحر افتاده از جمله بازیگرانی هستند که در این سریال نقش‌آفرینی کرده‌اند. علاوه بر این مازیار فلاحی نیز خواننده تیتراژ پایانی این مجموعه است.

پریدخت

مجموعه «پریدخت» به کارگردانی سامان مقدم را می‌توان دیگر سریال ماندگار تلویزیون برای ماه محرم دانست که گریزی به تاریخ معاصر ایران در سده اخیر زده و در حقیقت روایتی عاشقانه - عامیانه در دل محرم و اعتراض‌های مردم در زمان رژیم ستم شاهی را به مخاطبان تلویزیون ارائه داده است.

این سریال داستان زندگی دختر حاج میرزا یکی از سرشناسان مومن شهر است که در سال ۱۳۱۴ رقم می‌خورد؛ داستان با فراز و فرود زندگی پریدخت جلو می‌رود تا فاجعه مسجد گوهرشاد و کشف حجاب رقم می‌خورد.

مرحله دوم زندگی پریدخت با تبعید رضاشاه و روی کارآمدن محمدرضا پهلوی آغاز می‌شود. قصه‌ای که تا بعد از کودتای ۲۸ مرداد ادامه می‌یابد.

مثلث عشقی مبهم میان پریدخت، نادر و نصرت، جوهره این داستان را شکل می‌دهد؛ به نوعی نصرت با چله‌نشینی در خانه میرزا دلباخته دختر او می‌شود و نادر که خان‌زاده است، از دختر مورد علاقه‌اش دور می‌شود.

این مجموعه در زمان پخش خود تلاش کرد تا قصه‌های روزمره زندگی مردم را با تحولات تاریخی آن دوره پیوند بزند. بر همین اساس بسیاری معتقدند با بازی متفاوت بازیگرانی همچون لیلا حاتمی، علی مصفا، داریوش ارجمند، کامبیز دیرباز و مهرداد ضیایی در این مجموعه این اتفاق رخ داده و مخاطبان بسیاری با آن ارتباط برقرار کرده‌اند.

سفر سبز و وفا

یک سال بعد از «حیدر خوش مرام» در شب دهم، محرم سال ۱۳۸۱ مجموعه تلویزیونی «سفر سبز» به کارگردانی محمدحسین لطیفی روی آنتن شبکه سه سیما می‌رود. به نوعی برگ برنده این سریال، بازیگران و داستان تازه آن است.

«سفر سبز»، داستان زندگی «دنیل» جوانی خوش پوش با ظاهری آراسته است (پارسا پیروزفر) که در ایران متولد شده، ولی از همان کودکی به آلمان منتقل و تحت سرپرستی خانواده‌ای آلمانی قرار گرفته است. وی بعد از دیدن خوابی مشکوک تصمیم می‌گیرد به ایران بیاید تا خانواده واقعی خود را پیدا کند.

«دنیل» در طول مسیر پیدا کردن مادرش با ماجراهای فرعی زیادی روبه رو می‌شود تا اینکه نهایتا گذشته او کشف شده و معلوم می‌شود که فرزند زن و شوهری دانشجو و مبارز در زمان انقلاب اسلامی ایران بوده است.

این سریال نیز یکی از خاطره‌انگیزترین مجموعه‌های نمایشی سیما به شمار می‌آید که با گذشت سال‌ها از آن بارها از شبکه‌های مختلف تلویزیون باز پخش شده است.

وفا

«وفا» نام مجموعه تلویزیونی بوده که نوروز سال ۱۳۸۵ هر شب از شبکه سوم سیما روی آنتن رفته است.

این مجموعه روایت داستان جوانی به نام ژوبین پناهی بوده که به جرم جاسوسی برای کشور اسرائیل در ایران زندانی است. او به دلیل مشکلات روحی و روانی که پس از کشته شدن پدر و مادرش در انفجار بمبی در قبرس پیدا کرده به بیمارستان منتقل می‌شود. در این زمان یک مامور موساد (سازمان اطلاعات اسرائیل) برای ربودن او از آسایشگاه روانی وارد ایران می‌شود و... این سریال در دومین جشنواره فیلم پلیس موفق شد جایزه ویژه هیئت داوران را دریافت کند.

پرده نشین

«پرده نشین» اولین مجموعه تلویزیونی بهروز شعیبی است که در آن داستان متفاوتی از روحانیت ارائه شده و با استقبال از سوی مخاطبان مواجه شده است. از سوی دیگر در این سریال به کارکردها و اثرگذاری‌های روحانیون و حضور آنها در کنار مردم توجه ویژه‌ای شده است.

در خلاصه داستان این اثر آمده است: هدی پس از سال‌ها برای دریافت ارثیه پدری به ایران می‌آید اما برایش اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی رخ می‌دهد که سبب ایجاد مشکلاتی می‌شود.

فرهاد آئیش، آتیلا پسیانی، ویشکا آسایش، هومن برق نورد، سعید نیک پور، مهران رجبی، حامد کمیلی، مائده طهماسبی، ژیلا سهرابی، سارا بهرامی، شیوا ابراهیمی، محسن کیایی، سپیده اعلایی، علی مردانه، زویا امامی از جمله بازیگرانی هستند که در این مجموعه به ایفای نقش پرداختند.

بانو

سریال «بانو» محصول سال ۱۳۸۷ به کارگردانی فرید سجادی حسینی است. داستان این مجموعه مربوط به ملک خاتون معروف به «بانو» است که به خاطر مشکلاتی که مردم برای او ایجاد کرده‌اند، از شهر خود مهاجرت می‌کند و پس از ۲۰ سال دوری برای گرفتن انتقام و اعاده‌ی حیثیت به همان شهر بازمی‌گردد. در این رهگذر اتفاقاتی رخ می‌دهد که مردم و شهربانی در آن دخیل هستند.

تهیه‌کنندگی این سریال را سید علیرضا سبط احمدی برعهده داشته و بازیگرانی چون داریوش ارجمند، فریبا کوثری، زهرا سعیدی، ساره بیات، شهاب کسرایی، کاوه خداشناس، سیاوش طهمورث و مینا جعفرزاده در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند.

به نقل از خبرگزاری ایلنا

اهمیت پژوهش در سینمای مقاومت

پژوهش از اساسی ترین نیازها و زیربنای طرح های توسعه سینما به خصوص سینمای مقاومت است . امروزه در همه کشورهای جهان برای دستیابی به اهداف و آرمان ها و طرح دیدگاه های جدید و نو و رسیدن به سوژه های جدید تنها از پژوهش و جستجو سود می برند و در کشورهای توسعه یافته این مهم یک سرمایه گذاری استراتژیک است. توسعه همه جانبه سینما و رسیدن به افق های پیش بینی شده تنها در سایه تقویت نهادهای پژوهشی و پژوهشگران امکان است.

تحقیق درباره آینده فرهنگ و هنر بخصوص سینما از اساسی ترین نیازهای پژوهش جدید است. هیچ برنامه فرهنگی هنری نمی تواند بدون داشتن تصوری درست از آینده طراحی شود. به طوری که داشتن تصویر یا تصویرهای ممکن از آینده فرهنگ برای شروع پژوهش ها اجتناب ناپذیر می نماید و در عین حال از سوی دیگر، آینده فرهنگ و حال سینما مسأله همه خانواده بزرگ سینماست.

تأثیرگذاری، دیپلماسی فرهنگی، تاثیرگذاری مطلوب، جذب مخاطب، توسعه فناوری از مباحث مهم سینمای ما محسوب می‌شود و بررسی آینده فرهنگ و حال سینما به خصوص سینمای دفاع مقدس و مقاومت می تواند سرآغاز بحث پژوهشگران باشد.

برای نهادینه کردن مولفه های فرهنگی سینمای مقاومت باید پژوهش های جدی تری انجام شود تا گرفتار روزمرگی نشویم- توجه جدی به گنجینه های عظیم مقاومت به طور قطع، به پویایی جامعه کمک می کند.اگر پژوهش نباشد سینمای مقاومت باید نگران فرهنگ اصیل و ناب باشد که سالها در میان چرخه باطل غفلت ها، ندانم کاری ها، خودباختگی ها، عافیت طلبی ها، و دنیا گرایی ها تا مرز فراموشی پیش رفته است.

یکی از ضعف های سینمای مقاومت ضعف بنیادهای نظری-فلسفی-اجتماعی است. اگر پژوهش در مقوله دفاع مقدس جدی گرفته نشود خطر تحریف انقلاب و دفاع مقدس جدی است و در آینده با تاریخ و روایت های گانه و تحریف شده مواجه خواهیم شد.

نگاه علمی و پژوهشی در آثار باعث حفظ جریان های اصیل در مقوله دفاع مقدس خواهد شد. بعضی ها بدشان نمی آید از مقوله فرهنگ و هنر و بخصوص سینما در جهت تحریف تاریخی و جریان ۸ سال دفاع مقدس برای نسل اینده استفاده کنند.

یکی از خطرهای جدی که نسل مومن و انقلابی باید مدنظر داشته باشد کمبود پژوهش های دقیق و علمی است خاطرنشان کرد: کمرنگ شدن فضاهای پژوهشی در مسائل فرهنگی و هنری بخصوص سینما باعث سطحی نگری و تولید آثار نازل و نداشتن چشم انداز و سند توسعه بر مبنای واقعیتها برای آینده فضاهای فرهنگی و هنری باشد.

بی تردید، نگاه جامع و فراگیر جشنواره به همه زمینه ها و ظرفیت ها بویژه پژوهش کمک می کند تا این حرکت پویا صرفا دچار روزمرگی و سطحی گرایی نشود و به افق های دورتر و عمق استراتژیک نیازها و مطالبات فرهنگ و سینما توجه نماید.

خانواده، مفهوم فراموش شده سینما

سینما برای خانواده‌ها امن نیست و ای کاش متولیان و سیاست گذاران فرهنگی کمی احساس خطر کرده و تدبیری جدی و ویژه برای رفع این معضل مهم داشته باشند.

نخستین گروه هر جامعه‌ای، خانواده است که همه مراحل ابتدایی اجتماعی شدن فرد در آن سپری می‌شود. خانواده در فرهنگ ایرانی و اسلامی کانون مقدسی است که با ازدواج شروع می‌شود و یکی از مهم‌ترین ارکان هر جامعه پایبند و تمدن داری به حساب می‌آید.

اهمیت خانواده و حفظ حریم و امنیت روحی و جسمی و فکری آن همیشه یکی از سرفصل‌های حکومتی کشور ما در همه ادوار بعد از انقلاب بوده است و از همین رو سینما به عنوان بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین و استراتژیک‌ترین هنر صنعت کشور، نگاه و اهتمام خاصی به خانواده دارد. خانواده‌ای که سال‌هاست هویت و چهره اصلی خودش را در سینما گم کرده و با این تغییر رنگ و روی مخاطب را هم پس زده و حاصلش این شده که بیش از ۸۸ درصد مردم به سینما نمی‌روند! یعنی فاجعه!

در چرایی این فاجعه حرف و سخن بسیار است اما در ساده‌ترین پاسخ باید صادقانه بگوییم که فضای سالن‌های سینمایی بعضا، ناسالم است، امنیت اخلاقی در آن‌ها وجود ندارد و از همین رو خانواده‌ها نمی‌توانند به سینما بروند؛ یک خانواده می‌خواهد در فضایی سلامت به سینما برود و با شرایط موجود خانواده‌ها راضی نمی‌شوند به سینما بروند. اینکه بنا به اعلام وزیر ارشاد بیش از ۸۸ درصد مردم به سینما نمی‌روند نشان از انتقاد جدی مردم نسبت به وضعیت تولیدات و سالن‌های سینما دارد و این وظیفه متولیان امر است که ترتیبی بدهند تا همه مردم که اعتقادات قوی دینی دارند بتوانند از مواهب سینما بهره‌مند شوند.

سینما باید مکانی امن برای خانواده‌ها باشد، اما متأسفانه ما اغلب در سالن‌های سینمایی به خصوص سینماهای معروف و بزرگ با وضعیتی مواجهیم که گویا در جامعه اسلامی نیستند.

همچنین، مدیران سالن‌های سینما از آنجا که تنها در پی کسب درآمد و فروش بیشتر گیشه شان هستند توجهی به این مسائل غیراخلاقی و ضددینی و غیرعرفی ندارند و تنها به نصب یک تابلوی «رعایت حجاب اسلامی الزامی است» بسنده کرده‌اند در صورتی که تابلو ملاک نیست و باید شرایطی الزام آور برای همه افرادی که به سالن‌های سینما می‌روند وجود داشته باشد تا سینما جولانگاه حضور افراد بی‌اخلاق نشود.

همچنین، جا دارد از تولیدات بی‌ارزش و سخیف سینمایی انتقاد کنیم. فیلم‌های سینمای که مردمی نیستند، و از محتواهای ناسالم برخوردارند، ما با یک سری کمدی‌های سخیف و مبتذل در سینما روبرو هستیم که در آن‌ها شوخی‌های بی‌پروای جنسی و... رواج دارد، معلوم است که خانواده‌ها نمی‌توانند چنین فیلم‌هایی را ببینند، ما چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم که خانواده‌ها به تماشای این نوع فیلم‌ها بروند؟ مضافا، اینکه بسیاری از فیلم‌های سینمایی فاقد عنصر تشویق به زندگی و ازدواج هستند و بر عکس مملو از نشانه‌های ضد خانواده و پرداقعه نسبت به پیوند زناشویی هستند.

بدنه جامعه باید بتواند با سینما ارتباط خوب برقرار کند، فیلم‌هایی در سینما باید باشد که حرف دل مردم را بزند. سینمای فعلی با استقبال مردمی مواجه نمی‌شود و ای کاش متولیان و سیاست گذاران فرهنگی کمی احساس خطر کرده و تدبیری جدی و ویژه برای رفع این معضل مهم داشته باشند.

مدیر مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری خبر داد:

تعامل سازندگان و خریداران انیمیشن در فاز دوم رویازی

احسان کاوه گفت: با حضور مشارکت‌کنندگان و سرمایه‌گذاران جدید در فاز دوم رویداد رویازی، گامی جدی در مسیر حمایت از تولیدکنندگان و افزایش تولید انیمیشن برداشته شده است.

احسان کاوه مدیر مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری در خصوص اقدامات جدید این مرکز گفت: در حال حاضر به علت مشکلات مالی ناشی از شـــرایط اقتصادی کشور، روند تولیدات جدید این مرکز به کندی پیش می‌رود و بیش‌تر بر روی فعالیت‌های زیر ساختاری متمرکز شـــده‌ایم. در این راســـتا، برای دومین بار برنامه ریزی برای رویداد بزرگ رویازی (پیچینگ انیمیشن ایران) را در دستور کار داریم تا شرایط مساعدی را برای معرفی انیمیشن فراهم کرده و سرمایه گذاران جدیدی را وارد این عرصه کنند.

وی افزود: رویداد رویازی سال گذشته برای اولین بار در ایران راه اندازی و گامی نوین در راستای شکوفایی اقتصاد انیمیشن و شفاف سازی آن بوده است. در این جریان بستر لازم برای قیمت گذاری و ارزش گذاری انیمیشن‌ها خارج از فضای لابی گری فراهم شده و در تلاش هستیم جلسات متعددی را برای جذب سرمایه گذاران و مشارکت کنندگان تشکیل، و سفارشات انیمیشن را به حداکثر رسانیم.

کاوه خاطر نشـــان کرد: در حال حاضر مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری نسبت به برگزاری جلســـات مربوط به رویداد رویازی دوم اقدام کرده و در نظر دارد با جذب سرمایه گذاران جدید، سفارشات تولیدات انیمیشـــن را در پاییز سال جاری به مرحله اجرا رساند. گفتنی است تاکنون مشارکت مجموعه اهدای عضو و آتش نشانی تهران اعلام و در دستور کار قرار گرفته است.

وی عنوان کرد: پیچینگ انیمیشن ایران در نظر دارد فضای مناسبی را برای تجربه و ایجاد تعاملات مابین تولید کنندگان انیمیشن و خریداران ایجاد کرده و از توانایی و استعداد افراد در این زمینه بهره‌مند شود.

مدیر مرکز تلویزیون و انیمیشـــن حوزه هنری در خصوص تولیدات تلویزیونی این مرکز در سال جدید و تاثیر مشـــکلات اقتصادی در کاهش این تولیدات اظهار داشت: متاسفانه، عرصه تولیدات انیمیشن و تلویزیونی حوزه هنری از مشکلات اقتصادی کشور متاثر شده و در کندی روند تولید و کاهش محصولات این مرکز تاثیرگذار بوده است. مضافا اینکه، برنامه نقد ســـینما با اجرای بهروز افخمی از جمله تولیدات این مرکز است که اجرای آن تاکنون ادامه دارد اما به علت مشـــکلات جدی مالی مدت زمان ادامه ضبط و پخش آن مشخص نیست. علاوه بر این مجموعه‌هایی با موضوع تعزیه و عفاف و حجاب در حال ساخت است که بنابر کمبود منابع مالی روند تولید آن با کندی روبرو شده است. این در حالی است که در صورت تامین منابع این دسته از تولیدات به سرعت روندش را خواهند پیمود.

نشست مسئولین حوزه هنری با رایزن فرهنگی در لبنان

نشست مشترکی میان مســـئولین و هنرمندان حوزه هنری و عبـــاس خامه‌یار بـــه دعوت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان برگزار شد.

عباس خامه‌یار در این جلســـه گفـــت: تا پیش از انقلاب جمعیـــت اندکی در لبنان با عاشـــورا و فرهنگ مقاومت آشـــنا بودند، اما به برکت انقلاب اسلامی فرهنگ مقاومت، ایستادگی و دفاع در برابر متجاوز با مردم مسلمان به ویژه مردم لبنان عجین شده است، باید با افزایش فعالیت هنری بر گستره فرهنگ عاشورا و مقاومت بیافزاییم.

خامه‌یار درباره ارائه و تولید آثار با مضمون عاشورا، گفت: زبان هنر زبانی فرا مرزی و فراملیتی است، به طوری که یک اثر خوب و مطلوب می‌تواند به اندازه ده‌ها جلد کتاب بر جذب مخاطبین و افزایش فهم آنها اثرگذار باشد.

وی ادامه داد: حوزه هنری انقلاب اسلامی بانی اصلی تولید آثار فاخر بـــا محوریت فرهنگ و هنر انقلاب بوده است و در رشته‌های گوناگونی چون سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی و سایر رشته‌ها و شاخه‌های هنر، تجربه‌ای گرانمایه به دست آورده اســـت. ۴ دهه فعالیت حوزه هنـــری اندوخته‌ای ارزشـــمند اســـت که می‌تواند در اختیار جوانان و جریان‌های مقاومت در کشـــورهای اســـلامی قرار گیرد. تا پیش از انقلاب کشـــورهای عربی از جمله لبنان خود را در برابر دشمن بسیار ضعیف می‌دید، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آنها دریافتند که می‌توان با دست خالی و توکل بر خدا بر دشمنان قدرتمند فائق آمد و ابتکار عمل را به دست گرفت، هشت ســـال دفاع مقدس میدان عظیمی از تجربه بود که از برکات آن امروز حزب‌الله لبنان و ســـایر نیروهای مقاومت در برابر استکبار جهانی ایستاده و آنها را به زانو در آورده است.

محمد حمزه‌زاده رئیس ســـازمان سینمایی نیز گفت: حوزه هنری میزبان هنرمنـــدان با انگیزه، دغدغه‌مند و انقلابی اســـت، از همین رو با رویکرد خلق هنـــر فاخر و تمرکـــز بر جریـــان فرهنگ و هنر انقلاب اقدامات بســـیاری را در حوزه تربیت رشـــد و حمایت از هنرمندان به وسیله برگزاری کارگاه‌های هنری برای علاقه‌مندان صورت داده است، در صورت افزایش همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اســـلامی می‌توانیـــم فعالیت‌های پر ثمری را رقم بزنیم و شاهد اتفاقات خوبی در عرصه همکاری مشترک و فعالیت برون‌مرزی باشیم.

لازم به ذکر است رئیس سازمان سینمایی، مدیر باشگاه فیلم سوره و مسئول بخش بین‌الملل روابط عمومی حوزه هنری انقلاب اســـلامی با حضور در ساختمان شـــبکه‌های خبری المیادین و المنار از بخش‌های مختلف این شبکه‌ها بازدید کردند.

بازسازی سینماهای فرسوده عبادت است

حسن یکتاپناه

اهمیت نهضت سینماسازی بهمن سبز از این جهت است که توانسته به دورترین نقاط کشور برود و سالن‌های قدیمی و ویران را آباد کند.

حسن یکتاپناه: در مورد ساخت سینما و یا بازسازی سینماها باید زیرمجموعه‌های وزارت ارشاد در این خصوص اقدام کنند؛ مسأله این است که آن قدر زمینه جذاب برای سرمایه گذاری وجود دارد که صاحبان سرمایه آخرین گزینه خود را به سالن سازی اختصاص می‌دهند برای همین وقتی فعالانی در بخش خصوصی یا برخی ارگان‌ها تمایل نشان می‌دهند برای سالن سازی باید وزارت ارشاد پشتشان باشد. همین موسسه بهمن سبز که سعی کرده سینماهای شهرستانها را بازسازی کند یقینا باید حمایت دستگاه‌های دولتی مسئول را داشته باشد تا کارش را در یک بازه حداقل یک دهه‌ای پیش ببرد.

ساخت و یا تعمیرات اساسی سینماها بخصوص در شهرستان‌ها باعث رونق سینما و همچنین بالا بردن سطح فرهنگی منطقه می‌شود. باید سینماهای به‌روز و استاندارد ساخت که تماشاگر هم لذت کافی را از حضور در سینما ببرد و احساس امنیت کند. مسلما وقتی تماشاگرها ببینند که در محیط خنک و تمیز و با امکانات می‌توانند فیلم ببینند، جذب می‌شوند و ترجیح می‌دهند به جای اینکه در خیابان‌ها به قول معروف در این گرما و ترافیک، دور دور کنند به سینما بروند و از دیدن فیلم لذت برده و وقت بگذرانند.

وقتی جوان‌های ما با این روحیه‌ای که دارند، می‌آیند و یک فضای شیک و تمیز را می‌بینند، طبیعتا شاداب شده و از افسردگی بیرون می‌آیند، بخصوص در شهرستان‌ها که از امکانات کمتری هم برخوردارند. زیبایی و تمیزی، خود یک کمال است و به نظر من سالن سازی و بازسازی سینماهای فرسوده شهرستانها در روزگار فعلی یک عبادت است!!

بهمن سبز و سینماشهر تا اینجای کار دو موسسه‌ای بوده‌اند که در سالن سازی فعالیت‌هایی داشته‌اند و کار بهمن سبز مهمتر است چون توانسته به دورترین نقاط کشور برود و سالن‌های قدیمی و ویران را آباد کند. این سرمایه گذاری برای کشور ما که مردمانش تبدیل شده‌اند به توریست کشورهایی نظیر ترکیه واقعا لازم است. شما درنظر بگیرید اگر مجتمع‌های فرهنگی چندمنظوره‌ای داشته باشیم که مخاطب در آن احساس آرامش و تفریح کند یقینا کلی هزینه صرف خروج از ایران نمی‌کنند.

بهمن سبز باید بهترین نیروها را هم در زمینه مهندسی عمران و هم مهندسی معماری به خدمت بگیرد و کاری کند که این نهضت سالن سازی به زیبایی هرچه بیشتر بافت شهری ایران هم منجر شود. حتی زیباترین فیلم‌ها هم اگر در سالن‌های زشت و بد ترکیب ارائه شوند جذابیتی ایجاد نمی‌کنند پس بهمن سبز به معماری سالنها هم به اندازه کیفیت سالن‌ها بها دهد.

سینمای خوب و زیبا و استاندارد، خوراک فرهنگی خوب برای منطقه می‌آورد و وقتی فرهنگ منطقه‌ای بالا رود، می‌تواند از خیلی از معضلات اجتماعی کم شود و وقتی معضلات اجتماعی کم گردد، جامعه‌ای با نشاط و سالم و با سطح امنیت بالا خواهیم داشت

خلیج فارس در آئینه سینما

نباید از ظرفیت بی‌نظیر و استثنایی پرده نقره‌ای و هنر هفتم مغفول بمانیم و خوب است در این آشفته بازار تعارضات تبلیغاتی و فشارهای روانی، با تمرکز بیشتر تصاویر بکرتری از خلیج همیشه فارس را ثبت کنیم.

خلیج فارس (شاخاب پارس یا دریای پارس)، نام آبراهی پراهمیت در آسیای غربی و منطقه خاورمیانه است که در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه‌جزیره عربستان قرار دارد. خلیج فارس به عنوان شاهراه حیاتی و استراتژیکی فرهنگی در خاورمیانه همیشه از دیرباز تاکنون مورد توجه نه تنها سیاستمداران بلکه مورخان، سفرنامه نویسان و نقاشان بوده و نقشه خلیج فارس یکی از کهن‌ترین و ماندگارترین تصاویر قدیمی‌ترین اطلس‌های جهان است. خلیج فارس با همین نام همیشگی در هر دوره‌ای نقطه عطفی در روابط بین‌المللی این منطقه با سایر دنیا بوده و به لحاظ وجود منابع غنی به عنوان یکی از ذخایر ثروت جهان محسوب می‌شود که به حق، طمع برانگیز است و بسیاری از دولت‌های جهان به راحتی نمی‌توانند از آن بگذرند و وسوسه داشتن و به نام کردنش، مدام قلقلکشان می‌دهد.

کشورهای ایران، عمان، عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در کناره خلیج فارس هستند. در این میان سواحل شمالی خلیج فارس تماماً در جغرافیای سیاسی ایران قرار دارند و مهم‌تر از اینکه در بین همه این کشورها فقط ایران است که صاحب رسانه‌ای چند وجهی به نام سینماست.

ایران به عنوان کشوری صاحب صنعت سینما در عرصه تبلیغات و ارتباطات با زبان جهانی هنر، همیشه یک گام جلوتر از همتایان خود در منطقه بوده و حالا تصاویر ثبت شده بر پرده نقره‌ای می‌تواند در هر زمان برگ برنده‌ای در برابر هجمه‌های سلطه گران باشد.

تصویر خلیج فارس اگرچه آن طور که باید و شاید در سینمای ما پرداخته نشده و به واقع هنوز سینما حق مطلب را نسبت به وقایع و فراز و فرود این قطعه جغرافیایی که اهمیتی چند بعدی دارد بیان نکرده است، اما از منظری دیگر باید بگوییم که «ناخدا خورشید» ما را در بسیاری از کشورهای دیگر دیده‌اند، «جنگ نفت کش‌ها» را در زمان خوبی ساخته‌ایم و «راه آبی ابریشم» تصویری مطلوب و با کیفیت و بین‌المللی از این شاهراه آبی جهان در مالکیت ایران نشان داد.

سینمای مستند در همه دنیا همیشه پیشگام و تخصصی‌تر از سینمای بلند قدم بر می‌دارد و در ایران هم همینطور بوده و است که شاید مستند «خلیج فارس» آرد عطارپور سرآمد بقیه باشد و از دیگر انیمیشن‌های «نبرد خلیج فارس» و فیلم‌های «موج مرده»، «پری دریایی»، «پی ۲۲» و ... بتوان نام برد.

اما در نهایت خوب است یادآوری کنیم که نباید از ظرفیت بی‌نظیر و استثنایی پرده نقره‌ای و هنر هفتم مغفول بمانیم و خوب است در این آشفته بازار تعارضات تبلیغاتی و فشارهای روانی، با تمرکز بیشتری تصاویر تصویر نشده بکرتری از خلیج همیشه فارس را ثبت کنیم و با زبان سینما به رخ جهانیان بکشیم.

سینما در تصویر خلیج فارس هنوز جای کار دارد.

محرم و دست‌های خالی سینما

از مجموعه تولیدات سینمایی سال که بعضا به ۱۰۰ عنوان می‌رسد، حتی یک عنوان فیلم مناسب برای اکران در ماه‌های محرم و صفر تولید نمی‌شود.

در حالی دو ماه از سال مقارن با ماه‌های محرم و صفر می گذرد که با بی‌تدبیری متولیان امور از مجموعه تولیدات سینمایی سال که بعضا به ۱۰۰ عنوان فیلم هم می‌رسد حتی، یک عنوان فیلم سینمایی مناسب برای اکران در این ماه‌ها تولید نمی‌شود. واقعا، نمی توان ازظرفیت سالن‌های سینمایی در این ایام با سیاستگذاری درست و هدفمند در چرخه تولیدات سینمایی آثاری متناسب فضا و شان آن تولید کرد؟

آیا نگاه غیر کارشناسی و فله‌ای مسئولان نظارت و ارزشیابی در صدور مجوزها و فقدان نظام موضوعی در چرخه تولیدات باعث این خلاءها و کاستی‌ها نشده است؟

این در حالی است که بدتر از سینما، متاسفانه در رسانه ملی و تلویزیون هم شاهد تولید آثار متناسب این ایام نیستیم و همچنان، این رسانه عظیم و غول پیکر به پخش تکراری و چندین باره یکی دو نمونه سریال و مجموعه‌های تولید شده از سال‌های خیلی دور بسنده می کند.

وقتی سینمای ایران هیچ دغدغه‌ای برای تولید فیلم‌های عاشورایی ندارد ریشه معضل کجاست؟ وقتی سالانه بیش از ۷۰ تا ۱۰۰ فیلم سینمایی تولید می‌شود و در رسانه ملی بیش از ۲۰ عنوان فیلم و سریال را شاهد هستیم آیا نمی‌توان با قدری هوشمندی و درایت سبد تولیدات سال را متناسب با مقتضیات اجتماعی و نیاز خانواده‌ها طراحی و هدف گذاری کرد؟

حتی با استناد به سخنان توجیهی وزیر محترم ارشاد مبنی بر اینکه وزارت ارشاد به عنوان یک ریل گذار است و تولید کننده نیست باید پرسید این وزارتخانه در زمینه تولید فیلم‌های عاشورایی چه مشوق‌هایی را در نظر گرفته؟ و چه تسهیلاتی را برای ساخت فیلم با مضامین عاشورایی تعریف کرده است؟

یادم می‌آید در دوره‌ای به ابتکار یکی از مدیران حوزه تئاتر کشور در همین دهه اول محرم تجربه برپایی همایشی را با عنوان همایش آئین‌های عاشورایی در مجموعه تئاتر شهر شاهد بودیم که به طور غیرمنتظره با استقبال بی‌سابقه مشتاقان فرهنگ عاشورا روبرو گردیده بود و این تجربه نشان داد که می‌توان با بهره گیری از ظرفیت‌های سینما و تئاتر بخش‌هایی از جامعه را با مفاهیم و مضامین عاشورایی پیوند داد.

حماسه عاشورا از چشم سینما مهجور مانده است. در حالی که سینما می‌توانست با خلق آثاری مبتنی بر این واقعه یا الهام گرفته از مفاهیم متعالی مکتب عاشورا غنا و جذابیت مضاعفی یابد با محافظه کاری و ترسویی جسارت مواجهه با این حماسه را از دست داده و عاشورا، بار دیگر، در عرصه هنر و سینما مظلوم مانده است. در این راستا، نمی‌توان مطالبات و تفسیر به رای‌های برخی را نادیده گرفت که باعث سلب اعتماد به جامعه هنری و سینمایی کشور برای نزدیدک شدن با مضامین عاشورایی شده اند. سرنوشت مبهم فیلم «رستاخیز» ساخته احمدرضا درویش یکی از نمونه‌هایی است که با بی‌ملاحظی، در محاق مانده است.

فارغ از ساخت فیلم‌های تاریخی و بازسازی تاریخ، ده‌ها و صدها مضمون، مفهوم و روایت را می‌توان با الهام از مکتب عاشورا و محرم در سینما و تلویزیون ساخت و پرداخت.

نیاز است با برنامه ریزی و هدف گذاری و با تعریف و طراحی بسته‌های حمایتی برای تولید فیلم‌های عاشورایی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شرایط و فضا را برای ورود جدی‌تر سینماگران به مفاهیم عاشورایی گشود. ظلم است که به چند نمونه آثار ساخته شده مانند: «سفیر»، «روز واقعه»، «کربلا جغرافیای یک تاریخ» و یا فیلم‌های کوتاهی که در سال‌های اخیر توسط مراکز سینمایی حوزه هنری تولید می‌شوند دلخوش بود. اگر چه از اهمیت همین جریان شکل گرفته توسط نسل جوان سینماگران در حوزه هنری هم نباید غافل بود با این حال، فرهنگ و مکتب عاشورا به خلق آثار سینمایی و مجموعه‌هایی بزرگ سینمایی نیاز دارد.

اعتبارات دولتی و چالش‌های آن برای رونق تولید

کیاپور نظری

در سالی که به فرموده مقام معظم رهبری سال «رونق تولید» نام گذاری شده است همه‌ی دستگاه‌های اجرایی و نهادهای کشور موظفانـد از تمامی ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های موجود برای تحقق و اجرایی شدن آن بهره گیرند.

رونق تولید صرفا یک شعار تبلیغاتی نیست که با برگزاری چندگردهمایی و هم اندیشی‌های تکراری و بی‌حاصل موضوع فیصله پیدا کند بلکه استراتژی کلی نظام است که بر اساس واقعیت‌های موجود در کشور و نیز رویدادهای بین‌المللی اتخاذ می‌شوند. اگر در سال ۹۸ «رونق تولید» به عنوان اصلی‌ترین استراتژی نظام مطرح شده است. فلذا همه‌ی دستگاه‌های اجرایی و نهادهای کشور می‌بایست با اتخاذ روش‌ها و تاکتیک‌های مناسب در عملیاتی شدن این شعار بکوشند. انجام مطالعه، تحقیق و پژوهش، تدوین برنامه‌ها و راه کارهای اجرایی و سرانجام عمل به آنها فرآیندی است در جهت نزدیک کردن و رسیدن به خواسته‌ها و نیازمندی‌هایی که در چارچوب این عنوان مطرح شده است. به عبارت بهتر، برای نیل به این هدف ابتدا باید منابع و امکانات موجود را شناخت، از موانع و مشکلاتی که در مسیر آن قرار دارد آگاهی کسب کرد و سرانجام با ترسیم دورنمای برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت، مناسب‌ترین راه را انتخاب و به آن عمل کرد و در نهایت ثمرات و اثرات اقدامات مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. با این توصیف دستگاه‌های اجرایی و نهادهای کشور برای عمل به شعار سال (رونق تولید) با چه مشکلاتی مواجه هستند ؟

مهم‌ترین موضوعی که در ابتدای امر به ذهن می‌رسد کمبود بودجه و اعتبارات است. طی سالیان متمادی بسیاری از دستگاه‌های اجرایی و نهادهای کشور به طرز بی‌سابقه‌ای به درآمدهای دولتی وابستگی شدید پیدا کرده‌اند و در تبیین استراتژی‌ها، اعتبارات و منابع دولتی نقش محوری و کلیدی داشته است. به عبارت دیگر هرگاه اعتبارات و منابع دولتی دستگاه‌ها و نهادها افزایش پیدا کرده، برنامه‌های این دستگاه‌ها نیز به همان نسبت کم و بیش عملیاتی شده‌اند و هرگاه به دلیل نوسانات ارزی قیمت جهانی نفت، منابع و اعتبارات آنها کاهش یافته به همان اندازه نیز در اجرای برنامه‌های آنان خلل ایجاد شده است. این موضوع در سال ۹۸ وجه دیگری را از خود نشان داده که در هیچ دوره و سالی تجربه نشده است. اعمال تحریم‌های اقتصادی ظالمانه آمریکا علیه ایران در حوزه‌ی فروش نفت و انرژی و نیز ایجاد محدودیت و موانع در مبادلات مالی و پولی بسیاری از دستگاه‌های بودجه بگیر را با چالش کمبود منابع مالی و اعتباری مواجه ساخته است که این موضوع تحقق شعار سال یعنی «رونق تولید» را بدون شک تحت تاثیر قرار خواهد داد. در چنین شرایطی واکنش دستگاه‌هایی که وابستگی شدید به پول نفت پیدا کرده‌اند دو گونه خواهد بود:

یا تحت تاثیر کمبود منابع مالی و اعتبارات دولتی بسیاری از برنامه‌های اصلی خود را حذف نموده و صرفا به امور جاری رسیدگی کنند. به عبارت دیگر بی‌خیال برنامه ریزی برای تحقق شعار سال یعنی رونق تولید خواهند شد. این مدل دستگاه‌ها را می‌توان دستگاه‌های «غیر مولد» نام برد که بدون اتکاء به منابع مالی دولتی نمی‌توانند به حیات خود ادامه داده و از منابع داخلی و امکانات موجود برای حل بحران‌ها بهره ببرند. مدیریت‌های وابسته به درآمدهای نفت و فاقد درایت و دور اندیشی قطعا در مواجه با چنین شرایطی دستاوردی نخواهند داشت و نهایتا سال را بدون کم‌ترین بهره وری سازمانی به پایان خواهند رساند.

دسته‌ی دیگر دستگاه‌ها و نهادهای هستند خلاق و نوآور که با ظهور بحران‌های مالی با بهره گیری مطلوب از داشته‌های موجود و انتخاب رهیافت‌های متنوع و اجرای آن از بن بست‌ها رهایی پیدا کرده و تهدیدها را تبدیل به فرصت می‌نمایند. این سازمان‌ها و دستگاه‌ها با یافتن روزنه‌های برای کسب «درآمد مالی پایدار»، فعالیت‌های خود را توسعه خواهند داد. دستگاه‌های اجرایی موفق با پیروی از «الگوی اقتصاد مقاومتی» و اتکاء به درون و نیز بهره مندی از سرمایه‌های انسانی می‌توانند در برابر طوفان‌های درهم شکننده بیرونی از خود مقاومت نشان داده و نتایج قابل اعتنایی کسب نمایند.

طبیعتا در شرایط سخت و دشوار اقتصادی، نهادهای فرهنگی و هنری به عنوان دستگاه‌های اجرایی با اولویت درجه دوّم به لحاظ برخورداری از بودجه‌ها و منابع دولتی بیشترین آسیب‌ها را خواهند دید چرا که از نظر اصول و مبانی اقتصادی در شرایط بحرانی، تامین ملزومات و نیازمندی‌های اساسی و اصلی مردم ارجحیت بیشتری نسبت به تولید محصولات فرهنگی و هنری دارد. بنابراین بسیاری از مراکز فرهنگی و هنری وابسته به منابع دولتی در مواقع کاهش اعتبارات دولتی، بخشی اعظمی از فرآیندهای برنامه ریزی و اجرای فعالیت‌ها را متوقف کرده تا در فرصت مناسب و با فراهم شدن شرایط مطلوب آنها را دنبال نمایند مگر این که این موسسات و نهادها توانسته باشند پیش از بروز بحران مالی برای خود منابع مالی مستقلی تعریف کرده و به تدریج و با برنامه ریزی دوراندیشانه و با استفاده از فرصت‌هایی که در اختیارشان قرار گرفته بود وابستگی به بودجه‌ها و اعتبارات دولتی را کاهش داده باشند.

سازمان سینمایی حوزه هنری هم یکی از بخش‌های فرهنگی و هنری کشور است که با اتکاء به تجارب چندین ساله، دارا بودن منابع انسانی متخصص و آشنا و نیز توانمندی‌های داخلی در کسب «درآمدهای پایدار» از بسیاری از گذرگاه‌های ناهموار عبور کرده و در شرایط فعلی نیز می‌تواند با هوشمندی و آینده نگری در تحقق شعار سال یعنی رونق تولید گام‌های موثری را بر دارد. سازمان سینمایی حوزه هنری در سال ۹۷ نیز علیرغم محدودیت در تخصیص منابع دولتی و با اتکاء به درآمدهای حاصل از فعالیت‌های سازمانی اعم از کسب درآمد از سالن‌های سینمایی، پخش و اکران فیلم‌های سینمایی، توزیع محصولات در شبکه‌ی گسترده نمایش خانگی و vod ها، واگذاری حق پخش آثار تولید شده و ..... در زمینه تولید آثار سینمایی فاخر (۲ اثر)، تولید آثار مستند (۱۵ عنوان در ۱۵۰ قسمت با ۱,۷۳۲ دقیقه)، تولید برنامه‌های تلویزیونی (۱۰ برنامه در ۱۴۷ قسمت با ۶,۴۱۰ دقیقه)، تولید فیلم‌های کوتاه داستانی (۲۰ اثر کوتاه داستانی)، تولید فیلمنامه (۲۲ عنوان) تولید و انتشار محتوای نوشتاری (ترجمه کتاب، تولید محتوا برای سایتها)، حضور آثار در جشنواره‌ها و بازارهای بین‌المللی (۶۱ جشنواره و ۷ بازار بین‌المللی) و ... اقدامات قابل توجهی انجام داد.

در سال ۹۸ نیز این سازمان بدون تاثیر پذیری از شرایط نامطلوب اقتصادی کشور و با فعال سازی ظرفیت‌های داخلی در تحقق اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و همچنین «رونق تولیدات هنری» اقدام شایسته‌ای را بعمل خواهد آورد و در پایان سال، نتایج کار آن مطلوب نظر اهالی فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت. انشاء الله تعالی

«سینما پاتوق» و بازگشت حوزه هنری به روزهای خوب

جریان شکل گیری و احیای پاتوق‌های سینمایی در حوزه هنری در یکساله اخیر اتفاق قابل توجهی است که نشان از بازگشت حوزه هنری به دوران طلایی و اوج شکوه خود دارد و خبرهای خوبی را نوید می‌دهد.
حوزه هنری یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین نهادهای فرهنگی و هنری انقلاب اسلامی است که بسیاری از آن به قرارگاه، تکیه‌گاه و امید هنر انقلاب تعبیر می‌کنند.
مروری بر پیشینه فعالیت این مرکز در طول سال‌های انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که حوزه هنری همواره، از جایگاه جریان‌ساز و جهت بخشی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و سینمایی برخوردار بوده است. بخش زیادی از نسل هنرمندان انقلابی از حوزه هنری وارد جامعه شدند. هنرمندانی مانند: محمدرضا هنرمند، شهریار بحرانی، محمد کاسبی، مجید مجیدی، حاتمی کیا، میرکریمی، تخت کشیان، سلحشور، شورجه، شاه‌حسینی و ده‌ها فیلم‌ساز دیگر در سال‌های گذشته با حمایت و مشارکت این نهاد آثارشان را خلق کردند و در سال‌های اخیر نیز، با درک ضرورت‌ها و نیازها به‌ویژه در حوزه آموزش، کادرسازی و تربیت هنرمندان جوان انقلابی باز این نهاد به صورت جدی وارد میدان شده است.
اگرچه نقش حوزه هنری را هم در عرصه سیاست‌گذاری و تولید سینمایی و هم در بسترسازی جریانات فرهنگی نمی‌توان نادیده گرفت. جدای از پیشینه درخشان حوزه در سینمای انقلاب، در سال‌های اخیر به رغم کم مهری به آثار و موضوعات استراتژیک نظام، باز حوزه با همه محدودیت منابع و مشکلات ورود جدی‌تری در مقایسه با خیلی از نهادها و دستگاه‌های فرهنگی و سینمایی داشته که ساخت آثار مهمی چون: مزار شریف (تنها فیلم مرتبط با یک اتفاق بین‌المللی جمهوری اسلامی)، میهمان داریم (درباره شهدا)، حوض نقاشی، یه حبه قند (اثر زیبا با موضوع زندگی ایرانی اسلامی)، کربلا جغرافیای یک تاریخ، مستند «نام‌ها» از جمله آن است.
این نهاد در چند سال اخیر با سیاست جوان گرایی از طریق تاسیس باشگاه «فیلم سوره» و مرکز مستند «سوره» افق تازه‌ای را برای کشف نیروهای انقلابی و حمایت از مضامین مهم فرهنگی و اجتماعی باز کرد که آثار و دستاوردهای آن به تدریج آشکار می‌شود. حضور ۱۵ فیلم از آثار این ۲ مرکز در جشنواره فیلم عمار گواهی است بر موفقیت سیاست جوان گرایی و باروری و ثمر دهی این نگاه.
آثار نسل جدید سینماگران این مرکز همچون: «آنتراکت» (درباره یک سرباز اسرائیلی)، «ما ایستاده‌ایم» (نماهنگ حماسی ضد آمریکایی و مرتبط با ناو وینسنس)، «چای روضه» درباره محرم، ولد درباره کشورهای عربی، «ارغوان» درباره مدافعان حرم، «دایو» درباره شهدای غواص، و ده‌ها موضوع دیگر بر اساس ضرورت فرهنگی اجتماعی روز جامعه شکل گرفته است. یا فیلم‌های کوتاهی که ملهم از سیاست گذاری محتوایی و هدف گذاری حوزه با محوریت ویژه به سینمای دغدغه مند، توجه به رویدادها و فرازهای مهم تاریخ معاصر، توجه به موضوعات مبتلابه جامعه: تحکیم خانواده، سبک زندگی، مناسبات خانودگی، شهدا، داعش و ... تولید شده‌اند.
تربیت نیروی انسانی همراه با جوان گرایی، کیفی گرایی و انقلابی گری، حمایت و تشویق جریانات فرهنگی انقلابی رویکردی بوده که سازمان سینمایی حوزه هنری مدنظر قرار داده و همچنان که حجم بالایی از سینماگران و هنرمندان از طریق این مرکز به کاروان سینمایی کشور پیوستند دور نیست که زمینه سازی برای نسل تازه هم فراهم آید.
حوزه هنری از زمان شروع شکل گیری خود اگر نگوییم مهم‌ترین بلکه یکی از مهم‌ترین تکوین گران فرهنگ و هنر این مملکت است که نه فقط در سینما بلکه در همه زمینه‌ها تمام قد دین خود را به انقلاب اسلامی و آرمان‌هایش ادا کرده است. جریان شکل گیری و احیای پاتوق‌های سینمایی در حوزه هنری در یکساله اخیر اتفاق قابل توجهی است. این نهاد هنری در سال‌های بسیار دور، همواره به مثابه یکی از پایگاه‌های جدی برای تجمعات و نشست‌های هنری و سینمایی عمل می‌کرده است. به طوری که صدها چهره سینمایی و فعال هنری از دل آن پاتوق‌ها و محافل به جامعه معرفی شدند و امروز در ساختار فرهنگی و سینمایی کشور نقش و حضور تاثیرگذار و تعیین کننده دارند.
به نظر می‌رسد این نهاد به تازگی با احیای آن تفکر و با تدبیری کارآمد اقدام به توسعه و گسترش محافل و پاتوق‌های سینمایی کرده است. برنامه‌هایی که به صورت هفتگی و ماهانه با حضور سینماگران، منتقدان و اهالی رسانه برگزار می‌شود نشان از بازگشت روزهای خوب حوزه هنری دارد.
یکی از این اتفاق‌های خوب برنامه فرهنگی «سینماپاتوق» پس از یکسال میزبان ۱۹ فیلم سینمایی، مستند و کوتاه و همچنین چند اثر سینمایی از جشنواره فیلم فجر بوده است.
برنامه فرهنگی «سینماپاتوق» که زمستان ۹۶ رسما آغاز به کار کرد؛ در اولین سال میزبانی ۶ فیلم سینمایی را به طور رسمی عهده دار شد و چند فیلم سینمایی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر نیز به نمایش درآمدند که بنا به خواسته صاحبان اثر نامشان اعلام نخواهد شد.
بانیان این برنامه فرهنگی قصد دارند در دومین سال برگزاری سینماپاتوق به خاطر استقبالی که تا کنون مشاهده شد فضای گسترده‌تری را در اختیار سینماگران قرار دهند.
فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» به کارگردانی محمدرضا خردمندان، فیلم سینمایی «نفس‌های آرام» به کارگردانی میثم هاشمی طبا، «دایان» به کارگردانی بهروز نورانی پور، انیمیشن سینمایی «فیلشاه» به کارگردانی هادی محمدیان، فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» به کارگردانی بهرام توکلی، فیلم سینمایی «به وقت شام» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا، فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر، «یونس» وحید وکیلی فر، «معکوس» پولاد کیمیایی، همچنین فیلم کوتاه «چای جوشیده» به کارگردانی محمد علیزاده، فیلم کوتاه «چرخ» ساخته مهدیه محمدی، فیلم کوتاه «خاطره» به کارگردانی رقیه فتحی، انیمیشن «آنتراکت» به کارگردانی محمدرضا خردمندان، فیلم کوتاه «نفرس» به کارگردانی سامان غنائمی، فیلم کوتاه «شیرینی» ساخته محمدحسین امانی، فیلم «چشم به راه» ساخته حسین دارابی، فیلم «مادر» به کارگردانی رضا زهتابچیان، فیلم «نفرین شدگان» به کارگردانی مهدی افضل زاده، فیلم «کانتینر» به کارگردانی امید میرزایی، انیمیشن «آقای گوزن» به کارگردانی مجتبی موسوی نیز همگی از برنامه‌ها و میهمانان برنامه «سینماپاتوق» بودند.
همچنین همزمان با هفته گرامیداشت دفاع مقدس نیز مستند سینمایی «از آزادی تا آبادی» به کارگردانی محمد دیندار اکران شد و مستند «رادکان» ساخته حجت حیدری و احسان ملازهی نیز آخرین اثر اکران شده در سال اول برنامه «سینما پاتوق» حوزه هنری بود.
برنامه «سینما پاتوق» به منظور توسعه تعامل سینماگران، حمایت از فیلمسازان جوان و گسترش مراودات بین اهالی رسانه و هنرمندان و بسترسازی برای معرفی بهتر محصولات سینمای ایران زیر نظر روابط عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری ایجاد شده است.
«رگ خواب» به کارگردانی حمید نعمت الله، «سیکاریو» محصول ۲۰۱۵، «ندارها» به کارگردانی محمدرضا عرب، «فرزند صبح» به کارگردانی بهروز افخمی، «کمدی انسانی» به کارگردانی محمدهادی کریمی با حضور جمع کثیری از هرنمندان و علاقه مندان این هنر محبوب، از آخرین دستاوردهای محفل «فیلمنامه فیلم» و «سینما پاتوق» در سال جاری بوده که تداعی گر روزهای خوب حوزه هنری است.

در شهرستان‌ها هم سینماپاتوق راه بیفتد

در سال‌های اخیر کمتر ارگان‌های سینمایی بوده‌اند که در کنار تلاش برای سالن سازی یا ارتقای کیفی سالن‌های قدیمی شرایط ارائه فیلم‌های خارج از جریان اصلی اکران را از طریق پاتوق‌های سینمایی فراهم کنند. حوزه هنری از معدود ارگان‌هایی است که هم از طریق بهمن سبز بر سالن سازی اصرار داشته و هم با راه اندازی سینماپاتوق‌های شفاف گو کوشیده مجال رویارویی مستقیم مخاطبان و سینماگران را فراهم کند.

حسن کلامی تهیه کننده سینما درباره نیاز روزافزون مخاطبان به سالن استاندارد و سینماتک‌های موثر اظهار داشت: این تعداد سینماها در کشور جوابگوی این جمعیت نیست. بسیاری از شهرستان‌ها هستند که سینما هم دارند اما سینمارو ندارند ولی شهرهایی هم هستند که سینمارو دارند ولی سینمای خوب ندارند. شهرهایی که سالن دارند و سینمارو ندارند را باید با ارتقای کیفی محصولات اکران شده و کنارش راه اندازی پاتوق‌های سینمایی که محصولات متفاوت را ارائه می‌دهند به جایگاه مطلوب رساند.

تهیه کننده «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» و «زخم شانه حوا» ادامه داد: در تهران و شهرهای بزرگ سینما وجود دارد و سینماهای خوبی هم وجود دارد ولی به نسبت جمعیت کلان هنوز مخاطب کم داریم. چه کنیم که مخاطب افزایش یابد؟ راه اندازی پاتوق‌هایی برای نمایش فیلمهای متفاوت و کنارش ایجاد گپ و گفت مستقیم مخاطبان با عوامل فیلم‌ها و البته به کارگیری کارشناسان روشنگر در این پاتوقها از جمله روشهای افزایش مخاطب است.

حسن کلامی با اشاره به ضرورت گنجاندن پاتوق‌ها در کنداکتور پردیس‌های سینمایی خاطرنشان ساخت: توسعه پاتوق‌های سینمایی به اندازه ساخت سالن سینمایی اهمیت دارند. آنچه که مورد توجه نسل جوان است وجود پردیس‌های مدرن است. نسل جوان از پردیس‌ها بیشتر استقبال می کنند. حالا فکر کنید در این پردیس‌ها پاتوق‌های سینمایی هم راه بیفتد و به صورت مداوم کار کنند. در این صورت قطعا فهم مخاطب سینمارو خیلی سریع رشد خواهد کرد و به تبع آن محصولات سینمایی نیز مجبور به ارتقا خواهند شد.

حسن کلامی با مخاطب قرار دادن مدیران سینمایی بیان داشت: آقایان مدیر! اگر قرار است بودجه‌های فرهنگی را درست مصرف کنید از همین الگوی ساخت پردیس‌های سینمایی چندمنظوره استفاده کنید و حتما بر اکران فیلم‌های فرهنگی در قالب سینماتک یا سینماپاتوق در این پردیس‌ها اهتمام ورزید. والله که این کار بیشتر از برپایی جشنواره‌هایی پرهزینه با صدها مدیر و کارمند و پرسنل فایده دارد.

بر مدار ارتقای بینش مخاطب عام سینما

سنت نقد و تحلیل آثار سینمایی در کنار نمایش آثار، سال‌هاست که در کشور ما وجود داشته ولی بیش از آن که مجالی باشد برای ایجاد ارتباط بدنه مخاطب با سینما، محفلی شده برای حضور افرادی خاص. «سینماپاتوق» حوزه هنری سعی کرده در خلاف این جهت و کاملا فعالیت کند.

محسن علی اکبری تهیه کننده سینما درباره فلسفه وجودی سینماپاتوق‌ها گفت: سینماتک‌ها و پاتوق‌های سینمایی که به دنبال ایجاد ارتباط سینماگران و مخاطبان هستند اگر محترمانه و بی‌پروا نقد سازنده ارائه کنند اقدامی صد درصد مثبت کرده‌اند ولی اگر آلوده محفل گرایی و باندبازی شوند در مسیر انحرافی پیش خواهند رفت.

علی اکبری که تهیه کننده آثاری مختلف از «استرداد» تا «کتاب قانون» بوده ادامه داد: سینماپاتوق‌هایی می‌توانند جریان ساز باشند که به غیر از نمایش فیلم حتما سازندگان آثار را دعوت کرده و بخواهند دیدگاه‌ها و نگاه‌شان را نسبت به فیلم بگویند و اینکه چقدر به هدفش رسیده است را فاش کنند و در کنار همه اینها پاسخگوی سوالات مخاطبان هم باشد.

وی خاطرنشان ساخت: در اغلب سینماتک‌ها ما با یک قشر دانشجو مواجه هستیم که به هرحال در اول راه هستند و صرف نمایش خالی فیلم، شاید آنقدر تاثیری برایشان نداشته باشد. حضور عوامل سازنده فیلم می‌تواند خیلی تاثیرگذار باشد که بیایند و دانش مخاطب را بی حب و بغض ارتقا دهند.

تهیه کننده سریال‌های «مریم مقدس» و «اصحاب کهف» تأکید کرد: به گردانندگان سینماپاتوق حوزه هنری توصیه می کنم حتما از اساتیدی که در این رشته اسم و رسمی دارند و تجربه زیادی دارند کنار عوامل فیلم‌ها استفاده کنند و بدعتی گذارند برای سینماپاتوق‌های بعدی. اساتیدی را بیاورند که در کنار تحصیلات آکادمیک کار تجربی هم کرده باشند و بتوانند پاسخگوی سوالات تکنیکی علاقمندان باشند.

به گفته وی، برای نقد و تحلیل می‌توان به سراغ سریال‌های تلویزیونی هم رفت و با نمایش خلاصه‌ای از سریال‌های شاخص به بررسی و ارزیابی آنها پرداخت. این تحلیل‌ها یقینا، می‌تواند یک خروجی مثبت برای تلویزیون ایران داشته باشد.

تهیه کننده «پرواز در شب» و «بلمی به سوی ساحل» با ابراز امیدواری نسبت به آینده «سینماپاتوق» حوزه هنری بیان داشت: در ادامه دادن به فعالیت‌های فرهنگی نباید به دنبال بالا بردن بیلان کاری باشیم بلکه لازم است که هر بار به فکر بالا بردن کیفیت باشیم و به این فکر کنیم که چه می‌شود کرد که ارتباط مخاطب با پاتوق بیشتر و بیشتر شود.

علی اکبری افزود: به هرحال مخاطب علاقمند ذهنش فرار است و مرتب سوال ایجاد می کند و هدف پاتوق هم ایجاد سوال و پاسخ به آن است. به این سوالات باید کامل پاسخ داده شود آن هم از طریق استفاده از عوامل حرفه‌ای و اساتید کاربلد.

مهدی کریمی:

جذب مخاطبان خاموش با درجه‌بندی سنی فیلم‌ها

مهدی کریمی گفت: امیدوارم درجه‌بندی سنی فیلم‌ها در سینمای ایران به جذب مخاطبان خاموشی که سالهاست دور سینما را خط کشیده‌اند منجر شود.

یکی از مشکلات دو دهه اخیر سینمای ایران آن است که سهم مخاطبان سینماها از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران سهمی قابل توجه نیست و همین امر موجب شده هر از گاه طرح‌هایی برای کمک به افزایش مخاطب اجرایی شود. از جمله طرح های تازه‌ای که با تبلیغ فراوان مدیران در جهت رونق گیشه سینماها راه افتاده درجه بندی سنی فیلم‌هاست که هنوز مشخص نیست بتواند کمکی کند به بالا رفتن دامنه مخاطبان یا خیر؟

مهدی کریمی تهیه کننده قدیمی سینما درباره تمرکز ارشاد بر درجه بندی سنی آثار سینمایی بیان داشت: درجه بندی در این مدتی که اتفاق افتاده فکر نمی‌کنم کمکی کرده باشد به بالا رفتن میزان مخاطبان! شاید هم اصلا هدف درجه بندی بالا بردن دامنه مخاطبان نبوده است.

این تهیه کننده خاطرنشان ساخت: متاسفانه بخشی از قوانین و شرایطی که به آن می‌رسیم، مرهون تغییر مدیریتی مداوم در سینماست یعنی وقتی مدیران ثبات ندارند به دنبال حل مشکلات کلیدی نمی روند و می کوشند با دستورات کم اثر و ارائه قوانین کم خطر عمر مدیریت خود را به انتها برسانند.

کریمی در توصیف این ماجرا افزود: آیا در سال‌های اخیر دغدغه سینماگران ورود پول‌های آلوده بوده یا درجه بندی فیلم‌ها؟ آیا دغدغه سینماگران فقدان امنیت شغلی بوده یا نداشتن نظام درجه بندی؟ آیا مشکل سینمای ما تشدید تبعیض در اکران بوده یا درجه بندی؟ می‌بینیم که به طرق مختلف از پاسخگویی به مسأله سرمایه‌های مشکوک و فقدان امنیت شغلی سینماگران و مشکلات اکران سرباز می‌زنند و طرح‌هایی فرعی رو می‌کنند. شخصا امیدوارم که تمرکز بر درجه بندی فیلم‌ها راهی برای عبور از حل مشکلات کلیدی سینما نباشد.

تهیه کننده «رنگ خدا» و «مهر مادری» تأکید کرد: من امیدم را از دست نمی‌دهم و مشتاقم ببینم این درجه بندی سنی به بالا رفتن دامنه مخاطبان منجر می‌شود یا خیر؟ امیدوارم آقایان از نظر آمار و ارقام بتوانند با درجه بندی سنی فیلم‌ها به نتیجه مطلوب خود برسند و حتما عموم سینماگران را هم در جریان دستاوردهای درجه بندی قرار دهند.

مهدی کریمی در پاسخ به اینکه چرا وقتی درجه بندی پیش تر توسط حوزه هنری اجرا می‌شد با انتقاد تعدادی از سینماگران مواجه می گشت اظهار داشت: حوزه هنری به عنوان نهادی سینمادار شاید به خاطر درنظر گرفتن ملاحظات تمام جامعه مخاطبین بالاجبار، برخی فیلمها را نمایش نمی‌داده و بیش‌تر بر بحث سینمای خانواده و ارزشی تمرکز کرده است.

مهدی کریمی در پایان بیان داشت: ما باید به دنبال جذب مخاطب خاموش به سینماهایمان باشیم. اینکه دل خوش کنیم به همین یکی دو میلیون مخاطب حداقلی سینما، مشکل سینما را حل نمی کند. باید به این بیندیشیم که چرا میلیون‌ها نفر از ایرانیان سال‌هاست به سینما نمیروند؟ امیدوارم درجه‌بندی سنی به جذب مخاطبان خاموشی که سال‌هاست دور سینما را خط ند منجر شود.

راه اندازی پردیس سینمایی مازندران

صبح پنجشنبه ۲۸ شهریورماه مهدی معصومی گرجی سرپرست حوزه هنری مازندران در نشستی با عباس زارع مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان درباره ساخت پردیس سینمایی ایران در مرکز استان به گفت‌وگو نشست.

وی که با سید علی سیدپور مدیر امور سینمایی حوزه هنری مازندران در این دیدار حاضر شد، ضمن اشاره به نظر موافق و تاکید احمد حسین زادگان استاندار مازندران بر اجرایی شدن این پروژه و همچنین اشاره به نشست‌های پیشین دستگاه‌های ذیربط استان برای اندیشیدن تدابیری جهت تسهیل مسیر کار و ایجاد بستر قانونی این امر، درباره موانع و مشکلات حاضر با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گفت‌وگو کرد.

سید علی سیدپور نیز با ارائه گزارشی از روند سالن دوم سینما سپهر ساری با ظرفیت تقریبی ۷۰ نفر گفت: جای خوشبختی است که برای ساخت و تجهیز این سالن که تقریبا ۸۰ درصد کارها انجام پذیرفته از خارج از استان جذب بودجه داشته‌ایم که عمدتا با همکاری موسسه بهمن سبز بوده است.

وی افزود: با توجه به رایزنی‌هایی با سرمایه‌گذار، اقدامات جدی ای از طریق دفتر امور سینمایی مازندران با همکاری مؤسسه فرهنگی تبلیغی بهمن سبز صورت گرفته تا بتوانیم در محل سینما ایران ساری که سال‌هاست به مخروبه ای بدل شده، در قلب شهر ساری یک پردیس چند سالنه ایجاد کنیم تا تاییدی بر شایستگی مردم شریف این شهرستان (مرکز استان) باشد.

همچنین عباس زارع مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در ادامه ضمن اعلام حمایت از این جریان، وجود این امکان را برای ساری و مازندران یک ضرورت برشمرد و افزود: جهت کمک و همراهی برای ساخت پردیس سینمایی ایران در مرکز استان از هیچ اقدامی فروگذاری نکرده و در کنار حوزه هنری مازندران خواهد بود.

در اولین قسمت از سلسله نشست‌های «فیلمنامه فیلم» عنوان شد

موضوعیت آسیب‌های اجتماعی در «رگ خواب»

اولین قسمت از سلسله نشست‌های «فیلمنامه فیلم» حوزه هنری، با موضوع نقد و بررسی فیلم سینمایی «رگ خواب» به کارگردانی حمید نعمت الله و نویسندگی معصومه بیات و بازی لیلا حاتمی، کورش تهامی، الهام کردا و لیلا موسوی ۳۰ تیرماه (یکشنبه) در سالن اوستا حوزه هنری برگزار و همزمان با اکران فیلم، سید محمدحسینی، مدیر مرکز تولید متن حوزه هنری به نقد و بررسی این فیلمنامه پرداخت.

در این مراسم سید محمدحسینی، مدیر مرکز تولید متن حوزه هنری ضمن اشاره به محتوای ژانر اجتماعی فیلم‌های سینمایی گفت: غالبا فیلم‌هایی که با ژانر اجتماعی ساخته می‌شود به دنبال بیان کردن معضلات و آسیب‌های اجتماعی رایج در جامعه است. دیدگاه اینگونه فیلم‌های آسیب شناسی و پاتولوژی موضوعات است. «رگ خواب» برخلاف فیلم‌های دیگر، از چارچوب صرفا نمایش فیلم فراتر رفته و نگاهی روان شناسانه به موضوع داشته است. این فیلمنامه از نگاه صرفا گریم گانه به متن‌ها و ادبیات رایج در آثار گذشته خودداری کرده و فارغ از توجه کلیشه‌ای به واژه عشق، از نقطه آغاز دوست داشتن تا مرز هوس پیش رفته است و در پی نشان دادن تحقیر معشوق و شخصیت اصلی فیلم در جریان عشق، به دام هوس و عواقب آن اشاره می‌کند.

وی افزود: حقارت حسی است که در این فیلم به درستی به تصویر کشیده می‌شود بنابراین رابطه کاملا رمانتیک بین دو نفر به یکباره عوض شده و وجوه دیگری از قصه به نمایش گذاشته می‌شود. معمولا سینمای ایران به تکرار اینگونه ژانرها نمی‌پردازد چرا که سینمای ما معمولا به خرده داستان‌ها عادت داشته و از داستان‌هایی با موضوعات کاملا مشخص و یکپارچه به دور بوده است. «رگ خواب» نمونه‌ای از فیلم‌های تک کاراکتری است که تلاش کرده روایت را با تمهیدات متعدد و نریشن کامل کند. در واقع نریشن‌ها خطاب به فردی است که در حین روایت داستان، مخاطب آن کم کم مشخص می‌شود که از نظر بنده این فضا سازی و نریشن‌ها در فیلم کاملا درست و به جا بوده است.

حسینی ادامه داد: فارغ از لحن کتابی نریشن‌ها، محتوای متن نریشن‌ها کاملا کاربردی بوده و قصه را به خوبی پیش برده است. در جایگاه انتقادی، بنده معتقدم «رگ خواب» در مرحله

سید محمد حسینی:
«رگ خواب»
از چارچوب صرفا نمایش فیلم
فراتر رفته و نگاهی
روان شناسانه به موضوع
داشته است
این فیلمنامه
از نگاه صرفا گریم گانه به
متن‌ها و ادبیات رایج
در آثار گذشته
خودداری
کرده

شخصیت سازی و بیان باورهای عاشقانه یک زن بسیار موفق عمل کرده است با این وجود نمی‌توان از نقطه ضعف‌های آن نیز غافل ماند. تغییر خواستگاه زن در جامعه نوعی ضعف است که کاراکتر اصلی فیلم به آن دچار شده است. در واقع با وجود تیپ روشن فکری شخصیت اصلی فیلم، زن در مواجه با عشق به بلاهت نوجوانانه‌ای می‌رسد که به طور کلی قصه را عوض می‌کند. این جریان باور پذیری فیلم را کاهش داده و درک منطقی آن را برای مخاطب مشکل می‌کند.

وی خاطرنشان کرد: القای حس روشن فکری در فیلم، در قالب ارکانی مثل آموزش زبان فرانسه به وضوح دیده می‌شود که همزمان با نمایش آن، فرد تن به هرکاری داده و به بازسازی گذشته نقش مینا می‌پردازد. نشان دادن ازدواج نا موفق زن، باید تجربه‌ای را برای ادامه زندگی نقش مینا داشته باشد که متاسفانه کارگردان از نشان دادن آن غافل بوده است. در شرایطی که معمولا شکست در یک زندگی مشترک، افراد را محکم‌تر می‌کند در حالی که در نقش مینا با فرآیند آسیب اجتماعی و ضربه پذیری زن روبرو می‌شویم.

مدیر مرکز تولید متن حوزه هنری تاکید کرد: برخی افراد بر این باورند که مواجهه با عشق امری کودکانه است بنابراین درروبارویی با دیوانگی‌های فرد عاشق در فیلم، دیگر شخصیت‌ها باید کودکانه در نظر گرفته شوند در حالی که این فرآیند توجیهی بیش نیست و باید تقویت شود. «رگ خواب» نمایی از عشق فوری و دلداگی‌های آنی است و ما مجبور هستیم به شخصیت به عنوان یک تیپ نگاه کنیم در این شرایط باید از داشته‌های ذهنی خود برای کمک به نویسنده بهره ببریم.

وی عنوان کرد: انتظار طولانی مینا برای دیدن کامران در لحظه‌ای به مسخره بازی می‌رسد که این امر جریان قصه را عوض می‌کند. قصه‌ای که قرار است حیاط خلوتی از همه عناصر طبیعت یک خانواده باشد با تلاش‌های کارگردان در انتخاب خانه‌ای متناسب با قصه، به جریان بیان درست داستان کمک بسیاری کرده است.

گفتنی است از لحاظ کارگردانی ضعفی در این فیلم وجود ندارد و فضا در امتداد شخصیت پیش رفته است. اما تغییر داستان و آغاز فصل هوس بازی توسط شخصیت مرد قصه، نوعی پاردوکس است در حالی که معمولا شخصیت اغواگر فیلم‌ها، زن بوده است. ما از لحظه شروع احساس سرد تحقیر شدن در سالن سینما، نسبت به موفقیت کارگردان در انتقال مفهوم مطمئن می‌شویم که با کارگزاری فضای مناسب، دو قصه مجزا را به هم وصل می‌کند. در این میان مخاطب در خیال رسیدن به عشقی پاک به سر می‌برد که به ناگه به هوس بازی مرد و نمایش شخصیت منفوری از آن می‌رسد. در این قسمت علاوه بر نقاط قوت، ضعف‌هایی وجود دارد که ریشه در بد بودن مرد داستان و نمایش سیاهی از آن فرد دارد در حالی که بر اساس ادبیات فارسی، عنصر عشق چیزی پیچیده تر از نمایشی است که در این فیلم به چشم می‌خورد.

حسینی ضمن اشاره به داستان‌های تاریخی که از عشق، عناصر پیچیده‌تری می‌سازد، اذعان داشت: قطعا نمایش عشق نیاز به قصه‌ای درونی دارد اما هوس بازی خیلی سریع‌تر از عشق دست ماجرای اصلی فیلم را رو می‌کند و منفور بودن شخصیت را بیشتر نشان می‌دهد. بنابراین دیگر جایی برای قضاوت مخاطب نگذاشته است چرا که نویسنده از قبل قضاوتی یک طرفه داشته است.

وی یادآور شد: حس حقارت تنها عاملی برای ترغیب مخاطب به ادامه داستان است و حتی کنجکاوی هم نقشی در این پیگیری ندارد. حس ترهم به شخصیت فیلم اصلا خوب نیست و در نیمه دوم قصه دچار افت زیادی می‌شویم ولی به طور کلی بازگشت خوبی در قصه اتفاق می‌افتد. بنده معتقدم که «رگ خواب» نتیجه اجتماعی فوق العاده‌ای داشته است و در بازگشت فرد به خانواده و پناه گرفتن در آن بسیار جذاب عمل می‌کند. همچنین به کارکرد ارگانیک این عنصر در فرهنگ ما توجه خوبی شده و درک آن کاملا ملموس است در واقع جای این خصلت به شدت در سینما خالی است. در فرآیند شخصیت اصلی داستان این عنصر، کاشت خوبی داشته که نهایتا با بازگشت به آغوش پدر بیمار، مینا به اوج دلگرمی می‌رسد. پایان داستان حل معنایی برای مشکلات فردیت شخصیت مینا است هرچند که این اتفاق با تاخیر زیادی رخ داده و برای مخاطب نچسب باشد اما درست و به جا انجام شده است.

مدیر مرکز تولید متن حوزه هنری اظهار داشت: به لحاظ ساختاری فیلمنامه از اصول کلاسیک فیلمنامه نویسی برخوردار بوده است و باید بپذیریم که موفقیت فیلمنامه‌های تک کاراکتری کاری دشوار بوده و کارگردانی آن نیز مشکلاتی بیشتری خواهد داشت. «رگ خواب» از کارگردانی جلوتری نسبت به فیلمنامه برخوردار است.

لازم به ذکر است سلسله نشست‌های «فیلمنامه فیلم» در تداوم برنامه‌های «سینماپاتوق» حوزه هنری پیش‌بینی شده و به همت دفتر تولید متن و روابط عمومی و محافل سینمایی حوزه هنری صورت می‌گیرد. این برنامه قرار است میزبان دانشجویان، منتقدان وعلاقمندان حوزه سینما باشد تا ضمن نمایش فیلم هفته به نقد و بررسی فیلم‌نامه اثر بپردازند. شرکت دراین برنامه برای اهالی رسانه و خبرنگاران نیز آزاد است.

تبدیل قهرمان‌های فردی به قهرمان‌های جمعی

در دومین قسمت از سلسله نشست‌های «فیلمنامه فیلم» عنوان شد

دومین نشست از سلسله نشست‌های «فیلمنامه فیلم» حوزه هنری، با موضوع نقد و بررسی فیلم سینمایی «سیکاریو» به کارگردانی دنی ویلنو و نویسندگی تیلور شریدان در سالن اوستا حوزه هنری برگزار شد.

سید محمد حسینی مدیر مرکز تولید متن حوزه هنری در دومین جلسه نشست «فیلمنامه فیلم» پس از اکران فیلم سینمایی «سیکاریو» به کارگردانی دنی ویلنو و نویسندگی تیلور شریدان در سالن اوستا حوزه هنری به نقد آن پرداخت و فیلمنامه اثر را با محوریت قهرمان سازی مورد بررسی قرار داد.

وی در ابتدای این نشست گفت: در این جلسات بنای ما روی فیلمنامه است و قرار است بررسی کنیم ببینیم چگونه می توان به یک فیلمنامه خوب رسید و در ساختار فیلمنامه چه چیزهایی لحاظ می‌شود که یک فیلم موفق می‌شود و قدرتمند از آب در می‌آید.

وی افزود: شاید فیلم‌های پلیسی زیادی در زندگی‌تان دیده باشید. شاید فیلم‌های قهرمانی زیادی در زندگی‌تان دیده باشید و شاید با عناصری از آن صحبت می کنم کاملا آشنا باشید و در همین راستا امروز درباره سیکاریو صحبت می کنیم.

وی تشریح کرد: در ابتدا یک تقسیم بندی روی شخصیت‌ها انجام بدهیم. همه شما می‌دانید که یک عنصری به نام «قهرمان» در سینما وجود دارد که اگر بخواهیم تعریفش کنیم می گوییم یک موجود دوست داشتنی است که مخاطب با آن همذات پنداری می کند و

بخشی یا وجهی از وجود خودش را در شخصیت قهرمان می‌بیند، آن را بسط میدهد و سعی می‌کند خودش را با او تطبیق دهد.

وی ادامه داد: البته یادمان باشد هیچ مخاطبی نه عام و نه خاص خودش را به طور مطلق شبیه قهرمان نمی‌داند. چه شما فیلمنامه‌نویس باشید چه داستان نویس این را به خاطر داشته باشید که بخشی از شخصیت مخاطبتون باید با این شخصیت قهرمان اثابت بکند. پس شخصیت قهرمان معمولا شخصیت دوست داشتنی است که ما همیشه از او انتظار خوبی داریم و معمولا هم کار خوب می‌کند.

حسینی تاکید کرد: پیرو یک اصل نانوشته در سینما همیشه حق با «خوشگل»هاست. چهره خوب و فیزیک خوب باید قهرمان باشد، ابزارها در خدمت اوست. غالبا همه عناصر طوری چیده می‌شوند که شخصیت او در داستان متولد بشود و خودش را نشان بدهد. دو راهی‌های داستان طوری طراحی می‌شود که او بتواند به همه آنها غلبه کند.

وی معتقد است: حالا قهرمان‌ها آرام آرام از قهرمان‌های فردی که در هالیوود متولد می‌شوند، کم کم تبدیل به ابر قهرمان‌ها می‌شوند که مثلا نمونه‌هایش را تا دلتان بخواهد «مارول» خلق کرد.

وی ادامه داد: عنصر دومی که در فیلمنامه با آن سر و کار داریم «ضد قهرمان» است. که همه می‌دانید چیست و خیلی جای تعریف ندارد. معمولا قرار نیست قشنگ باشد یعنی حتما باید زشت باشد اتفاقا. در ظاهرش باید خودش را نشان بدهد. خبیث است و در هرجا حضور دارد باید کار بدی بکند و مطلق بدی است. به شدت سیاه است. موضع تماشاچی و نویسنده نسبت به او کاملا مشخص است. اصلا نیازی نیست که نویسنده به او کمی وجه انسانی بدهد و معمولا در دو راهی‌ها خباثت و رذالت و پستی را باید به او نسبت داد.

حسینی درباره قهرمان های زن نیز گفت: این قهرمان‌ها هم از همان وجاهت استفاده می‌کنند و بیشتر در دو راهی‌هایی قرار می‌گیرند که وجه صلابت مردانه در آنها پر رنگ شود. حتما باید مثل قهرمان مرد چهره موجه و قشنگی داشته باشد و همان خصوصیات قهرمانان مرد به آنها قابل القاست.

وی اضافه کرد: فقط نکته‌ای که در سال‌های اخیر خیلی پر رنگ شده این است که فمینیست‌ها دارند به قهرمانان زن نوعی طغیانگری علیه دنیای مردانه می‌دهد. که همیشه سرخوردگی‌ها و نداشتن‌های دنیای زنانه را در حرکاتی که شبیه مردهاست از خودش بروز می‌دهد. مثل شخصیت اصلی «بیل را بکش» و ... که وجه زن، وجه مردانه به خودش می‌گیرد.

وی معتقد است: اما شخصیتی که ما کم‌تر در سینمای ایران به آن می‌پردازیم و خیلی مهم است و معمولا نسبت به او سوءتفاهم داریم و خطا می‌گیریمش همین شخصیت ضد قهرمان با معادل anti hero است.

وی افزود: این شخصیت معمولا الزامات قهرمان را ندارد ولی گاهی کارهای کثیف قهرمانانه انجام می‌دهد. سمبلش در سینما خیلی زیاده و معمولا تماشاچی از این شخصیت خیلی خوشش می‌آید مثل «هری کثیف» که تقریبا برای پلیس آمریکا تبدیل به مدل تیپیکال شد. این آدم کارهای کثیفی می‌کند که کارهای کثیفش علیه جنایت است و بیننده دوستش می‌دارد. آرام آرام این تبدیل به مدلی جدی شد که بعدها سه گانه «پدرخوانده» از آن استفاده کرد و آرام آرام تبدیل به شخصیتی شد که دیگر بیشتر از قهرمان‌ها در سینما حضور پیدا کرد و دوست داشتنی‌تر از قهرمان‌ها شد.

وی گفت: این شخصیت بزهکار معمولا محبوب می‌شود. این شخصیت‌ها قرار نیست توانایی‌های شگفت انگیزی شبیه قهرمان‌ها داشته باشند. اصلا اینطور نیست. آدم های کاملا عادی هستند که معمولا آل پاچینو این نقش‌ها را بازی می‌کند، معمولا رابرت دنیرو بازی می‌کند.

حسینی تاکید کرد: «سیکاریو» یکی از حسن‌های بزرگی که در فیلمنامه دارد و به خوبی کشف شده و در «آن»های فیلم آمده و همه چیز جوری چیده شده است که نسبتی که در فیلم برقرار شده نسبت درستی است این است که هر ۴ تیپ مورد نظر یک فیلم قهرمانانه در آن وجود دارد. این دیگر «هری کثیف» نیست که قرار است او را تنها دوست داشته باشیم. «پدرخوانده» نیست که مثلا ما «مایکل» را دوست داشته باشیم. زیرا «مایکل» عملا جنایتکاری است که حتی برادر خودش را کشته اما ما به عنوان مخاطب دوستش داریم. کاری که در «سیکاریو» شده ورژن کمی متفاوت‌تر و به روزتر این مسئله است.

وی خاطرنشان کرد: سینما آرام آرام به سمتی رفت که دو اتفاق در شکل گیری قهرمان‌ها افتاد. اتفاق اول اینکه قهرمان‌ها از آن صورت اسطوره خاص و تراشیده شده آرام آرام شبیه مردم عادی شدند. نکته دومی که در سینما اتفاق افتاده و به خصوص در روزگار ما خیلی جدی است، وجه قهرمان جمعی است. یعنی گفتند یک نفر قهرمان نباشد بلکه چند نفر کنار هم شخصیت ترکیبی قهرمان ما را تشکیل بدهند. این مسئله آنقدر در سینما جدی شد که «مارول» هم تمکینش کرد علیرغم اینکه تکنیک «مارول» ابر قهرمان سازی است و ابرقهرمان هم زمانی خودش را بروز می‌دهد که اولا قصه‌اش را فردی پیش ببرد، ثانیا «آنتی گونیست» به غایت قدرتمند باشد و ثالثا شما فکر کنید که حتما ابر قهرمان و «super hero» شما شکست خواهد خورد.

وی معتقد است: در چنین قالبی به نظر می‌رسید که دیگر نیازی نیست «مارول» بیاید قهرمان‌هایش را کنار یکدیگر جمع کند و پکیجی از قهرمان جمعی درست کند، اما این کار را می‌کند. در نتیجه فیلمی جدی مانند «سیکاریو» می‌تواند از این دو فرمول استفاده کند.

وی در پایان جمع بندی کرد: فرمول اول این است که تمام عناصر موجود در یک فیلم قهرمانانه کنار همدیگه جمع بشن که فرمولی طلایی است که نگارش آن خیلی سخت است و تصور نکنید به راحتی می‌توان چنین چیزی را نوشت. فرمول دوم اینکه یک قهرمان جمعی به جای قهرمان فردی بسازیم که بتوانیم ادامه‌اش دهیم و گام سوم اینکه وجهی داشته باشد که بتوان دو و سه آن را به صورت سریالی ساخت.

سید محمد حسینی:
یک عنصری
به نام «قهرمان»
در سینما وجود دارد که اگر
بخواهیم
تعریفش کنیم
می‌گوییم
یک موجود دوست داشتنی
است

در سومین نشست از سلسله نشست‌های «فیلمنامه فیلم» عنوان شد

«ندارها» زبانی از واقعیت‌های امروز

سومین نشست از سلسله نشست‌های «فیلمنامه فیلم» حوزه هنری به نقد و بررسی ساختار فیلمنامه فیلم «ندارها» به کارگردانی محمدرضا عرب و نویسندگی علیرضا طالب‌زاده اختصاص یافت.
این نشست با حضور: داوود مسلمی منتقد سینما، محمدرضا عرب کارگردان و تهیه‌کننده فیلم، علی رویین تن، یاسمن نصرتی، کیانوش دالوند از کارگردانان سینما و ... برگزار شد.

در این مراسم داوود مسلمی منتقد سینما در خصوص فیلم «ندارها» گفت: فیلم «ندارها» مربوط به کارگردانی است با سابقه ۲۰ ساله در سینمای مستند. ریشه سینما در تجارب قبلی و دستاوردهای آن در عکاسی چیزی است که در فیلم‌های این کارگردان متجلی می‌شود. فیلم «آخرین ملکه زمین» یکی دیگر از آثار این کارگردان است. اثری آکنده از غنای شاعرانه و پر بار از نوع اندیشه و ساختار سینمایی است که در کسب تجارب درخشان در حیطه سینما بسیار موفق عمل کرده است. در واقع هیچ وقت فیلم‌های این کارگردان از سینمای روایتگر تهی نشده و همیشه از جذابیت‌های کافی در این زمینه برخودار بوده است. به طور کلی تماشاگر منتظر دیدن روایتی است که در کنار آن به اندیشه‌ها، جهان نگری و تفکرات آن پی ببرد.

وی افزود: سینمای روایت به فکر اعتلای تفکر و اندیشه ورزی مخاطب است و در جریان ارتباط با اثر، نسبت به تماشای مجدد فیلم اقدام می‌کند در حالی که امروزه فیلم‌هایی ساخته می‌شود که متاسفانه بر خلاف جریان سینمای روشنفکر ایران است که عموما تماشاگر عام را از فیلم بریده می‌کند. در این فیلم لحظه‌های ناب سینمای اندیشه ورز را می‌بینیم که تنها به اندیشه فردی فیلمساز توجه نکرده بلکه مخاطب و تماشاگر را با خود همراه کرده و حضور او در نهاد فیلم را لذت بخش کرده است. بنابراین سینما به معنای عام در این فیلم معنا پیدا می‌کند.

مسلمی خاطر نشان کرد: ظاهرا فیلم‌هایی که منتسب به سینمای اجتماعی هستند حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. به حال فیلم قایم ب ذات اثری هنری

اســت و باید برای ببررســی آن به خود فیلم رجوع کرده چرا حواشی و آســیب‌های اجتماعی تمامیت خود اثر را تحت الشــعاع قرار می‌دهند. آنچه که در این نوع سینما و روایتگری مهم است ارجاع فیلم به مسایل اجتماعی‌ای اســت که در نهاد جامعه پنهان شده است و بازتاب دهنده وضعیت مرسوم در اجتماع است در اصل برخی فیلم‌ها به همین دلیل خاصیت رجعت پیدا می‌کنند در شرایطی که تمامی فیلم‌های پر از فحاش بوده و ذات آن را به نوعی لودگی تبدیل کرده است.

وی ادامه داد: سینمایی که قابلیت رجعت دارد حتما دارای شاخصه‌هایی از حیات سینما براساس اصل و منطق اســت. اما به هرحال فیلم قابل اعتنا، درک و فهم منجر به جادوی سینما می‌شــود که متاسفانه از میان صدها فیلــم، یکی از این آثــار قابل رجعت پیدا می‌کند. اولیــن دلیل رجعت به ســینما، خود ذات سینماست که منجر به ماندگار تصویر در ذهن می‌شود. این در حالی اســت که حتی در ذات فیلم فارسی این رجعت‌ها وجود داشــته اما سینمای ما به آن توجهی نمی‌کند. در واقع اینگونه مراســمات دوباره خوانی حقیقت اســت. انبوه سازی سینمایی که به رجعت توجهی نمی‌کند انبوه آور است.

این منتقد ســینما با اشــاره به نقــاط ضعف فیلم «ندارها» اظهار داشــت: بخشــی از فیلم این حس شتابزدگی دارد که نشــانگر ایراد در چارچوب پایان بندی و نقص ساختاری فیلمنامه است و عدم رعایت تسلســل در آن به این مشــکل دامن مــی زند که نهایتا منجر به حس بریدگی در آن شــده است که در واقع این فاصله در بخش‌هــای دیگر فیلم هم به چشــم می‌خورد. گرمای نوع کاراکترها و روایتگری کارگردان اجازه نمود بیرونی ایرادات و شفافیت در آن را نمی‌دهد. همچنین تشــابه و تکرار بسیاری از نقاط فیلم بــه دیگر آثار راه گریزی برای ســینمای اجتماعی نگذاشته است بنابراین تنها باید به فاصله زمانی ساخت آثار توجه شود.

در ادامه این نشست، محمدرضا عرب، کارگردان و تهیه کننده فیلم «ندارها» گفت: این نسخه از فیلم مربوط به ســینمایی نگاتیوی اســت و از سینمای دیجیتالی فاصلــه زیادی دارد. فیلــم «ندارها» در سال ۸۹ ســاخته شده اســت و امروز نسخه بلوری و با کیفیت فیلم اکران شــده اســت. نویسنده این فیلم علیرضــا طالب زاده، فیلمنامه نویس مشــهور سریال‌های «صاحب دلان» و «در پناه تو» بوده است. فیلمنامه نویسی تفاوت زیادی با رمان نویسی دارد چرا که خلق جریان تصویری بسیار سخت است. من خود متولد جنوب شهر هستم و قصد ساختن فیلمی برای تحقیر این قشر از جامعه را نداشته‌ام بلکه هدف ما پرداختن به آسیب‌های اجتماعی بوده است.

عرب خاطر نشــان کرد: ممنــوع التصویری هانیه توسلی، یکی از شخصیت‌های فیلم تنها بهانه‌ای بود که اکران آن را به تعویــق انداخت در حالیکه حضور او در فیلم‌های دیگــر، هیچ ممانعتی بــرای اکران نداشت. من هیچ گاه نفهمیدم که این فیلم همچنان چه مشــکلی دارد کــه از پخش آن در رســانه ملی جلوگیری می‌شود در حالیکه پخش و تولید و توزیع مواد مخدر در تولیدات رســانه ملی به امری عادی تبدیل شده است. به حرف فیلم «ندارها» و سینمای اجتماعی توجه نشده اســت. شما مخاطب حرفه‌ای سینما هستید و ما فیلمسازان سلیقه شما مخاطبان را نازل کرده‌ایم. امروز پایین آمدن سلیقه فیلمسازان و سخیف شدن ســینما نتیجه جامعه بی‌نقد و فاسد است که مدیران آن مســئولیت مشکلات را برعهده نمی‌گیرند.

وی عنوان کرد: ســینمای اجتماعی ایران که باید به اینگونه فیلم‌ها توجه بیشــتری کــرده و از تولید آن حمایت کند، اما از ایــن غافله عقب مانده و حتی در موضوعــات اجتماعی نظیر کودتــای ۲۸ مرداد، موشک وغیره هم اثری ســاخته نشده است. جایگاه استراتژیک در سینما ایران کجاست؟ تنها به دنبال ایجاد موجی هستیم که از یک اقدام جلوگیری کنیم چرا که ظرفیتی برای نقــد در ایران وجود ندارد. در حال حاضر کســانی که جلوی دوربیــن اعتراف به نقدپذیری می‌کنند، خلاف این را ثابت کرده‌اند چرا که قطعا اگر انتقادپذیــر بودند وضعیت امروز جامعه ما این نبود.

کارگردان فیلم «ندارها» ضمن اشاره دویدن ۳ ساله برای ساخت این فیلم یادآور شد: «ندارها» بی‌دلیل ساخته نشد و درســت جایی که مخالف سرسختی برای ساخته شدن این فیلم بود بعد از تولید، جایزه بهترین کارگردانی را به بنده اعطا کردند. کشور ما و مجموعه قوا یا بلد نیستند و یا از پتانسیل هنر سینما، جریان سازی و الگو سازی آن اطلاعی ندارند. این در حالی است که سینما و فیلم‌هایی نظیر کازابلانکا در آمریکا میل و عشق به زندگی را در مردم ایجاد کرده و جامعه بعد از جنگ‌های آمریکا را به خوبی نشــان می‌دهد. ما اگر فیلمسازی اجتماعی را جدی نگیریم به شرایط امروز می‌رسیم که اختلاس گران از ملت ما طلبکارند در حالیکه ما بابت حرام شدن اموال، از بین رفتن ذخایر ملی، آینده و عمر نســل‌هایمان از اختلاس گران طلبکاریم.

وی در خصوص دخل و تصــرف در فیلمنامه گفت: بنده فیلمنامه کامــل را خوانده و اجرا کرده‌ام و ایده خاصی به آن اضافــه و یا کم نکــردم. حتی در نوع لباس‌های انتخابی شــکل طبقه را طراحی کرده‌ایم. نسخه ساخته شده نســخه اکران شده در جشنواره است این فیلم ۹۳ دقیقه بوده و کل فیلمنامه ساخته شده است.

کارگردان فیلم «ندارهــا» در خصوص نحوه پایان بندی فیلم افزود: تاثیر گذاری شــخصیت مهری در ابتدا و انتهای فیلم کمک چندانی بــه فیلم کرده و موضوع را رها نکرده است. لازم به ذکر است برداشت عمومی از واژه آقازادگی در فیلم کاملا مشخص است و معتقدم یک اثر تمام و کمال و آرمانگرا را می‌توانیم در فیلــم ببینم چرا که فیلمســاز با همه هســتی و نیســتی به دنبال درک بوده و تلاش می‌کند با نقد بهتر عمل کند.

علی رویین تن کارگردان سینما از دیگر میهمانان این مراسم بود که نظر خود را درباره فیلم «ندارها» این چنین بیان کــرد: فیلم «ندارها» باید توســط منتقدان خــود نفروخته، انتقاد شــود. از نظر بنده، عرب فیلمســاز بد سلیقه‌ای اســت چرا که شرایط کشــور از داراها، «ندارهــا» را می‌ســازند، و حتی اســم عروســک‌های بچه هایمان را هم دارا و سارا می‌گذارند. این فیلم از چند منظر مهم است. در ابتدا باید بگویم ایرانی‌ترین نوای تاریخ، ســینمای ایران اســت ولی ایرانی‌ترین نوایی که دیدیدم فیلم عرب است. فیلمی تلخ، شریف و پر از زندگی که شاید اگر ۵ نقش برتر بعد از انقلاب داشته باشیم قطعا محسن تنابنده یکی از آن بازیگران برتر اســت. دومین نکته دیالوگ نویسی این فیلم و قابلیت اعتنا به آن است. با وجود ضعف‌هایی که در این فیلــم وجود دارد اما با گذشــت زمان ارزشمندی آن بیشــتر شده است چرا با رجوع به این فیلم تاریخ در آن متبلور شــده و آدم‌هایی را به تصویر می‌کشــد که با تمام سختی، شــریف زندگی کرده‌اند. بعضی فیلم‌ها در ساخت، رو به عاقبت بخیری رفته است و این فیلم خود یک سینماست و عاقبت بخیری دارد.

وی افزود: از نظر بنده فیلم مهمتر از فیلمنامه است. اشکال فیلم «ندارها» به تهیه کنندگی و کارگردانی یک نفر اســت چرا که این فیلم به سمت مردم رفته و هر طیفی را به تصویر کشیده است در حالیکه این خوشایند مدیران نیست. در شــرایطی که وارد یک هنر بزرگی شده‌ایم که تاریخ مصرف دارد، کارگردان فیلم باید خوشحال باشد که صاحب این چنین فیلم واقعی‌ای است.

داوود مسلمی: سینمای روایت به فکر اعتلای تفکر و اندیشه ورزی مخاطب است و در جریان ارتباط با اثر، نسبت به تماشای مجدد فیلم اقدام می‌کند

در هفتمین جلسه «فیلمنامه فیلم» مطرح شد:

«خانه‌ای برای تو» نمایی از امید در انسان‌های نزدیک به مرگ

هفتمین جلسه «فیلمنامه فیلم» از سلسله نشست‌های «سینما پاتوق» با موضوع نقد و بررسی فیلم مستند «خانه‌ای برای تو» به کارگردانی مهدی بخشی‌مقدم و تهیه کنندگی مهدی شامحمدی در حوزه هنری برگزار شد.

هفتمین جلسه «فیلمنامه فیلم» از سلسله نشست‌های «سینما پاتوق» با موضوع نقد و بررسی فیلم مستند «خانه‌ای برای تو» با حضور مهدی بخشی‌مقدم کارگردان و مهدی شامحمدی تهیه‌کننده این فیلم در سالن اوستای حوزه هنری برگزار و این فیلم اکران شد.

در ابتدای این مراسم مهدی شامحمدی تهیه کننده فیلم مستند «خانه ای برای تو» در خصوص موضوعیت این فیلم گفت: موضوع «مرگ» یکی از دغدغه‌های همیشگی من بوده است که با کتاب‌های شهید آوینی به آن رسیدم. حس خودخواهی از زنده بودن و ناراحتی از مرگ رفتگان همیشه در بهشت زهرا همراه بوده است. در واقع حسی را تجربه کرده بودم که دوست داشتم مخاطب را نیز با آن آشنا کنم. مستند «خانه‌ای برای تو» الهامی از این احساس بوده است که ما را ترغیب کرد برای ساخت این فیلم سختی‌ها را تحمل کرده و مدت زمان تقریبا ۳ سال را صرف ساخت آن کنیم.

وی افزود: فیلم آمریکایی «آخرین گام‌های مرد محکوم به مرگ» و مستند «فصل هرس» همانند مستند «خانه‌ای برای تو» نمونه‌ای بی‌نظیر از موضوع «مرگ» هستند که در انتقال مفهوم بسیار موفق عمل کرده و به دنبال نشان دادن حال و احوال آدم‌های نزدیک به مرگ و انتقال آن به

مخاطب بوده‌اند.

شامحمدی با اشاره به سختی‌های بسیار در ساخت مستند «خانه ای برای تو » اظهار داشت: مسئله نشانی که آدم از خود به جای می گذارند بزرگترین دغدغه انسان‌های نزدیک به مرگ است. اگر این انتظار در سن‌های پایین‌تر اتفاق افتاد با شرایط متفاوت‌تری روبرو بوده و منجر به خلق اثری محتوایی‌تر می‌شود. برای انتخاب سوژه این مستند ما به دنبال آدم‌هایی بوده‌ایم که در تنگنای مرگ و زندگی قرار دارند بنابراین به سراغ بیماران سرطانی رفتیم. چرا که این افراد حس قابل انتقال تری از این ماجرا دارند.

وی ادامه داد: به جا گذاشتن اثر در آدم‌ها متفاوت است و به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود بنابراین برای ساخت فیلم با زندگی و حال و هوای سوژه های متفاوتی آشنا و به آنها نزدیک شدیم. داوود شخصیت اصلی فیلم تازه متوجه بیماری خود «سرطان» شده بود و تلاش‌های او ما را به شناخت بیشتر ترغیب کرد. او پس از یکسال از بیماری‌اش تصمیم گرفت به منظور ایجاد سرپناه و حمایت از همسرش خانه‌ای برای او بسازد که این خود امید بزرگی به زندگی بود.

این تهیه کننده با اشاره به موفقیت مستند «خانه‌ای برای تو» یادآور شد: این مستند با حضور در سی‌وهفتمین جشنواره ملی فیلم فجر، بخش رقابتی جشنواره کراکف لهستان و دوازدهمین جشنواره سینماحقیقت موفق به کسب نشان فیروزه بهترین فیلم این جشنواره شد و در جشن مستقل سینمای مستند، عنوان بهترین فیلم را به خود اختصاص داد. این در حالی است که با وجود مهیا نبودن فضای مناسب برای نمایش مستند، این فیلم توفیقات خوبی در تاثیرگذاری بر مخاطب داشته است.

وی ضمن انتقاد به عدم وجود سالن‌های نمایش برای مستند اذعان کرد: فیلم‌های مستند با نبود سالن برای نمایش روبرو هستند که این امر منجر به کاهش تلاش فیلمسازان برای افزایش کیفیت محتوایی و ساخت فیلم در سطح اکران شده است. ما به دنبال ساخت فیلم‌های مستند بر پرده سینما هستیم و می‌دانم که این روند با سختی زیادی همراه است ولی احقاق آن نیاز به حمایت دارد تا به سطحی از کیفیت برسد که مخاطب را برای دیدن مجاب به پرداخت هزینه کند. امیدوارم روزی نمایش عمومی مستند برای مخاطب انجام شود.

شامحمدی خاطرنشان کرد: نشان دادن حال و هوای واقعیت‌های زندگی افراد نزدیک به مرگ، نیاز به مشورت با پزشکان، مشاور و کاربلدهای این عرصه دارد چرا که در این شرایط ابتدا افراد وارد روابط عرفانی با خدا و طلب کمک از او شده سپس به مرحله انکار و بعد از آن آگاهی از علت خلقت و رسیدن به ذات پروردگار می‌رسند. قطعا در این مراحل روحی حال سوژه در حدی نبود که بتوان تمام مراحل زندگی او را به تصویر کشید بنابراین برخی صحنه‌های زندگی داوود را از دست داده‌ایم با این وجود معتقدم سکانس‌های اصلی در این فیلم نشان داده شده است.

وی ضمن تاکید بر حفظ ریتم فیلم با بهره مندی از موسیقی گفت: قطعا موسیقی اینگونه فیلم‌ها باید متناسب با حال و هوای سوژه ساخته شود و تاثیرگذاری آن مستلزم تفکیک سکانس‌ها است ضمن اینکه برخی دیالوگ‌های مستند «خانه‌ای برای تو» نیاز به موسیقی داشت.

در ادامه این مراسم مهدی بخشی مقدم کارگردان مستند «خانه‌ای برای تو» در خصوص این مستند گفت: ماجرای این فیلم کاملا واقعی و حکایتی از زندگی مرحوم احمد مرادخانی بوده است. در واقع فیلم در بستر سرطان روایت شده و ما به دنبال نشان دادن زندگی و مرگ متفاوت تر از آن چیزی بوده‌ایم که در اذهان عمومی نشان داده شده است. ساخت خانه توسط داوود برای همسرش، نمادی از سرانجام دادن به کارهای ناتمام اوست که بستری از امید و تلاش کردن برای زنده ماندن را به تصویر کشیده است که با وجود نمایش دردهای این بیماران، امید بعد از مرگ به انسان را نشان می‌دهد.

وی افزود: ساخت این مستند با دشواری‌های بسیاری همراه بود. ما برای فیلمبرداری سکانس‌های بستری داوود در بیمارستان و تطابق آن با مرگ کیارستمی با مشکلات زیادی روبرو شدیم. علاوه بر این با امید پزشکان به بهبودی کامل او احساس کردیم که سوژه به طور کامل بهبود پیدا کرده و به دنبال نشان دادن امید در انتهای فیلم بودیم اما متاسفانه بعد از مدتی با پیشرفت بیماری و مرگ داوود روبرو شدیم بنابراین تصمیم گرفتیم فیلم را با مرگ او آغاز کنیم.

بخشی مقدم خاطرنشان کرد: یکی از دلایل انتخاب زندگی داوود، غرور و محکم بودن او بود که هیچ ضعفی در شخصیت او دیده نمی‌شد. چرا که در مواقع احراز کامل بیماری و قطع امید از درمان، معمولا افراد در ناامیدی به سر می‌برند اما سوژه ما در این فیلم با امید روزهای پایانی زندگی را به سر برد. در واقع ساخت خانه با دستان خالی، اوج امید در این فیلم بوده است.

وی در خصوص ضبط سکانس‌های حساس مستند «خانه‌ای برای تو» و حفظ بخش کمی از تصاویر در آن یادآور شد: ما برای ساخت این فیلم اتاق فکری داشتیم که بر اساس اطلاعات و شرایط زندگی داوود، تصمیم گیری نسبت به ضبط فیلم در آن انجام می‌شد. این در حالی است که برای پایان فیلم و مرگ داوود نیازی به نشان دادن برخی سکانس‌هایی از زندگی او نبود. در واقع از سناریوی فیلم آگاه بوده و به دنبال ضبط لحظات کلیدی زندگی کردن و نشان دادن او بوده‌ایم.

این کارگردان ضمن تاکید بر واقعی بودن دیالوگ‌های فیلم اظهار داشت: ضبط دیالوگ‌ها و تماس‌های تلفنی کاملا اتفاقی و بدون هماهنگی قبلی بوده و هیچ صدایی را در آن از دست نداده‌ایم تنها بخش هماهنگ شده در این فیلم اطلاع از مکان‌های ضبط فیلم بوده است. ناگفته نماند ما این فیلم را با گروه ۴ نفره ضبط کرده و سعی داشته‌ایم تمرکز را در روال عادی زندگی شخصیت اول فیلم حفظ کنیم.

وی در پایان اذعان داشت: ساخت این فیلم بر روال رفاقت و دوستی با داوود ادامه داشته و این منجر به واقعیت گرایی فیلم شده است. همچنین باید تاکید کنم که مستند «خانه‌ای برای تو» کاملا رئال بوده است و هیچگونه بازسازی در آن انجام نشده است.

مهدی شامحمدی:
فیلم آمریکایی «آخرین گام‌های مرد محکوم به مرگ» و مستند «فصل هرس» همانند مستند «خانه‌ای برای تو» نمونه‌ای بی‌نظیر از موضوع «مرگ» هستند

محمدهادی کریمی در پنجمین نشست «فیلمنامه فیلم» مطرح کرد:

فردیت برای هنرمند از نان شب هم واجب تر است

پنجمین جلسه «فیلمنامه فیلم» از سلسله نشست‌های «سینماپاتوق» با موضوع نقد و بررسی فیلم سینمایی «کمدی انسانی» به کارگردانی محمدهادی کریمی در سالن اوستای حوزه هنری برگزار شد.

محمد هادی کریمی نویسنده، کارگردان و تهیه کننده فیلم سینمایی «کمدی انسانی» در خصوص ساخت این اثر گفت: هنرمند کبوتر حرم نیست، گل گلخانه نیست، همین سختی ها و صعوبت ها و ملامت شنیدن ها و در عین حال به خود وفادار بودن هاست که برای هنرمند سلوک می آفریند، لذت تجربه ی کاتارسیستیک از فیلمسازی را به هنرمند می دهد، هنرمند گله و شکوه و آه و ناله و اعتراضی هم اگر دارد باید در اثرش منعکس شود و در فردیتش رسوخ یابد نه در پشت تریبون ها ... به همین خاطر از سختی های ساخت فیلمی چون کمدی انسانی در بخش خصوصی نمی خواهم بگویم، راستش انقدر همه و همه معترض شده اند که اهمیت و شکوه اعتراض به کل از بین رفته و ما به جای اعتراض بیشتر تعارض های رفتاری را پیرامون مان می بینیم.

وی افزود: فردیت برای هنرمند از نان شب هم واجب تراست، مهم تر از تکنیک های فیلمسازی، کانسپتی است که قرار است مبنای ساخت جهان یک فیلم شود، مهم تر از زاویه ی دوربین، زاویه ی فکری سازنده ی یک اثر به موضوعی است که قراراست هسته ی مرکزی اثراو تلقی شود، البته، به اشتراک گذاشتن بی پروای فردیت، خود یک جرات و جسارت و اعتماد به نفس و رهایی ویژه ای می طلبد که رسیدن به این موقعیت بسیار دشوار است.

کریمی با بیان اینکه «کمدی انسانی» فیلمی است بیوگرافیک، پیرامون زندگی یک فرد و به واسطه آن که هر زندگی‌ای در ادوار و دهه‌های مختلف امتداد می‌یابد، اضافه کرد: داستان ما هم در چند دهه رخ می‌دهد و این به معنای تاریخی بودن داستان نیست. گرچه برای نشان دادن هر دهه، تصاویر باید منطبق با حال و هوا و فضای آن دهه باشد؛ از بافت معماری و لباس گرفته تا اشیاء صحنه و رخدادهای اجتماعی ویژه آن دهه، ولی «کمدی انسانی» وقتی دقت می کنیم یک فیلم جامعه شناختی است و نه تاریخی، و این جامعه شناختی از کریدور بیشتر روان شناختی است یعنی از خلال بُعد روان‌شناختی رشد یک پسر در خانواده، مدرسه و در کل پیرامونش به یک نگاه کلی از جامعه‌ای که او در آن بزرگ شده و نیز اثری که او در بزرگسالی بر پیرامونش می گذارد می‌رسیم، اینکه خشونت چطور در وجود یک فرد نهادینه و سپس باز تولید و منتشر می‌شود و همه این تلخی‌ها باید به زبانی گفته می‌شد که به لحاظ بصری و گرافیک همه عین تابلوی نقاشی باشد که عشق اصلی و کشش اولیه شخصیت داستان به نقاشی بخشی از مضمون است و به لحاظ لحن روایت آن ظرافت درونی پسر که همیشه مورد تحقیر و سرکوب واقع می‌شد در فیلم جاری باشد که شما از آن به عنوان شاعرانگی یاد می کنید، ضمن اینکه در کمدی انسانی از گویش تاریخی کلیشه‌ای و مرسوم فیلم‌های تاریخ معاصر و لباس‌ها و صحنه‌های تکراری خبری نیست، چیزی که باعث متفاوت دیده شدن آن از سوی شما شده است.

شایان ذکر است برنامه «سینما پاتوق حوزه هنری» به منظور توسعه تعامل سینماگران، حمایت از آثار سینمایی و گسترش مراودات بین اهالی رسانه و هنرمندان و بسترسازی برای معرفی بهتر محصولات سینمای ایران زیر نظر روابط‌عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری طراحی شده و در این دوره با محوریت «فیلمنامه فیلم» به تحلیل و بررسی ساختارهای محتوایی فیلم و فیلمنامه آثار سینمایی می پردازد.

سرمایه‌های مشکوک و عقیم سازی سینما

یزدان عشیری

ورود سرمایه‌های مشکوک بدون شک، برای کمک به سینما نیست. انگیزه‌های پیچیده دیگری پشت آن مطرح است. بدیهی‌ترین تحلیل برای این اقدام، قانونی کردن پول‌های غیرقانونی، مشروع سازی پول‌های نامشروع و تمیزکاری و تطهیر پول‌های کثیف و نجس است. برخلاف ظاهر امر، که احساس می‌شود این پول‌ها، به رونق سینمای راکد و بی رمق ما کمک می‌کنند اتفاقا، در بلندمدت به شدت، آسیب می‌زنند.

در این زمینه بیش‌تر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این دستگاه قضایی و مراکز و سازمان‌های نظارتی مسئول و مقصر هستند. چرا که مکانسیم ارشاد به گونه‌ای نیست که دسترسی به استعلامات پیچیده و عمیق را داشته باشد و اساسا، فن و توان و تخصص این وزارتخانه هم، نیست. قوه قضائیه و سازمان‌های بازرسی و نظارتی این امکان را دارند و قدرت رصد و نظارت بر شعاع عمل همه مفسدان و یا متخلفین اقتصادی را دارا هستند.

در دیگر سو، نمی‌توان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مبرا جلوه داد. به نظر می‌رسد در این زمینه خلاءهای قانونی وجود دارد که به آسانی ورود پول‌های کثیف یا سرمایه‌های مشکوک اتفاق می‌افتد. چگونه است برای یک عضویت ساده و ناپیوسته در یکی از صنوف غیراصلی هزار جور ملاحظه و تبصره و ماده واحده وجود دارد ولی برای ورود این گونه سرمایه‌ها قانونی وجود ندارد. برخلاف سایر بخش‌های سینمایی ظاهرا هیچ گونه مرام نامه‌ای در این زمینه وجود ندارد. سرمایه گذاری در سینما یکی از نقاط پرابهام سینماست.

البته، فراموش نکنیم سینما هم مثل سایر عرصه‌های صنعتی، اقتصادی و اجتماعی به شدت به مشارکت بخش‌های خصوصی و سرمایه گذاری‌های آزاد احتیاج دارد. طبیعی است برخی از شهروندان مشتاق باشند که در سینما سرمایه گذاری کنند. کما اینکه در طول سال‌های گذشته به وفور، از این نوع تعاملات صورت گرفته است. این به نفع سینماست. نباید ورود پول‌های تمیز را مانع شویم. برای این موضوع با توجه به چالش‌های پیش آمده و پرونده‌های مفتوح در رابطه با چند سرمایه گذار مشکوک معتقدم نیاز به یک کمیته یا مرکز نظارتی مشترک با بخش قضایی و بازرسی داریم. مرکزی که کیفیت این پول‌ها، صلاحیت و سوابق و انگیزه‌های سرمایه گذارانش را تشخیص دهد.

سینما دارای قدرت سلبریتی سازی و چهره سازی است. این رسانه پرنفوذ و تاثیرگذار از چنان قدرت کم نظیری برخوردار است که به سرعت از آدم‌های گمنام چهره‌های مشهور و مرجع در منظر افکار عمومی می‌سازد و چنانچه فردی با سرمایه‌های مشکوک و کثیف وارد این عرصه شود در آن صورت، پیاده کردنش از اسب زین شده سینما کار چندان راحتی نیست چون هزینه اجتماعی ایجاد می‌کند و آسیب می‌رساند.

علی الظاهر، این سرمایه گذاران مشکوک با ژست حمایت از سینما و قرار گرفتن در ویترین جذاب و هیجان انگیز سینما وارد این وادی می‌شوند. ولی شکی نیست که انگیزه‌ها، اهداف و نیات دیگری در میان است. به طور قطع، انگیزه‌هایی اقتصادی، اجتماعی و بیزنس، همچنین فرار مالیاتی هم در میان است.

متاسفانه برخی از مدیران در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تحلیلی سطحی دارای ذهنیت‌های اشتباهی در این زمینه هستند و می‌پندارند ورود هر نوع سرمایه و پول اعم از کثیف و تمیز، حرام و حلال، پاک و نجس و مشکوک و شفاف به نفع سینمای فلک زده و بحران زده ماست. اما سخت در اشتباهند. حساب سرمایه‌های حلال، تمیز و پاک جداست. و اتفاقا، می‌طلبد تا مدیران تصمیم ساز در این حوزه، با تدبیر و هوشمندی در قالب تفاهم نامه‌های رسمی با مراکز، بانک‌ها، وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و مراکز تولیدی و صنعتی و اقتصادی و اجتماعی مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی و خصولتی را با سینما همراه سازند.

اما سرمایه‌های مشکوک و پول‌های کثیف آسیب و زیانی به سینما وارد می‌کند که به زودی قابل جبران خواهد بود و مثل لقمه حرامی است که سر سفره سینما آمده باشد.

رهبران دینی و معصومین به کرات در مذمت لقمه حرام سخن گفته‌اند. فارغ از نگاه دینی نسبت به لقمه حرام ، پول کثیف پیامدهای زیان باری برای سینما دارد که گوشه‌های از این ضرر و زیان تاکنون هم آشکار شده است. پرداخت دستمزدهای نجومی و خارج از عرف و ریخت و پاش‌های غیرمنطقی و به هم ریخت مناسبات معمول روندهای تولید فیلم در کنار ایجاد لابیگری و رانت از طریق قدرت‌های پشت پرده در چرخه اکران، پخش و توزیع از جمله آن است. رکود تولیدات مستقل، حذف یا به حاشیه رانده شدن استعدادهای جوان و کوچک شدن دایره فعالان سینمایی و بیکاری خیل عظیم سینماگران و شباع شدن فضای سینما از چند سینماگر و بازیگر و مضامین تکراری و طنزهای سخیف و بعضا، مبتذل و بی‌اعتنایی به فیلم‌های فرهنگی و سینمای انقلابی و جدی از دیگر آسیب‌هایی است که در صورت گسترده شدن دامنه ورود پول‌های مشکوک سینما گرفتارش می‌شود. نکته جالب، فصل مشترک محتوای اغلب این تولیدات ویژگی اروتیک آثار و ابتذال آن‌هاست.

یکی از بدترین بلایی که این پول‌ها سر سینما می‌آورند عقیم سازی و تهی سازی سینماست. بی‌دلیل نیست که سینمای امروز به تدریج از فیلم‌های جدی خالی می‌شود و موجی از تولیدات خنثی محتوایی فیلم‌ها را فرا می‌گیرد. جوهره و ذات هنر و هنرمند عدالت خواهی و داشتن نگاه انسانی است. پول کثیف توان و تفکر نقد و اعتراض علیه فساد و بی عدالتی را از هنرمند سلب می‌کند. طبیعی است هنرمندی که تن به پول کثیف بدهد توان مطالبه عدالت اجتماعی و مقابله با مفسدان اقتصادی را ندارد.

ورود پول کثیف و حواشی آن بدون شک، مانع ورود پول‌های تمیز می‌شود و باعث باعث بی‌انگیزه شدن آدم‌های دلسوز و علاقمندی به سرمایه گذاری سالم در سینما. متاسفانه، فضایی که پیرامون پرونده چند متخلف اقتصادی که در سینما هم از پول‌های بادآورده و از حق طبقات محروم جامعه ریخت و پاش کرده‌اند جو روانی بدی در فضای اجتماعی ایجاد شده و خلی از کسانی که مثل همیشه راغب به حمایت از جوانان برای فیلمسازی و سرمایه گذاری در سینما بوداند از ترس مبتلاشدن به این گونه حواشی در فضای غبارآلود پا پس کشیدند و نگران شدند. و شاید زمانی طولانی باید بگذرد تا این غبار فرو نشیند.

فراموش نکنیم فرار مالیاتی هم یکی از انگیزه‌های پیچیده پشت تفکر این سرمایه گذاری‌هاست. در غرب موسسه‌های خیریه معاف از مالیات هستند که همواره دستاویزی می‌شوند برای سوء استفاده باندهای مافیا و در ایران هنر و سینما از مالیات معافند. برخی از این سرمایه گذاری‌ها در این راستا، شاید اتفاق می‌افتد. یعنی سینما می‌شود محلی برای فرارهای مالیاتی. و ...

باور داشته باشیم که سرمایه‌های مشکوک و پول‌های کثیف سینما را از درون تهی می‌سازد و توان، تفکر، نقادی و اعتراض و آگاهی بخشی را از سینما می‌گیرد.

در نشست هم‌اندیشی «چالش‌های سینمای دفاع مقدس» مطرح شد:

سینمای دفاع مقدس تمام نمی‌شود

هجدهمین نشست هم اندیشی «سینما، گفتمان فرهنگی» با موضوع «چالش‌های سینمای دفاع مقدس» با حضور: مهدی عظیمی میرآبادی رییس انجمن سینمای دفاع مقدس، مهدی جعفری کارگردان، یزدان عشیری منتقد سینما و مریم دوستی کارگردان در سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.

ذائقه سازی‌های غلط و مخرب معضل سینما

در ابتدای مراسم یزدان عشیری، هدف از برگزاری این نشست را رسیدن به چشم انداز و دستاوردهای مطالعاتی پیرامون سینمای دفاع مقدس عنوان کرد و گفت: علیرغم ادعای حمایت و هواداری نهادها و ارگان‌های مختلف از این سینما، این عرصه در طی سال‌های گذشته بسیار مهجور و فقیر بوده که این در صورت بندی ساختاری و محتوایی آثار، سوگیری مدیریت‌های تصمیم گیر، فقدان منابع، بودجه و پژوهش و عدم پذیرش مخاطب امروز و ... ریشه دارد.

وی کمبود کیفیت و کمیت آثار در این حوزه را ملموس خواند و افزود: در حالی که با وجود وضعیت منطقه، خلیج فارس و غیره همچنان در شرایط دفاع مقدس قرار داریم، حمایت کافی از این عرصه صورت نمی گیرد. هر چند برخی مراکز نظیر حوزه هنری حرکت‌های جریان سازی در این زمینه داشته و دارند؛ بویژه، در بخش حمایت‌های اکران، و یا سازمان جوان اوج در حوزه تولید، با این حال به نظر می‌رسد این تلاش‌ها کافی نیست.

این منتقد سینما ادامه داد: ذائقه سازی‌های غلط و مخرب برای مخاطبان، به معضلی برای ساخت این آثار و کمبود فیلم در این زمینه تبدیل شده است. قطعا تولید فیلم با موضوع دفاع مقدس مسیری برای تقویت مفاهیم انقلابی و ملی است.

می توانیم صدها فیلم در سینمای دفاع مقدس بسازیم

مریم دوستی کارگردان سینما، در این برنامه گفت: فیلم سازی در حوزه دفاع مقدس قطعا، موثر و مهم است اما از نظر پشتیبانی و حمایت قادر نیستم فیلمنامه‌ای را به دست گرفته و با مراجعه به هر مدیر و ارگانی اصرار به ساخت داشته باشم. معتقدم متولیان سینمای دفاع مقدس خودشان باید از فیلمسازان دعوت به همکاری کنند و

اگر قرار باشد فیلم سازان دفاع مقدس از این حوزه فاصله گرفته و به ساخت فیلم‌های کمدی بپردازند یعنی کوتاهی صورت گرفته است.

دوستی خاطرنشان کرد: نگه داشتن این اعتقاد و تفکر نیاز به حمایت دارد. در حال حاضر برای ساخت فیلم‌ها کاملا سلیقه‌ای رفتار می‌شود. من برای ساخت فیلم دومم بعد از شش ماه مطلع شدم که ارگان مربوطه نسبت به فیلمنامه‌ام نظر منفی داشته و فیلم را کاری تلخ تلقی کردند. سینمای دفاع مقدس را اگر به سمت قصه‌های پس از جنگ سوق دهیم و داستان بازماندگان این دوران طلایی ایران را فارغ از قصه‌های موجود و تکراری به تصویر بکشیم می‌توانیم معضلات بچه‌های جنگ را به نسل‌های امروز معرفی نماییم.

وی معتقد است هنوز هم می‌توانیم صدها فیلم در سینمای دفاع مقدس بسازیم. من به عنوان فیلمساز این حوزه گله مندم چرا که سال‌هاست در راستای سینمای جنگ تحقیق کردم و بهتر از بعضی افراد می‌توانم درک کنم که بر سر خانواده‌های شهدا و جانبازان دوران جنگ تحمیلی چه گذشته است. جانبازانی که در جنگ حضور داشته و خانواده‌های آنها نیز از این فرهنگ دفاع کردند. ولی همواره، بی مهری دیده ام.

کارگران فیلم «دریاچه ماهی» عنوان کرد: نمی‌دانم تکلیف سینمای دفاع مقدس چیست؟ به عنوان کسی که ۲۰ سال در حوزه فیلم کوتاه و دیگر حوزه‌های سینمایی فعالت دارم، در حال حاضر نمی‌دانم فیلمنامه ام را کجا ببرم؟ چرا که مکانی خاص با یک نگاه مشخصی به سینمای دفاع مقدس وجود ندارد؟ همه ی آدم‌هایی که به عنوان مدیر و استاد در شورای فیلمنامه‌ها حضور دارند و فیلمنامه‌های اجتماعی و کمدی را رصد و نقد کرده و به امتیاز بندی می‌پردازند تا در بودجه فیلمسازی مراکزی مانند فارابی قرار گیرد، فیلمنامه‌های دفاع مقدس را هم همان‌ها می‌خوانند. چرا شورای ویژه برای سینمای دفاع مقدس نداریم. پیشنهاد می‌دهم می‌کنم بخش خاصی را با عنوان سینمای ملی ارزشی را در جشنواره‌ها ایجاد کنیم.

وی یادآور شد: قطعا، در سینمای دفاع مقدس شاهد اتفاقات خوبی خواهیم بود. تقریبا همه ی مردم در خانواده و اقوام نزدیک یک شهید و جانباز و از دست رفته در جنگ دارند، پس، قطعا نسبت به تولید فیلم با این موضوع استقبال زیادی وجود دارد.

دفاع مقدس گنجی پنهان در لایه‌های تاریخ معاصر

در ادامه مهدی جعفری کارگردان سینما گفت: نسبت به فعالان سینمای دفاع مقدس، از بیرون این تصور وجود دارد که از اوضاع بهتری از لحاظ مالی، حمایتی و فعالیتی برخوردارند. در حالی که واقعا، کسانی که در این حوزه فعالیت کرده‌اند متوجه سختی‌ها و چالش‌های این نوع از سینما می‌شوند. من کسی را مقصر نمی‌دانم. کارکردن در حوزه‌ی سینما به طور کلی کار مشکلی است و فیلمسازی در حوزه دفاع مقدس مشکل‌تر. به طور کلی فارغ از هرگونه شعار موضوع دفاع مقدس ما مظلومیتی دارد که بعد از جنگ این فضا بیشتر از جانب مسئولین پر هیاهو شده است. در واقع هیاهویی برای تاکید بر ارزش‌های جنگ و دفاع مقدس مان که در برهه‌ای از زمان به یک اصل تبدیل شد.

ادبیات از سینما ماندگارتر است

وی افزود: این خوب است که ما به یاد دورانی باشیم که در واقع گنجی پنهان در لایه‌های تاریخ ماست. در این زمان ما باید قادر به کاوشگری این گنج پنهان باشیم تا بفهمیم که چه چیزهایی را در دوران دفاع مقدس خود از دست داده‌ایم. من معتقد هستم تاکنون هیچگاه نسبت به این گنج پنهان در تاریخ به طور کلی پرداخته نشده و همه اتفاقات تنها در ظاهر و شواهد بوده است. در سال‌های اخیر سعی داشته‌ایم فقط یادی از آن دوران کنیم و در ایام دفاع مقدس نسبت به برگزاری یادواره و برنامه‌هایی از این قبیل اقدام کنیم تا شاید یادی زنده شود. این گونه مراسم‌ها منافاتی با ارزش گذاری به جنگ تحمیلی ندارد اما متاسفانه همه چیز به همین هفته خلاصه شده و تا هفته دفاع مقدس سال آینده فراموش می‌شود. در این میان برگزاری جشنواره فیلم مقاومت به صورت دو سالانه بر این ارزش‌ها صحه می‌گذارد و به نمایش تعداد آثار هنری محدودی به یادآوری آن روزها می‌پردازد. بنابراین چیزی که به دور از عملیات گسترده، ذات معنایی و موضوعی دفاع مقدس و دوران قهرمان پروری و تاریخ‌اش را به ثبت رسانده و تنها حوزه‌ی موثر و مثبت این سالها ادبیات دفاع مقدس بوده که به صورت ماندگار برای ما باقی مانده است. که بخش بزرگ آن در همین حوزه هنری اتفاق افتاده است. تنها چیزی که در این بخش تاریخی و ماندگار شده و به همت آقای مرتضی سرهنگی و دوستانشان محقق شده، ادبیات دفاع مقدس است. این مفهوم یک واقعیت است که ادبیات از سینما ماندگارتر بوده است.

کارگردان فیلم «۲۳ نفر» اذعان داشت: کارهای کلیشه‌ای در زمینه سینمای دفاع مقدس عاملی برای مخاطب گریزی و قهر مردم با این ژانر از سینما شده است. آشتی دادن مخاطب با سینمای دفاع مقدس بسیار مشکل است اما به دور از ذهن نیست. ما برای درست شدن اوضاع نیاز به باور فیلمسازان و مسئولان داریم. اگر فارغ از باورها، پر کردن جشنواره‌ها، راهیابی به سینما و اختصاص بودجه فیلم‌های ارزشی ساخته شود فاتحه سینمای دفاع مقدس خوانده می‌شود. اگر باور را از این سینما برداریم همه‌ی داشته‌های ما در این ژانر از بین می‌رود. ما در این مسیر کمی به تغییر راه نیاز داریم و باید اعتماد خود به چند نفر محدود را برداشته و به فیلمسازان جوان بهای بیشتری دهیم تا شاید کارهای بهتر و اصولی تری ساخته شود. این فیلمسازان نیاز به باور و اعتماد دارند.

مهدی عظیمی میرآبادی مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس گفت: مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که سینمای دفاع مقدس مورد اقبال عمومی قرار نمی‌گیرد. آیا این سوال درست است؟ در سال‌های گذشته فیلم‌هایی که با تبلیغات و شرایط خوب به نمایش گذاشته شده و از امکانات و سالن اکران مناسب برخوردار بوده‌اند آیا

مهدی جعفری: من کسی را مقصر نمی‌دانم. کارکردن در حوزه‌ی سینما کار مشکلی است و فیلمسازی در حوزه دفاع مقدس مشکل‌تر.

فیلم‌ها به اندازه خود نفروخته اســت؟ پس تعریف اینکه فیلم دفاع مقــدس از نظر مردم مهجور واقع شده خیلی دقیقی نیست. ســالانه تقریبا ۸۰ فیلم سینمایی تولید می‌شود که از این تعداد تقریبا کمتر از ۱۰ فیلم در این حوزه است.

وی افزود: این حرف درست نیســت که مردم با ســینما دفاع مقدس قهر کرده‌اند. چه مســئولین حکومتی، چه دولتی، چه صنفی و چه مسئولینی که به طــور اختصاصی و موضوعی بــه این حوزه مربوط می‌شــوند. همه باید در رابطه با این اقدام به یک انگیزه بالا همانند فیلم‌های کمدی برســند بویژه در زمینه حمایت و اختصاص سانس و سالن مناسب به آن؛ و امکان دسترسی راحت را برای آن فراهم کنند.

موضوع قهر مردم با سینمای دفاع مقدس، غلط است

وی اذعان داشــت: اصــل موضوع قهــر مردم با ســینمای دفاع مقدس، غلط اســت. از ۱۰۰ فیلم ساخته شده در سینما، ۸ فیلم قابل اعتناست پس اگر ما در شرایط امروز نتیجه‌ای را به نام قهر عمومی مردم با ســینمای دفاع مقدس می‌بینیم به علت برنامه ریزی مدیران اســت. اگر فیلمساز نتواند به موضوعات، مسائل و سوالات امروز جامعه پاسخ دهد و از گذشته به عنوان چراغ راه آینده استفاده نشود، مسلما توجهی به این سینما نمی‌شود. سیاست گذار سینمای دفاع مقدس و فیلمساز باید اشتباه خود در این زمینه را رفع کنند. از جهت ساختاری، فیلمساز برای ارتباط با مخاطب، بایــد به اصالت و جذابیت موضوع برای مخاطب توجــه کند. اگر این موضوع لحاظ نشود از هر طیف و باندی هم که باشند جذب اینگونه فیلم‌ها نمی‌شوند.

مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس اظهار داشت: متولی سینمای دفاع مقدس کیست؟ آن کجاست؟ چه مسئولیتی دارد و این مسئولیت چه بازخــوردی دارد؟ اگر ما بگوییــم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مســئول کل سینماهای کشور اســت ســینمای دفاع مقدس جزیی از آن سینما هست یا نیست ؟ آیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به مســئولیت خود به این موضوع توجهی می کنــد؟ من به ارگان‌هــای نظیر: حوزه هنــری و ســازمان اوج و ...را به عنوان سیاســت گذار نمی‌دانم و مجموعه‌هایی هســتند که کمک کننده‌اند. حوزه هنری به عنــوان مجموعه بزرگ سینمایی مسئولیت اساسی و اصلی در این زمینه نــدارد همانگونه که ســازمان اوج در زمینه تولید شروع کرده اســت ولی سیاســت گذار محسوب نمی‌شــود و ادعایی هم ندارد بلکــه مدیران این سازمان‌ها و مراکز با حمایت از فیلمسازان، سینما دفاع مقدس را به راه انداخته‌اند و رونق بخشیدند. در واقع طی چندســال اخیر اگر ایــن مجموعه‌ها وجود نمی‌داشتند اصلا فیلمی در حوزه دفاع مقدس نداشــته‌ایم. من نمی‌دانم متولیان این سینما کجا هستند. در سال‌های گذشته ۳۵ مرکز در خصوص سینمای دفاع مقدس تصمیمات سلبی می گرفتند در حالی که امروز تعداد این مراکز بیشتر هم شده و همچنان به مرحله تصمیمات ایجابی نرسیده‌ایم.

عظیمی یادآور شد: از نگاه مدیریتی هم که به این موضوع نگاه می کنم باید مدیریت ســینمای دفاع مقدس ستادی متشکل از مجموعه‌هایی باشد که تصمیم گیری‌های اساســی در آن انجام شود تا به مرحله تولید برسیم.

به گفته وی، بالاترین تعداد فروش بلیط در تاریخ ســینمای ایران بعد از انقلاب، متعلق به سینمای دفاع مقدس بوده است. همانند بازمانده، عقاب‌ها و اخراجی‌ها؛ اخراجی‌ها یک نقطه عطف شد. تعداد بیننده فیلم عقاب‌هــا در بالاترین حد قرار دارد در حالی که فیلم‌های امروزی در رســیدن به این حد از تماشــاگر ناکام بوده‌اند. بالاترین سطح مخاطب همیشــه مربوط به فیلم دفاع مقدس بوده اســت فیلمی که ۴۰ میلیارد می‌فروشد تقریبا متوسط ۲ میلیون نفر مخاطب این فیلم پر فروش بوده‌اند. آیا کل سینمای کشــور این دو میلیون نفر است؟ این ایرادی مدیریتی اســت که جرئت پا درازی از این قانون را نداشته‌اند. نهایتا این ۲ میلیون نفر مخاطب باعث افتخار آقایان می‌شود.

مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس: دفاع مقدس به خودی خود آنقدر فیاض و پر جنب وجوش است که با احتساب همه فیلم‌ها در این عرصه هنوز در جایگاه قطره‌ای از یک دریا قرار داریم.

مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس ادامه داد: دفاع مقدس به خودی خود آنقدر فیاض و پر جنب وجوش است که با احتساب همه فیلم‌ها در این عرصه هنــوز در جایگاه قطره‌ای از یک دریا قرار داریم. اطلاعات، سوژه‌ها و موضوعاتی در این حوزه وجود دارد که هنوز هم در دفاع مقدس بسیار نو و جدید است.

وی تصریح کرد: مشکل ســوژه و موضوع در این سینما وجود ندارد بلکه مشکل ارتباط با مخاطب داریم. ایجاد ارتباط الزاما به خود فیلم بر نمی گردد بلکه منوط به جریانی است که قرار است این فیلم را در اختیار مردم قرار دهد. در ســینمای خانگی سیاســتی قرار دارد که اگر قرار بــه فروش فیلمی باشد به خوبی به فروش خوبی می‌رسد و اگر قرار به دیده نشدن باشــد از جذب مخاطب آن جلوگیری می‌شود.

یزدان عشیری در این بخش ادامه داد: اگر نگاهی به سینمای غرب داشته باشیم بعد از گذشت سال‌ها از جنگ‌های جهانی اول و دوم، همچنان فیلم‌های جنگی ساخته می‌شود و شاهد تولید فیلم‌هایی با این موضوع هستیم که به خوبی به فروش می‌رسند و ما هم نیز به عنوان یک ایرانی در گستره مخاطبان عام آنها قرار می گیریم. این نشــان دهنده راهبرد، سیاست گذاری آن‌ها در این زمینه است. من فکر می‌کنم برای مسئولان سینمایی ما این چشم انداز و افق روشن و مشخص نیســت و اتاق فکر فعال و کارآمدی نداریم که سالانه بر مجموعه موضوعات فیلم تمرکز داشــته و هدف گذاری‌ها و حمایت‌ها برای آن انجام شود. متاسفانه، در دهه ۸۰ با موجی از فیلم‌های دختر و پسری و کمدی‌های روحوضی مواجه شده و در دهه اخیر با مجموعه ای از فیلم‌ها منفعل روبرو هستیم. البته، حساب فیلمسازانی که به صورت آتش به اختیار، خودجوش و با انگیزه‌ها و پشتکار شــخصی بر خلاف جریان شنا می کنند جداست. نقد ما به وجه قالب جریان سینمای کشور هستیم .

عشیری افزود: متولی ســینمای کشور مشخص است. نهادهایی همانند حوزه هنری، اوج و انجمن دفاع مقدس ورودشــان به علت وجــود خلاها و انحرافات و کاستی‌ها در این عرصه است و بر اساس منابع محــدودی که دارند، آتش بــه اختیار عمل می‌کنند. از طرفی معتقدم این نهادها طی سال‌های اخیر در زمینــه گفتمان ســازی و حمایت از این جریان موفق عمل کردند. کارنامه سینمایی حوزه هنری نشــان می‌دهد که این نهاد هــم در زمینه پرورش ســینماگر متعهد، هــم در عرصه تولید و

بویژه در زمینه پخش و اکران در شبکه خانگی، اکران در سینماها با همه چالش‌ها و مشکلات خوب عمل کرده. هر چند کافی نیست. متولی سینمای کشور مشخص است. چرا ما در سبد اکران‌های خود فیلم‌هایی از ژانرهای مختلف: کمدی، دفاع مقدسی و اجتماعی را همزمان قرار نمی‌دهیم؟ براساس لیست فیلم‌های شورای اکران صنفی، در حال حاضر براساس درجه بندی سنی، گروه سنی زیر ۱۵ سال اصلا فیلمی ندارند و کودک ما عملا حق رفتن به سینما را ندارد. بر این اساس قطعا نقطه کوری در این زمینه وجود دارد. در سبد سینما به تنوع غذای فرهنگی برای همه گروه‌های سنی نیاز داریم. ایراد کار در فقدان اتاق فکر و نداشتن راهبرد مشخص و افق است.

مریم دوستی نیز تصریح کرد: در سینمای جهان که به دنبال ساخت فیلم درباره جنگ جهانی هستند اگر به سیاه ترین نقطه تاریخ نرسیم، هیچ وقت نمی‌توانیم حرفمان را بزنیم. ذات جنگ سیاه است ولی از نظر من تاریخ ارزشی و ملی سینمای دفاع مقدس همان ۸ سال دفاع مقدس است که از جان دل برای همه ما آدم‌های آن دوران را که رفتند و یا با عواقب آن همراه هستند، ارزشمند بوده و این ثابت شده است.

وی اضافه کرد: در حال حاضر شرایط مخاطب گریزی ما در سینما علت و معلول‌های مدیریتی دارد و به طور مستقیم تمام این کم و کاستی‌ها را بر گردن آنها می‌اندازم. اگر فیلم‌ها دقیقا سر زمان خود اکران شود، حتی، آثار متوسط و زیرمتوسط مخاطب خود را خواهند داشت.

این کارگردان سینما اظهار داشت: من قبول ندارم که فیلمسازان دفاع مقدس به سراغ ژانر دیگری می‌روند بسیاری از این افراد دوست داشتند که فیلم‌های ارزشی و ملی بسازند اما آنها را به سمت رفتن از این ژانر کشاندند. من چند فیلم می‌توانم طی عمر سینمایی‌ام بسازم؟ ما باید به عمر سینمایی سینماگران هم توجه کنیم و عرصه برای حمایت باز باشد و منصفانه از آنها حمایت شود. در چند سال اخیر فیلمسازانی داشته‌ایم که برند زود هنگام شده‌اند ما باید بدانیم پشت این ماجرا چیست؟ و علت برند نشدن برخی دیگر چیست؟ معتقدم سینمای دفاع مقدس تنها یک ویترین است و آمار تولیدات این سینما تا حدی اسف بار است که نیازی به مصاحبه و این حد پز دادن ندارد. سینمای دفاع مقدس در نگاه مدیران ویترینی بیش نیست و هیچکس آنگونه که باید برای آن دل نسوزانده و به تعبیر بسیاری از آنها این سینما تخریب شده است و به زور آن را تاکنون نگه داشته اند. من فکر می کنم با این فیلمسازان جوان و نگاه‌های جدید تا زمانی که نگاه و سینمای مدرن وارد نگاه مدیران نشود و تا مادامی که از قصه‌های پس از جنگ و جدید حمایت نکنند و این ترس را کنار نگذارند و خط قرمزهایی را تنها برای تعداد محدودی از فیلمسازان آزاد کنند، سینمای دفاع مقدس در همین مرحله باقی می‌ماند. خودی و ناخودی بودن در سینما، منجر به دلسردی از این سینما شده و فیلمساز را افسرده می کند. مدیران باید فیلم‌های دفاع مقدس را رصد کرده و با ایجاد انگیزه آنها را در این عرصه نگه دارند. درواقع آنقدر که ماندگاری اهمیت دارد فیلمسازی بی‌اهمیت است. حمایت از جوانان، نیروها و تفکرات جدید امری اساسی است. اوضاع سینمای دفاع مقدس بسیار اسفبار است و ما دلمان را به تفکر و عرق خود به این عرصه خوش کرده‌ایم.

وی تصریح کرد: ادبیات دفاع مقدس بسیار ارزشمند است و به طور کلی سینما و فرهنگ ما بدون آن مفهومی ندارد.

جعفری نیز ادامه داد: برخلاف نظر خانم دوستی که تنها مسئولین را در کم کاری سینمای دفاع مقدس مقصر می‌دانند من فیلمسازان را هم، مقصر اصلی می‌دانم. ما باید به دنبال راهی برای ارتباط درست مخاطب با سینما باشیم. از نظر من این حوزه اما و اگرهای زیادی دارد و بیش از همه به سیاست‌های محتوایی پرداخته شده در حالی که بیشتر سیاست‌ها باید بر انتخاب افراد و مسئولیت‌ها تاکید داشته باشد و صرفا محدود به ممیزی‌ها و محتوا نباشیم. جناح بندی در مدیریت‌ها و تصمیم گیری در این راستا از نظر من کاملا سطحی و شوخی است و ما برای تغییر و تحولات به تغییر نگاه و آسیب شناسی آن نیاز داریم. مسئولان باید آسیب شناسی جدی داشته باشند و اگر این اقدام به خوبی اتفاق افتد می‌توانیم به دیگر ایرادات موجود در این زمینه پی ببریم. ما زبان هنری را فراموش کرده و با زبانی کلیشه‌ای حرف می‌زنیم در حالی که مخاطب جوان امروز این زبان را قبول نداشته و باید با ادبیاتی بینابینی با آن صحبت شود و برآیندی از سلایق مخاطب را در نظر گرفته و به توافق و تفاهمی در این زمینه برسیم.

وی تشریح کرد: عمق فاجعه زمانی است که ما هیچ

مریم دوستی:
من قبول ندارم که فیلمسازان دفاع مقدس به سراغ ژانر دیگری می‌روند بسیاری از این افراد دوست داشتند که فیلم‌های ارزشی و ملی بسازند اما آنها را به سمت رفتن از این ژانر کشاندند.

اندیشه‌ای برای ساخت فیلم نداشته و صرفا به دنبال تیک زدن تعداد فیلم‌های دفاع مقدسی هستیم. به فیلمسازان امثال خانم دوستی که فکر می کنند اگر از فیلم‌های دفاع مقدسی حمایت نشود، به سمت ساخت کمدی می‌روند حق می‌دهم و برادرانه پیشنهاد می کنم اگر واقعا باوری به موضوع دفاع مقدس ندارند بهتر است که همان بروند چرا که ماندشان تاثیر ندارد اما اکثر این فیلمسازان به موضوعات خود باور دارند و بنابر شرایط مجبور به ترک می‌شوند. ما نباید فرصت وجود فیلمسازان مشتاق به کار در این ژانر را از دست بدهیم تا به دنبال پیشنهادات بهتری بروند اما اگر این فرصت‌ها از دست رفت باید بپذیریم که بازگشت این افراد با پول بیشتر بی‌فایده است چرا که دیگر دغدغه آنها پول است و باوری به این موضوعات ندارند.

این کارگردان سینما زبان ارتباطی را حلقه گمشده سینمای دفاع مقدس معرفی کرد و یادآور شد: باید به دنبال پیدا کردن حلقه گمشده سینمای دفاع مقدس باشیم تا به جذابیت‌های سینمایی فیلم به طور کلی نرسیم و باورش نکنیم موفق نخواهیم بود. پیشرفت فیلم‌های خارجی منوط به سیاست گذاری‌های پنهان است و اساسا فیلمی که به مخاطب توجه نکند، ساخته نمی‌شود. تا زمانی که به فرم، هنر و جذابیتی سینمایی اجحاف پیدا نکنیم هیچ‌گاه نمی‌توانیم به بهبود سینمای دفاع مقدس امیدوار باشیم. فیلم‌های حاتمی کیا سلیقه من نیست اما در وهله اول به سینما و بعد از آن به موضوع فکر می کند و این امر در مسیر فیلمسازی به مرور پخته تر شده است و این منجر به مخاطب پذیری شده است. اهمیتی که به فرم و سینما می‌دهیم نباید کمتر از اهمیت موضوعی باشد باعث شده است متخصصین و فیلمسازان خاص به دلایلی از این حوزه پرهیز کرده‌اند.

مریم دوستی ادامه داد: ما باید به جوانان بها بدهیم تا حرف تازه‌ای برای گفتن در سینمای دفاع

مقدس داشته باشیم. نباید گارد را ببندیم و محدود به سینمای افرادی نظیر حاتمی کیا شویم. درست است که بعضی افراد پیشکسوت این سینما مانند آقای حاتمی کیا و ... موفق هستند ولی جوانان ما نگاه‌های ویژه‌ای به این سینما دارند و تا مادامی که این گارد باز نشود اتفاق درستی نمی‌افتد.

یکی از نیازهای مهم سینمای دفاع ساخت فیلم‌هایی برای گروه سنی کودک و نوجوان است

عظیمی میرآبادی توضیح داد: به قول آقای عشیری ما باید تابلویی از آنچه که قرار است در سال اکران شود، طراحی کنیم و این وظیفه سازمان سینمایی کشور است تا موضوعات متفاوت و مخاطبین مختلف در آن دیده شوند یعنی به همه اقشار در دوره‌های مختلف سنی توجه شود و حتی به لحاظ منطقه‌ای، قومی و موضوعی نیاز به تنوع داریم. بنابراین سینمای دفاع مقدس از این قضیه مستثنی نیست. یکی از نیازهای مهم سینمای دفاع ساخت فیلم‌هایی برای گروه سنی کودک و نوجوان است و کسانی که در این جایگاه قرار می‌گیرند باید به این موضوع توجه کنند.

وی افزود: آمریکایی‌ها برای ساخت فیلم قطعا سیاست‌های پنهانی دارند اما به طور کلی ما سیاستی برای ساخت فیلم نداریم. صادقانه می‌گویم هیچ آیین نامه‌ای برای ساخت فیلم در سینمای ما وجود ندارد و کل سینمای ایران بر روی یک کاغذ بایدها، نبایدها و ممیزی‌ها می‌چرخد. من از مسئولان سازمان سینمایی خواهش می‌کنم اگر سیاستی درخصوص تولید آثار در سینمای کشور وجود دارد آن را منتشر کنند تا همه مطلع شوند. ما می‌دانیم که چنین آیین نامه‌ای در سیستم سینمایی ما وجود ندارد و یا لااقل ما آن را نمی‌شناسیم. بیش از ۱۰ سالی می‌شود که در سازمان سینمایی نسبت به تنظیم سند سینما اقدام شده و سازمان سینمایی پیگیر آن بوده است تا به قانون تبدیل شود. در این سند قواعدی مطرح شده که به دلیل تبدیل نشدن آن به قانون، اعمال سلیقه مدیران به آن راه یافته است. در این میان اگر سلیقه نبود این گوناگونی هم صورت نمی‌گرفت.

مسئولان سینمایی کلاه خود را قاضی کنند که آیا مسئول سینمای کشور یا مسئول یک باند و جریان هستند؟

وی عنوان کرد: زمانی از سینما حرف می‌زنیم پیشوندهایی چون، هنر، رسانه و صنعت مطرح می‌شوند. این یعنی اینکه سینما به تنهایی معنا نمی‌گیرد. سینما یک هنر، صنعت و رسانه است. بنابراین سینما باید با هر سه خصلت سنجیده شود. ما بحثی به عنوان سهمیه بندی بودجه در سینما نداریم و تنها در اختصاص تسهیلات در فارابی، فیلم‌های مدنظر در این سهمیه بندی قرار

می‌گیرند. مسئولان کشور باید کلاه خود را قاضی کنند که آیا مسئول سینمای کشور هستند یا خیر؟ یا مسئول یک باند و جریان هستند؟ متاسفانه، مسئولان دچار نگرش غلطی شده‌اند. من ۴ روزی که مسئولیت دارم صندلی خود را محکم می‌چسبم که صندلی‌ام را از زیر پایم نکشند و بعد از اتمام کاری‌ام هم سینما را خراب نکرده باشم. اگر متولیان این دغدغه را داشته باشند کسی به آنها اعتراضی نمی‌کند.

وی اذعان داشت: سینمای کشور در کل دچار مشکل است پس دفاع مقدس هم که جزیی از آن است نیز دچار مشکل است. دغدغه امروز سینماگران دفاع مقدس از باوری نشات می‌گیرد که آقای جعفری به آن اشاره کرده است. ما در همه موضوعات مشکل داریم و پیگیری این مشکلات ناشی از دغدغه‌های فیلمسازان است. امکانات سینما دفاع مقدس در بخش‌های دیگر سینما هم وجود ندارد. مشکل ما سینمای کشور است که به تبع آن دیگر سینماها دارند. ما نباید بر سر سینمای دفاع مقدس بزنیم چرا که اگر امکان فروش و اکران برای اینگونه فیلم‌ها در نظر گرفته شود، اتفاقا سینمای دفاع مقدس از دیگر ژانرها بالاتر اگر نباشد نباشد، پایین‌تر نیست.

مریم دوستی معتقد است: اگر تسهیلات و یارانه‌ای به سینمای دفاع مقدس تخصیص داده نشود این سینما به صفر می‌رسد. یک گروه و شرایطی لازم است که فیلمنامه‌ها را تشخیص دهند. چرا شورای بازخوانی فیلمنامه داریم ولی هیچ زنی در این شورا حضور ندارد. تفکر یک فیلمساز فارغ از جنسیت مهم است. ما شوراهای به روز نداریم و فیلم‌های دفاع مقدس تبلیغی وجود ندارد.

سینمای دفاع مقدس تمام نمی‌شود

وی ادامه داد: ما باید با حقیقت رو در رو بشویم. مدیران سینما از خالی بودن سالن‌ها می‌ترسند. اقتصاد کشور اجازه حضور خانواده در سینماها را نمی‌دهد و موقعیت خوبی برای آنها فراهم نیست. من حق می‌دهم که خانواده‌ها روحیه فیلم جدی را نداشته باشند. من به عنوان یک فیلمساز اگر بتوانم در این شرایط بحرانی کارم را درست انجام دهم، هنر کرده‌ام و نمی‌توان تنها مدیران سینمایی را مقصر دانست. سینمای دفاع مقدس تمام نمی‌شود حتی اگر تنها یک فیلم در سال ساخته شود؛ مهم نگاه و عشق مربوط به آن است. من از مدیران و فیلمسازان تقاضا دارم به بازماندگان جنگ بپردازند. من پای تفکرات و اعتقاداتم در فیلم‌ها و نوشته‌هایم هستم.

کارگردان فیلم «۲۳ نفر» اما بر این باور است شرایط ایده آل را زمانی می‌دانم که سینمای دفاع مقدس ما از هیچ رانتی برخوردار نباشد و بتواند روی پای خودش بایستد و اگر هنر، صنعت و رسانه کار خود را به خوبی انجام دهد ما به نتیجه مطلوب خواهیم رسید. من اعتقاد دارم سینمای دفاع مقدس به خودی خود در حال بهبود است و نباید به آدم‌های خاص محدود شود. حضور جوانان نیز در این عرصه بی‌تاثیر نبوده و نیست. از مسئولان سینمایی و فرهنگی کشور در همه بخش تقاضا دارم که جمعیت کشور را محدود به تعداد مخاطب دو میلیون نفری ندانند و از این ظرفیت فراتر روند و به جذب بیشتر مخاطب، ساخت سالن‌های سینما، رونق چرخ اقتصاد سینما هم فکر کنند و اگر تنها به فکر تعداد محدود مخاطب باشند تا ابد سینما بر همین پاشنه می‌چرخد.

یزدان عشیری در پایان اذعان داشت: در شرایط فعلی سینما به خصوص در حوزه تولید، اشتیاق بخش خصوصی به سمت ساخت فیلم‌های اجتماعی و کمدی است در حالی که سینمای دفاع مقدس که ژانر استراتژیک و به ضرورت دیپلماسی یک کشور هم مرتبط و آمیخته است از سوی این بخش استقبال نمی‌شود. در این میان، شایسته نیست دستگاه‌های مربوطه هم به سمت حمایت از فیلم‌های کمدی پرمخاطب غش کنند. عدالت حکم می‌کند که مراکز حامی دولتی و نهادی جهت حمایت شان را به سمت سینمای دفاع مقدس و کودک و خانواده ببرند. بنیاد فارابی در اختصاص بودجه ژانر دفاع مقدس و مقاومت و کودک و نوجوام را در اولویت بگذارد، از ان جایی کهروی آثار اجتماعی و کمدی متمرکز شده از این طریق می‌توان عدالت و اعتدالی را در چرخه تولیدات سینمایی و تنوع آن ایجاد کنیم.

ضرورت پرورش سینماگر جوان و متعهد

فاطمه پزشکی

سینمای ما با پیروزی انقلاب اسلامی و گفتمان انقلاب اگرچه نه در سطح وسیع ساختاری و دیدگاهی؛ ولی دچار تحول گردید. این سینما در دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی همسو با نگرش‌ها و ادبیات جنگ به نوعی پوست اندازی کرد و بستری فراهم شد تا نسل جدیدی از سینماگران و فعالان فرهنگی و سینمایی شکل بگیرد.

ژانر سینمای دفاع مقدس با این نسل پر و بال گرفت و به قدری رشد کرد که ویژگی‌های آن بر فضای کلی سینما و مسیر حرکت آن تاثیر گذاشت. نسلی از فیلمسازان قدرتمند در این عرصه شکل گرفت که تا امروز شاکله اصلی جریان سینمای ایران را تشکیل می‌دهند. ابراهیم حاتمی کیا، رسول ملاقلی پور، احمدرضا درویش، کمال تبریزی، مجتبی راعی، حسن بزرگزاده، عزیزالله حمیدنژاد، محمدعلی باشه آهنگر، جمال شورجه، عبدالله باکیده و دهها سینماگر دیگر که در طول دو دهه پس از جنگ، بار مسئولیت تولید محتوا و فیلم این عرصه بر دوش آنها بوده و شاخص‌ترین آثار دفاع مقدس متعلق به همین نسل است.

متاسفانه، بسیاری از سینماگران این نسل اکنون از این ژانر دور شده‌اند و یکی از مسائل مشهود در سینمای دفاع مقدس، قهر سینماگران شاخص این حوزه با فیلمسازی جنگ است. کارگردانانی که هویت و شناسنامه‌شان با سینمای جنگ گره خورده بود و بهترین فیلم‌های کارنامه‌شان را در این حوزه ساخته‌اند سال‌هاست ترجیح می‌دهند در ژانرهای دیگر فیلم بسازند که دلائل گوناگونی دارد. آثاری چون «پرواز در شب»، «دیده‌بان»، «مهاجر» و «هور در آتش» در دهه ۶۰ و فیلم‌های برجسته‌ای مانند «سفر به چذابه»، «نجات یافتگان»، «از کرخه تا راین»، «برج مینو»، «لیلی با من است»، «کیمیا»، «سرزمین خورشید»، «هیوا» و «آژانس شیشه‌ای» در دهه ۷۰ و در اوائل دهه ۸۰ هم نمونه‌هایی چون «مزرعه پدری» و «دوئل» تولید شده‌اند ولی این روند بعد از آن رو به افول گذاشت تا جایی که در سال‌های بعدتر کمتر شاهد اثری مثال زدنی هستیم.

اگرچه بسیاری از کارشناسان بر این باورند عدم توجه متولیان فرهنگی به این حوزه و نیز، سیاست گذاری‌های غلط در دولت‌های مختلف در عرصه‌های فرهنگ و هنر باعث شده تا نه تنها شاهد بالندگی جریان سینمای دفاع مقدس و در مفهوم کلان‌تر مقاومت نباشیم بلکه حتی، نسل قبلی سینماگران این عرصه هم جذب دیگر گونه‌های سینمایی شوند. دیدگاه‌هایی هم وجود دارد که ورود نسل تازه ممکن نیست؛ چرا که نسل قبلی، خود برآمده از متن دفاع مقدس بوده‌اند و بهترین فیلم‌های دفاع‌مقدس را سینماگرانی ساخته‌اند که خود تجربه حضور در جبهه‌ها را داشته‌اند، اما با گذشت بیش از چند دهه از پایان جنگ، تا چه زمانی می‌توان دلخوش به فعالیت این سینماگران ماند؟ آیا ساخت فیلم جنگی باید تنها در انحصار آدم‌های جنگ باقی بماند؟

این دیدگاه به چند دلیل اشتباه است. نخست اینکه هم اکنون شاهد غیبت همان نسل تجربه جنگ دیده هم هستیم. دیگر اینکه جنگ بعد از دوران دفاع مقدس به پایان نرسیده و در سنگرها و شکل‌های جدیدش استمرار یافته است. همچنین، با راهبرد انقلاب اسلامی و نگاه ضدسلطه و «مقاومت محور» امروز در تار و پود جامعه ما، منطقه پیرامونی و جهان اسلام لمس می‌شود. یعنی ما هم اینک با نسل‌های جوانی سروکار داریم که گویی در متن هزارتوی پیچیده و پرچالش جنگ‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حضور دارند و آن را زندگی و تجربه می‌کنند. هنوز هم کوچه‌ها و خیابان شهرهای ما عطر شهیدان را با خودش دارد. هنوز، هم پیوسته قدرت‌های استکباری روزی نیست که بر طبل جنگ ندمند و هیاهو بر پا نکنند و در گوشه‌ای از منطقه علیه انقلاب اسلامی جوسازی نکنند.

در این میان، اما، حوزه فرهنگ و سینمای ما چندان با این موضوع هم راستا نشده است. اینجاست که نیازمند ترسیم استراتژی دقیق‌تری هستیم تا ضمن شناسایی غفلت‌ها و موانع به بازشناسی و کشف استعدادها اقدام نماییم. استراتژی که مفهوم مقاومت و سینمای مقاومت را در بی‌نظمی نوین جهان معنا و تعریف کند. نیازمند شکافتن سقف و در انداختن طرح‌های نو هستیم.

مروری بر شخصیت زن در فیلم‌های دفاع مقدس

زنانی که از قاب پنجره بیرون آمدند

در این نوشتار مروری بر جایگاه و شخصیت‌های زنان و سیر تطور آن در سینمای دفاع مقدس داریم و زنانی را بر پرده می‌بینیم که از انتظار در قاب پنجره به مرور وارد میدان جنگ شدند و حضورشان هر روز پر رنگ تر نشان داده شده است.

با هجوم عراق به کشـــور ما در ســـال ۵۹، جنگ تحمیلی آغاز و به دفاع مقدس تبدیل شد. ساخت فیلم‌های جنگی نیز به عنوان مهم‌ترین مسئله‌ای که همه را درگیر خود ساخته است، موجب تولید سینمای جنگ شد. پس از جنگ نیز، گروهی در این وادی ماندند و آن را در اشکال مختلف دادمه دادند. بدیهی است که این ســـینما در دوره‌های مختلف خود، فراز و نشیب‌ها و دگرگونی‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. به تبع آن، فیلمنامه‌ها، شخصیت‌ها و دیگر عناصر آن نیز دچار دگرگونی شده‌اند. این نوشـــتار به مرور شـــخصیت زن در فیلمنامه‌های سینمای جنگ دهه ۶۰ می‌پردازد. البته فیلم‌های مستند، کوتاه و تلویزیونی، از دایره مرور این نوشتار خارج‌اند. و ای کاش کسی که در جایی به این فیلم‌ها دسترسی دارد، زمانی به آنها بپردازد.(مشـــخصا فیلم‌هایی که گـــروه ۴۰ نفره بسیجیان موســـوم به چهل شاهد با دوربین سوپر ۸ کارکردند و ناب ترین و نزدیک ترین صحنه‌های جنگ را به تصویر کشـــیدند.) و نکته دیگر آن که، برخی تولیدات ســـال‌های آغازین دهه ۷۰ نیز به دلیل ویژگی‌های مشترک با آثار دهه ۶۰، در این مرور، بررسی شده‌اند.

جنگ همه جانبه که آغاز شـــد، آن چه به چشم می‌آمد مردانی بودند کـــه آن جلو می‌جنگیدند. زنانی که این سوی سنگرها در قاب پنجره، بازگشت شوی شان را به انتظار ایســـتاده بودند، جایی در میان تصاویر خشن و پرخاک و خون نداشتند. مگر آن که دشـــمن همین جا در کوچه پس کوچه‌ها باشد. سال ۶۰ ساخت فیلم مرز (جمشید حیدری) بود؛ حکایت مقاومت مردم یک روستای مرزی در مقابله با حمله دشمن. زن قهرمان فیلم که همان زن آشـــنای فیلم‌های مبارزه با خان است، تفنگ بر می‌دارد و دیگران را به مبارزه تحریک می‌کند.

جز این فیلم، محصولات ۶۱، فقط فیلم جانبازان (ناصر محمدی) و ســـال ۶۲، دیار عاشقان (حسن کاربخش)، عبور از میدان میـــن (جواد طاهری)، آوای غیب (حاجی میری)، نینـــوا (ملاقلی پور) و بازداشتگاه (مشکوه)؛ همگی سرشار از صحنه‌های مبارزه و نیز خلوت رزمندگان بودند؛ بی نام و نشانی از خانواده و در نتیجه زن.

تا چند سال بعد، هم وضعیت چنین است.در این فیلم‌ها نیز زنان فقط در زمـــان بدرقه رزمندگان مشاهده می‌شـــوند. همراه با کودکانی خرسال (و بیشتر دختر) که غم دوری را در چشمانشان نگه می‌دارند تا بیانگر اوج ایثار رزمندگان باشـــند که حاضرند برای دفاع از دین و میهن، از عزیزان خود بگذرنـــد. در این دوره، احساســـات زنان، غم‌های پنهان و مصائبشان در نبود ســـر پناه، نشان داده نمی‌شـــود. دوره، دوره سلحشوری است و نمایش این حالات، با روحیه مورد نیاز یعنی تهییج حرکت به سوی جبهه‌ها منافات داشت.

از سال ۶۶ به بعد کم کم شاهد حضور بیشتر زنان در فیلم‌های جنگی هستیم. و البته در هیچ کدام شخصیت زنان به شکلی شـــاخص و پر رنگ دیده نمی‌شود. خانه در انتظار (عسگری نسب) و پرستار شـــب (محمدعلی نجفی) از جمله ایـــن فیلم‌ها هستند.

ســـال ۶۷ را می‌توان ســـال آغاز فیلم‌های جدی ســـینمای دفاع مقدس دانســـت. بیضایی در این سال «باشـــو غریبه‌ای کوچک» را می‌سازد. نایی، شـــخصیت زن فیلم، همچون دیگر آثار بیضایی، شخصیت محوری فیلم اســـت. او مظهری است از مهرورزی، نفی خشونت، نفرت از مرگ و تخریب، برقراری جشن و سرور، دلبستگی به خانه و خاک، ترس از بی خانمانی، حمایت از هر موجود زنده ای که نیازمند حمایت اســـت، ایثار در عشق، رحم و عطوفت، پرســـتاری و در کنار یکدیگر بودن. نایی همچون دیگر زنان آثار بیضایی، انســـانی است به غایت حس شدنی، شـــکوهمند و اسطوره ای. این زن نیز تصویری است از همه زنان در هیئت یک زن. زمانی که ناامید می‌شود، دلتنگ می‌گردد، در ایجاد رابطه باباشو شکســـت می‌خورد، اما همه اینها به صورت عوامل بیرونی و رفتاری اجتماعی نشان داده می‌شود و از درون شخصیت او مایه نمی‌گیرد. در حقیقت این اطرافیان او هستند که باید از نگرانی و ناراحتی او شرمسار باشند.

در این ســـال‌ها حاتمی کیا و ملاقلی پور، فیلم‌های خوبی می‌سازند؛ «افق»، «دیده بان» و «مهاجر». اما نگاه آنها هنوز به خط مقدم جبهه است. سال ۶۷ جنگ پایان می‌پذیرد و فیلم سازان جنگ فرصت می‌یابند تا نگاهی به پشت جبهه بیندازند. و اگر چه ساخت فیلم‌های جنگ بدون زن همچنان

پوستر فیلم سینمایی ویلایی‌ها

ادامه دارد، اما اینک در عالم واقع، رزمندگان به سوی شهرها باز می‌گردند و به سراغ خانه و کاشانه شان می‌روند. شخصیت زن فیلم وصل نیکان حاتمی کیا فقط در انتهای داستان است که در می‌یابد همسرش آسمانی می‌اندیشد. و این، یعنی آن که هنوز زمان می‌خواهیم تا زنان رزمندگان دریابند که مردانشان برای چه، خانه را رها کرده بودند. و هنوز زمان می‌خواهیم تا مردان رزمنده دریابند که زنانشان در این مدت چه کشیده‌اند. همچون فیلم پرنده آهنین (شاه حاتمی) در برخی فیلم‌های این دوره شاهد هستیم که زنان (بدون پرداخت ویژه روی شخصیت آنها) به تصور شهادت همسر؛ ازدواجی دوباره دارند. تا این که مرد از جبهه باز می‌گردد تا مثلثی شکل گیرد به مثابه تضاد وظیفه و عشق؛ مضمونی آشنا در داستان‌های رمانس. از اینجاست که تضاد میان آن چه در شهر می‌بینند و فضایی روحانی که در جبهه شاهدش بودند؛ رزمندگان سابق را دچار آشفتگی‌ها می‌کند و زنان هستند که بار دیگر باید بار این مصائب را به دوش بکشند. حاتمی کیا از اینجا به بعد یک زن آرمانی در فیلم‌هایش دارد که دو وجه عقلانی و احساسی آن، همواره با هم در کشمکش‌اند. در فیلم «از کرخه تا راین»، گر چه وجه

عقلانی زن آرمانی حاتمی کیا نشان داده می‌شود، اما این زن همچنان به ریشه و هویتش پایبند است. بدین سبب اســت که وی در انتها همراه با پیکر برادرش به ایران باز می‌گردد.

در این ســال‌ها در فیلم‌های جنگی کــه با محوریت حضور اشغالگران در شهرها و روستاهای مرزی ساخته می‌شود، همچنان شاهد حضور زنانی هستیم که مردان را به ایستادگی دعوت می‌کنند و با نمایی آشنا از نطق حماسی آنان، شاهد تحریک و شروع صحنه‌های مبارزه هستیم. مثلا در فیلم آخرین مهلت (پرویز تایپدی) یک خان با نیروهای عراقی همــکاری می‌کند و با تضعیف روحیه اهالی روستا می‌کوشد آنها را وادار به ترک روستا کند تا نیروهای عراقی بدون مقاومت بخشــی از خاک ایران را اشغال کنند. لیلا، نادختری خان به موضوع پی می‌برد و به اهالی روستا خبر می‌دهد وسلاح‌های مخفی شده خان را در اختیار مردم قرار می‌دهد. لیلا نیز همان شخصیت آشنای زن شیردل فیلم‌های مبارزه با خان است. زنان دیگر فیلم‌های روستاهای اشغال شده، در کنار کودکان؛ نقششان نشان دادن سبعیت و خشونت سربازان اشــغالگری اســت که به اصطلاح «به زنان و کودکان هم رحم نمی‌کنند.»

در ســال‌های پایانی جنگ، به دلیل بمبــاران هوایی شهرها، شاهد مضامینی در شهر هستیم که مستقیما به جبهه‌ها پیوند می‌خورند. بدیهی اســت که در این پیوندها، زنان نقشی محوری ندارند. در O منفی (اوی منفی) زنی در بمباران هوایی شهری در جنوب مجروح می‌شود و برای ادامه زندگی به گروه خونی O منفی نیاز دارد. پسرش برای یافتن خون تلاش می‌کند، اما هر بار مانعی پیش می‌آید. او در خیابان با جمعیتی از جوانان بسیجی روبه رو می‌شود که به جبهه می‌روند. در اینجا مفهوم خون دادن به صحنه‌های نبرد پیوند می‌خورد. در اوینار (شهرام اســدی)، گروهی از اهالی حلبچه، از بمباران شیمیایی می‌گریزند و در طی مسیر هر یک به گونه‌ای کشته می‌شوند؛ جز یک زن و کودکی خردسال که قرار است نویدگر ادامه حیات باشند. در اینجا نیز زن، نه یک شخصیت مستقل بلکه مفهومی نمادین از زایش و ادامه زندگی پیدا می‌کند. در این فیلم‌ها، شخصیت زن، هر چند هم که پررنگ باشند، اما محوری نیستند و فقط به کار می‌آیند تا ما با شخصیت رزمنده اصلی داستان، بیشتر آشنا شویم و به عظمت روح وی پی ببریم.

در پرستار شب (محمد علی نجفی)؛ ماری، زن جوان مســیحی، مراقبت از یک رزمنده زخمــی را بر عهده می‌گیرد. او احساس می‌کند که چهره مجروح برایش آشناست. در مدتی که ماری وظیفه پرستاری را انجام می‌دهد، نامه‌های همراه رزمنده را می‌خواند و نزدیکی بیشــتری با او حس می‌کند. ســرانجام جوان شهید می‌شــود و ماری در می‌یابد که او حامل پیغام یکی از آشــنایانش بوده که در جبهه به شهادت رسیده است. در این فیلم رزمنده محور، شــاهد رگه‌هایی کم رنگ از عشق زمینی میان ماری و رزمنده هستیم. امری که در سینمای جنگ این سال‌ها ممنوع است. چرا که هر گونه علقه مادی، در تضاد بــا روح بزرگ دفاع مقدس، تلقی می‌شود.

در این سال‌ها در برخی داستان‌ها که به زندگی مهاجران جنگ تحمیلی پرداخته می‌شــود، ناچار شاهد حضور زنان جوانی هســتیم که گاه همســر خود را از دست داده‌اند. اینها معمولا همان قدر که زجر کشــیده‌اند، مقاوم‌اند و به همان میزان نیز تعلق خاطرشان به یک مرد را پنهان نگه می‌دارند.

در حریم مهــرورزی (ناصر غلامرضایــی)؛ صبریه زن جوانی است که شوهرش را در آبادان از دست داده است و اینک ساکن اقامتگاه مهاجران در تهران است. او با یک جوان دلسوز آشنا می‌شود؛ جوانی که به او دل بسته و هر کاری که می‌تواند برای خانواده اش انجام می‌دهد. سرانجام هم بر اساس منطق داستان ملودرام فیلم، با هم ازدواج می‌کنند. برای پیوند داستان با جنگ، مراسم ازدواج آنها با روز آزادی خرمشهر مصادف می‌شود.

در فیلم دندان مــار (کیمیایی) نیز کــه همان رضای آشنای ســینمای کیمیایی حضور دارد، شاهد حضور دختری جنوبی هستیم. داســتان اصلی فیلم مردانه است و زنان، زجر کشــیده منتظرند تا مردان به خانه بازگردند. در برخی فیلم‌های این زمانه، شاهد حضور زنان جوانی هستیم که با چنگ و دندان می‌کوشند تا از هم پاشیدگی خانواده جلوگیری کنند. این زنان هم در فیلم‌های خانوادگی (با پس زمینه جنگ) و هم در فیلم‌هایی که مشخصا به سینمای جنگ تعلق دارند، دیده می‌شوند.

در فیلم دیدار در استانبول (افشین شرکت) مردی به خاطر مشکلات جنگ، زن و فرزندش را ترک می‌کند و به ترکیه می‌رود. همسرش به ترکیه می‌رود و با گذراندن

سال ٦٧ را می توان سال آغاز فیلم های جدی سینمای دفاع مقدس دانست. بیضایی در این سال «باشو غریبه‌ای کوچک» را می‌سازد. نایی، شخصیت زن فیلم، همچون دیگر آثار بیضایی، شخصیت محوری فیلم است.

مشکلات زیاد، او را نجات می‌دهد.

در عروسی خوبان نیز مهری، دختر بازاری ثروتمندی اســت که با وجود مخالفت‌های مکرر پدر، همسرش حاجی را (رزمنده ای که دچار موج انفجار شده) دوست می‌دارد و سختی‌های در کنار او بودن را تحمل می‌کند؛ گر چه حاجی، از شهر و آدم‌هایش می‌گریزد و می‌کوشد به جبهه بازگردد.

در یک نگاه اجمالی به آثار ســینمایی دهه ۶۰؛ اینک به نظر می‌رســد یکــی از دلایل عدم مانــدگاری آن فیلم‌ها (ضمن توجه به ضرورت پرداختن به مضامین سلحشــوری و تهییج رزم آوری)، ناتوانی در به تصویر کشیدن جایگاه خانواده و به ویژه شخصیت زن در این گونه فیلم‌هاست. در حالی که دیدگاه‌های جامعه ما ـ چه نگاه سنتی داشته باشیم و چه امروزین ـ بر محوریت زن و خانواده در اجتماع تأکید دارد؛ نکته ای که سینمای ما به طور اعم و سینمای دفاع مقدس به طور اخص، در دهه ۶۰ از آن غافل بوده است. در جامعه ای که بر اساس دیدگاه‌هایش، زن در جایگاهی قرار می‌گیرد که تفاوتی میان وی و مرد وجود ندارد؛ عدم حضور نیمی از پیکره اجتماعی در سینمای جنگ این دهه، سبب شده تا این فیلم‌ها نتوانند به عنوان واقعیت تمام عیار، مورد پذیرش مخاطبان قــرار بگیرند. چرا که در ایــن فیلم‌ها زنان بیشتر با نماهایی از قرآن گرفتن بر سر رزمنده، فلاش بک‌هایی از روز ازدواج، صحنه خداحافظی و مانند آن تصویر شده‌اند. از دهه ۷۰ است که در میان انبوه فیلم

سازان دفاع مقدس، معدود فیلم سازانی یافت می‌شود که شــخصیت زن را محور فیلم‌های خود قرار داده‌اند. نکته جالب آن اســت که این فیلم سازان، همان‌هایی هســتند که بیش از دیگران، خود حضوری پررنگ در جبهه داشته و عظمت بار بر دوش نهاده زنان را در عرصه دفاع مقدس حس کرده‌انــد. فاطمه‌های حاتمی کیا، امدادگران ملاقلی پور و منجیــان کودکان درویش از جمله این زنان‌اند.

در دهه ۷۰، فیلم سازان جنگ راه خود را یافته‌اند. هر کدام جهانی ذهنی را در قالب داستانی ریخته‌اند و البته آدم‌های ـ از جمله شــخصیت‌های زن ـ فیلم‌هایشان ثابت مانده‌اند.

حاتمی کیــا از اینجا به بعــد «فاطمــه» را به عنوان شخصیت زن آرمانی سینمای جنگ معرفی می‌کند. در خاکستر سبز «فاطیما» این نگاه را در بعدی جهانی نشان می‌دهد. «فاطیما» که به شکلی نمادین نوعی مام میهن اسلامی بوسنی نیز هست که حال مورد تعدی قرار گرفته ـ کسی اســت که مرد فیلم ساز یکسره در جست وجوی اوســت. و البته هر چه بیشتر می‌گردد، کمتر می‌یابد. اما در لابه لای وقایع فیلم، به شخصیت او پی می‌برد.

در چند فیلم متوالی حاتمی کیا (از کرخه تا راین، برج مینو و بوی پیراهن یوسف) ارتباط شخصیت‌های زن داستان با جنگ، از طریق برادرانشان صورت می‌گیرد. زیرا حضور همسر، موجی از ارتباطات خانوادگی را (که جنگ آنها را سست می‌کند) به میان می‌آورد؛ شخصیت مادر نیز بــا توجه به محــدوده ســنی اش نمی‌تواند شخصیت مناســبی برای فیلمی پر تنش باشد؛ بدین ترتیب به قولی پای خواهران عشــق و انتظار به میان می‌آید.

در از کرخه تا راین، خواهری به واسطه برادر جانبازش دچار تحول روحی نامحسوس ـ اما مؤثر ـ می‌شود. در برج مینو، خواهر در راه یافتن خاطرات برادرش، جنگ را تجربه می‌کند و در بوی پیراهن یوسف نیز خواهر رزمنده مفقودالاثر با واقعیت‌های سرزمینش آشنا می‌شود.

گر چه در هر سه فیلم، زنان تنها در ارتباط با مردی جانباز، اسیر یا رزمنده معنا می‌یابند، لکن خود نیز، به تنهایی باورپذیرند و می‌توانند جلوه‌هایی از شخصیت زنانه قابل قبولی را به نمایش بگذارند.(حتی زنان فرعی این فیلم‌ها نیز می‌توانند وجوهی دیگر را به نمایش بگذارند. به یاد آورید زنی را که به همراه کودک

خردسالش به استقبال رزمنده ای می‌آید که چهره خود را به طرز ناخوشایندی از دست داده است.)

ویژگی مشترک جمله این زنان، تردید است؛ تردیدی که در مقابل ایمان مردان دفاع مقدس رنگ می‌بازد. این شخصیت‌ها بهانه ای هستند تا حاتمی کیا تأثیر گذاری معنوی جنگ را به تماشاگر نشان بدهد.این زنان در آغاز زمینی‌اند و در انتها پس از سیر و سلوک فضای جنگ، به زنی آسمانی و آرمانی تبدیل می‌شوند. درست از زمانی که مردجهاد را می‌شناسند. شخصیت‌های زن در دو فیلم بعدی حاتمی کیا وجوه دیگری از این زن آرمانی را نشان می‌دهند.

در آژانس شیشه ای دو شخصیت زن داریم؛ زن عباس، رزمنده مجروح، به زندگی خانوادگی پایبند و به آرمان‌های حاج کاظم (شخصیت مرد آرمانی حاتمی کیا) بی توجه است.در حالی که فاطمه، همسر حاج کاظم، سنگ صبور اوست و آرمان‌های او را می‌فهمد. در هر حال هر دو زن،آرام، صبور و وفادار هستند و البته منفعل‌اند.

شخصیت زن فیلم روبان قرمز، پیچیده ترین شخصیت زن فیلم‌های حاتمی کیاست. حاتمی کیااینجادر شکلی بدیع؛ زنی تنها، مستقل و سرسخت را عرضه می‌دارد تا برای نخستین بار در آثار وی، تم عشق بر درون مایه جنگ پیشی بگیردو عشق معنوی شخصیت اصلی مرد با عشق زمینی اش به زن، یگانه شود. شخصیت محبوبه در این فیلم، نگاه آرمانی حاتمی کیا به ترکیب تعلقات زمینی (همچون میل به داشتن خانه، تشکیل زندگی و زیستن در آرامش و عشق ورزیدن) با دلبستگی‌های معنوی (همچون اندیشه و جهاد در راه عقیده) است. امری که در عالم واقع کمتر امکان پذیر است. (دلیل استفاده از فضای فراواقع گرایانه فیلم نیز می‌تواند همین امر باشد.)

فیلم‌های بعدی حاتمی کیا همچون ارتفاع پست، از فضای جبهه کاملا جدا می‌شود و به تبعات جنگ (در دوران پایان آن) می‌پردازد. شخصیت همسر مرد گروگان گیر نیز همان شخصیت زن آثار پیشین حاتمی کیاست؛ انسانی انتخابگر، چند بعدی، مسئولیت پذیر، حقیقت جو و هویت یاب. این زنان از وجه زمینی و لبیک گفتن به عقل خویش آغاز می‌کنند و به تدریج رو به سوی خواسته دل می‌کنند و می‌کوشند در این سیر تدریجی، به ترکیبی آرمانی از عقل و دل دست یابند.

احمدرضا درویش نیز ابتدا در فیلم‌های کیمیا و سرزمین خورشید و در ادامه با متولد ماه مهر و دوئل کوشیده است تصویری در خور از زنان در معرکه جنگ، ارائه دهد. زنانی که نه منفعل، بلکه با رشادت مثال زدنی که پا در معرکه می‌گذارند و سختی‌ها را به جان می‌خرند تا مسئولیت خویش را در این عرصه پاسخگو باشند.

در فیلم کیمیا، شخصیت زن اصلی فیلم، پزشکی است که با شجاعت نوزادی را از جنگ نجات می‌دهد او را به فرزندی می‌پذیرد. در سرزمین خورشید، زن امدادگر، نوزادی را به همراه می‌برد و گر چه هم مسیر با گریختگانی با صفات و خصائل گوناگون انسانی، سرگردان می‌شود؛ لکن در مقابل سختی‌ها نمی‌ترسد و تسلیم نمی‌شود؛ سختی‌هایی که گاه مردان را به تسلیم و به زانو افتادن وا می‌دارد. او در آرامش نسبی پس از خروج از معرکه جنگ، کم کم فطرت مادرانه خود را باز

در همه جای دنیا از جنگ های قبیله ای گرفته تا جنگ های جهانی و نظامی ، زنانی در پشت میدان های نبرد حضور دارند که یا تجهیزات و امکانات رفاهی رزمندگان را فراهم می کنند و یا انگیزه و دلیل بازگشت مردان به خانه هایشان هستند.

می‌یابد و در فضای مردانه و خشن اطراف، کورسویی از حس لطیف زنانه (انسانی) را بروز می‌دهد و این همه، محملی است تا آدم‌ها، خصائل انسانی خود را عرضه دارند؛ فضیلت‌هایی چون ایثار و عشق را.

در متولد ماه مهر، مهتاب، دختر جوان که در شهر بر می‌آشوبد؛ آگاهانه به معرکه بزرگ تر باز می‌گردد تا با حقیقت گذشته مردآشنا شود. در این فیلم و بیشتر در دوئل، بار دیگر مردان، محوریت داستان را بر عهده می‌گیرند و همچون آثار پیش گفته حاتمی کیا، ارتباط زنان با جنگ، از طریق همسر یا برادرانشان صورت می‌گیرد.

رسول ملاقلی پور دیگر فیلم ساز مطرح عرصه جنگ است. او که صریح ترین، تلخ ترین و بی رحمانه ترین تصاویر را از جنگ نشانمان داده، در فیلم نجات یافتگان، اختصاصا با محور قرار دادن یک زن امدادگر، نگاهی حماسی به حضور زن در خط مقدم جنگ دارد. مریم در نجات یافتگان، به ویژه با توجه به شخصیت پردازی منصفانه عراقی‌ها، بیشتر شاخص می‌نمایاند.

همچنین در هیوا، او به زنی می‌پردازد که در میانه وفاداری به خاطرات همسر شهید خود و زندگی عافیت طلبانه پس از او؛ به مرحله ای والا از معرفت و عشق می‌رسد.

و جز اینها هستند فیلم‌هایی که در آنها با بهانه یا بی دلیل، از جنگ سخن به میان آمده است. طبیعی است که نبود شخصیت شاخص زن در این فیلم‌ها، دلیلی است تا نام آنها در این نوشتار ذکر نشود. و البته هستند فیلم‌هایی چون شیدا (کمال تبریزی) و دفتری از آسمان (پرویز شیخ طادی) که کوشیده‌اند با محور قرار دادن شخصیت زن، تلخی‌های جنگ را با بار عاطفی حضور زنان، تلطیف سازند.

و اما حسن ختام این نوشتار جز نوشتن از ننه گیلانه (بنی اعتماد) نمی‌تواند باشد. ننه گیلانه اینک (به همراه مادر علی حاتمی) باور پذیرترین مادرهای ایرانی هستند. او که می‌کوشد خس خس نفس‌های جوان رزمنده اش را با نفس‌های نه چندان پرتوان خود؛ تداوم بخشد. ننه گیلانه تنها فیلم سینمای دفاع مقدس است که فریاد می‌زند: چه کسی می‌گوید ترکش‌های مرگباری که بر قلب و جان مادر می‌نشیند؛ کمتر از ترکش‌هایی است که آن جوان (قبلا رعنا) بر بدن دارد؟ اسماعیل آرام آرام رخت از کره خاکی بر می‌بندد و این مادر است که آنجا، در میان مه، تنها و یکه؛ شاه شهیدان را می‌طلبد و به معجزه ایمان دارد.

ننه گیلانه، درد نرگس را و شوق زندگی روسری آبی را و سخت کوشی طوبای زیر آسمان شهر را دارد و این همه را یکجا نثار فرزند جنگ می‌کند؛ همان گونه که بنی اعتماد، چکیده داشته‌هایش را نثار سینمای جنگ.

البته بعد از ننه گیلانه هم سیر حضور زنان در این ژانر هر روز پر رنگ تر شد. هنگامی قاضیانی در نقش پزشک در روزهای زندگی وارد اصلی ترین صحنه‌های جنگ شد. شیرین یزدان بخش و رابعه مدنی از واقعی ترین مادرهای دوران پسا جنگ بودند و انتظار بازگشت فرزندش هنوز در این مدیوم حرفی برای گفتن داشت. مریلا زارعی در شیار ۱۴۳ نقش و جایگاه متفاوتی از مادر یک مفقودالاثر بودن را به نمایش گذاشت و تعریف و معیارهای مادری را در هم شکست. زنی قوی و باهوش که در برابر داغ به این بزرگی صبر پیشه می‌کند و همه چیز را آن طور که باید پیش می‌برد. ویلایی‌ها نیز شاید جدیدترین نمونه حضور زنان در سینمای دفاع مقدس بود که تقابل دو دیدگاه و دو طیف از زنان در مواجهه با حضور همسرشان در میدان جنگ را به زیبایی به تصویر می‌کشید. و زیبایی آن در واقعیتی بود که می‌گفت. واقعی که هر زنی نمیتواند به اندازه کافی قوی باشد و با این دوری به خوبی کنار بیاید و فلسفه این دفاع عظیم را درک کند.

در همه جای دنیا از جنگ‌های قبیله ای گرفته تا جنگ‌های جهانی و نظامی، زنانی در پشت میدان‌های نبرد حضور دارند که یا تجهیزات و امکانات رفاهی رزمندگان را فراهم می‌کنند و یا انگیزه و دلیل بازگشت مردان به خانه‌هایشان هستند. زنانی که ضعیف باشند یا قوی، همسر باشند یا مادر، پیر باشند یا جوان، چیزی از موجودیتشان کم نمی‌شود و هستند تا هر جنگی روزی خاتمه یابد.

مرتضی سرهنگی در مراسم رونمایی از مستند «مادر جبهه‌ها» عنوان کرد:

زنان، بهترین راویان و نویسندگان ادبیات جنگ

مراسم رونمایی از مستند «مادر جبهه‌ها» تازه ترین محصول سازمان سینمایی حوزه هنری عصر دیروز (یکشنبه ۷مهرماه) با حضور مرتضی سرهنگی در سالن اوستا برگزار شد.

مستند «مادر جبهه‌ها» محصول مرکز مستند سازمان سینمایی حوزه هنری با حضور مرتضی سرهنگی، شهرام میراب اقدم کارگردان و تهیه کننده، مدیران حوزه هنری، جمعی از اصحاب رسانه با اجرای محمد علی صمدی و استقبال گسترده علاقه مندان به سینمای مستند رونمایی شد.

در ابتدای این برنامه شهرام میراب اقدم کارگردان «مادر جبهه‌ها» با اشاره به اینکه این مستند در دهه هشتاد تصویربرداری شده است، گفت: در آن زمان که ما برای ثبت خاطرات بانو زهرا محمودی مراجعه کردیم حال جسمی خوبی نداشت و ما از هرچند ملاقات برای مراعات حال ایشان یکبار موفق به ضبط می‌شدیم که گمان می کنم این تصاویر آخرین تصاویر از زندگی ایشان است.

میراب اقدم در خصوص چگونگی پیدا کردن سوژه گفت: آن زمان با تحقیقاتی که داشتیم و کمکی هم که حوزه هنری به ما کرد با خانم محمودی آشنا شدیم.

این مستند ساز در خصوص اینکه چرا بعد از یک دهه فیلم به خروجی رسیده است افزود: ما آن زمان که فقط به ضبط فکر می کردیم و حفظ چنین خاطراتی برایمان مهم بود و مشکل دیگری هم که داشتیم پیدا نشدن تهیه کننده برای ادامه مراحل فیلم بود.

همچنین، محمد علی صمدی در خصوص حضور زنان در دوران جنگ تحمیلی گفت: حضور زنان در دفاع مقدس به دو مقطع تقسیم می‌شود. مقطع اول که کوتاه بود، به ابتدای جنگ برمی گردد؛ از زمان اعلام جنگ تا زمانی که مردان توانستند در برابر این تجاوز نابهنگام به خودشان بیایند و مناطق جنگی رو دست بگیرند و به حالت نظامی دربیاوردند. مقطع دوم هم که تا پایان جنگ ادامه داشت.

صمدی افزود: به نظر بنده پرداختی که از زنان در دفاع مقدس شده، بیشتر الهامی‌ست از تک فرم‌های مستند و عکس‌های دوران جنگ به جامانده است. در حوزه ادبیات هم چندین کتاب در این زمینه نوشته و به چاپ رسید.

در ادامه این مراسم، مرتضی سرهنگی گفت: ذات جنگ و کارهای دفاعی مردانه است و زنان پشتوانه مردان هستند. وقتی جنگ‌ها طولانی می‌شود مقاومت مردان در خط مقدم مستلزم استقامت زنان در پشت خط است و زنان ما ایستادند تا ما از این هیولا و آتیشی که جهان برای ما روشن کرده بود سربلند

بیرون بیاییم.

سرهنگی افزود: جنگ‌های دفاعی همانطور که فرماندهان و سربازان خود را پیدا می کنند، نویسندگان و فیلمسازان خود را نیز پیدا می کنند. این ذات جنگ‌های دفاعی است. ما یک حضور تعیین کننده از زنان در جنگ داریم که درحال حاضر کم و بیش به آن پرداخته می‌شود. اساسا صدای جنگ با خاطرات زنان بلندتر شنیده می‌شود. در ادبیات جنگ بر خلاف باور بعضی‌ها، خاطرات یک دختر ۱۷ ساله شناخته شده ترین کتاب جنگ ما می‌شود. «دا» مانند خط پهنی خاطرات را پهن می کند و در این حوزه مبدا می‌شود.

وی در پاسخ به سوال محمد علی صمدی با این مضمون که آیا بعد از ۴۰ سال حق حضور زنان در جنگ در حوزه ادبیات و هنر ادا شده است یا نه؟ گفت: حوزه هنری سال‌هاست که در این زمینه کار می کند و تشخیص داده که این ادبیات یه ادبیات جدیدیه در کشور ما و در کشورهای دیگر هم همینطور است. بعضی کشورها به ادبیات جنگ، ادبیات ناگزیر می گویند، یعنی اگر جنگ نبود این ادبیات هم نبود. ادبیات جنگ برای سینما، مستند، نمایش و حتی برای موسیقی پشتوانه‌ای است. فکر می کنم کاری که در این زمینه انجام دادیم به اندازه خودمان است نه به اندازه جنگ. در مورد جنگ هنوز خیلی کار هست که باید انجام شود که عمر ما کفاف این کار را نمی‌دهد.

مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری، در ادامه این مطلب افزود: در ادبیات جنگ، خانم‌ها بقدری پررنگ حضور دارند که آقایان رو هم پشت سر گذاشته‌اند. بهترین روای‌ها و نویسندگان ما در این ادبیات خانم‌ها هستند. کار درباره جنگ برای خانم‌ها سخت است زیرا جنگ تجربی است و خانم‌ها تجربه‌ای که یه مرد در جبهه داشته را ندارند. اما به لحاظ احساست، تکنینک و فنی در این زمینه بسیار قوی عمل کردند. ما داریم نویسندگان زنی که در این حوزه نوشته‌اند در صورتی که بعد از جنگ بدنیا آمده‌اند.

سرهنگی ادامه داد: جنگی تحمیلی، جنگ جهانی سوم در یک جغرافیای محدود بود. در نفرات، ما نسبت به عراق برتری سه برابری داشتیم اما وقتی جنگ شروع شد ۳ میلیون نیروی مصری به عراق تزریق شد. در دوران جنگ ما اسیر از ۱۵ کشور داشتیم که بیشترین آمار برای کشور مصر بود. عراق به اندازه قوزک پای ایران هم نیست اما در زمان جنگ از سوی عربستان صعودی حمایت می‌شد.

وی افزود: درجنگی اگر زنها پشت مردان نباشند آن کشور در جنگ موفق نخواهد بود. ما ظرفیت بالایی برای کار در زمینه جنگ داریم. پایان عمر ما پایان کار در این است و کار در زمینه همچنان ادامه دارد.

سرهنگی در جواب این سوال که با توجه به نزدیکی که بین مردم ایران و عراق به دلیل مسائل مذهبی پیش آمده، آیا زنان عراقی هم می‌توانند سوژه‌ای برای خلق اثر در زمینه جنگ باشند؟ و یا کاری هم در این زمینه شده است یا خیر؟ گفت: جنگ پیش از اینکه به ما تحمیل شود به عراقی‌ها تحمیل شد. برای صدام فرقی نمی کرد که ایرانی کشته می‌شود یا عراقی، برای دنیا هم فرقی نمی کرد. برای همین خیلی از فرماندهان ما اصرار به گرفتن اسیر داشتند. اسیرهایی که ما گرفتیم تربیت شدند و الان دارند عراق را اداره می کنند. ما حدود ۶۰ هزار اسیر را با بهترین شرایط نگهداری کردیم که برخی از آنها بعثی بودند. زمان مبادله اسرا، حدود ۱۰ هزار نفر از این اسرا به خاطر محبتی که از ایرانی‌ها دیده بودند به عراق برنگشتند.

نویسنده کتاب «پا به پای باران» خبر داد: دو سال است که در حال گردآوری خاطرات افسرانی هستیم که نگهبان اسرا عراقی بودند و امسال یک کتاب که شامل ۵۰ خاطره از این افسران است منتشر می‌شود.

در پایان مرتضی سرهنگی از شهرام میراب اقدم برای ساخت این مستند تشکر کرد و در این خصوص گفت: «مادر جبهه‌ها» مادران ایرانی را به تصویر کشیدند که نشان داد صدام از مادران ایرانی شکست خورد نه از توپ و تانک ما.

لازم به ذکر است، این برنامه نهمین جلسه «فیلمنامه فیلم» از سلسله نشست‌های «سینماپاتوق» حوزه هنری بود.

میراث خاطره‌نویسی جنگ؛ گنج بی‌پایان سینمای دفاع مقدس

اقتباس آثار حوزه هنری در سینمای دفاع مقدس؛

اشاره:

یکی از مشکلات سینماگران در این عرصه نبود فیلمنامه‌های در خور سینمای دفاع مقدس است. با وجودی که ادبیات داستانی نسبت به سینما، دین خود را به دفاع مقدس تا حدی ادا کرده است، سینمای ایران هر سال از فقر فیلمنامه‌هایی رنج می‌برد که به نظر می‌رسد با وجود مواد خام ادبی نباید این مشکل وجود داشته باشد. کتاب‌های منتشر شده در حوزه دفاع مقدس و البته کتاب‌های خاطرات توانسته‌اند تا حدی این خلأ را پر کنند. این کتاب‌ها یکی از گنج‌های پنهانی است که می‌تواند به سینمای دفاع مقدس جانی دوباره دهد و نگاه همه را به سمت پرده نقره‌ای برگرداند.

کتاب‌های منتشر شده در حوزه دفاع مقدس یکی از گنج‌های پنهانی است که می‌تواند به سینمای دفاع مقدس جانی دوباره دهد و نگاه همه را به سمت پرده نقره‌ای برگرداند.

بیش از ۳ دهه از آغاز حمله رژیم بعث عراق به ایران می‌گذرد. به تعداد افراد حاضر در صحنه‌های جنگ و به عدد پدر، مادر، همسر و فرزندان رزمندگان و... می‌توان جنگ را تعریف کرد. با این گستره و تنوع روایت اما اکنون، در آستانه سی و چند سالگی این جنگ نابرابر، مضامین سینمای دفاع مقدس ما ته کشیده است! می‌توان با مقایسه مشابهی به ابعاد این قضیه پرداخت. به عنوان مثال با گذشت ۶۶ سال از پایان جنگ جهانی دوم همچنان و هر ساله در سینمای جهان شاهد فیلم‌های بکر و بی‌نظیری با موضوع جنگ هستیم در صورتی که ایران با وجود پشت سر گذاشتن تجربه طولانی‌ترین جنگ قرن، آثار سینمایی‌اش بسیار محدود است.

تصویر ادبیات دفاع مقدس سرمایه‌ای ابدی برای سینماست و حالا چند سالی است که می‌توان ردی از این اتفاق را در اظهارنظرهای برخی از اهالی سینما دید، اما کاش بتوان به راهکارهای کشف ناگفته‌های جنگ از زبان افرادی غیر از سینماگران نیز فکر کنیم.

شاید نویسندگان ادبیات معاصر ما علاقه‌ای به برقراری ارتباط با سینماگران ندارند و شاید هم سینماگران، نقش موثر ادبیات را در سینما فراموش کرده‌اند، اما این بار به جای سینماگران سراغ چند تن از نویسندگان کتاب‌های دفاع مقدس رفتیم و از آنها پرسیدیم آیا حاضرند کتاب‌های چاپ دو رقمی‌شان را در اختیار سینماگران قرار دهند و با آنها پیمان آشتی ادبیات و سینمای دفاع مقدس ببندند؟

غنی‌سازی سینما

محسن کاظمی که کتاب‌های پرفروشی همچون «خاطرات عزت شاهی» و «احمد احمد» را در کارنامه کاری خود دارد، در این باره می‌گوید: حرکت به سوی اقتباس، نوعی غنی‌سازی ادبیات و سینماست به طوری که قوت سینمای کشور به بنیه و مایه قوی ادبی آن است و حتی می‌توان ضعف تکنولوژی را با تکیه بر آثار پر مایه ادبی و اقتباس از آنها جبران کرد.

او می‌افزاید: می‌توان با تکیه بر آثار ارزنده ادبی، آثار فاخر سینمایی تولید کرد. سینمای ما به دلیل عدم استفاده از ادبیات استقرار یافته بر فرهنگ بومی کشور، به اجبار به تقلید و ترجمه روی آورده است.

کاظمی تاکید می‌کند: وقتی به سراغ آثار مطرح کشورهای دارای سینمای توسعه یافته می‌رویم، متوجه می‌شویم که سینمای آنها مبتنی بر ادبیات بومی سرزمین‌شان است و همه شاهکارهای سینمایی جهان، در ژرف ساخت خود، از یکی از آثار ادبی بزرگ جهان وام گرفته‌اند. سینما ویترین قابل توجهی برای نمایش آثار ادبی تولید شده است. سینما می‌تواند آنچه در چارچوب کتاب حصر شده و امکان فرار از این قاب را ندارد به مخاطبان بیشتری عرضه کند.

کمبود مخاطب مهم‌ترین مشکل بازار کتاب ماست، موفق‌ترین کتاب‌های ادبی با تیراژ ۳۰۰۰، نهایتا به چاپ دوم یا سوم می‌رسند و این در حالی است که با نمایش در سالن‌های سینما میلیون‌ها مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد.

محسن کاظمی این مورد را باعث تاسف می‌داند و می‌افزاید: چنان دیوار عظیمی بین صاحبان ادبیات و سینماگران کشیده شده است که اگر از سر اتفاق هم یک نویسنده با یک سینماگر برخورد و تعاملی پیدا کند، حرف یکدیگر را درک نمی‌کنند.

او ادامه می‌دهد: سینماگران ما نبود آثار ادبی قابل تکیه را توجیهی برای ساختن فیلم‌های تقلیدی و ترجمه‌ای می‌دانند و نویسندگان ما هم به دلیل عدم انتقاد صحیح در ادبیات، کیفیت آثار خود را بالا نمی‌برند و مزید بر علت دوری ادبیات و سینما می‌شوند.

راحله صبوری، نویسنده کتاب «کوچه نقاش‌ها» یکی دیگر از نویسنده‌هایی است که معتقد است، فیلم و ادبیات به‌طور تفکیک‌ناپذیری به هم گره خورده‌اند، به طوری که سینما به بن‌مایه و پشتوانه ادبیات محتاج است و همچنین ادبیات به زبان تصویر و نمایش مکتوبات در سینما نیاز دارد.

او به سوره سینما می‌گوید: فیلم همان ادبیات مصور است و به جز سینمای صامت که آن هم البته نوعی ادبیات پنهان در خود دارد و فقط با تصویر بیان می‌شود، فیلم و ادبیات به نوعی با هم گره خورده‌اند و ادبیات جزئی انکارناپذیر از فیلم است.

این نویسنده درباره گستره ادبیات مکتوب که می‌تواند دستمایه فیلمنامه‌نویسان قرار بگیرد،

توضیح می‌دهد: همیشه آثار ادبی مثل زندگینامه‌ها، رمان‌ها و داستان‌ها محل الهام فیلمنامه‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان و در کل هنرمندان بوده و هست. فکر می‌کنم هر نویسنده‌ای دوســت دارد، کتابش الهام‌بخش هنرمندان و زمینه‌ساز خلق آثار هنری دیگر باشد؛ چه مجسمه‌ساز باشد، چه نقاش و چه فیلمساز.

صبوری اما از وفادار نبودن فیلمنامه‌نویسان به آثار ادبی گلایه می‌کند و می‌افزاید: بیشتر مواقع فیلمنامه‌نویسان، تنها از یک اثر ادبی الهام می‌گیرند تا فیلمنامه را به طور کامل براساس آن بنویســند. این کار در ایران بسیار رایج است و برای همین همکاری بین نویسندگان و فیلمنامه‌نویسان را خیلی زود قطع می‌کند.

خیلی از رزمندگان معتقدند فیلم‌هایی که در زمینه جنگ ســاخته شــده، به واقعیت جنگ نزدیک نیستند و تاثیر لازم را ندارند. کمتر فیلمی است که بیننده را به عنوان یــک جنگ نرفته، به فضــای جبهه‌ها نزدیک کنــد و اثرش در ذهن ماندگار باشد. حتی در فیلم‌هایی که بر اســاس اتفاقاتی ساخته شده که در جنگ واقعا رخ داده و حقیقی هســتند، آن فضا، روح و معنویت و مظلومیت جبهه کمتر منتقل می‌شود.البته همیشه ضعف فیلمنامه مطرح نیست، محدودیت‌ها و ضعف تکنولوژی هم هست و فیلم‌های ساخته شده درخصوص حاشیه‌های جنگ موفق‌تر بوده‌اند.

همین دغدغه اســت که بســیاری از نویســندگان را از همکاری با سینماگران می‌ترســاند. در همین راســتا، راحله صبوری می‌گوید: برای مثال کتاب «کوچه نقاش‌ها» چون بخشی از تاریخ شــفاهی را در بر می‌گیرد، شرط امانتداری در آن بسیار اساسی است.

برای همین فیلمســاز نباید یک سری مســائلی که نظر شــخصی و برداشت شخصی‌اش است، به اسم کتاب به جامعه تحمیل کند و کار راوی و نویسنده را زیر سوال ببرد.

او در پایان حرف‌هایش به مخاطب هم اشاره می‌کند. این که این روزها حوصله خواندن کمتر از دیدن است و این می‌تواند فرصتی باشد برای سینماگران. صبوری در همین ارتباط می‌گوید: آدم‌ها همیشــه حوصله کتاب خواندن ندارند، اما همیشه فیلم را نگاه می‌کنند و همیشــه برای رفتن به سالن سینما آماده‌اند. بنابراین سینماگران، می‌توانند اندیشه‌های جاری جامعه را نو و تر و تازه کنند و از کهنگی در بیاورند.

کیانوش گلزار راغب، نویسنده کتاب «شنام» یکی دیگر از نویسندگان حوزه دفاع مقدس در حوزه هنری است که در این بحث همراه ما می‌شود.

او هم در ابتدا با اشــاره به سهم کم اقتباس ســینمایی از آثار مکتوب دفاع مقدس به سوره سینما می‌گوید: در اقتباس، ماهیت و هدف کلی هر کتابی، نباید قربانی برخی حواشی زیبنده سینما و جاذبه‌های گیشه شود.

سینماگر می‌تواند با برداشت آزاد و دخالت هنر و تخیل، از روی هر کتابی فیلم بســازد، اما روایت کلی فیلم باید بر اساس واقعیت‌های مندرج در کتاب باشد و هدفی که کتاب دنبال می‌کند تغییر نکند.

این نویسنده با این که اعتراف می‌کند تماشاگر سینما بیشتر از کتاب است، اما تاکید می‌کند اثر سینمایی در بیان عمق مسائل مطرح شده در هر کتابی الکن است. گلزار راغب می‌گوید: گرچه فیلم به دلیل بهره‌مندی از تماشاگر در سطحی بسیار گسترده، به مراتب تاثیرگذارتر از کتاب است، اما بعید می‌دانم که فیلم بتواند در بیان عمق مســائل و حالات روحی و روانی شــخصیت به موفقیت کتاب برسد.

زیرا اگر ســینماگر بخواهد فکر درون آدم‌ها را با رفتارهای بیرونی‌شان در فیلم به مخاطب انتقال دهد، کار بسیار بسیار سختی در پیش خواهد داشت.

گلزار راغب پیشنهاد می‌کند آثار فرهنگی تولید شده در مورد دفاع مقدس به سمت نمایش روابط انسانی بین رزمندگان و انتقال حال و هوای روحی و معنوی جبهه‌های مقاومت برود و می‌گوید: شنام با همه جزئی‌گویی‌ها و دقت در پردازش شخصیت‌ها هنوز زوایای باز نشده بسیاری دارد که می‌تواند راهنما و سوژه کار نویســندگان جوان قرار گیرد و من در تشریح مطالب به همه آنها کمک خواهم کرد.

دست سینما خالی نیست

اما وقتی به سراغ حسین بیضایی ـ نویسنده کتاب «بابانظر» ـ می‌رویم، بحث را کلی‌تر آغاز می‌کند. او به ما می‌گوید: اگر فیلمنامه‌ها با اقتباس از کتاب‌های مستند و حقیقی ارائه شود، بهتر می‌توانیم پاسخگوی نسل بعد خود باشیم.

او می‌افزاید: هر نسلی سوال‌های جدیدی در همه زمینه‌ها با خود به همراه می‌آورد، یکی از این مسائل دفاع مقدس است. با تغییر نگرش‌ها و تغییر نسل، ما باید پیش‌بینی این مساله را انجام داده و برای پاسخگویی به نسل بعد آماده شویم. ما با توجه به گنجینه عظیمی که از جنگ در دست داریم، در دو دهه اخیر کار منســجمی برای تغذیه فرهنگی انجام نداده‌ایم و در این زمینه اگر هم کتاب‌ها پیشتاز بودند، سینما به عنوان پرطرفدارترین هنر، بسیار دست خالی است.

به اعتقاد بیضایی نسل راویان سینمای دفاع مقدس رو به اتمام است و باید فکری برای تربیت افرادی از نسل حاضر برای روایت ناگفته‌های دفاع مقدس کرد؛ کسانی که بتوانند جای ســینماگرانی چون مرحوم رسول ملاقلی‌پور، ابراهیم حاتمی‌کیا و احمدرضا درویش را پر کنند.

او در توضیح نبود آثار درخور توجه ســینمایی در دهه اخیر می‌گوید: چرا باید هر ساله در آستانه هفته دفاع مقدس برای چندمین بار فیلم «افق» یا «از کرخه تا راین» را نشان دهیم و چرا در بیان حقایق اجتماع، دیگر مثل آژانس شیشه‌ای نمی‌سازیم.

بیضایی فیلم‌های مستند جنگ را موفق‌تر از فیلم‌های سینمایی می‌داند و می‌گوید: مجموعه روایت فتح هنوز هم جاذبه‌های تاثیرگذاری برای مخاطب دارد. از این رو باید در فیلم‌های بلند سینمایی هم به سراغ پیدا کردن اسناد، تحقیقات میدانی و نوشــتن فیلمنامه از روی منابعی کــه بازگوی حقیقت هستند، باشیم. یکی از آن منابع، کتاب‌های خاطره‌نویسی جنگ است.

او درباره تاکیــد بر ضرورت اقتباس‌های ســینمایی از آثار مکتوب توضیح

می‌دهد: دنیای امروز در تسخیر رسانه‌های تصویری است.یک کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای را بعد از زمان زیادی فقط یک نفر برای خودش می‌خواند اما فیلم دو ساعته یا سریال تلویزیونی نزدیک به ۷۰ میلیون مخاطب دارد و این یعنی تاثیرگذاری بیشتر و اطلاع رسانی بهتر. این ویژگی را نباید دست کم گرفت و از آن غفلت کرد.

داوود امیریان با کتاب های «خداحافظ کرخه»، «فرزندان ایرانیم»، «رفاقت به سبک تانک»، «مین نخودی» و «آقای شهردار» یکی دیگر از نویسندگانی است که با ما همراه می شود و می گوید: داستان در سینمای دفاع مقدس هرگز تمام نمی شود و خاطرات هریک از افراد حاضر در جنگ گنجینه هایی تمام ناشدنی ست که اتفاقا در سال های گذشته حوزه هنری روی این گنج نشسته است.

وی افزود: در حالت کلی سینمای اقتباسی ما بحران زده و عمر اقتباس در این سینما بسیار کم. اکثر نویسندگان و شاید بتوان گفت همه آنها دوست دارند که کتابشان مورد اقتباس واقع شود، اما متاسفانه در کشور ما هنوز اطمینان به همدیگر وجود ندارد.

نویسنده «ایرج خسته است» تشریح کرد: ما بعد از انقلاب به تعداد انگشت های یک دست هم اثر ارزنده اقتباسی نداشتیم. در دهه ۳۰ فیلم هایی از روی نوشته های منوچهر مطیعی، حسین قلی خان مستعان و فردی که با نام ح.حمید تخلص می کرد و نوشته هایش پاورقی روزنامه های صبح آن زمان بود، فیلم هایی ساخته شد.

امیریان ادامه داد: «گاو» مهرجویی از روی کتاب غلامحسین ساعدی، نخستین اثر اقتباسی ارزنده آن زمان بود. امیر ارسلان نامدار، فیلمی از روی کتاب طوطی ذکریا هاشمی، فیلم آقای هالو که کتابش ر خود علی نصیریان نوشته بود و امثال اینها اندک مواردی از این دست بود. این روند بعد از انقلاب کند شد، تا جایی که در سال ۶۵ دوباره ناصر تقوایی دست به اقتباسی عظیم زد و ناخدا خورشید را با برداشتی آزاد ساخت.

این نویسنده عنوان کرد: این روند دوباره کند شد و همچنان مهرجویی سردمدار جریان حضور ادبیات در سینما ماند تا به چند سال پیش رسیدیم و جشنواره فجر با گذاشتن بخش فیلمنامه اقتباسی نگاهی دوباره به این مقوله انداخت. در آن سال من به خاطر «نفوذی» دیپلم افتخار گرفتم و «چهل سالگی» برنده سیمرغ بلورین شد.

وی خاطر نشان کرد: همانگونه که دیدیم سیمرغ بلورین جشنواره تا حد زیادی مخاطبان کتاب «چهل سالگی» ناهید طباطبایی را بالا برد. این دقیقا همان اتفاقی ست که در سینمای امریکا و اروپا به شدت رواج دارد و ادبیات ما از این نعمت سینما بی بهره است.

وی به راهکار خوبی اشاره کرد و گفت: خوب است در برخی موارد از ایده ها و تجربیات ارزنده دیگران استفاده کنیم. در امریکا و اروپا نویسندگانی مانند استیون کینگ داریم، که قبل از چاپ کتاب، یک فصلش را در روزنامه چاپ می کنند و پیشاپیش حق سینمایی آن را می فروشند. چرا نباید در ایران چنین کاری بکنیم!

نویسنده «مین نخودی» هر دو گروه نویسنده و سینماگران را مقصر دانست و گفت: یکی از مشکلات این است که نویسندگان ما تصویری نمی نویسند. داستان نویسان ما شخصیت پردازی تصویری نمی کنند.

نویسنده «خداحافظ کرخه» ادامه داد: از سویی دیگر سینماگران ما هم بسیار تنبل و بی سواد هستند. ما معدود کارگردان های فهیمی داریم، که مطالعه کنند و کتاب شناس باشند.

وی تشریح کرد: مثلا حوزه هنری گنجینه کتاب های خیلی خوبی دارد ولی اتفاق بد سینمای کنونی ما این است که همه می خواهند کارگردان مولف باشند و به اشتباه تصور می کنند که اگر خودشان فیلمنامه بنویسند مولف محسوب می شوند. این دیدگاه صد در صد غلط است و مثلا ما آلفرد هیچکاک را در همه حال یک کارگردان مولف می دانیم، با اینکه خودش فیلمنامه هایش را نمی نویسد!

امیریان افزود: این تفکر غلط چنان در فضای عمومی سینما تعمیم پیدا کرده که روی دستمزد فیلمنامه نویس هم تاثیر گذاشته و اگر هم کاگردانی حاضر شود خودش زحمت نوشتن را نکشد و به سراغ متخصص برود، تنها ۵ میلیون تومان برای آن هزینه می کند. این قیمت در شرایطی اتفاق می افتد که یک بازیگر نه چندان حرفه ای سینما به راحتی ۵۰ میلیون تومان دست مزد می گیرد.

نویسنده «مترسک مزرعه آتشین» گفت: شرایط کنونی سینما، کارگردانان و سینماگران را به سمت بازیگر محوری کشانده است و این گونه است که وقتی از تماشای فیلمی که چندین و چند ستاره داشت بیرون می آییم، متوجه می شویم که فیلم اصلا داستان خاصی و یا بهتر بگوییم اصلا داستان نداشت و این حقیقت تاسف باری است که پیش تولید خیلی از فیلم های ما بدون داشتنم فیلمنامه شروع می شود.

داوود امیریان ادامه داد: ما باید متعادل و دو جانبه به قضیه بنگریم. نویسندگان نباید گارد بگیرند و بخواهند که کتابشان عین به عین فیلم شود. فیلم تا کتاب دو دنیای متفاوتند و زمین تا آسمان فرق دارند. نمونه مشهور این اتفاق، «هری پاتر» است که همگی تفاوت کتاب ها و فیلم هایش ، ا خوب متوجه شده ایم.

وی افزود: از سویی دیگر سینماگران هم نباید بی انصاف باشند و مزد زحمت ۳ ساله نویسنده یک کتاب را یک دهم مزد بازیگر یک تله فیلم تلویزیونی قرار دهند.

این نویسنده راه کارهای جالبی در این باره دارد و می گوید: همه می دانیم که سینمای ما مشکل داستان دارد و تا زمانی که کارگردان خودش مطلب می نویسد هیچ بهبودی حاصل نخواهد شد. لذا بهتر است به جای صد فیلم بی داستان در سال، ۱۰ فیلم بسازیم، ولی دستمزد بازیگران را سرشکن کرده و به نویسنده مثلا ۲۰ میلیون تومان بدهیم. شما فکر می کنید وقتی «کلیدر» را از محمود دولت آبادی خواستند تا فیلمش را بسازند و گفت یک میلیارد آن را می فروشد، حقیقتا به این پول نیاز داشت! نه. او این کار را کرد و این حرف را گفت تا ارزش متن اولیه و ارزش مولف حقیقی را به سینماگران یادآوری کند.

امیریان در پایان به مسایل خوبی اشاره کرد و گفت: داستان در سینمای دفاع مقدس هرگز تمام نمی شود و خاطرات هریک از افراد حاضر در جنگ گنجینه های تمام ناشدنی است که حوزه هنری روی این گنج نشسته است. اگر دو طیف نویسندگان و سینماگران با حسن نیت باهم روبه رو شوند و پس از رفع تنبلی، مشکل پول خرج کردن برای ادبیات سینما را حل کنند، درخشش این گنج چشم همه را به خود جلب خواهد کرد.

با توجه به برآیند صحبت‌های نویسندگان عرصه ادبیات دفاع مقدس، می‌توان گفت آنان با این که ملاحظاتی دارند، اما بشدت طرفدار اقتباس‌های سینمایی از آثارشان هستند. اینک نوبت سینماگران است تا رغبت و همتی نشان دهند تا سینمای دفاع مقدس برای بیان درست حقایق جنگ به نسل‌های بعد، به سراغ داشته‌های ادبیات این حوزه در شاخه‌های گوناگون داستان و خاطره‌نویسی بروند.

پرونده

پرونده این شماره از ماهنامه سوره سینما اختصاص دارد به رونمایی از مستند «روزگار یک چهل ساله» اثری که به همت مرکز مستند سازمان سینمایی حوزه هنری تهیه و تولید شده و به موضوع مفاسد اقتصادی و چگونگی شکل گیری آن می‌پردازد.

فرایند تولید این مستند که با هدف تحلیل چالش و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از مفاسد اقتصادی و بهبود وضعیت نامناسب اقتصادی کشور تهیه شده دو سال زمان برده است.

در این مستند با چهره‌هایی همچون: احمد توکلی، علی پروین، مهدی هاشمی نسب، مهدی رحمانیان مدیر مسئول روزنامه شرق، سیف الله یزدانی مدیر مسئول عصر اقتصاد، مریم مجیبی مدیر عامل شرکت تعاونی مسکن هنرمندان، کاظم پالیزدار رئیس ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی نهاد ریاست جمهوری، داود امیریان نویسنده و ... ده‌ها چهره دیگر گفتگو صورت گرفته است.

این مستند ۹۰ دقیقه‌ای روز یکشنبه ۱۰ شهریور ماه سال جاری با حضور احمد توکلی و مهدی صنایی از کارشناسان اقتصادی و جمعی از کارشناسان رسانه‌ای در تالار سوره حوزه هنری رونمایی شد که در ادامه بخشی از سخنان ایراد شده توسط مهمان و سخنرانان این برنامه از دیدگان شما می گذرد.

گزارشی از مراسم رونمایی مستند «روزگار یک چهل ساله»

مراسم رونمایی از مستند «روزگار یک چهل ساله» تازه‌ترین محصول سازمان سینمایی حوزه هنری عصر روز یکشنبه ۱۰شهریور با حضور دکتر احمد توکلی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، دکتر مهدی ثنایی دبیر اندیشکده شفافیت، امین قدمی کارگردان، وحید چاووش تهیه کننده، مدیران حوزه هنری، جمعی از اصحاب رسانه و با استقبال گسترده علاقه مندان به سینمای مستند و موضوعلت اجتماعی و اقتصادی برگزار شد.

قدمی کارگردان این مستند در ابتدا توضیح داد: فیلم من ایراد زیاد دارد ولی ما زمانی فیلم مستند را می‌سازیم که بخواهیم حرفی بزنیم، نیشی بزنیم، ضربه‌ای بزنیم. بنابراین خواهش می کنم فعلا فقط درباره موضوع فیلم صحبت کنیم و بحث مسایل فنی را به بعدا موکول کنیم.

وی همچنین عنوان کرد: من این مستند را به «سید صالح موسوی» تقدیم می کنم که همه او را می‌شناسند و می‌دانند در این سال‌ها اینقدر برای نظام و ارزش‌ها حرص خورده که هر سال حالش بدتر شده است و الان روی ویلچر به مراسم ما آمده است.

الان اوضاع مبارزه با فساد در کشور خیلی بهتر شده است

سپس، دکتر ثنایی در ابتدای

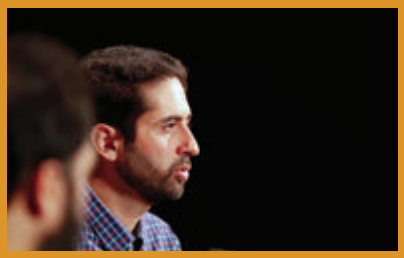

صحبت‌های خود گفت: خوشحالم بلاخره ساخت این مستند تمام شـد و باید بگوییم از زمانی که شما ساخت این مسـتند را شروع کردید تا الان اوضاع مبارزه با فساد در کشور خیلی بهتر شده است.

وی ادامـه داد: حوزه مبارزه با فسـاد بسـیار گسترده است و شبانه روز من را درگیر کرده است با این حال بسیار به درست شدن آن امیدوارم و بسـیاری از ایده‌های موجود در این عرصه را به کارگرفته‌ایم. دنیای مبارزه با فساد از روز شروع مستند تا الان تغییرات بسیاری کرده است.

عذابی کشیدیم که مپرس

قدمی در این قسـمت گفت: یکی از چیزهایی که مرا به ادامه کار خیلی امیدوار کرد آشنایی با ثنایی بود مستندسازی چیز مهیجی است که نیز در طول ساخت عذابی کشیدیم که سابقه نداشت و متفاوت از همه کارهایـی بود که کردیم وقتی با این پرونده‌ها و حجم فسـاد روبرو می‌شدیم با بچه‌ها می‌نشسـتیم به پنجره رو به کثیفی شهر تهران نـگاه می‌کردیم و گفتیم چـه کار داری می‌کنیم اصلا چنین کاری که ما می‌کنیم به چه درد می‌خورد چه کسی می بینند. مسئولین که خودشـان می‌دانند مردم هم که می‌دانند اخبار را می‌شـنوند ولی وقتی به آقای ثنایی برخورد کردیم دیدیم که حرف‌های کوچک و حرکت‌های کوچک منجر به اتفاقات بزرگی می‌شود و ناامید نشـدن ما، تیم ما از آقای ثنایی و اندیشـکده خوبشان بود.

برای مبارزه با فساد متخصص نداریم

ثنایـی در همین زمینه گفـت: خیلی عجیب است اگر من خدمت شما بگویم که باید ببینیم کشـورهای دیگر چـه کار کردند ما هـم آن را فهرست کنیم و اسـتفاده کنیم. ما اگر در کشور مشکل دندانپزشـکی داریم در ادامه آن رشته دندانپزشکی به وجود آمد اما برای فساد اقتصادی یا در کل اقتصاد در کشـور متخصص نداریم و یا حداقل با تخصصی که زمینه فساد بتواند اظهار نظر علمی کند نداریـم و امثـال دکتر توکلی استثناء هستند.

وی ادامه داد: من چند وقت پیش مسـتندی دیدم به نام «تلکه» که درباره رشـوه گیری بود خیلـی خیلی مـن را اذیت کرد زیرا «رشـوه» را نشـان می‌داد دوربین مخفـی می‌رفت مثلاً می‌گفت در ساختمان سـازی باید حتماً رشوه بگیریم و کارهایی از این دست.

وی معتقد است: اگرچه رسـالت مستند ارائه راهکار نیسـت اما حتی طرح موضوع هم نکرد و کمتر مستندی مانند «روزگار یک چهل ساله»

چنین رسالتی را به دوش خود می کشند.

وی افزود: استاد دانشگاهی که درباره فساد اقتصادی صحبت می کند در حد دو کتاب است که خوانده است و کمتر تخصصی صحبت می کند همین دکتر رفیع پور هم در حد نوشته‌هایی که در کتاب خودشان است اظهار نظر می کنند.

ثنایی گفت: من باور دارم باوری که در دنیا تجربه شده مانند کشور گرجستان که تا حدود ۱۵ سال پیش به فساد اقتصادی مشهور بود در عرض ده سال یا کمتر این کشور از ۴۰ کشور بد دنیا وارد لیست ۲۰ کشور برتر دنیا شد و بر اساس شاخص «سی پی آی» - شاخص فساد اقتصادی، کشور موفقی شد. آنها خونشان رنگین تر نبود بلکه دانش مبارزه با فساد اقتصادی را به کار گرفتند.

قدمی درباره ارائه راهکار در مستند اشاره کوتاهی کرد و گفت : آنجایی که وارد بحث «ان جی او»ها می‌شویم نقبی به ارائه راهکار می‌زنیم که البته فقط می‌توانیم پیشنهاد ساز و کارهایی را ارائه کنیم نه بیشتر.

ثنایی توضیح داد: کافیست برای ذهنیت خودمان یک شبیه سازی می کنیم اگر ما در یک اتوبان پر سر و صدا و خطرناک که هر روز تلفات می‌دهد بیمارستان بسازیم یعنی از پایه کار اجتماعی شدن را اشتباه کردیم. درد اصولاً نشانه یک بیماری است و خود بیماری نیست. فساد هم معلول است علت نیست. وقتی من قرص مسکنی بخورم که درد برطرف شود علت اصلی را از بین نبردم. اولین گام این است که در آن جاده پرتردد آنقدر سرعت گیر بگذاریم و پلیس کنترلش کند که تصادف کمتر شود.

وی معتقد است: کشورهایی که فساد را ریشه کن کردند از ما خیلی بهتر نیستند بلکه فرایند درست را به کار گرفته‌اند به جای اینکه شخص مجوز آن را صادر کند اگر کامپیوتر این کار را بکند از ریشه با فساد مبارزه کردیم.

وی عنوان کرد: بنده با قاطعیت عرض می کنم در طول سال‌هایی که الان خروجی‌اش را می‌بینیم از نظر طراحی ساز و کار اجتماعی سازمان‌هایی پدید آمدند که حرف‌هایی در مبارزه با فساد اقتصادی می‌زنند که تا سال‌های گذشته نسبت به آن کمترین آگاهی را داشتیم و مثلا نمونه موفقی مثل این مستند وقتی به حوزه دارو ورود می کند مردم را آگاه می کند و رازهایی را افشا می کند.

وی تصریح کرد: این نشان می‌دهد که پشتوانه‌های قانونی ما ضعیف است که شخصی همزمان در بخش خصوصی و دولتی سمت داشته باشد یعنی از جانب سیستم قدرت کاذب دارد و خطای ساز و کار دارد و طراحی ساز و کار ما خیلی با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد.

وی ادامه داد: پشتوانه قانونی بسیار ضعیف است یا حتی می‌توانیم بگوییم ندارد برای ما ضعیف بوده و بنابراین فساد به وجود آمده و حالا باید به فکر درمانش باشیم کاری که ما بیشتر روی آن تمرکز داریم اصلاح سازوکارهاست.

توکلی در این بخش از جلسه گفت: من با این قسمت از نظر آقای ثنایی مخالف هستم. این بحث که ساختار از پایه اشکال دارد بحث ظریفی است که مقام معظم رهبری طبق تعریف خودشان می‌فرمایند فساد سیستمی نیست و تعریفی که ایشان از فساد ارائه دادند این بود که چون ما داریم با فساد مبارزه می کنیم و همین پتانسیل را داریم پس سیستم فاسد نیست.

وی افزود: به تعریف من فساد سیستمی است زیرا خود مسئولین اصلی نظام به آن مبتلا شدند مثل این که سیستم دفاعی و گلبول‌های سفید بدنی خود آلوده شود. اگر سازمان بازرسی کل

از زمانی که شما ساخت این مستند را شروع کردید تا الان اوضاع مبارزه با فساد در کشور خیلی بهتر شده است.

کشور، مجلس شورای اسلامی، کمیسیون اصل ۹۰ و ... خودش بیمار نباشد و از خودش دفاع کند سیستم خود به خود نمی‌تواند از خودش دفاع کند پس این سیستم نشتی دارد. اگر این تعریف را بپذیریم فساد سیستمی است. اختلاف ما به غیر از فهم بیرونی در مقدمات است وقتی فساد سیستمی می‌شود فاسدها همدیگر را پیدا میکنند شبکه درست می کنند و وقتی می‌خواهیم با آنها مبارزه کنیم نمی گذارند.

الان خیلی از کمیسیون‌های مجلس وضعشان بد است

توکلی عنوان کرد: الان مهم‌ترین قسمت کار آقای رئیسی رئیس قوه قضائیه همین است و اگر موفق شود این بخش از کار را انجام دهد راه برای اصلاح کار باز می شود الان خیلی از کمیسیون‌های مجلس وضعشان بد است و اگر آقای رئیسی همین مسیر را پیش ببرد خیلی از آنها را سر جایشان می‌نشاند.

ما ضعیف تر از دزدها هستیم

توکلی در پاسخ به این سوال که شما به جایی نمی‌رسید چون از حریفتان قوی‌تر هستید گفت: ما ضعیف‌تر از دزدها هستیم ولی خدا در این مبارزه بی‌طرف نیست و در نص صریح قرآن می گوید ای بسا گروهی کوچک بر گروهی بزرگ به اذن خدا پیروز شوند.

وی افزود: ما کم هستیم ولی شماها کنارمان هستید اینجا که آقای ثنایی می گویند اوضاع بهتر شده چون سیر پیشرفت مبارزه با فساد را دارند می‌بینند وگرنه فساد بدتر شده است اگر ما از طرف مردم پشتیبانی شویم پیروز می‌شویم و جای نگرانی نیست. البته نقش دیل رسانه‌ها را قبول داریم و قطعا اگر کار کند قدرت ما بالاتر می‌رود.

در ادامه جلسه یکی از حاضرین درباره راهکارهای ارائه شده در کشورهایی مثلا گرجستان و مالزی پرسید و گفت آیا می‌شود همان‌ها را در ایران شبیه سازی کرد؟ ثنایی در پاسخ به این سوال گفت: راهکارهایی که گرجستان برای مقابله با فساد به کار برد اینطور نبود که در چند کلمه بگنجد مثلاً یکی از آن گسترش «آی تی» است. «آی تی» در هر کشوری گسترش پیدا کند فساد اقتصادی کم می‌شود و دخالت دست افراد کم می‌شود.

وی افزود: برای کشور ما اگر بخواهیم از روی تجربه‌های کشورهای مشابه گرجستان پیشنهادی بدهیم یک بحث مهم بحث مدیریت تعارض منافع است. کسی که در عرصه حکومت داری وارد می‌شود باید از کلیه گرایش‌هایی که ممکن است روی تصمیم صحیحش تاثیر بگذارد فاصله بگیرد مثلاً شرکت‌داری، سهامداری، قرارداد بستن با وابستگان، دریافت هدیه، اعطای هدیه و...

وی عنوان کرد: بنابراین نباید بگذاریم رئیس‌جمهور بعدی که در هر طیف سیاسی باشد و برای من مهم نیست نباید بگذاریم وزیری انتخاب کند در آن حوزه ذی نفع باشند. نکته دوم بحث شفافیت است که طول و تفصیل زیادی دارد و نکته سوم همین انعکاس رسانه‌هاست.

در پایان نیز توکلی عنوان کرد: اسلام باید طرف مردم را بگیرد اما متاسفانه ما مسلمان خوبی نیستیم چرا که به ظاهر افراد اکتفا کرده و جایگاه‌های مدیریتی را پر می کنیم. من قبول دارم در نحوه مدیریت‌ها و انتخاب افراد ضعف‌هایی وجود دارد.

گفتنی است امین علی نیا، عباس محترمی، ثریا فتحیان، سردار نصرالله فتحیان، محمدحسین محمودیان، مهدی رفیعی، سید صالح موسوی، محسن جعفرابادی، شمیم مستقیمی، میلاد بهار، علی باقری طورانی و سحر صهری نیز در این مراسم حضور داشتند.

امین قدمی کارگردان مستند «روزگار یک چهل ساله»

فســـاد پاشنه آشیل هر حکومتی است

ما به این نتیجه رسیدیم که هیچ دشمن خارجی نه تنها نمی‌تواند ما را تهدید کند بلکه باعث اتحاد و اتفاق بیشتر ما می‌شود ولی فساد اقتصادی پاشنه آشیل هر حکومتی است و این فســـاد می‌تواند باعث فروپاشی حکومت‌ها در همه جای دنیا شود.

امین قدمی کارگردان مســـتند «روزگار یک چهل ساله» درباره شرایط شـــکل گیری این مستند گفت: حدود ۲ ســـال پیش در جلســـه تولیدی که با آقای وحید چاووش و مسئول مرکز مستند سوره داشتیم موضوعات مختلف را بررســـی کردیم تـــا ببینیم چه موضوعی مبتلا به جامعه است و ساخت آن را شروع کنیم.

وی توضیح داد: همانطور که می‌دانید مستند بیشتر از اینکه ساختارش و شکل روایت و نگاه فنی‌اش مهم باشد موضوعش مهم است و از این جهت با سینمای داستانی بســـیار متفاوت است. ســـینمای داستانی جنبه سرگرم کننده و سینمای مستند بیشتر جنبه جامعه‌شناختی و علمی دارد.

وی تشریح کرد: در نهایت در آن جلسه به این نتیجه رسیدیم که در حال حاضر فشار اقتصادی خیلی زیاد است و البته زمانی که این موضوع را نشان کردیم هنوز نارضایتی‌های اقتصـــادی دی ماه ۹۶ به وجود نیامده بود و بعد از آن هر چه بیشتر آمدیم دیدیم اوضاع بسیار بدتر شده و ما پیش‌گویی و پیش‌بینی درستی انجام داده بودیم و موضوع مناسبی را انتخاب کردیم.

وی اضافه کرد: در تحقیقات به این نتیجه رسیدیم که هیچ دشمن خارجی نه تنها نمی‌تواند ما را تهدید کند بلکه باعث اتحاد و اتفاق بیشـــتر ما می‌شود ولی فســـاد اقتصادی پاشنه آشـــیل هر حکومتی است و این فساد در صورتی که مدیریت، مهار و مقابله نشود می‌تواند باعث فروپاشی حکومت‌ها در همه جای دنیا شود و با این هشدار موضوع فیلم را جلو بردیم.

قدمی تاکید کرد: ســـاخت فیلم ما حدود دو سال طول کشید و اگرچه نشـــد در زمان خودش به همان داغی و به روز بودن ماجرا نمایش داده شود اما حکمت در این بود که با فاصله گرفتن از وقایع بتوانیم کمی از مشکلات اکران را هموار کنیم.

وی متذکر شد: از ســـختی‌های ساخت این مستند این بود کـــه راجع به یک مفهوم بـــود و اگر بخواهیم مستندی راجع به یک شخصیت خاص بسازیم کار ما به مراتب راحت‌تر از این است که بخواهیم یک مفسده اقتصادی را به تصویر بکشیم.

وی ادامه داد: شاید برای مباحثی از این دست بتوان به راحتی مقاله نوشت یا سمینار برگزار کرد یا حتی به تحلیل علمی موضوع پرداخت اما به تصویر کشیدن آن امری بسیار سخت و دشوار بود.

وی خاطرنشـــان ســـاخت: به عنوان مثال ما برای نمایش مفســـده اقتصادی قاچاق نمی‌خواستیم یک کولبر کُرد را نشـــان بدهیم بلکه منظور ما از قاچاق، قاچاق‌های کانتینری در اداره گمرک بود که با دستور یک مقام بالا به جابجایی عدد در سیستم کامپیوتری منجر می‌شد و خیلی زحمت کشـــیدیم تا بتوانیم به ساختار نمایشی این موضوع برسیم.

قدمی در پایان عنوان کـــرد: ولی به نظرم مجموعه تلاش دوستان در این دو سال به نقطه خوبی رسیده است و ریتم جذابی دارد و ببینند آن را دنبال می‌کنند. امیدواریم این مســـتند بتواند صدای کوچکی در حد توان سازندگان آن برای هشدار این مسئله جدی در جامعه باشد.

وحید چاووش، تهیه کننده مستند:

ادای دین به انقلاب

در مستند «روزگار یک چهل ساله» خیلی سریع و جدی حرفمان را فریاد زدیم و معتقدیم امروز، جهاد فی سبیل الله زدن این حرف‌ها و مطرح کردن مشکلات مردم و جامعه به واسطه دوربین است.

وحید چاووش تهیه کننده مستند «روزگار یک چهل ساله» با بیان این مطلب افزود: موضوعی که ما در این مستند به آن می‌پردازیم یکی از اصلی‌ترین مسائل مبتلابه مملکت است که همه مردم ما درگیر آن هستند.

وی تاکید کرد: زمانی که ما تحقیق روی این مستند را شروع کردیم نشانه‌ها و آثار اولیه آن در جامعه ظاهر شده بود که امروزه تبدیل به بزرگترین فاجعه شده و مفسده اقتصادی اصلی‌ترین چیزی است که انقلاب ما را تهدید می‌کند و ما به عنوان سرباز فرهنگی همه تلاشمان را برای به روز بودن و حضور تمام قد در این عرصه و جبهه فرهنگی می‌کنیم.

وی معتقد است: یک زمان سربازی به معنی حضور در جبهه‌های دفاع مقدس بود در حالی که امروزه اصلی‌ترین موضوع این است که به بافت‌های جامعه بپردازیم و با سکوت از کنارش رد نشویم؛ زیرا فهمیدیم که سکوت چیزی را حل نمی‌کند و غفلتی که صدا و سیما نسبت به مطرح کردن مشکلات و مسائل اقتصادی دارد ما را به بحران جدی‌تر نزدیک‌تر می‌کند.

وی تصریح کرد: در این مستند خیلی سریع و جدی حرفمان را فریاد زدیم و همه نگرانی من از این است که مبادا خدای نکرده به نقطه فروپاشی برسیم.

چاووش درباره شکل گیری تیم مستندسازی و شروع مسیر با امین قدمی توضیح داد: من به ایشان هم گفتم امروزه جهاد فی سبیل الله یعنی زدن این حرف‌ها به واسطه دوربین.

وی عنوان کرد: از ویژگی‌های این کارگردان این است که متعصب و کورکورانه از چیزی دفاع نمی‌کند، انسان منصفی است، به نظام اعتقاد قلبی دارد و هر دو عنصر اصلی مستند از نظر من یعنی صداقت و صراحت را در فیلمسازی‌اش لحاظ می‌کند.

وی افزود: ما با همین نگاه شروع کردیم و هر چه پیشتر رفتیم دیدیم موضوع گسترده‌تر است و همه جای جامعه نشان از این سرطان اقتصادی وجود دارد و واقعاً مانده بودیم که از کجا شروع کنیم و با چه طرح دیالوگی پیش برویم. آقای قدمی در این زمینه آنقدر تحقیق کرد و ممارست نمود تا به شکل فعلی رسیدیم.

وی در پایان عنوان کرد: اگر چه موضوعی که ما در این مستند «روزگار یک چهل ساله» مطرح کردیم این قدر گسترده است که باید قسمت دوم و سوم و چهارم آن هم ساخته شود و ما هم از ساخت این مستند نهایت رضایت را نداریم اما در حد بضاعتمان آنچه را باید می‌گفتیم به تصویر کشیدیم و سعی کردیم دینمان را به این انقلاب ادا کردیم.

دکتر حسن سبحانی:

مستندی بسیار ظریف و هنرمندانه است

جدا از بحث ایدئولوژی و مسیر فکری مستند اگر بخواهیم به آن به لحاظ ساختاری نگاه کنیم «روزگار یک چهل ساله» مستندی بسیار ظریف و هنرمندانه است که ظرافت و زاویه دید فیلمساز در آن قابل تحسین است.

دکتر حسن سبحانی عنوان کرد: حرف هایمان را با این پیش فرض شروع می کنیم که این فیلم را یک کارشناس اقتصادی دیده و می خواهد نظر بدهد.

وی ادامه داد : نکته اول اینکه کسی که این فیلم را ببیند این طور استنباط می کند که این فیلم علیرغم خصوصی سازی‌هایی که در ایران اتفاق افتاده منشا فشاد شدند یا لااقل برخی از دلایل فساد همین خصوصی سازی‌ها هستند. این مستند به صورت تصویری با حمله به اقتصاد دولتی ایران دارد خصوصی سازی را تشویق می کند.

وی معتقد است: این مستند هیچ کاری به علت یابی نداشته و فقط عکس‌هایی گرفته از بعضی اتفاق‌هایی که افتاده است. من به عنوان کسی که هم در دانشگاه تدریس می کنم و هم سالیان طولانی در مجلس همین بحث‌ها را داشتم دیدم که در این سال‌ها خصوصی سازی چه بلایی سر اقتصاد مملکت آورده و متاسفانه این مستند علت همین فسادی که دارد به آن حمله می کند را دارد ترویج می‌دهد.

وی افزود: نکته بعد اینکه در جاهای مختلف مستند می گوید این فساد به خاطر اقتصاد دولتی است ولی اعداد و ارقامی که ارائه می‌دهد اعدادی نیست که بتوان محکم پایش ایستاد و ثابتش کرد. و آن را به تحقیقات مستندلی وصل و ارائه نمی کند.

دکتر سبحانی معتقد است: من معتقدم برخلاف نظر خیلی‌ها اقتصاد دولت ایران اگرچه نفتی است، اما اقتصاد ایران و اقتصاد ملی ما نفتی نیست. زیرا سهم فروش نفت ما در بهترین حالت ۲۰ درصد است. یا اینکه ۷۸ درصد شاغلین ما شامل ۲۵میلیون در بخش خصوصی شاغل هستند. تمام کشاورزی ما خصوصی است. یعنی اینکه می گویند اقتصاد ایران دولتی است، ادعایی است که هیچ کس اثبات نکرده و فقط تکرارش کرده‌ایم.

وی تشریح کرد: حالا گیریم که اصلا اقتصاد ما دولتی باشد حتی اگر این طور باشد بر اساس این مستند این مشکل به نظام مجوزها برمی گردد نه به نظام دولتی. مثلا به نظر شما ما می توانیم داروسازی یا مواد غذایی را آزاد بگذاریم که هر کس فارغ از وزارت بهداشت برود تولید کند؟ حتی اگر همه‌شان خصوصی باشند بالاخره باید بیایند از یک جایی مجوز بگیرند.

وی متذکر شد: نکته بعدی عدم عنایت به علل ایجاد مفاسد و صرفا راجع به معلول ها صحبت کردن از دیگر ایرادات این مستند است که البته در دفاع از خودش می تواند بگوید من نمیتوانستم در یک ساعت زمان مستند همه مسایل را از صفر تا صد تشریح کنم و من فقط به این بخش از ماجرا پرداختم. که اگرچه توجیه قابل قبولی است اما در حالت کلی مستند را از مستندهای علی و معلولی جدا می کند.

وی مثال زد: مثلا آن جایی از مستند که سراغ دکتر رفیع پور رفته هیچ صحبتی نکرده و به همان یک جمله «دریغ است ایران که ویران شود» با اشاره به کتابی که خودشان سال هاست منتشر کرده است بسنده کرده است. ولی بازهم خدا پدرشان را بیامرزد که اسم چنین آدمی که در زمینه فساد اقتصادی فعالیت کرده و صاحب نظر است را آورده اند.

وی ادامه داد: نکته دیگر اینکه در این مستند از دو «ان جی او» تقدیر و تشکر شده که به طور غیر مستقیم طرفداری از رشد «ان جی او» را تبلیغ می کند که البته کار بسیار خوبی است . اما وزارت اطلاعات در بسیاری موارد معتقد است که تعداد زیادی از «ان جی او» ها مسیرشان شبه جاسوسی است و حقیقت این است که خیلی یکدست نیستند و نمیشود راجع بهشان قسم حضرت عباس خورد.

سبحانی در پایان گفت : نکته آخر اینکه ظرافت فیلمساز قابل تحسین بود و من با خصوصی سازی در ایران تا زمانی که مقام معظم رهبری نگفته بودند و تا زمانی که احمدی نژاد لایحه به مجلس آوردند با خصوصی سازی مخالف بودم و گفتم این سیاست ها و این لایحه چون در ایران بستر مناسب ندارد هنوز هم معتقدم اوضاع بدتر شده و فساد بیشتر شده و با تقسیم اموال دولتی همین حالا هم مخالفم همان طور که الان مقام معظم رهبری هم فرمودند این خصوصی سازی به طور درست محقق نشده است.

مدیر مرکز مستند سازمان سینمایی حوزه هنری:

منافع ملی خط قرمز تولیدات حوزه هنری است

توجه مستندهای اقتصادی نظیر «روزگار یک چهل ساله» به برخی خط قرمزهای رایج در دیدگاه مردم، به منظور حراست از منافع ملی و حمایت از آن است.

یاسر فریادرس مدیر مرکز مستند سازمان سینمایی حوزه هنری در خصوص ساخت مستند«روزگار یک چهل ساله» و تاکید بر موضوع مفاسد اقتصادی گفت: مستند «روزگار یک چهل ساله» به همت مرکز مستند حوزه هنری با موضوع مفاسد اقتصادی و چگونگی شکل گیری آن به کارگردانی امین قدمی و تهیه کنندگی وحید چاووش تولید شده و ساخت آن به مدت ۲ سال طول کشیده است. هدف از تولید این مستند ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از مفاسد اقتصادی و بهبود وضعیت نامناسب اقتصادی کشور است. براین اساس به منظور کاهش سقوط اقتصاد کشور به دنبال ارائه راهکارهایی بنیادی و بررسی آن در زندگی افراد مختلف در این مستند بوده‌ایم.

وی افزود: مستند «روزگار یک چهل ساله» به هیچ عنوان به دنبال بیان تفکر حزبی یا جناحی خاصی نیست بلکه به منظور رسیدگی به اوضاع، درصدد پاسخگویی تخصصی و علمی به این معضل اقتصادی برآمده است. در این اثر راوی در حالت مات و مبهوت به سر برده و با وجود سردرگمی در اوضاع فساد اقتصادی به معرفی راهکارهای مناسب برای این معضل می‌پردازد و نهایتا به موضوع شفافیت اقتصادی دست یافته و گروه‌های فعال در این عرصه را به راهکاری اساسی می‌رساند.

فریادرس درباره رویکرد اصلی این مستند اذعان داشت: نشر و گسترش جریان شفافیت و اطلاع رسانی مهمترین راهکار این مستند برای کاهش مفاسد اقتصادی در کشور است چرا که تا زمانی که نظام اقتصادی ما شفاف نباشد خطری جدی اقتصاد ما را تهدید کرده و منجر به بحران اقتصادی در کشور می‌شود.

وی ضمن تاکید بر حمایت مرکز مستند حوزه هنری از مستندهای اجتماعی، خاطر نشان کرد: در مرکز مستند سوره، منافع ملی خط قرمز محسوب می‌شود. اگر در حوزه مستندهای اقتصادی هم موضوعاتی بیان شده که از نظر برخی افراد به خط قرمزها نزدیک شده، قطعا این اتفاق در جهت حراست از منافع ملی و حمایت از آن بوده است. در سیاست‌های این مرکز، همکاری با افراد با تجربه و متخصص در حوزه اجتماعی و حمایت از مستندسازان این عرصه در اولویت‌های ما قرار دارد. رویکرد مرکز مستند سوره در سال جدید، توجه به مسایل حوزه اجتماعی و موضوعات و دغدغه‌های اصلی مردم است این در حالی است که از موضوعات دیگر غافل نبوده و به فراخور اهمیت به آنها نیز پرداخته می‌شود.

مدیر مرکز مستند سازمان سینمایی حوزه هنری در راستای احاطه مشکلات اقتصادی بر میزان ساخت آثار مستند اذعان داشت: مرکز مستند سوره همانند دیگر مراکز فرهنگی و هنری دچار محدودیت‌های بودجه‌ای است و نمی‌توان علت آن را تنها به حوزه هنری نسبت داد چرا که همه نهادهای مشابه فرهنگی در وضعیت مالی مطلوب قرار نداشته و نسبت به سال گذشته، در شرایط افول مالی به سر می‌برند. این در حالی است برخلاف دیگر کشورها که بنیادهای فرهنگی آخرین مراکز کاهش بودجه‌ای محسوب می‌شوند، در شرایط نابه سامان اقتصادی، مراکز فرهنگی و هنری ما اولین گزینه‌های روی میز برای کاهش اعطای بودجه‌ای کشور تلقی می‌شوند که متاسفانه این نوع جبران بودجه‌ای عواقب بدی در حیطه فرهنگی خواهد داشت.

وی ادامه داد: در حال حاضر هیچ مرکز فرهنگی‌ای از بودجه کافی برای اختصاص به فعالیت‌ها و تولیدات ندارد و حتی در حد انتظار نمی‌توانیم توقعات را برآورده کنیم. مرکز مستند سوره با وجود همه این مشکلات تلاش کرده است با راهکارهای مختلف، به خروجی‌های خوبی دست یابد. طی سال‌های گذشته از تعداد آثار مستند سینمایی زیادی برخوردار بوده‌ایم که اکنون به دلیل کمبود بودجه این سطح از تاثیرگذاری را با تولیدات مستند کوتاه جبران کنیم و با جایگزینی فعالیت‌های کم هزینه‌تر، سطح توقعات و نیازهای فرهنگی را در حد خوب حفظ کرده و مدل فعالیت‌ها را کمی تغییر دهیم و راه حلی را برای افاقه بر مشکلات اقتصادی پیدا کنیم.

فریادرس تاکید کرد: در شرایط اقتصادی امروز، هزینه‌های بخش تولید فیلم بسیار بالا است این در حالی است که طرح مستند «روزگار یک چهل ساله» در دو سال گذشته مطرح و برآورد بودجه‌ای آن مشخص شده بود. بنابراین با افزایش هزینه‌ها، برآورد قبلی تولید این فیلم کارساز نبوده و نیازمند تدبیر جدیدی بوده است. با این وجود تلاش شده که با حداقل بودجه و برآورد گذشته این اثر ساخته شود.

وی یادآور شد: «روزگار یک چهل ساله» مستندی سینمایی است که در قالب ۹۰ دقیقه تولید شده است. امین قدمی کارگردان این اثر، از جمله مستند سازان جامعه امروز است که بیش از این مستند هایی نظیر «سلام برعلی پسر موسی » با موضوعات اجتماعی و احساسی را تولید کرده است. این در حالی است که مستند «روزگار یک چهل ساله» به لحاظ موضوعی، وجه متفاوتی با دیگر آثار این مستندساز داشته و در فضایی ملتهب آور موضوعات را بررسی می‌کند.

موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند
موسسه هنرهای تصویری سوره
+۱۵
AVAILABLE
رسید
AVAILABLE
فرهاد اصلانی
سعید پورصمیمی
شبنم مقدمی
با حضور هانیه توسلی
و مجید صالحی
فریده سپاه منصور
گیتی قاسمی
عرفان ابراهیمی
میترا رفیع
نیما نیک طبع
کُلمبوس
COLUMBUS
فیلمی از هاتف علیمردانی
A FILM BY HATEF ALIMARDANI
مدیر فیلمبرداری: محمود کلاری . فیلمبردار: کوهیار کلاری . تدوین: امیر ادیب پرور . طراحی و ترکیب صدا: محمود خرسند
صدابردار: امیر نوبخت . طراحی صحنه: کامیاب امین عشایری . دستیار اول و برنامه ریز: رضا اصغری . موسیقی: احسان مطوری
گریم: ایمان امیدواری . طراحی لباس: سارا سمیعی . سرمایه گذاران: علی سرتیپی، محمدرضا تخت کشیان . امیرسعید بهاری
تهیه کننده: هاتف علیمردانی

پخش از موسسه« بهمن سبز» حوزه هنری